

# ماہنامہ اطلاع رسانی، پژوهشی و آموزشی مبلغان

- ✓ درسی از «عملیات پیشگیرانه» در فتح مکه برای امروز
- ✓ ظرفیت‌های عید نوروز برای تبلیغ معارف اسلامی
- ✓ آداب و لوازم نیایشگری و مناجات‌خوانی
- ✓ سی‌آیه، سی معروف قرآنی
- ✓ حضرت علی علیه السلام و کمک‌های شبانه به نیازمندان
- ✓ گل‌واژه‌های وحی؛ آموزش عمومی ترجمه و فهم متن قرآن کریم





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مبلغان

۲۹۹

ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی

رمضان المبارک ۱۴۴۵ق

اسفند و فروردین ماه ۱۴۰۳ش

■ صاحب امتیاز: معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه  
مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

■ مدیر مسئول: حسین ملاتوری  
■ سر دبیر: علی ملکوتی‌نیا

■ هیئت تحریریه: محمدحسن نبوی، حسین ملاتوری، محمد غلامرضائی، محمد استوار میمنندی، محمدعلی قربانی، محمود مقدمی، محمود مهدی‌پور، محمد مهدی ماندگاری، محمداسماعیل نوری زنجانی، سید جواد حسینی، محمد کهوند، عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی، ابوالفضل هادی‌منش، حجت الله بیات، داود رجیبی‌نیا، علی ملکوتی‌نیا، علیرضا زنگویی، محمدباقر نادم، مرتضی غرسبان و حامد عبداللهی.

■ مدیر اجرایی: مهدی آقابابایی  
■ امور مشترکین: میثم ابراهیمی‌منش  
■ صفحه‌آرایی: علی اسماعیلی  
■ چاپخانه: گل وردی  
■ تیراژ: ۲۷۰۰ نسخه  
■ قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

یادآوری:

- ✓ مطالب «مبلغان» ویژه تبلیغ و مبلغان است.
- ✓ مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسندگان آن است.
- ✓ حجم مقالات از ۱۰ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای فراتر نرود.
- ✓ مقالات همه نویسندگان به شرط برخورداری از موازین تبلیغی-پژوهشی، منتشر می‌شود.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، مجاز است.
- ✓ ماهنامه مبلغان در تلخیص و ویرایش مقالات و نوشته‌ها، آزاد است.

نشانی: قم، خیابان شهید صدوقی،  
خیابان فجر، خیابان دانش، مجتمع  
آموزشی پژوهشی تبلیغ، فاز ۷،  
دفتر ماهنامه مبلغان.

ارتباط با سردبیر: ۰۲۵-۳۲۹۴۰۵۹۷  
امور مشترکین: (۶۵۶) ۰۲۵-۳۲۹۳۳۲۱۵

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ / ۸۶۸

نشانی پست الکترونیک:

MOBALLEGHAN@ISMC.IR

سامانه دریافت مقالات:

HTTPS://MOBALLEGHAN.ISMC.IR



## فهرست مطالب



۳	..... رهنمود ولایت	سر مقاله
۴	..... * درسی از «عملیات پیشگیرانه» در فتح مکه برای امروز	معارف قرآن و سنت
۱۳	..... * معراج؛ سفر آسمانی رسول اکرم ﷺ	سوژه سخن
۲۲	..... * سی آیه، سی معروف قرآنی	
۳۲	..... * حضرت علی <small>علیه السلام</small> و کمک‌های شبانه به نیازمندان	
۳۸	..... * زمینه‌های انتخاب جمعه آخر ماه رمضان به نام «روز جهانی قدس»	تاریخ و سیره اهل‌البیت <small>علیهم السلام</small>
۴۳	..... * امام‌حسن مجتبی <small>علیه السلام</small> ، کریم اهل‌البیت <small>علیهم السلام</small>	اخلاق و آداب اسلامی
۴۹	..... * آثار اخلاص مبلغان	جهاد و شهادت
۵۷	..... * دلم برای صیادم تنگ شده «بازخوانی ابعاد شخصیتی امیر سپهبد شهید علی صیاد شیرازی»	آموزش مبلغان
۶۶	..... * ظرفیت‌های عید نوروز برای تبلیغ معارف اسلامی	
۷۱	..... * آداب و لوازم نیایشگری و مناجات‌خوانی	
۸۳	..... * شیوه برگزاری مراسم شب‌های قدر	
۹۸	..... * گل‌واژه‌های وحی؛ آموزش عمومی ترجمه و فهم متن قرآن کریم	سیاست و اجتماع
۱۱۱	..... * تحلیلی بر مسائل سیاسی و اجتماعی روز	
۱۲۱	..... * مروری بر شاهکارهای تمدن غرب (۱۳)؛ مروری بر جنایات استعمارگران هلندی در جهان	گونگون
۱۳۳	..... * تبلیغ مکتوب برای کودکان، چالش‌ها و فرصت‌ها	
۱۴۳	..... * معرفی مقالات و یادداشت‌های علمی	
۱۶۴	..... * پرسشنامه مبلغان ۲۹۹	



# ره‌نمود ولایت

## ماه رمضان، ماه ذخیره‌سازی و نیروگرفتن

ماه رمضان، ماه ذخیره‌سازی و ماه نیروگرفتن است. ماه رمضان، ماهی است که آحاد مردم باید خود را به خزائن غیبی و معنوی الهی برسانند و هر مقدار که می‌توانند، تغذیه کنند؛ خود را برای پیشرفت آماده کنند. این، ماه رمضان است... در این ماه، هر کار نیکی بکنید، هر سخن حقی بگویید، هر کلمه‌ای را به کسی که محتاج تعلیم است، تعلیم دهید، هر کلمه‌ای که برای خدا فراگیرید و در راه خدا به کار شما بیاید؛ هر رکعت نماز، هر آیه قرآن، هر ساعت گذراندن با دهان روزه و هراجتاب از گناهی، با ارزش است. دروغی نگوئید و غیبتی نکنید که زمینه برای دروغ و غیبت مقتضی است. شما اجتناب و امتناع کنید. هر عمل حسنه‌ای که انجام دهید، احسان، اطعام و کمک به کسی، احوالپرسی از مستحقی، اقدامی برای مردم محروم، اقدامی برای جامعه اسلامی، کاری برای پیشرفت زندگی مردم؛ همه این‌ها عبادت است.

## درسی از «عملیات پیشگیرانه» در فتح مکه برای امروز

محمود مقدمی \*

### اشاره

در عالم دنیا همیشه دشمن و دشمنی بین حق و باطل بوده است و خواهد بود و این سنتی الهی است. پس باید به جای فرار از دشمن، راه‌های مقابله با دشمن را بیاموزیم. قرآن کریم و ائمه معصومین علیهم‌السلام روش‌های مختلفی در مقابله با دشمن به کار برده‌اند که هرکدام در جای خود لازم و مناسب بوده است. به نظر می‌رسد باید این روش‌ها را مطالعه و تحلیل کنیم، شرایط و موقعیت اجرای آن‌ها را بسنجیم و در دوران کنونی نیز هرکدام را در جای خود به کار ببریم. در این

نوشتار به برخی از این روش‌ها اشاره می‌کنیم و به مناسبت «فتح مکه» یکی از آن‌ها را توضیح می‌دهیم.

### ۱. مدارا کردن

یکی از روش‌های پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در برخورد با دشمنان «مدارا کردن» بود؛ یعنی آسان گرفتن برخی مخالفت‌ها با نظام و حاکم اسلامی و چشم‌پوشی مدبرانه در برابر برخی اقدامات دشمنان داخلی تا حد امکان. آن‌ها از این روش معمولاً در جنگ‌های داخلی استفاده می‌کردند. مثلاً در جنگ جمل علی علیه‌السلام با اصحاب جمل فراوان مدارا

\* دانش‌آموخته سطح ۴ کلام حوزه علمیه قم.

عکس العمل متناسب است؛ یعنی اگر دشمن «یک» ضربه زد، شما هم «یک» ضربه بزنید: ﴿فَمَنْ اَعْتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ مِثْلَ مَا اَعْتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ﴾<sup>۱</sup>. مقام معظم رهبری رحمته الله فرمودند: «دوران بزن در رو گذشته! بزنید، می خورید.»<sup>۲</sup> این طور نیست که شما هواپیمای مسافربری ما را بزنید و ما فقط محکوم کنیم. اگر بزنید، ما هم می زنیم. خیلی از اوقات جمهوری اسلامی هم از این روش استفاده کرده و می کند. مثلاً «یک کارخانه ما» آتش می گیرد، فردا هم «یک کارخانه در آمریکا» آتش می گیرد. در بسیاری از موارد کسی هم مسئولیتش را بر عهده نمی گیرد. همه این ها مثلاً اتفاقی است. ولی این یک اصل است که هرکسی «یک ضربه» بزند، «یک ضربه» می خورد؛ اما کجا و چطور، مسئولان مربوط تصمیم می گیرند.

خلاصه آن که، سیاست های نظام اقتضا می کند که در جاهایی «یکی در مقابل یکی» باشد؛ یک آتش سوزی در مقابل یک آتش سوزی؛ یک تظاهرات در

کردند؛ در مقابل توهین ها و بی ادبی های خوارج بسیار تحمل و مدارا کردند، مدام کوتاه آمدند، پیوسته نصیحت کردند، قرآن فرستادند و فرمودند: این قرآن بین ما حکم باشد. آن ها مبلغان حضرت را می کشتند. حضرت علی علیه السلام باز یکی دیگر را می فرستاد و با شیوهای دیگر جهاد تبیین را ادامه می داد و البته با این روش تعدادی از آنان را از جبهه به خانه هایشان برگرداند. در جریان کربلا نیز سیدالشهدا علیه السلام خودشان بارها نصیحت کردند، افراد مختلفی را فرستادند، لباس پیامبر صلی الله علیه و آله را پوشیدند و نصیحت کردند، سوار بر استر ایشان شدند و نصیحت کردند، قرآن بردند و نصیحت کردند. چرا؟ می خواهند این ها برگردند و هدایت شوند؛ مدارا می کنند تا امت هدایت شود و کسی، حتی یک نفر، به جهنم نرود. از این روش معمولاً در برابر دشمن داخلی و در زمان و مکان مناسب خودش استفاده می شود.

## ۲. عکس العمل متناسب

روش دیگر اهل بیت علیهم السلام

۲. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله در دیدار کارگران؛

۱. بقره/۱۹۴.

مقابل یک تظاهرات و... در چنین مواقعی بنای نظام این است که به قول امروزی‌ها، جنگ و درگیری گسترش پیدا نکند. این یک سبک و روشِ مقابله است؛ یعنی اقدام متناسب و به اندازه و به هنگام.

### ۳. عکس العمل پیشیمان کننده

سبک سومی که گاهی در مقابل دشمن از آن استفاده می‌شود، به روش «عکس العمل پیشیمان کننده» مشهور است؛ همان جمله معروف و شیرین حضرت آقا عجلت الله: «دشمن می‌داند که اگر یکی بزند، ده تا می‌خورد.»<sup>۱</sup> در موارد متعددی دیده‌ایم که اگر یکی زده‌اند، واقعاً ده تا خورده‌اند. در این روش مقابله به مثل نمی‌کنند؛ مقابله‌ای می‌کنند که دیگر دشمن جرئت نکند از این کارها انجام بدهد. این هم در جاهای خاص خودش استفاده می‌شود و «همیشه ده در برابر یک نیست»؛ بلکه «گاهی» شرایط اقتضا می‌کند در مقابل یک ضربه ده ضربه زده شود و البته تشخیص این که چه زمانی از

این روش استفاده شود، با رهبری و مسئولان بلندپایه نظام است.

نکته مهم در همه این مباحث ضرورت نداشتن تشابه عکس العمل‌ها با روش دشمن است؛ یعنی ضرورت ندارد اگر دشمن با ترور ضربه‌ای زد، ما هم حتماً با ترور جواب دهیم. مثلاً اگر دشمن بمب‌گذاری کرد و عده‌ای را به شهادت رساند، ما نمی‌توانیم همین کار را در منطقه دشمن انجام بدهیم و زنان و کودکان را به کام مرگ بفرستیم. ممکن است اقدام متقابل ما از جنس دیگری باشد. مثلاً آن‌ها سردار سلیمانی را با ترور به شهادت رساندند؛ ما چه کسی را ترور کنیم که معادل این سردار عزیز باشد؟! حتی با زدن پایگاه آمریکا در «عین الأسد» که در آن زمان برای دنیا بهت‌آور بود و از جنگ جهانی تا الآن کسی جرئت چنین کاری را نداشته است، معادله برقرار نمی‌شد. این انتقام نیست؛ یک سیلی بود. انتقام سردار سلیمانی این است که آمریکا از منطقه ما

۱. بیانات مقام معظم رهبری عجلت الله در مراسم بیست و نهمین سالگرد رحلت امام خمینی عجلت الله؛ ۱۴/۵۳/۹۷.

#### ۴. اقدام پیش‌دستانه

روش دیگر مقابله با دشمن اقدام پیش‌دستانه است؛ یعنی در مواقعی نباید منتظر باشیم دشمن ضربه‌ای بزند، بعد جوابش را بدهیم، یا اگر خسارتی زد، ما ده برابرش را انجام دهیم؛ بلکه قبل از این‌که اصلاً اقدامی کند، باید بر او بتازیم. در مناطق جنوب تهران، داش‌مشتی‌های قدیم می‌گفتند در دعوا کسی برنده است که مشت اول را بزند. باید طوری ناغافل هجوم آوریم که دشمن گیج و مبهوت شود و دیگر نتواند خودش را جمع‌وجور کند. گاهی لازم است در مقابله با دشمن، چه در مسئله فرهنگی، چه در عرصه سیاسی و چه در میدان نظامی، پیش‌دستانه عمل کنیم؛ همین کاری که حماس در جنگ «طوفان الأقصى» کرد: برنامه ریزی کرد، سر فرصت و موقعیت مناسب به سراغ فرماندهان ارتش صهیونیستی رفتند و آن‌ها را با لباس زیر از رختخواب درآوردند و به اسیری گرفتند و این‌ها هنوز

برود و در منطقه ما یعنی عراق و سوریه و لبنان و فلسطین و افغانستان و این اطراف، دیگر قدم نگذارد. از این‌رو امام خامنه‌ای رحمته الله علیه فرمودند: «البته آنچه در شهادت او اتفاق افتاد، اولین سیلی سختی بود که به آمریکا زده شد و تا آن زمان، مهم‌ترین سیلی به آمریکا همین حرکت مردمی عظیمی بود که انجام گرفت. بعد هم که خب برادرها یک سیلی‌ای زدند؛ لکن سیلی سخت‌تر عبارت است از غلبه نرم‌افزاری بر هیمنه پوچ استکبار. این، سیلی سخت به آمریکاست که باید زده بشود. بایستی جوانان انقلابی ما و نخبگان مؤمن ما [با] همّت این هیمنه استکباری را بشکنند و این سیلی سخت را به آمریکا بزنند. این یک، یکی هم اخراج آمریکا از منطقه است که این همّت ملت‌ها و سیاست‌های مقاومت را می‌طلبد که بایستی این کار را انجام بدهند. این، سیلی سخت است.»<sup>۱</sup>

شهادت سپهد حاج قاسم سلیمانی و شهادی مقاومت، ۹۹/۰۹/۲۶.

۱. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی، در آستانه سالگرد



نفهمیده‌اند چه بلایی سرشان آمده و از کجا و چگونه ضربه خورده‌اند. این نمونه عملیات پیش‌دستانه است. در جنگ ۳۳ روزه هم حزب‌الله که فهمیده بود دشمن برای حمله آماده می‌شود، قبل از این که دشمن حمله کند، حمله کرد. این روش نظم دشمن و محاسباتش را به هم می‌ریزد. گاهی لازم است ما از روش اقدامات پیش‌دستانه استفاده کنیم و نگذاریم دشمن به خانه ما بیاید و بعد درگیر شویم؛ باید قبل از این که دشمن برسد، به او ضربه بزنیم.

هنر نظام و رهبر عزیزمان این است که سال‌هاست اجازه نمی‌دهند در داخل کشور جنگ اتفاق بیفتد. مرزهای امنیتمان را هزار کیلومتر، دوهزار کیلومتر دورتر تعریف کرده‌اند. در این روش جنگ هست؛ ولی یکی دوهزار کیلومتر آن طرف‌تر تا این جا برای زن و بچه و برای مردم عادی مشکلی پیش نیاید. صبر نمی‌کنیم که دشمن وارد کشور شود و در داخل مرزهای کشور با آن‌ها بجنگیم. زمانه فرق کرده است، شرایط تغییر کرده است.

### ۵. روش پیشگیرانه

روش دیگر برای مقابله با دشمن روش پیشگیرانه است؛ یعنی اصلاً نباید بگذاریم درگیری پیش بیاید. باید طوری عمل کنیم که کسی جرئت جنگیدن با اسلام و مسلمانان را پیدا نکند. شعار سپاه این است. درست است که تا حالا مجبور شده‌ایم یکی یکی مراحل گذشته را بگذاریم، اما آنچه مطلوب است، آن چیزی که - به قول امروزی‌ها - دکترین نظامی جمهوری اسلامی است، روش پیشگیرانه است؛ یعنی آن چنان نیرو و امکانات فراهم باشد، آن چنان قدرت‌نمایی کنیم که اصلاً جنگ اتفاق نیفتد؛ به فرموده قرآن کریم، ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾؛ یعنی باید دشمن آن چنان بترسد که جرئت نکند نزدیک شود. البته ممکن است با توجه به شرایط مختلف از روش‌های دیگر هم استفاده کنیم؛ اما سیاست نظامی و اساس قدرت ما این است که به گونه‌ای قدرتمند عمل کنیم که هیبت نیروی سپاه پاسداران،

ده هزار نفر با خود بردند. آیا این ده هزار نفر واقعاً همه جنگجو بودند؟ به نظر می‌رسد همه جنگجو نبودند. حضرت فرمان حرکت دادند. به مردم هم نگفتند کجا می‌خواهیم برویم. لشکر که حرکت کرد، نمی‌دانست کجا قرار است برود و با چه کسی قرار است بجنگد.<sup>۱</sup> اصلاً نمی‌دانستند برای چه دارند بیرون می‌روند. حضرت کوشیدند خبر به دشمن نرسد؛ راه‌ها را بستند، نکات امنیتی را به شدت رعایت کردند.<sup>۲</sup>

بعد از این که به مکه رسیدند، حضرت چند نکته ریز به کار بردند که شاید کمتر به این‌ها توجه کرده ایم. معمولاً لشکر نظامی آشپزخانه متمرکز دارد؛ یعنی «یک جا» غذا می‌پزند و بعد تقسیم می‌کنند. شب فتح مکه حضرت دستور دادند آشپزخانه متمرکز تعطیل شود و در کوه پخش شوند و خودشان غذا بپزند. آن‌ها به صورت دونفره یا چندنفره یا خانوادگی آتش روشن کردند.

بسیج، ارتش و سازمان‌های امنیتی جمهوری اسلامی ریشه بر تن دشمن بیندازد.

آمریکایی که به اصطلاح ابرقدرت جهان است، وقتی ناوش می‌خواهد از خلیج فارس عبور کند، سربازان آن باید فارسی صحبت کنند؛ زیرا سپاه پاسداران می‌گوید چون این جا خلیج فارس است، اگر می‌خواهید کشتی هایتان رد شود، باید فارسی حرف بزنید. ما انگلیسی با کسی حرف نمی‌زنیم. درست است که هنوز زبان بین‌المللی انگلیسی است، ولی ناوهای آمریکایی در خلیج فارس مجبورند فارسی حرف بزنند. این یعنی اقدام پیشگیرانه؛ یعنی هیبتی داشته باشی که کسی جرئت و حتی فکر حمله را هم نکند.

در میان جنگ‌های مختلف پیامبر گرامی اسلام ﷺ، در «فتح مکه» حضرت از این روش استفاده کردند. گفته شده است که ایشان برای فتح مکه حدود

۲. أعلام الوری، فضل بن حسن طبرسی، موسسه آل‌البیت، قم، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۱۶.

۱. مغازی؛ تاریخ جنگ‌های پیامبر ﷺ، محمد بن عمر واقدی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۹، ص ۶۰۸.

چون کوه‌ها مُشْرِفِ به مکه بود و شعله‌های آتش در دل شب دیده می‌شد، اهل مکه وحشت زده شدند و در مکه هیبتی افتاد که چه خبر است! این جا بود که احساس کردند در محاصرهٔ جمعیت بسیار زیادی قرار گرفته‌اند.<sup>۱</sup> یک شگرد کوچک اما زیرکانه برای این که جمعیت را به رخ بکشند.

ابوسفیان و عده‌ای آمدند ببینند چه خبر است که ابوسفیان دستگیر شد. عباس، عموی پیامبر ﷺ، به او امان داد و او را نزد حضرت آورد. حضرت فرمودند: چون عباس به تو امان داده است، امشب تا فردا صبح امان داری و باید به مکه برگردی. صبح که شد، گوشه‌هایی از عظمت سپاه اسلام را به رخ ابوسفیان کشیدند به گونه‌ای که ترس بر او غالب شد و خودش را باخت. اولین چیزی که صبح روز فتح مکه ابوسفیان شاهدش بود، وضو گرفتن پیامبر

خدا ﷺ بود. او می‌دید وقتی که حضرت وضو می‌گیرد، غلغله می‌شود و همه دستشان را جلو می‌آورند تا قطرات آبی را که از دست و صورت حضرت می‌ریزد، به عنوان تبرک بردارند و نمی‌گذارند قطره‌ای از آن به زمین برسد. ابوسفیان که این را دیده بود، چشمانش گرد شده بود که مگر چه خبر است! به عباس گفت: برادرزاده‌ات عجب سلطنتی به راه انداخته است! عباس گفت: نه! این سلطنت نیست؛ نبوت است.<sup>۲</sup>

بعد از آن، حضرت دستور داد ابوسفیان را بالای تنگه‌ای نگه دارند تا وقتی نیروها می‌خواهند رژه بروند، او بتواند واضح و کامل آن‌ها را ببیند. وقتی نیروها می‌خواهند از تنگه‌ای عبور کنند، مجبورند عرض ستون را کم کنند؛ یعنی اگر در حالت عادی، ستون پنج نفره یا ده نفره است، آن‌جا مجبورند دوفنره یا سه نفره بروند. طبق دستور حضرت، همهٔ قبایلی

۱. کتاب المغازی، محمد بن عمر واقدی، به تحقیق مارسدن جونز، مؤسسهٔ الأعلمی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۱۴.

۲. المصنف فی الأحادیث والآثار، محمد بن ابی شیبیه، تحقیق: کمال یوسف الحوت، مکتبه الرشد، ریاض، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۳۹۹؛ کتاب المغازی، محمد بن عمر واقدی، ج ۲، ص ۸۲۲.

امروز هم برخی وقتی اخبار رزمایش‌های نظامی لشکر اسلام را می‌شنوند می‌گویند: «این‌ها برای چیست؟! چرا این همه پول خرج می‌کنید؟! می‌دانید هر رزمایشی چقدر هزینه دارد؟! گاهی برخی شهید یا مجروح می‌شوند. می‌گویند: چرا این همه رزمایش برگزار می‌کنید؟ چرا این قدر مهمات مصرف می‌کنید؟ برای چه موشک آزمایش می‌کنید؟!»

پاسخ روشن است: به همان دلیل که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فتح مکه رژه برگزار کردند و ابوسفیان را واداشتند که رژه گروه‌ها و هنگ‌ها را تماشا کند و آنگاه به او فرمودند به مکه برود و خبر آمدن حضرت و یارانش را بدهد. ابوسفیان آن چنان وحشت‌زده و مرعوب لشکر پرصلابت اسلام شد که وقتی به مکه برگشت فریاد زد: «ارتش اسلام کاملاً مجهز است و به‌زودی شهر مکه را محاصره خواهد کرد.

که در جنگ شرکت کرده بودند، با پرچم یا لباس مخصوص خودشان، در هنگ‌های منظم رژه رفتند و هیبتی خلق کردند. ابوسفیان را هم آن بالانگه داشتند و او از آن جا دارد این لشکرها را می‌بیند که گروه‌گروه از داخل تنگه رد می‌شوند. در آخر هم خود حضرت با گروهی از مهاجر و انصار با پرچم سبز و اُبّه‌تی خاص رژه رفتند.<sup>۱</sup>

ابوسفیان که سخت مرعوب شده بود، به خصوص وقتی که «کتیبه الخضراء»،<sup>۲</sup> هنگ سبز و محافظان مخصوص رسول خدا صلی الله علیه و آله را که غرق در سلاح بودند و فقط چشمانشان از زیر کلاه خود پیدا بود مشاهده کرد، گفت: این چنین هنگی را نه دیده بودم و نه وصفش را شنیده بودم. ای عباس! پادشاهیِ پسرِ برادرت بالا گرفته است! سپس به عباس گفت: هیچ‌کسی تاب مقاومت در برابر این‌ها را ندارد.<sup>۳</sup>

۳. برای مطالعه بیشتر رک: کتاب المغازی، محمد بن عمر واقفی، ج ۲، ص ۸۱۸ و ۸۲۱؛ تاریخ ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۴۰۴

۱. برای مطالعه بیشتر رک: حضرت محمد صلی الله علیه و آله، سید هاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

۲. نام سبز «کتیبه الخضراء» برای سلاح بسیاری بود که نیروهای این هنگ به کار گرفته بودند.

بزرگ آن‌ها، محمد ﷺ، قول داده هرکسی به مسجد الحرام و کنار کعبه برود یا سلاحش را به زمین بگذارد، در امان خواهد بود.»

پیامبر خدا ﷺ مکه را بدون جنگ فتح کرد. اما چگونه؟ ایشان آن چنان قوت و قدرت اسلحه و نیرویی فراهم کرد که کسی جرئت جنگیدن با پیامبر ﷺ را پیدا نکند. جالب این است که در این چند روزی که پیامبر ﷺ در مکه بودند، دوهزار نفر از جوانان قریش به اسلام گرویدند و به لشکر اسلام پیوستند و در نتیجه تعداد لشکر اسلام به دوازده هزار نفر رسید. این است نتیجه صبر و پایداری، اتحاد، شجاعت، پیروی از رهبری صحیح و سدید و جانبازی در راه او.

اینکه حضرت آقا ﷺ بر حضور حداکثری در انتخابات‌ها و تجمعات تأکید می‌کند، برای این است که راهبرد پیامبر ﷺ در جریان فتح مکه را دنبال می‌کند؛ یعنی با قدرت موشک و کثرت جمعیت و قدرت علم و فناوری و... چنان هیبتی برای اسلام و ایران خلق

کرده است که هیچ‌کسی قدرت حمله و درگیری با اسلام و ایران را ندارد. آن‌هایی که پای صندوق می‌آیند یا در تظاهرات‌ها و راهپیمایی‌ها و تجمعات شرکت می‌کنند، در روز قدس شرکت می‌کنند، در اعتکاف شرکت می‌کنند، در راهپیمایی اربعین شرکت می‌کنند، در انتخابات شرکت می‌کنند، یعنی این حکومت را و این نظام جمهوری اسلامی را قبول دارند؛ اگرچه هزار انتقاد هم داشته باشند. آن‌ها اگر به کسی رأی بدهند که می‌دانند با مقام معظم رهبری حفظه الله زاویه دارد، اصلاح طلب است، اصول‌گرا است، چپ است، راست است و...، این‌ها خیلی در اصل مسئله مهم نیست؛ مهم آن است که این افراد جمهوری اسلامی را پذیرفته‌اند. این به رخ کشیدن جمعیت در مقابل دشمن است. این به رخ کشیدن‌ها باعث می‌شود کسی جرئت جنگیدن با جمهوری اسلامی را پیدا نکند.



## مقدمه

«معراج» به ماجرای عروج پیامبر اعظم ﷺ به آسمان ها گفته می شود. دیدگاه مشهور عالمان مسلمان این است که معراج در سال های آخر اقامت پیامبر ﷺ در شهر مکه روی داده است.<sup>۱</sup> در میان اقوال متعدد درباره شب معراج، شب هفدهم رمضان<sup>۲</sup> هم ذکر شده و همه

ماجرا در طول یک شب اتفاق افتاده است.<sup>۳</sup> طبق حدیثی از امام صادق علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز عشا و نماز صبح را در مکه خواند.<sup>۴</sup>

### دلایل قرآنی و حدیثی وقوع معراج نبوی

«معراج» در لغت از ریشه عرج و به معنی نزدبان<sup>۵</sup> و «إسراء» به معنی سیر

\*. دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۳ و ۳۰.

۲. الطبقات الكبرى، محمدبن سعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۹۹ و ۲۰۰.

۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، ج ۶، ص ۶۱۲.

۴. تفسیر عیاشی، محمدبن مسعود عیاشی، مؤسسه البعثة، قم، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۳۴.

۵. لسان العرب، محمدبن مکرم (ابن منظور)، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۲۱.

شبانہ<sup>۱</sup> و در اصطلاح به معنای «عروج پیامبر ﷺ در شب» است.

اصل معراجی که به «لیلة الإسراء» معروف است، ادله قرآنی و روایی دارد.<sup>۲</sup>

### معراج در قرآن کریم

در قرآن کریم معراج پیامبر ﷺ به سه صورت بیان شده است:

۱. اصل معراج، مانند «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»<sup>۳</sup>.

۲. شرح و بسط جزئیات معراج، مانند «وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى \* ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى \* فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى \* فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى \* مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى \* أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَى \* وَلَقَدْ رَأَهُ نَزْلَةً أُخْرَى»<sup>۴</sup>.

۳. اشاره غیرمستقیم به معراج، مانند «وَإِسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ»<sup>۵</sup>.

طبق روایتی از امیرالمؤمنین علیؑ، این آیه یکی از براهین نبوت رسول خدا ﷺ است که خدای تعالی به وسیله آن حجت را بر سایر خلائق تمام کرده است؛ زیرا بعد از ختم نبوت، او را به عنوان پیامبر ﷺ برای تمام امت‌ها و سایر ملت‌ها قرار داد و این امتیاز را به او اعطا کرد که به آسمان عروج کند. در آن روز همه انبیاء علیهم السلام را برایش جمع کرد<sup>۶</sup> و رسول خدا ﷺ از نبوت همه آگاه شد و آن‌ها برایش چیزهایی از عزائم خدا و آیات و براهین او به عنوان ارمغان بیان کردند.<sup>۷</sup>

دو (انتهای) کمان نزدیک‌تر شد. آنگاه به بنده‌اش آنچه را باید وحی کند، وحی فرمود. آنچه را دل دید، انکار (ش) نکرد. آیا در آنچه دیده است با او جدال می‌کنید؟ و قطعاً بار دیگری هم او را دیده است.  
۵. زخرف/ ۴۵: و از رسولان ما که پیش از تو گسیل داشتیم، جویا شو که آیا در برابر (خدای) رحمان، خدایانی که پرستش شوند مقرر کرده‌ایم؟  
۶. الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ص ۱۹.  
۷. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، ج ۱۸، ص ۱۰۵.

۱. تقی الدین المقریزی، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۱۹۲.  
۲. منتهی الآمال، حاج شیخ عباس قمی، به تحقیق ناصر باقری بیدهندی، دلیل، چاپ اول، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۳۸.  
۳. اسراء/ ۱: منزه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجدالحرام به سوی مسجدالاقصی که پیرامون آن ربرکت داده‌ایم، سیر داد تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست.  
۴. نجم/ ۷ - ۱۳: درحالی که او در افق اعلی بود، سپس نزدیک آمد و نزدیک‌تر شد تا (فاصله‌اش) به قدر (طول)

## معراج پیامبر ﷺ در احادیث

۱. حدیث معراج: در واقعه معراج، گفت وگویی بین خداوند و پیامبر اکرم ﷺ صورت گرفته که به «حدیث معراج» معروف است. در این حدیث، از مسائل اخلاقی مانند رضا، توکل، نکوهش دنیا، روزه، سکوت، محبت و ورزشیدن به مستمندان، ویژگی های اهل آخرت و اهل دنیا سخن به میان آمده است.<sup>۱</sup> همچنین مشاهدات ایشان در آن ماجرا در این روایت بازتاب یافته است.

۲. از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است: «لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ مَا سَمِعْتُ شَيْئاً قَطُّ هُوَ أَحْلَى مِنْ كَلَامِ رَبِّي جَلَّ وَعَلَا».<sup>۲</sup>

۳. امام علی عليه السلام نقل می کنند: من و فاطمه عليها السلام به نزد رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم رفتیم. دیدم آن حضرت سخت می گرید. عرض

کردم: پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا! چرا گریه می کنید؟! فرمود: «لَيْلَةٌ أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ نِسَاءً مِنْ أُمَّتِي فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ».<sup>۳</sup>

۴. امام صادق عليه السلام می فرماید: زمانی که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم به معراج برده شد، جبرئیل عليه السلام آن حضرت را به جایی رساند و خودش با ایشان رفت. رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: «يَا جَبْرَائِيلُ أَخْبِرْنِي عَلَى هَذِهِ الْحَالِ؟ فَقَالَ: إِمْرُؤُهُ فَوَ اللَّهِ لَقَدْ وَطِئَتْ مَكَاناً مَا وَطِئَهُ بَشَرٌ وَ مَا مَسَى فِيهِ بَشَرٌ قَبْلَكَ».<sup>۴</sup>

طبق این روایات و روایات متعدد دیگر، وقوع معراج قطعی است.

### تعداد دفعات معراج پیامبر ﷺ

علامه طباطبایی رحمته الله پس از اشاره به اختلاف اقوال درباره مکان آغاز معراج می گوید: «با توجه به دوبار بودن معراج،

۱. راهیان کوی دوست؛ شرح حدیث معراج، محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله، قم، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۰ به بعد.

۲. شبی که به آسمان برده شدم، هرگز چیزی شیرین تر از سخن پروردگارم عروج جل نشنیدم (بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۸، ص ۳۰۵).

۳. ای علی، شبی که به آسمان برده شدم، زنانی از امت خود را در عذابی سخت دیدم (بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، ج ۸، ص ۳۰۹).

۴. ای جبرئیل، در چنین وضعی مرا تنها می گذاری؟ جبرئیل گفت: برو، به خدا سوگند، در جایی قدم گذاشته ای که پای هیچ بشری به آنجا نرسیده و پیش از تو هیچ بشری به آنجا نرفته است (اصول کافی، محمدبن یعقوب کلینی، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۴۴۲).



ممکن است یکی از مسجدالحرام و دیگری از خانهٔ أم هانی بوده باشد.<sup>۱</sup>

قسطلانی (از علمای اهل سنت) از نووی نقل کرده است که معراج دو بار واقع شده و از بعضی نقل کرده که چهار بار بوده و از بعضی عارفان نقل کرده که رسول خدا ﷺ ۳۴ بار برای معراج به آسمان‌ها رفته است.<sup>۲</sup> در حدیثی از امام صادق علیه السلام ۱۲۰ بار ذکر شده است. در هر بار، خدای سبحان دربارهٔ ولایت امام علی علیه السلام و سایر امامان علیه السلام بیش از سایر واجبات به آن حضرت توصیه و تأکید فرمود.<sup>۳</sup>

با پذیرش این حدیث، تمام اقوال مربوط به زمان معراج صحیح خواهد بود؛ زیرا هر یک از راویان، زمان معراجی را نقل کرده که از آن آگاه شده است و قهراً معراج‌هایی که کسی از آن‌ها آگاه نشده، زمانش نیز نقل نشده است.

### مراحل معراج رسول خدا ﷺ

امام صادق علیه السلام در روایتی کیفیت و مراحل معراج را از زبان جدش بیان فرموده که خلاصه‌اش چنین است:

**مرحلهٔ اول:** جبرئیل به همراه میکائیل و اسرافیل «براق» را آورد، پیامبر ﷺ را سوار «براق» کرد، از مکه حرکت کردند و ضمن حرکت در فضا با ارتفاع نه چندان بلند، جبرئیل آیات آسمانی و زمینی را به آن حضرت نشان می‌داد تا در مدینه پایین آمدند و پیامبر ﷺ نماز خواند.

**مرحلهٔ دوم:** پیامبر اکرم ﷺ باز سوار براق شد و در طور سینا نماز خواند.

**مرحلهٔ سوم:** پیامبر اکرم ﷺ از آن جا حرکت کرد و در «بیت‌لحم»، ناحیه‌ای در «بیت‌المقدس»، باز حضرت نماز گزارد.

**مرحلهٔ چهارم:** پیامبر اکرم ﷺ از آن جا نیز حرکت کردند تا در «بیت‌المقدس» فرود آمدند. پیامبر ﷺ فرمود: در این جا «براق» را به حلقه‌ای که قبلاً پیامبران علیه السلام مرکب

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، ج ۱۳، ص ۳۱ و ج ۱۹، ص ۳۱.

۲. المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة، احمد بن محمد قسطلانی، ج ۲، ص ۴۲۸ و ۴۲۹.

۳. «عُرِجَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّمَاءَ مِائَةً وَ عِشْرِينَ مَرَّةً مَا مِنْ مَرَّةٍ إِلَّا وَقَدْ أَوْصَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا

إِلَى النَّبِيِّ بِالْوَلَايَةِ لِعَلِيٍّ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَكْثَرَ مِمَّا أَوْصَاهُ بِالْفَرَائِضِ» (بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ، محمد بن حسن صفار قمی، به تصحیح محسن کوچه‌باغی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق، ص ۷۹).

سخت است؟ جبرئیل گفت: سخت تر از مرگ، پس از مرگ است.

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند: از آن جا گذشتیم. مردمی را دیدم که مقابلشان دو نوع سفرهٔ طعام وجود دارد؛ یکی از گوشت‌های پاک و دیگری از خبیث و ناپاک؛ ولی آن‌ها پاک را گذاشته‌اند و خبیث را می‌خورند. از جبرئیل پرسیدم. گفت: از امت تو کسانی هستند که به جای مال حلال، از مال حرام مصرف می‌کنند. سپس دو فرشتهٔ دیگر را دیدم که دعا می‌کردند. یکی می‌گفت: «اللَّهُمَّ أَعْطِ كُلَّ مُنْفِقٍ خَلْفًا»<sup>۲</sup> و دیگری می‌گفت: «اللَّهُمَّ أَعْطِ كُلَّ مُنْسِكٍ تَلْفًا»<sup>۳</sup> به سیر خود ادامه دادیم. افرادی را دیدم که لب‌هایشان مثل لب‌های شتر بود، گوشت پهلوهایشان را با قیچی می‌بریدند و به دهان خود می‌گذاشتند. از جبرئیل پرسیدم. گفت: «هُؤُلَاءِ الْمُمَازُونَ اللَّمَّازُونَ»<sup>۴</sup> از آن جا نیز گذر کردیم. جماعتی را دیدم که سرهایشان را با سنگ می‌کوبیدند! از جبرئیل پرسیدم. گفت: این‌ها کسانی هستند که نماز عشا

خود را به آن می‌بستند، بستم و همراه جبرئیل وارد مسجد شدیم و ابراهیم و موسی و عیسی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را در میان عدهٔ زیادی از انبیا دیدم که به خاطر من اجتماع کرده بودند. جبرئیل بازوی مرا گرفت، جلو برد و من بر آنان امامت کردم.

**مرحلهٔ پنجم:** در این مرحله پیامبر اکرم ﷺ با فرشته‌ای به نام «اسماعیل»<sup>۱</sup> و هفتاد هزار فرشتهٔ تحت فرمانش دیدار و سپس به سوی آسمان دنیا حرکت کردند. در این جا خازنِ دوزخ گوشه‌ای از آتش دوزخ را نشان داد. پس از آن با حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ ملاقات کردند. سپس نزد «ملک الموت» رفتند و ملک الموت به چند سؤال حضرت دربارهٔ قبض روح پاسخ گفت و عرض کرد: هیچ خانه‌ای نیست مگر این که روزی پنج بار به آن نگاه می‌کنم. هرگاه خویشاوندان مرده‌ای گریه کنند، به آنان می‌گویم: بر او گریه نکنید! من به سراغ شما نیز خواهم آمد. آن قدر می‌آیم تا آن که هیچ کسی از شما باقی نماند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: مرگ خیلی

۱. صافات/ ۶- ۱۰: مأموریت انداختن تیر شهاب بر شیاطین را دارد.

۲. خدایا، به هر انفاق‌کننده‌ای عوض عطا کن.

۳. خدایا، اموال هر بیخیلی را تلف کن.

۴. آنان عیب‌جویان و غیبت‌کنندگان هستند.

را نخوانده، خوابیده‌اند. پس از آن، بر جماعتی گذر کردیم که آتش از دهانشان وارد و از پهلویشان خارج می‌شد. از جبرئیل پرسیدم. گفت: این‌ها کسانی هستند که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند (که درحقیقت) تنها آتش می‌خورند و به زودی در شعله‌های آتش می‌سوزند.<sup>۱</sup> سپس بر اقوامی گذر کردیم که از بزرگی شکمشان نمی‌توانستند از جا برخیزند. از جبرئیل پرسیدم. گفت: این‌ها کسانی هستند که ربا می‌خورند؛ برنمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده است.<sup>۲</sup> در این حال، آل فرعون را مشاهده کردم که هر صبح و شام بر آتش عرضه می‌شدند<sup>۳</sup> و آن‌ها می‌گفتند: خدایا، قیامت کی بر پا می‌شود؟! سپس حرکت کردم. گروهی از زنان را دیدم که از سینه‌های خود آویزان بودند. از جبرئیل پرسیدم. گفت: این‌ها زنانی هستند که سبب ارث بردن فرزندان دیگران از شوهرانشان می‌شوند.<sup>۴</sup> در ادامه دیدار از آسمان اول، فرشتگانی را با

چهره‌های عجیب مشاهده کردم که همگی صدا به حمد خدا و گریه از خوف خدا بلند کرده بودند. از جبرئیل پرسیدم. گفت: خداوند این‌ها را همان‌گونه که می‌بینی، آفریده است. از روزی که خدا این‌ها را خلق کرده است، از خوف و خشیت خدا به هیچ طرفی نگاه نکرده و با همدیگر حرف نزده‌اند. ولی پس از شناختن پیامبر ﷺ سلام دادند و احترام کردند و به او و امتش بشارت به خیر و نیکی دادند.

**مرحله ششم:** صعود پیامبر اکرم ﷺ به آسمان دوم، ملاقات و گفت‌وگو با حضرت عیسی و یحیی علیهما السلام و مشاهده فرشتگانی که مشغول تسبیح و حمد خدا بودند.

**مرحله هفتم:** صعود پیامبر اکرم ﷺ به آسمان سوم، ملاقات و گفت‌وگو با حضرت یوسف علیه السلام و مشاهده فرشتگان.

**مرحله هشتم:** صعود پیامبر اکرم ﷺ به آسمان چهارم، ملاقات و گفت‌وگو با ادریس علیه السلام و فرشتگان.

۴. یعنی از طریق زنا بچه‌دار می‌شوند و آن را به شوهر خود منتسب می‌کنند.

۱. اشاره به آیه ۱۵ سوره نساء.

۲. اشاره به آیه ۲۷۵ سوره بقره.

۳. اشاره به آیه ۴۶ سوره غافر.

رفتم تا به (درخت) «سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى» رسیدم که هر برگ آن می‌تواند بر امتی از امت‌ها سایه بیفکند. آن قدر به آن نزدیک شدم که خدا فرمود: «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ»؛

امام صادق علیه السلام در ادامه حدیث می‌فرماید: «مَا وَقَدَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَحَدٌ أَكْرَمُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَيْثُ سَأَلَ لِأُمَّتِهِ هَذِهِ الْخِصَالِ». <sup>۵</sup> سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: «پروردگارا، به پیامبرانت فضایلی عطا فرموده‌ای. به من نیز عطا فرما.» خداوند فرمود: «به تو نیز در میان آنچه داده‌ام، دو کلمه از زیر عرش خودم عطا کرده‌ام: یکی "لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ" و دیگری "وَلَا مَنَجَىٰ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْنَا".» <sup>۶</sup>

پس از اذان یکی از فرشتگان، همه به امامت پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خواندند. نمازهای پنج‌گانه هم در آن هنگام تشریح شدند.

مرحله نهم: صعود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آسمان پنجم، ملاقات و گفت‌وگو با هارون، برادر موسی علیه السلام و دیدار فرشتگان.

مرحله دهم: عروج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آسمان ششم، ملاقات و گفت‌وگو با حضرت موسی علیه السلام و فرشتگان، مثل آسمان‌های قبلی.

مرحله یازدهم: عروج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آسمان هفتم و ملاقات با حضرت ابراهیم علیه السلام در کنار «بیت المعمور». جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض می‌کند که محل تو و محل پرهیزکاران امت تو نیز در همین جایگاه است. پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را خواند: «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup>.

بعد از آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه جبرئیل در «بیت المعمور» دو رکعت نماز خواند. وقتی بیرون آمد، دو نهر به نام «کوثر»<sup>۲</sup> و «رحمت»<sup>۳</sup> دید. سپس وارد بهشت شد. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: پیش

۱. آل عمران/ ۶۸: سزاوارترین مردم به ابراهیم آن‌هایی هستند که از او پیروی کردند و این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده‌اند (از همه سزاوارترند) و خداوند ولی و سرپرست مؤمنان است.  
 ۲. که از آن خورد.  
 ۳. که در آن غسل کرد.

۴. نجم/ ۹.

۵. هیچ مهمانی به درگاه خدای تعالی گرمی‌تر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نبود، در آن هنگام که این تقاضاها را برای آتش می‌کرد.

۶. هیچ گریزی از تو جز به سوی تو نیست.

به این صورت که حق تعالی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در یک شب از مکه معظمه تا مسجدالاقصی و از آن جا به آسمان‌ها تا سدرةالمنتهی و عرشِ اعلا سیر داد و عجایب خلق سماوات را به آن حضرت نشان داد و رازهای نهانی و معارف نامتناهی به آن حضرت القا فرمود و آن حضرت در بیت المعمور و تحت عرش، به عبادت حق تعالی قیام کرد و با انبیا ملاقات کرد.<sup>۱</sup>

### کیفیت معراج نبوی

درباره کیفیت معراج چهار نظر وجود دارد:

- الف. معراج در تمام مراحل، روحانی بوده است؛
- ب. معراج به صورت رؤیا و برزخی بوده و تمام این عوالم به صورت رؤیا سیر شده است؛

ج. از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی، جسمانی و روحانی بوده و از آن جا به بالا فقط روحانی بوده است؛<sup>۲</sup>

د. در تمام مراحل در بیداری و جسمانی و روحانی بوده است.<sup>۳</sup>

البته مراد از معراج این نبود که پیامبر صلی الله علیه و آله عالم اجسام علوی و کرات جسمانی را ببینند؛ بلکه نظر به عوالم، تجرد و عقول قادسه<sup>۴</sup> بوده است و مرکب «براق» پیامبر صلی الله علیه و آله هم مرکب مادی و معمولی نبود؛ بلکه از موجودات مجرد بود که از بهشت نازل شده بود.<sup>۵</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج از عالم ماده به عالم عقل رفت، سپس از عالم عقل و مقام جبرئیل نیز عبور کرد<sup>۶</sup> و به افق احدیت جذب شد و از عالم جبروت و لاهوت نیز عبور کرد.<sup>۷</sup> یکی از دلایل نظریه چهارم قرینه لفظ «عبد» است.<sup>۸</sup> همان شخصیت

۵. تقریرات فلسفه امام خمینی رحمته الله علیه، امام خمینی رحمته الله علیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۵۱ و ۵۲.

۶. شرح دعاء السحر، امام خمینی رحمته الله علیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، ۱۳۸۶، ص ۸۴.

۷. سر الصلاة، امام خمینی رحمته الله علیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، ۱۳۸۸، ص ۹۰.

۸. اسراء/۱.

۱. منتهی الآمال، حاج شیخ عباس قمی، ج ۱، ص ۱۳۸.

۲. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، محمد بن علی بن شهر آشوب، علامه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۱۷۷.

۳. رجعت و معراج، به ضمیمه هفت مقاله دیگر، سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، طه، قزوین، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۳۵.

۴. مراد از عقول قادسه و قدسیه عقول مجرد و قاهره‌اند.

شرافت بخشد و شگفتی های خلقت را به رسول خود نشان دهد تا پس از برگشت از معراج، به مردم خبر دهد و این مسئله به گونه ای که فرقه مُشَبِّهه می گویند نیست.»

امام زین العابدین علیه السلام نیز فرمود: «لِيُرِيَهُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَمَا فِيهَا مِنْ عَجَائِبِ صُنْعِهِ وَبَدَائِعِ خَلْقِهِ؛ خداوند آن حضرت را به آسمان برد تا ملکوت آسمانها و شگفتی های آفرینش و صنعت الهی را که در آنهاست به او نشان دهد.»



خارجی است که از تن و روان (بدن با روح) ترکیب یافته است و اگر روحانی بود باید می گفت: «بروجه».

### هدف از معراج

اما هدف از معراج نبوی، چنان که در برخی تفاسیر وجود دارد، این بود که روح بزرگ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با مشاهده اسرار عظمت خدا در سراسر جهان هستی، مخصوصاً عالم بالا، درک و دید تازه ای برای هدایت و رهبری انسان ها بیابد. این هدف به صراحت در ابتدای سوره اسراء<sup>۱</sup> و در سوره نجم<sup>۲</sup> ذکر شده است.<sup>۳</sup>

امام کاظم علیه السلام در این خصوص فرمود: «إِنَّ اللَّهَ... عَزَّ وَجَلَّ أَرَادَ أَنْ يُشْرِفَ بِهِ مَلَائِكَتَهُ وَسُكَّانَ سَمَاوَاتِهِ وَيُكْرِمَهُمْ مُشَاهَدَتِهِ وَيُرِيَهُ مِنْ عَجَائِبِ عَظَمَتِهِ مَا يُخْبِرُ بِهِ بَعْدَ هُبُوطِهِ وَلَيْسَ ذَلِكَ عَلَى مَا يَقُولُهُ الْمُشَبِّهُونَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ خداوند خواست که فرشتگان و ساکنان آسمان های خود را با مشاهده پیامبر صلی الله علیه و آله

۴. علل الشرایع، محمدبن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کتاب فروشی داوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۳۲.  
۵. همان، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۱. همان.  
۲. نجم/ ۱۸.  
۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ سی و دوم، ۱۳۷۴ش، ج ۱۲، ص ۱۷.

# سی آیه

## سی معروف قرآنی

منیره شریعت‌جو\*

### اشاره

یکی از برنامه‌های پربرکت در ماه مبارک رمضان، برنامه‌های جزءخوانی قرآن کریم است که در هر منطقه به نامی نامیده می‌شود؛ مثل مقابله قرآن، محفل قرآن، جلسه جزءخوانی و... نکته مهم در این جلسات برای مبلغان دینی آن است که بتوانند از این جلسات بهره‌برداری بهینه کنند و در هر جلسه علاوه بر جزءخوانی و استفاده معنوی از قرآن کریم، نکات تفسیری یک آیه را نیز بیان نمایند که هم زمینه نشر معارف قرآنی باشد و هم از

یکنواختی جلسات خصوصاً برای کسانی که رابطه قوی با قرآن ندارند یا با زبان قرآن آشنا نیستند و نمی‌توانند از محتوای قرآن هم بهره ببرند، جلوگیری کنند. موسسه شمیم عفاف که با مأموریت ترویج امر به معروف و نهی از منکر در استان قم فعالیت می‌کند، برای ماه مبارک رمضان امسال، تعداد ۳۰ معروف قرآنی را از ۳۰ جزء قرآن انتخاب و پیشنهاد می‌نماید. لازم به ذکر است تمامی محتوا و توضیحات از تفاسیر معتبر شیعی<sup>۲</sup> استفاده شده است.

\*. دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه خاوران.

۲. از جمله: ترجمه تفسیر المیزان، محمدحسین طباطبایی، ترجمه محمدباقر موسوی، جامعه مدرسین

حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش؛ تفسیر نورالثقلین، عبدعلی بن جمعة العروسی الحویزی (م ۱۱۱۲ ق)، تحقیق:

## نماز

جزء یکم: بقره/۴۵

آیه و ترجمه: ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأَن هَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾؛ از صبر و نماز یاری جوید؛ (و با استقامت و مهار هوس های درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید)؛ و این کار، جز برای خاشعان، گران است.

**مفاهیم کلیدی:** صبر، نماز، روزه، افراد خاشع

**آیات مرتبط:** بقره/۱۵۳.

### نکات:

۱. استعانت که به معنای طلب کمک است در زمانی صورت می گیرد که نیروی انسان به تنهایی نمی تواند یک امر مهم یا حادثه ای را که پیش آمده، مطابق مصلحت خود برطرف سازد. (المیزان، ج ۱، ص ۲۲۸).

۲. مطابق روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صبر بر سه نوع صبر بر معصیت، مصیبت و عبادت تقسیم شده است. (تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۰۷).

به نقل از بحار، ج ۷۱، ص ۷۷). امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در روایتی می فرماید: منظور از صبر در «أَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ» روزه است؛ که خود یکی از مصادیق صبر به شمار می آید. (المیزان، ج ۱، ص ۲۳۰).

۳. خضوع مختص به جوارح و اعضای بدن آدمی است؛ ولی خشوع مختص به قلب است. مطابق آیه بعد کسانی خاشع هستند که به ملاقات پروردگار و آخرت یقین دارند. (المیزان، ج ۱، ص ۲۲۹).

۴. لازمه سنگین نبودن نماز و صبر برای انسان، داشتن خشوع است. (تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۰۷).

۵. صبر در هر بلا یا حادثه عظیمی باعث کوچکی و ناچیزی آن می شود؛ و نماز باعث گرایش به سمت خدا و التجا به او شده و به آدمی می فهماند به جایی تکیه دارد که انهدام پذیر نیست. (المیزان، ج ۱، ص ۲۲۹).

نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳؛ تفسیر نور، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.

السید هاشم الرسولی المحلاتی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق؛ روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، محمد تقی تهرانی، نشر برهان، ۱۳۹۸ ق؛ تفسیر



۶. صبر و مقاومت، کلید تمام عبادات است. فرشتگان به اهل بهشت به خاطر صبر آن‌ها سلام می‌کنند «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ»؛ چون اگر مقاومت نباشد، نماز و جهاد و حج و زکات نیز وجود نخواهد داشت؛ حتی شرط رسیدن به مقام هدایت و رهبری الهی، صبر است «جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا». (تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۰۷، ۱۰۸).

### کسب حلال

جزء دوم: بقره/۱۶۸

**آیه و ترجمه:** ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾؛ ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست

**مفاهیم کلیدی:** حلال خوری، وسوسه‌های شیطان.

**آیات مرتبط:** مائده/۹۰؛ بقره/۶۰؛ اعراف/۳۱؛ حج/۲۸.

**نکات:**

۱. شیطان، انسان را قدم به قدم

منحرف می‌کند. باید از همان قدم اول مواظبت کرد. شیطان انسان را وادار به استفاده از حرام‌ها و بازداشتن او از نعمت‌های حلال می‌کند، پس شیطان دشمن انسان است. (تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۵۱)؛

۲. وسوسه شیطان عبارت است از اخطار آن به قلب آدمی و جلوه دادن آن در نظر آدمی (تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۳۱)؛

۳. «حلال»، چیزی است که ممنوعیتی نداشته باشد، و «طیب» به چیزهای پاکیزه گفته می‌شود که موافق طبع سالم انسانی است، نقطه مقابل «خبیث» که طبع آدمی از آن تنفر دارد. وادار نمودن مردم به استفاده از حرام‌ها و بازداشتن آنان از نعمت‌های حلال، نمودی از دشمنی آشکار شیطان است. (تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۶۸)؛

۴. شرط حلال بودن خوراکی‌ها قبول ولایت می‌باشد؛ چنانچه شرط قبول عبادات است. (روان جاوید، ج ۱، ص ۲۱۰).

## انفاق

جزء سوم: بقره / ۲۶۷

آیه و ترجمه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا  
لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ  
تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ  
وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمت‌های پاکیزهٔ اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)، انفاق کنید! و برای انفاق، به سراغ قسمت‌های ناپاک نروید در حالی که خود شما، (به هنگام پذیرش اموال) حاضر نیستید آن‌ها را بپذیرید؛ مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند، بی‌نیاز و شایسته ستایش است.

**مفاهیم کلیدی:** انفاق، اموال طیب

**آیات مرتبط:** بقره: ۲۶۸؛ آل عمران: ۹۲

**نکات:**

۱. کلمه «تیمم» هم به معنای

«قصد» است، و هم معنای «اقدام عمدی»، و کلمه «خبیث» به معنای ناپاک، ضد کلمه «طیب» را معنا می‌دهد. طبق این آیه کیفیت مالی که می‌خواهیم انفاق کنیم؛ باید از اموال پاک باشد نه اموال ناپاک؛ یعنی مالی باشد که فقیر با رغبت آن را بگیرد نه با کراهت و اغماض. در واقع انفاق‌کننده از مال ناپاکی که خودش تمایلی به استفاده از آن ندارد و صرفاً جهت خلاص شدن از این مال به انفاق پردازد؛ چنین انفاقی نفس انسان را به کمال نمی‌رساند. (المیزان، ج ۲، ص ۶۰۴).

۲. جمله «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ»، بیانگر این است که باید در انفاق خود بی‌نیازی و حمد خدای را در نظر بگیریم. خدا در عین اینکه احتیاجی به انفاق ما ندارد، با این وجود انفاق طیب ما را می‌ستاید. همچنین ممکن است جمله را چنین معنا کنیم که چون خدا غنی و محمود است نباید با او طوری سودا کرد که لایق جلال او (جل جلاله) نبوده باشد. (المیزان، ج ۲، ص ۶۰۵).

۳. امام باقر علیه السلام ذیل آیه می فرمایند: بعضی از مسلمانان درآمدهای حرامی مانند ربا داشتند که صرف فقرا می کردند، این آیه آنان را نهی فرمود. (تفسیر نور، ج ۱، ص ۴۲۵).

### امر به معروف و نهی از منکر

جزء چهارم: آل عمران / ۱۰۴

**آیه و ترجمه:** ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگارانند.

**مفاهیم کلیدی:** امر به معروف و نهی از منکر  
**آیات مرتبط:** توبه: ۷۱؛ توبه: ۱۱۲؛ حج: ۴۱؛ لقمان: ۱۷  
**نکات:**

۱. امام باقر علیه السلام می فرمایند: «امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرائض با آن‌ها برپا می شوند، و به وسیله این دو، راهها امن می گردد، و کسب و کار مردم حلال می شود، حقوق افراد تامین می گردد، و در سایه آن، زمین‌ها آباد، و از دشمنان

انتقام گرفته می شود، و در پرتو آن همه کارها رو به راه می گردد». (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸، به نقل از وسائل الشیعة، کتاب امر بمعروف و نهی از منکر، باب ۱. حدیث ۶).

۲. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، کارهای نیک و خیر تعطیل و اشرار و بدان بر خوبان مسلط می شوند». (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

۳. علم نافع، عمل صالح را به دنبال می آورد و علم فاسد هم عمل فاسد به همراه می آورد. جامعه‌ای که علم نافع و عمل صالح انجام می دهد سعی بر حفظ علم و تمدن خود دارد؛ از این رو اگر افراد جامعه شخصی را ببینند که از علم و عمل صالح که همان خیر و معروف است، منحرف شد او را به حال خود واگذار نمی کنند و سعی در نجات او از خطر انحراف و مهلکه دارند. (المیزان، ج ۳، ص ۵۷۷).

۴. خداوند متعال در قرآن از خیر به معروف و از شر به منکر تعبیر کرده است. (المیزان، ج ۳، ص ۵۷۷).

۸. در جامعه اسلامی، جهت امر به معروف و نهی از منکر نیاز به مواردی تأکید شده است: گروهی بازرس و ناظر مورد تأیید نظام جهت نظارت بر رفتارهای اجتماعی مردم «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ»؛ نیاز به قدرت منسجم و مسئول مشخص، اسلام شناس، مردم شناس و شیوه شناس برای اصلاح جامعه و جلوگیری از فساد «مِنْكُمْ أُمَّةٌ»؛ دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، به صورت دائمی باشد، نه موسمی و موقتی «يَذْعُرُونَ، يَا مُرُونَ، يَنْهَوْنَ» (فعل مضارع، نشانه استمرار)؛ مقدم بودن امر به معروف بر نهی از منکر؛ زیرا اگر راه معروف ها باز شود، زمینه برای منکر کم می گردد «يَا مُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ رستگاران واقعی افراد دلسوز برای رشد و اصلاح جامعه هستند «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ فلاح و رستگاری، تنها در نجات و رهایی خود خلاصه نمی شود، بلکه نجات و رشد دیگران نیز از شرایط فلاح است. «يَا مُرُونَ، يَنْهَوْنَ، أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (تفسیر نور، ج ۱، ص ۵۷۸).

۵. امر به معروف و نهی از منکر در صورت اقدام برخی به مقدار کفایت از دیگران ساقط می شود و پاداش برای کسی است که آن وظیفه را انجام داده است؛ اما در صورت ترک آن به مقدار کفایت، تک تک افراد جامعه، بازخواست و عقاب خواهند شد. (المیزان، ج ۳، ص ۵۷۷).

۶. قرارگرفتن آیه امر به معروف و نهی از منکر در بین دو آیه ای که دستور به اتحاد و یکپارچگی می دهد، می تواند بیانگر این باشد که در نظام اجتماعی متفرد و از هم پاشیده، یا قدرت اجرایی دعوت به خیر و معروف وجود ندارد و یا اینکه چنین دعوت هایی مؤثر و کارساز نیست. (تفسیر نور، ج ۱، ص ۵۷۷).

۷. امر به معروف و نهی از منکر، به دو صورت وظیفه ای عمومی و همگانی (اقدام هر فرد به میزان توانایی)؛ و وظیفه ای سازمان یافته و منسجم است که گروهی آن را به عهده داشته و پیگیری می کند؛ مانند آنچه وظیفه پلیس راهنمایی و رانندگی است. (تفسیر نور، ج ۱، ص ۵۷۷).

۹. «امت» به جماعتی گفته می‌شود که بین آن‌ها یک جنبه وحدت، خواه وحدت زمانی، مکانی یا هدف و مرام برقرار باشد، بنابراین به اشخاص متفرق و پراکنده «امت» گفته نمی‌شود. می‌توان گفت به دنبال هم آمدن آیات اخوت و اتحاد، و سپس «امر به معروف» و «نهی از منکر» یک پوشش اجتماعی برای بقای وحدت اجتماعی است؛ و حفظ وحدت اجتماعی نیز بدون نظارت عمومی ممکن نیست! (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۴، ۳۵).

۱۰. «امر به معروف و نهی از منکر» دو مرحله فردی (هر فرد به تنهایی موظف به نظارت بر اعمال دیگران است) و دسته جمعی که گروهی برای پایان دادن به نابسامانی‌های اجتماعی موظف به تشریک مساعی با یکدیگر هستند، دارد. مرحله فردی وظیفه عموم مردم بوده و چون جنبه فردی دارد طبعاً شعاع آن محدود به توانایی فرد است، اما مرحله دوم واجب کفایی است و چون جنبه دسته جمعی دارد، شعاع قدرت آن وسیع و طبعاً از شئون حکومت

اسلامی محسوب می‌شود. این مسئله تقسیم کار در سازمان حکومت اسلامی و لزوم تشکیل یک گروه نظارت بر وضع اجتماعی و سازمان‌های حکومت را مشخص می‌سازد. (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۶).

۱۱. در اجتماع هر زیان فردی امکان این را دارد که به صورت یک زیان اجتماعی درآید؛ این دلیل منطقی و عقلی به افراد اجتماع اجازه می‌دهد برای پاک نگه داشتن محیط زیست خود از هر گونه تلاش و کوششی خودداری نکنند. (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷).

۱۲. امر به واجب و نهی از حرام واجب؛ و امر به مستحب و نهی از مکروه مستحب است. (روان جاوید، ج ۱، ص ۴۷۰).

۱۳. امر به معروف و نهی از منکر باید معروف و منکر را بشناسد؛ احتمال تأثیر در طرف بدهد، چه بسا گاهی اوقات موجب لجاج و عناد شخص بشود؛ خوف ضرر بر جان و مال و عرض خود یا مسلمان دیگری نداشته باشد؛ طرف اصرار بر معصیت داشته باشد و

**مفاهیم کلیدی:** عبادت، شرک، احسان

**آیات مرتبط:** بقره/۸۳؛ انعام/۱۵۱؛ اسراء/۲۳

### نکات:

۱. ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا﴾،

منظور خداوند متعال از بیان توحید در این جا توحید عملی است که یکی از مصادیق توحید عملی، همان احسان به پدر و مادر، خویشان، ایتام، مساکین و همسایگان دور و نزدیک است. در آیه آخر که آمده ﴿لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا﴾، خداوند در برابر مؤمنان به مشرکان مثال می‌زند و می‌فرماید افراد بخیل مشرک هستند؛ از این آیه استفاده می‌شود کسی که به پدر و مادر احترام نگذارد و حق آنان را ادا نکند مؤمن نیست. از روایت «انا و علی ابوا هذه الامه» استفاده می‌شود که منظور از والدین در این آیه پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی عليه السلام هستند. (المیزان، ج ۴، ص ۳۳۶).

۲. احسان و نیکی به پدر و مادر شامل محبت، کمک مالی، علمی، عاطفی و مشورت به آنان می‌شود. شرط احسان به والدین خوب بودن آن‌ها نیست، بلکه در هر شرایطی باید

اگر بداند طرف از کار خود پشیمان شده واجب نیست بلکه بعضی اوقات حرام است؛ امر به معروف و نهی از منکر مراتبی به لحاظ اجرا دارد، ابتدا با اظهار کراهت، سپس با سخن ملایم، و در مرحله بعد سخن غلیظ. (روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، ج ۱، ص ۴۷۰).

### احسان به والدین

**جزء پنجم:** نساء/۳۶

**آیه و ترجمه:** ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا﴾؛ و خدا را پرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست و همنشین، و واماندگان در سفر، و بردگانی که مالک آن‌ها هستید؛ زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می‌زند)، دوست نمی‌دارد.

به والدین احسان کرد؛ اما اطاعت از والدین در صورتی است که آنان فرزند را امر به حرام و یا ترک واجب نکنند، در این صورت اطاعت واجب نیست. احترام به پدر و مادر به میزانی است که خداوند پس از عبادت و بندگی خودش ذکر کرده است. این نکته، بزرگی و عظمت والدین را می‌رساند. (تفسیر نور، ج ۲، ص ۲۸۸).

۳. منشأ بی‌توجهی به والدین، خویشاوندان، یتیمان، همسایگان، تکبر و فخرفروشی است. (همان).

۴. حق خداوند، بندگی و عدم شرک است. حق والدین، نیکی و احسان به آنها است. حق خویشاوندان و صله رحم، رسیدگی به آنها است. حق ایتام، مساکین، همسایگان، محبت، رسیدگی به امورات مادی، معنوی و اجتماعی آنان است. حق همسایگان هر چه نزدیکتر باشند حق بیشتری به گردن ما دارند؛ و منظور از دور بودن دوری مکانی است. طبق پاره‌ای از روایات تا چهل منزل از چهار طرف همسایه محسوب می‌شوند؛ و نیز گفته شده

منظور از همسایه کسانی هستند که از نظر مذهبی و دینی با انسان نزدیک باشند. (همان).

۵. در آیه ۸۳ بقره بعد از امر به بندگی، امر به احسان بر والدین و خویشان و ایتام و مساکین می‌کند. ذیل این آیه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند با مردم سخن بگویید و جز خیر و خوبی نگویید و تا ندانستید که چه سخنی خوب است آن را به زبان نیاورید. (همان).

۶. در آیه ۲۳ اسراء، امر به احسان به والدین در سخت‌ترین دوران زندگی ایشان یعنی دورات کهولت و پیری نموده است. دورانی که ممکن است پدر و مادر از برآوردن ضروری‌ترین نیازهای زندگی‌شان مانند خوردن، نظافت و... ناتوان شوند و به شدت به فرزندان محتاج باشند. اگر نیکی به پدر و مادر واجب است در دوران کهولت آنان لازم‌تر است. قرآن کریم می‌فرماید سختی‌های نگهداری از ایشان را به جان بخرید و کوچک‌ترین توهینی به آنان نکنید؛ و به خاطر داشته باشید که آنها نیز سختی‌های

جبهه بروم ناراحت می شود. پیامبر ﷺ فرمودند: برگرد و با مادر خویش باش. قسم به خدایی که مرا به حق برانگیخته است یک شب که مادرت با تو مانوس گردد از یک سال جهاد در راه خدا بهتر است. (همان).

### توجه

با توجه به حجم زیاد مقاله، علاقمندان می توانند از طریق رمزینۀ زیر، قسمت دوم مقاله را از کانال مجله مبلغان در پیام رسان ایتا دریافت نمایند.



نگهداری از شما را به جان خریدند و هرگز لب به شکایت باز نکردند. (همان).

۷. در آیه ۱۵۱ انعام بعد از نهي از شرک ورزیدن به خداوند می فرماید: به والدین نیکی کنید. از این آیات استفاده می شود که ناسپاسی نسبت به پدر و مادر از گناهان کبیره است. از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است از آزردن پدر و مادر پرهیزید؛ همانا بوی بهشت از هزار سال راه به مشام می رسد ولی آزار دهنده پدر و مادر آن را نمی یابد. (همان).

۸. در اهمیت احسان به والدین همین بس، مادامی که جهاد با همه اهمیتش، جنبه وجوب عینی پیدا نکند و داوطلب به قدر کافی باشد، در خدمت پدر و مادر بودن از آن مهم تر است و اگر رفتن به جهاد موجب ناراحتی آنان شود جایز نیست. در حدیثی از امام صادق ع آمده است: مردی نزد پیامبر اکرم ع آمد و عرض کرد من جوان بانشاط و ورزیده ای هستم و جهاد را دوست دارم ولی مادری دارم؛ از این که من به



## حضرت علی علیه السلام

### و کمک‌های شبانه به نیازمندان

مصطفی محسنی \*

#### اشاره

یکی از ویژگی‌های شاخص امیرالمؤمنین علی علیه السلام دستگیری از نیازمندان است که در قرآن به آن اشاره شده است؛ هنگامی که فقیری وارد مسجد شده از حاضران تقاضای کمک کرد و از کسی پاسخی نشنید. حضرت علی علیه السلام در حال رکوع انگشتر خود را به او عطا کرد و این آیه نازل شد ﴿أَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾<sup>۱</sup>؛ «سرپرست و رهبر شما تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان

آورده‌اند و نماز به پا می‌دارند و در حال رکوع، زکات (صدقه) می‌پردازند.» در این آیه ضمن اشاره به خاتم‌بخشی، در کنار خدا و رسولش از حضرت علی علیه السلام به عنوان ولی مؤمنان یاد شده است.<sup>۲</sup> و به گفته علمای اهل سنت، مفسران بر نزول این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام اجماع دارند.<sup>۳</sup>

آیه دیگر مشهور به آیه اطعام است که نهایت ایثار حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام در رسیدگی به فقرا را به تصویر می‌کشد. آن‌جا که پس از روزه‌گرفتن آن‌ها و حسنین علیهم السلام، افطار خود را به مسکین و

۱. مانده/۵۵.

۲. مسار الشیعه، محمد بن محمد شیخ مفید،

دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ ق/۱۹۹۳ م، ص ۴۱.

۳. المواقف فی علم الکلام، عبدالرحمن ایچی، عالم

الکتب، بیروت، بی تا، ص ۴۰۵.

در اثر آب‌کشی آبله می‌زد، اما درآمد خود را به مستمندان می‌داد.<sup>۴</sup>

### یک سؤال

امروزه معاندان به جای الگو قراردادن این سنت حسنه، به دنبال ایجاد تردید در آن هستند. در فضای مجازی نشر می‌دهند که: چگونه حضرت علی ع در خانه همه فقرا شیر یا طعام می‌بردند؟ مخصوصاً که به صورت ناشناس می‌رفتند با کدام ظرف چنین کاری می‌کردند؟ مگر آن زمان، ظرف یک بار مصرف یا کارخانه ظروف مسی بوده؟ و چگونه شبانه هم به درب خانه فقرا طعام می‌بردند و هم هزار رکعت نماز می‌خواندند؟

### پاسخ

کسی ادعا نکرده که حضرت هر شب، شیر درب خانه فقرا می‌بردند، بلکه آنچه حضرت برخی از شب‌ها به مستمندان کمک می‌کردند، طعام است. طعام نیز همیشه غذای پخته نیست، بلکه در آن زمان به مقداری نام و خرما

یتیم و اسیر می‌دهند در اینجاست که خدا می‌فرماید: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾؛ «و به [پاس] دوستی [خدا] بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند.»<sup>۲</sup>

بنابراین بحث انفاق و حتی بالاتر ایثار حضرت علی ع در قرآن نیز ذکر شده است. این سیره چه در زمان تنگدستی و چه در عصر خلافت حضرت پیگیری شد. زرق و برق خلافت نه تنها ایشان را از این کار برحذر نداشت، بلکه وسیله‌ای برای دستگیری بیشتر نیازمندان گردید. حضرت در این باره می‌فرماید: «خداوند مرا امام خلقش قرارداد و بر من واجب نمود که نفسم و طعام و شراب و لباسم را در حد ضعیفان از مردم قرار دهم تا آن که فقیر به من اقتدا کند و ثروتمند طغیان نکند.»<sup>۳</sup> در گزارشی نیز آمده: «حضرت علی ع روزها روزه می‌گرفت و خوراک خود را به دیگران می‌داد و با دست خویش نخلستان‌های بعضی از یهود را آبیاری می‌کرد. دست‌هایش

۱. انسان/ ۸.

۲. التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۰، ص ۲۱۱؛ التفسیر الکبیر فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳۰، ص ۷۴۶.

۳. الکافی، شیخ محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح علی‌اکبر الغفاری دار صعب - دار التعارف، بیروت، ج ۵، ص ۴۱۰.

۴. اسلام و خدمات اجتماعی، مصطفی زمانی، پیام اسلام، ۱۳۴۸، ص ۱۸۹.

طعام اطلاق می‌شد. در روایتی آمده است که: «بَعَثَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ بَدَنَانِينَ كَثِيرَةً - إِلَى أَصْحَابِ الصَّفَّةِ، وَبَعَثَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ يَوْسُقٍ مِنْ تَمْرٍ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ، لِأَصْحَابِ صَفَةِ دِينَارِ زِيَادِي فَرَسْتَادٍ وَعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فِي دَلِّ شَبِّ يَكُ بَارِشْتَرِ خَرْمَا فَرَسْتَادٍ».

حضرت علی علیه السلام در هنگام خلافت نیز گاه مخفیانه و در دل شب به فقرا طعام می‌فرستادند، محمد بن حنفیه می‌گوید: از پدرم پرسیدم، چرا این اموال را در روز به صورت علنی به فقرا نمی‌رسانید، فرمودند: «پسرم! صدقه پنهانی، خشم خدا را خاموش می‌کند».<sup>۲</sup>

جالب است بدانید؛ شخصی نقل می‌کند که شبی حضرت هنگامی که طعام برای فقرا می‌برد با خدا راز و نیاز می‌کرد و می‌فرمود: «خدایا! ای ولی مؤمنان، خدای مؤمنان و پناه مؤمنان! امشب هدیه مرا به درگاهت بپذیر! جز آنچه در سینی‌ام هست و آنچه پوشیده‌ام، چیزی را مالک نیستم و تو

خود می‌دانی که با همه نیازم، خود را به خاطر بهره نزدیکی به تو، از آن، محروم ساختم. پروردگارا! رویم را بر زمین مزین و دعایم را رد مکن». نزدیک وی آمدم و او را شناختم. دیدم علی بن ابی طالب علیه السلام است. نزد مردی رفت و او را سیر کرد.<sup>۳</sup>

بر فرض که حضرت علی علیه السلام هر شب به درب خانه فقرا و ایتم شیر می‌بردند، نیازی به ظرف یک بار مصرف، کارخانه مسگری نیست! زیرا با یک مشک پر از شیر می‌توان به درب خانه فقرا رفت. منظور از ناشناس هم، به معنای ظرف غذا را گذاشتن و رفتن نیست، بلکه می‌توان با یک نقاب زدن به صورت، ناشناس ماند و برای کمک به فقرا درب منزل آن‌ها رفت. از طرفی دیگر، در آن عصر دوربین عکس برداری و رسانه‌هایی چون تلویزیون و... وجود نداشت که همه بتوانند چهره خلیفه یا بزرگ شهر خود را بشناسند. برای نمونه روزی حضرت علی علیه السلام بانویی را در حین حمل ظرف آب می‌بیند و به کمکش می‌شتابد، از حالش

۲. ربیع الأبرار و فصوص الأخبار، محمود بن عمر زمخشری، تحقیق سلیم النعیمی، منشورات الشریف رضی، قم، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۴۸.  
 ۳. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب، علامه، قم، ۱۳۷۹، چاپ اول، ج ۲، ص ۷۶.

۱. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، عبیدالله بن عبدالله حسکانی، مصحح محمد باقر محمودی، التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، تهران، ۱۴۱۱ ق، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۴۸.

علی بن ابی طالب (ع) در آخر عمرش در هر روز و شب هزار رکعت نماز بجا می‌آورد.<sup>۲</sup> اما آنچه در این سؤال به آن توجه نشده، احکام نماز مستحبی است. پس از گرفتن وضو، نماز مستحبی را می‌توان در حال نشستن، خوابیدن، راه رفتن و در هر حالی خواند و نیاز به روبه‌قبله بودن ندارد. رکوع و سجود را نیز می‌توان با اشاره انجام داد. حتی در صورتی که سوره خوانده نشود، خللی در آن ایجاد نخواهد شد.

### توانمندسازی فقرا

شاید این سؤال پیش آید که چرا حضرت به جای ماهی دادن به فقرا، به آن‌ها ماهی‌گیری یاد ندادند. بله بیش از کمک به نیازمندان، توانمندسازی ایشان برای قرارگرفتن بر روی پای خودشان می‌تواند مفید واقع شود. زیرا هراندازه در جهت رفع نیاز نیازمندان (به‌ویژه نیازهای مادی آن‌ها) کمک و تلاش صورت پذیرد، اما بازهم احتمال بازگشت نیاز و نیازمندی مجدد فرد وجود دارد. اتفاقاً دین اسلام نیز بدین موضوع به خوبی اشاره دارد و از همین رو، ایجاد شرایط حرکت و پویایی

سؤال می‌کند، وی پاسخ می‌دهد: «بَعَثَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَاحِبِي إِلَى بَعْضِ الثُّغُورِ فُقُتِلَ وَ تَرَكَ عَلِيٌّ صَبِياناً يَتَامَى وَ لَيْسَ عِنْدِي شَيْءٌ» علی بن ابی طالب شوهر مرا به جنگی فرستاد و او کشته شد و برای من یتیم‌هایی به جا گذاشت و چیزی از مال دنیا ندارم. حضرت آب را به درب منزل می‌رساند، سپس برایش آذوقه می‌برد و می‌گوید من همان مرد دیروز هستم، بانوی کوفی از حضرت تشکر می‌کند و نسبت به حضرت علی (ع) کلمات نامناسبی به زبان می‌آورد. البته با معرفی امام توسط بانوی دیگر متوجه اشتباه خود شده و پوزش می‌طلبد.<sup>۱</sup> این ماجرا حاکی از آن است که حضرت علی (ع) حتی در کوفه نیز نزد همگان شناخته شده نبود.

### کمک شبانه و خواندن هزار رکعت در شب‌ها

کثرت عبادات حضرت مورد تأیید مورخان است. علامه مجلسی روایات متعددی را در رابطه با هزار رکعت نماز خواندن امام علی (ع) ذکر کرده است. از جمله: امام صادق (ع) فرمود: «انَّ عَلِيًّا كَانَ فِي آخِرِ عُمُرِهِ يُصَلِّي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَلْفَ رُكُوعَةٍ؛

۲. الکافی، شیخ محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، نشر اسلاهیة، بیروت، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۵۴.

۱. بحارالانوار، علامه مجلسی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۵۲.

برای افراد نیازمند که موجب تغییر چارچوب فکری‌شان نیز می‌شود را بر کمک‌های بلاعوض ارجح دانسته، به‌گونه‌ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ» صدقه ده ثواب و قرض، هجده ثواب دارد.<sup>۱</sup> یعنی ثواب قرض دادن از صدقه دادن بیشتر است، زیرا صدقه صرفاً نیاز کنونی نیازمند را رفع می‌کند، اما قرض، هم نیاز فعلی او را رفع می‌کند و هم او را وادار به تلاش و کوششی می‌کند که قطعاً در پی آن رشد، شکوفایی، پویایی و موفقیت خواهد بود. حضرت علی علیه السلام نیز نه تنها خود به این آموزه اسلامی عمل می‌کردند، بلکه در نهج البلاغه به امام حسن علیه السلام نیز نسبت به قرض دادن سفارش‌هایی دارند.<sup>۲</sup> امیرالمؤمنین علیه السلام علاوه بر قرض، راهکار دیگری نیز برای توانمند کردن نیازمندان در پیش گرفتند، و آن حفر چاه، ایجاد باغات، نخلستان‌ها و مزارع بود. حضرت با دست خود اقدام به درختکاری کرده و برخی از آن‌ها را وقف فقرا می‌کردند.

با این کار، از فقرارفع نیاز می‌شد، مجبور بودند خودشان در این زمین‌ها کار کنند و از ثمرات آن استفاده نمایند، حق فروشش را نداشتند زیرا وقف بود.

چشمه‌ابی نیز، از آن جمله است. این چشمه در ینبع قرار داشت که حضرت به نام ابی‌نیزر یکی از غلامان خود نام‌گذاری کرد.<sup>۳</sup> ابی‌نیزر نقل می‌کند: حضرت به محض حفر چاه، فرمودند: خدا را گواه می‌گیرم که این چشمه‌آب، صدقه است. کاغذ و قلم برایم بیاور. من به سرعت کاغذ و قلم آوردم. حضرت نوشتند: «به نام خداوند بخشنده مهربان. این چیزی است که بنده خدا علی، امیرمؤمنان صدقه داده است. این دو چشمه به نام‌های «عین ابی‌نیزر» و «بُغْيَغَه» را بر فقرای مدینه و در راه‌ماندگان وقف نمودم تا بدین وسیله، در روز قیامت چهره خود را از آتش دوزخ مصون دارم. کسی حق فروش و بخشش آن‌ها را ندارد تا آنگاه (یعنی قیامت) که خدا وارث آن‌ها شود و خدا بهترین وارثان است، مگر آن‌که حسن و حسین بدان‌ها محتاج شوند

۱. همان، ج ۴، ص ۱۰.

۲. نهج البلاغه، سید رضی، محقق صبحی صالح، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق، چاپ اول، ص ۳۹۸.

۳. وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، علی بن عبدالله حسنی شافعی سمهودی، تحقیق عبدالحمید، محمد محیی‌الدین، ط. الثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۲۷.

برخی موارد چاره‌ای جز رفع احتیاجات اولیه مستمندان نیست، و لذا نمی‌توان گفت در همه شرایط باید به سراغ توانمندسازی برویم. تصور کنید الان در محله ما تعداد ۱۰ فقیر وجود دارد و همه گرسنه‌اند و ما فقط یک میلیون تومان داریم. آیا با این پول می‌شود همه آن‌ها را توانمند ساخت؟ قطعاً پاسخ منفی است. در چنین موردی چاره‌ای جز تقسیم آن بین مستحقان نیست، زیرا هر کس با سهم خود می‌تواند اقلأً برای امروز رفع گرسنگی کند.

خیلی از موارد از این سنخ است، لذا حضرت علی (ع) به اولویت‌بندی در کمک به فقرا، گاهی به توانمندسازی آن‌ها فکر می‌کردند و گاهی به رفع نیازهای اولیه آن‌ها. بنابراین رفع نیاز از فقرا چه به صورت توانمندسازی و چه به صورت رفع نیازهای اولیه، در سیره حضرت علی (ع) جاری بوده و از اولویت‌های زندگی شخصی و حکومتی آن حضرت به شمار می‌آمده است.

که ملک خالص آن‌ها خواهد بود و هیچ‌کس دیگر حقی در آن‌ها ندارد.»<sup>۱</sup> یکی از روش‌های دیگری که می‌تواند در زمره توانمندکردن نیازمندان باشد، آزادی بردگان فقیر است، برای رفع نیاز برده می‌توان به او غذا داد، پوشاک برایش تهیه کرد و ... اما بهترین راه، آزادکردن وی است زیرا هنگامی که آزاد شد، خودش می‌تواند با کار و تلاش نیازهای خود را مرتفع سازد. امیرالمؤمنین علی (ع) در این زمینه نیز تلاش کردند. در روایات آمده ایشان «أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ كَيْدِ يَدِهِ» هزار برده را از درآمد شخصی خود آزاد کرد.

#### توانمندسازی فقرا بهتر است یا کمک به آن‌ها؟

با توجه به مطالب فوق، حضرت از هر دو روش برای فقرزدایی استفاده کردند. ایشان گاهی احتیاجات روزمره آن‌ها را مرتفع ساختند و گاهی نه تنها احتیاجات روزمره بلکه نسبت به توانمندسازی آن‌ها و حتی نسل آن‌ها با ایجاد موقوفات اقدام کردند. اما کدام از این دو روش بهتر است؟ با نگاه اول چنین به ذهن خطور می‌کند که توانمندی بهتر است، اما اگر دقیق بنگریم پاسخ به این سؤال نسبی است، در

۱. الکافی، ج ۷، ص ۴۹.

۲. همان، ج ۵، ص ۷۴.

## زمینه‌های انتخاب جمعه آخر ماه رمضان به نام «روز جهانی قدس»

رسول ساری اصل\*

### اشاره

تمام تلاش‌های صهیونیست‌ها برای محدود کردن قضیه فلسطین به جهان عرب، ناکام ماند و حضرت امام خمینی علیه السلام با موضع‌گیری‌های صریح خود، این آرزوی آن‌ها را به باد داده و جهانیان را در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان متوجه قضیه فلسطین کردند.

ایشان در ۱۳ رمضان ۱۳۹۹ (۱۶ مرداد ۱۳۵۸) در پیامی خطاب به مسلمانان،

آخرین جمعه از ماه مبارک رمضان را «روز قدس» نامیدند و از مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی خواستند برای کوتاه کردن دست دولت اسرائیل و پشتیبانان آن به هم پیوندند<sup>۱</sup> و در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان که از ایام قدر بود و می‌توانست تعیین‌کننده سرنوشت مردم فلسطین باشد، همبستگی خود را در حمایت از حقوق قانونی مردم فلسطین اعلام کنند.<sup>۲</sup> شاید بتوان گفت ایشان این

\*. دانش‌آموخته سطوح عالی حوزه علمیه قم و کارشناس مسائل غرب آسیا.

۱. صحیفه امام علیه السلام، امام خمینی علیه السلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ش، ج ۹، ص ۲۶۷.

۲. «انقلاب اسلامی و بازتولید بیداری در فلسطین با نگاهی نقادانه به آرا و نظریات غربی»، مهدی ابوطالبی، مجله پگاه حوزه، ش ۱۷۹، ۱۳۸۴ ش، ص ۹-۱۲.

"شهر الله اعظم" است، سزاوار است که مسلمانان جهان از قید اسارت و بردگی شیاطین بزرگ و ابرقدرت‌ها رها شده و به قدرت لایزالِ الله پیوندند و دست جنایت‌کاران تاریخ را از کشورهای مستضعفان قطع و رشته طمع آنان را بگسلانند.<sup>۲</sup>

با این فرمایش، حضرت امام علیه السلام روز جهانی قدس را یکی از فرایض اصلی این ماه مبارک قرار دادند. در واقع ماه مبارک رمضان بهترین فرصتی است که می‌توان در آن، قضیه حمایت از فلسطین را یکی از اعمال اصلی این ماه معرفی کرد و امام راحل علیه السلام این کار را انجام دادند تا همگان بدانند فلسطین و قدس شریف جزء لاینفک جهان اسلام و در عظیم‌ترین ماه مسلمانان جزو اعمالشان است.

**۲. آمادگی روحی مسلمانان در ماه مبارک رمضان:** مسلمانان بعد از حدود یک ماه روزه‌داری و پاک‌کردن خود از پلیدی‌ها، در یکی از آخرین روزهای ماه خدا آمادگی کامل دارند که حمایت خود را از فلسطین و همچنین انزجار خود را از رژیم

روز را جهت زمینه‌سازی برای نابودی رژیم صهیونیستی و همچنین فراموش نشدن قضیه فلسطین، «روز قدس» نامیدند، ولی این مهم، زمینه‌هایی داشت که همه آن‌ها در ماه مبارک رمضان، فراهم می‌شد. در ادامه به بیان آن زمینه‌ها می‌پردازیم.

### زمینه‌های انتخاب «روز جهانی قدس»

#### ۱. اعمال و عبادات مخصوص ماه مبارک

**رمضان:** در این ماه، تقریباً در تمام اعمال، اتحاد ویژه‌ای بین مسلمانان وجود دارد و در آن‌ها اختلافات کمی دارند. خداوند در قرآن کریم درباره اهمیت ماه مبارک رمضان می‌فرماید: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾<sup>۱</sup>. امام راحل علیه السلام نیز با توجه به همین اهمیت، مهم‌ترین قضیه مسلمانان را در آن گنجانده و آن را یکی از ایام قدر ماه مبارک معرفی کرد و برای تأکید بر اهمیت آن فرمود: «در شب قدر، مسلمانان با شب‌زنده‌داری و مناجات خود، از قید بندگی غیر خدای تعالی که شیاطین جن و انس‌اند، رها شده و به عبودیت خداوند درمی‌آیند و در روز قدس که آخرین روزهای

۱. بقره/۱۸۵.

۲. پیام امام خمینی علیه السلام برای نام‌گذاری روز جهانی قدس؛ ۱۳۵۸/۰۵/۱۷.



صهیونیستی اعلام کنند. از طرف دیگر، روز قدس در روزهای پایانی ماه مبارک قرار دارد و مسلمانان خود را مهیای برگزاری یکی از بزرگ‌ترین اعیاد مسلمین، «عید سعید فطر»، می‌کنند و دقیقاً قبل از آن با زبان روزه به خیابان‌ها می‌آیند و بانگ «یا اقصی» سر می‌دهند و اعلام می‌کنند که قضیه فلسطین یکی از فرایض فراموش‌نشده و دغدغه اصلی آن‌هاست.

**۳. فریضه یاری‌رسانی به مظلوم:** یکی از حکمت‌های الهی ماه مبارک رمضان درک حال مستمندان و مستضعفان و مظلومان است که مصداق بارز آن ملت مظلوم فلسطین است. این ملت ستم‌دیده نباید احساس تنهایی کند و روحیه خود را در مقابل رژیم غاصب صهیونیستی بیازد.

امام راحل علیه السلام نیز فرمودند: «روز قدس یک روز اسلامی است و یک بسیج عمومی اسلامی است. من امیدوارم که این امر مقدمه باشد از برای یک "حزب مستضعفین" در تمام دنیا.»<sup>۱</sup> ایشان با تأکید همیشگی بر این مسئله مهم،

آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را روز حمایت از مظلومان فلسطینی اعلام فرمودند تا تمام مسلمانان جهان توجه خود را به سمت قضیه فلسطین معطوف کنند و به ملت فلسطین این پیام را برسانند که تنها نیستند.

**۴. توجه به آثار بین‌المللی روز جهانی قدس:**

اگر بخواهیم سه فریضه مهم و اساسی و جهانی اسلام را نام ببریم، حج و روزه و عزاداری برای حضرت سیدالشهدا علیه السلام است. این سه، همه‌ساله تمام مسلمانان جهان را به تکاپو وامی‌دارد؛ به طوری که این ماه‌ها (ذی‌حجه و رمضان و محرم) نزد اکثر ملت‌های جهان از احترام ویژه‌ای برخوردار است، به ویژه ماه مبارک رمضان و روزه‌داری و اعمال خاص آن.

امام راحل علیه السلام آخرین جمعه ماه مبارک را روز قدس اعلام فرمودند تا همه جهانیان متوجه اهمیت قضیه فلسطین نزد مسلمانان شوند و غصب سرزمین فلسطین توسط صهیونیست‌ها را به آن‌ها یادآور شوند. ایشان فرمودند: «مستضعفان جهان باید قدرت اسلامی خود را بیابند و

۱. صحیفه امام علیه السلام، امام خمینی علیه السلام، ج ۹، ص ۲۸.

جهانیان شاهد تجمع مسلمانان باشند و از خود بپرسند که جریان فلسطین و اشغال کشورشان توسط صهیونیست‌ها چیست و چه زمانی و چگونه اتفاق افتاده است تا در نتیجه آن، گروه‌های مقاومت برای فعالیت‌های نظامی خود علیه این رژیم غاصب صهیونیستی، دلیل موجه نزد افکار عمومی جهانیان که بر حُکام آن‌ها تأثیرگذار است، داشته باشند.

۶. استمرار مبارزه و مقاومت: مسئله‌رهایی فلسطین و آزادی بیت المقدس از دست اشغالگران، از ابتدای حرکت انقلابی حضرت امام خمینی علیه السلام جایگاه برجسته و ویژه‌ای داشت. ایشان با نام‌گذاری روز قدس و همچنین طرح و ایده نابودی اسرائیل و محو آن از نقشه جهان و طرح آرزوی فتح بیت المقدس، یکی از بزرگ‌ترین پیش‌بینی‌های خود مبنی بر نابودی اسرائیل و آزادی قدس شریف را پایه‌گذاری و این‌گونه مطرح کردند: «ان شاء الله فلسطین آزاد بشود و بیت المقدس، آن‌که مسجد همه مسلمین است، به حال اول برگردد و آن‌هایی که به

از عریده‌های شرق و غرب و وابستگان و تفاله‌های آنان نه‌راسند و با اعتماد به خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام و ایمان به پا خیزند و دست جنایت‌کاران را از کشورهای خود کوتاه نمایند و آزادی قدس شریف و فلسطین را سرلوحه برنامه خود قرار دهند.»<sup>۱</sup>

### ۵. امکان تجمع جهانی مسلمانان: حضرت

امام خمینی علیه السلام در پیام نام‌گذاری روز قدس می‌فرماید: «من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه‌کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنیم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند...»<sup>۲</sup>

ایشان این روز را «روز جهانی قدس» نام گذاشتند تا حداقل سالی یک بار

۱. همان، ج ۱۵، ص ۶۱.

۲. پیام امام خمینی علیه السلام برای نام‌گذاری روز جهانی قدس، ۱۳۵۸/۰۵/۱۷.

مسلمین ظلم و ستم می‌کنند، ان شاء الله خداوند دفع شرّ آن‌ها را بکند.»<sup>۱</sup> همچنین در همین زمینه در ایام جنگ تحمیلی فرمودند: «جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت.»<sup>۲</sup>

امام راحل علیه السلام با نهادینه کردن این اصل توانستند راه مقاومت و مجاهدت و ناامید نشدن گروه‌های مقاومت را در راه مبارزه هموار سازند. اگر این آینده اندیشه حضرت امام راحل علیه السلام نبود، قضیه فلسطین به فراموشی سپرده می‌شد.

#### ۷. وجود غیرت در مسلمانان روزه‌دان: در

آخرین جمعه ماه مبارک رمضان، مسلمانان در تمام جهان با زبان روزه به خیابان‌ها می‌آیند و فریاد «یا لکلمسلمین» سر می‌دهند و تصاویر زنان و کودکان مظلوم فلسطینی را به همگان نشان می‌دهند و ضمن نشان دادن غیرت خود، باعث تحریک احساسات و ایجاد پرسش در ذهن ملت‌های مختلف می‌شوند که این‌ها که هستند و چه شده است و چرا در این وضعیت هستند! تمام این فعالیت‌ها حاصل دوران‌دیشی حضرت

امام خمینی علیه السلام است که در این باره فرمودند: «دفاع از نوامیس مسلمین و دفاع از بلاد مسلمین و دفاع از همه حیثیات مسلمین امری است لازم، و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمین مهیا کنیم و خصوصاً در این شرایطی که فرزندان واقعی سرزمین غصب شده فلسطین اسلامی و حزب الله لبنان، با نثار خون و جان خود فریاد «یا لکلمسلمین» سر می‌دهند، با تمام قدرت معنوی و مادی، در مقابل اسرائیل و متجاوزین بایستیم و در مقابل آن‌ها سفاکی‌ها و ددمنشی‌ها مقاومت و پایداری کنیم و به یاری آنان بشتابیم.»<sup>۳</sup>

در نهایت باید گفت که دوران‌دیشی حضرت امام خمینی علیه السلام در آن دوران حساس موجب شد که نه تنها ریشه درخت مقاومت در برابر صهیونیست‌ها و حامیان غربی‌شان خشک نشود، بلکه محمل جدیدی برای اتحاد مسلمانان جهان با محوریت آزادسازی قدس ایجاد شود.

۱. صحیفه امام علیه السلام، امام خمینی علیه السلام، ج ۱۴، ص ۲۶۸.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۲۸۳.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۴۸۶.

# امام حسن مجتبیٰ علیهما السلام

## کریم اهل البيت علیهم السلام

محمدجواد محسنی \*

### اشاره

بنابراین در بیشترِ مواقع اگر «أب» یا «أُم» بر سر نامی آمد، کنیهٔ شخص است؛ مثل ابوالقاسم، ابوالفضل، ابومحمد و... اما لقب به خصالت‌های نیک و بد افراد یا صفتی که شخص دارد برمی‌گردد. برای نمونه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، «مصطفی» یعنی «برگزیده» می‌گفتند و به هند، همسر ابوسفیان، «آکله الأکباد»<sup>۱</sup> یعنی «جگرخوار» لقب داده بودند. بنابراین هرکدام از ائمه علیهم السلام نیز اسم و کنیه و لقب داشتند؛ مثلاً نام امام دوم،

در فرهنگ عرب، سه نوع نام‌گذاری وجود دارد: اسم، کنیه و لقب. اسم که مشخص است. کنیه معمولاً به نام فرزند بزرگ شخص است. نحوهٔ انتساب شخص به کنیه به هنگام تولد برمی‌گردد؛ یعنی پدر و مادر تفرّال به نیک می‌زنند و می‌گویند: «ان شاء الله این نوزاد بزرگ شود و ازدواج کند و نام فرزندش را مثلاً حسن بگذارد» و همان روز اول کنیهٔ «ابوالحسن» را برای او انتخاب می‌کنند.

۱. أنساب الأشراف، احمد بن یحیی بلاذری، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۸۷.

\*. دانش‌آموختهٔ سطوح عالی حوزهٔ علمیه قم.

«حسن علیه السلام»، کنیه اش «ابومحمد» و القابش «مجتبی» و «سبط اکبر» است. همچنین از آنجاکه آن حضرت، انسان بسیار بخشنده‌ای بودند، ملقب به «کریم اهل بیت علیهم السلام» شدند.

### کریم اهل بیت علیهم السلام

امامان معصوم علیهم السلام همه دارای برترین سجایای اخلاقی و صفات پسندیده هستند و همه ایشان اکثر این صفات را دارند؛ اما گاهی به دلایل مختلف، از جمله شرایط زمان، در امامی صفت خاصی تبلور پیدا می‌کند و به عنوان لقب ایشان مشهور می‌شود. همه ائمه علیهم السلام «سجّاد» بودند، همه «شکافنده علم» بودند، همه «صادق» بودند، همه به هنگام خشم واقعاً خویشتن‌دار و «کاظم» بودند، همه ایشان «رضا» و «هادی» و «جواد» و «نقی» و «نقی» بودند؛ اما این القاب به همان دلیلی که گفته شد، بر امام خاصی اطلاق شده

است. بر همین اساس، به امام حسن مجتبی علیه السلام «کریم اهل بیت علیهم السلام» گفته‌اند. آن امام همام، پرورش یافته مکتب حضرت علی علیه السلام و بانو فاطمه زهرا علیها السلام است و نیکی به دیگران را از پدر و مادر آموخته است. بنا بر نقلی، ایشان در کودکی، در دل شب، هنگامی که دعاهای مادر در حق دیگران را می‌شنید، پرسید: «چرا همان‌گونه که برای دیگران دعا می‌کنی، برای خودت دعا نمی‌کنی؟! فرمود: "پسرم، اول همسایه، بعد خانه."<sup>۱</sup>

ایشان در ماجرای نزول آیه اطعام<sup>۲</sup> نیز شخصاً حضور داشت و شاهد ایثار پدر و مادر و پاداش خدا بود.<sup>۳</sup> بنابراین امام حسن علیه السلام دست پرورده چنین مادر و پدری است و کمک به دیگران، سیره ایشان است و از این رو به ایشان «کریم اهل بیت علیهم السلام» گفته‌اند.

۱. علل الشرایع، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کتاب فروشی داوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۱۸۲.

۲. انسان/ ۸: ﴿وَيُطْعَمُونَ الْطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مَشْكِيئًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾.

۳. الجامع لأحكام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، ناصر خسرو، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴، ج ۲۰، ص ۱۳۱؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود زمخشری، دارالکتاب العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۶۷۰.

به او عطا می‌کرد. در روایتی، حاجتمندی تقاضای مقداری کمک کرد؛ اما امام علی علیه السلام دو برابر به او بخشید. حضرت در پاسخ شخصی که از چرایی این موضوع پرسید فرمودند: «مگر نمی‌دانی که احسان آن است که بدون درخواست به کسی چیزی بدهند؟ اما آنچه پس از درخواست بدهند، بهای ناچیزی است در برابر آبروی او. شاید سائل شبی را با اضطراب و بین بیم و امید به سر برده و نمی‌دانسته است که آیا در برابر بیان حاجتش دست رد به سینه او خواهی زد یا شادی پذیرش به او خواهی بخشید؟ و اکنون با تن لرزان و دل پرتپش نزد تو آمده است. پس اگر تو فقط به قدر خواسته‌اش به او ببخشی، در برابر آبرویی که نزد تو ریخته است، بهای اندکی به او داده‌ای.»<sup>۴</sup>

آن حضرت علاوه بر کمک به فقرا، با آن‌ها هم‌نشین می‌شد. در منابع نقل شده

نمونه‌هایی از بخشش و ایثار امام حسن علی علیه السلام  
 امام حسن مجتبیٰ علیه السلام هیچ‌گاه نیازمندی را نومید نمی‌کرد و می‌فرمود: «من هم محتاج درگاه خداوندم و دوست دارم خدا هم مرا محروم برنگرداند. حیا می‌کنم درحالی که خودم محتاجم، محتاجی را مأیوس کنم. خداوند عادت دارد نعمت‌هایش را بر من ارزانی بدارد و عادت من هم این است که نعمت‌هایش را به بندگانم ببخشم. می‌ترسم ترک این عادت کنم و خدا نیز از عادت خود دست بکشد.»<sup>۱</sup>

آن حضرت، مصداق کامل آیه ﴿وَإِذَا حُيِّئْتُمْ بِهِ بِحَبِيبَةٍ فَحَبُّوا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها﴾<sup>۲</sup> بود؛ هنگامی که کنیزی گلی به ایشان هدیه کرد، در عوض در راه خدا آزاد شد و هنگامی که از این عمل پرسیدند، به این آیه استناد کرد.<sup>۳</sup>

گاهی حضرت بیش از خواسته سائل

۳. کشف الغمّة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، علی بن عیسی اربلی، به تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، بنی‌هاشمی، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۳۱.  
 ۴. الإمام المجتبی ابو محمد الحسن بن علی علیهم السلام، حسن مصطفوی، علمیه، قم، ص ۸۸.

۱. کنز المدفون، جمعی از علما، شریف رضی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ش، ص ۱۲۳.  
 ۲. نساء/۸۵.

است: روزی امام مجتبی علیه السلام از جایی می گذشتند که جمعی از فقرا در آن راه بودند و غذا میل می کردند. آن ها پاره های نان خشک را روی زمین می گذاشتند و می خوردند. هنگامی که نظرشان به امام حسن علیه السلام افتاد، از ایشان خواستند با آن ها غذا بخورد. امام از اسب پیاده شدند و فرمودند: «خداوند متکبران را دوست نمی دارد» و در جمع آن ها نشستند و از غذایشان میل کردند. سپس از همه شان دعوت کردند که برای صرف غذا به خانه امام بروند و حضرت با غذاهای خوب از ایشان پذیرایی کردند و به همه لباس های مناسب هدیه دادند.<sup>۱</sup>

### بخشش همه اموال

براساس برخی گزارش های تاریخی، امام گاهی همه اموال خود را می بخشید: «خَرَجَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ مِنْ مَالِهِ مَرَّتَيْنِ وَقَاسَمَ اللَّهُ مَالَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛ امام حسن علیه السلام دو بار همه اموال خویش را در راه خدا دادند و سه

دفعه اموال خود را با خدا تقسیم کردند.»<sup>۲</sup> شاید این سؤال مطرح شود: چگونه چنین چیزی ممکن است و پس از این بخشش، حضرت چگونه خود و خانواده خویش را اداره می کردند؟ و آیا اصلاً این کار معقول است؟ آیا بخشش همه اموال باعث عسرو حرج نمی شود و برخلاف بیان اوصاف بندگان خدا در قرآن نیست که می فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»<sup>۳</sup>؟

پاسخ آن است که این گونه کرامت، نه انفاق معمولی، بلکه ایثار است و امام حسن مجتبی علیه السلام بیش از هرکسی به این اوصاف واقف اند. بنابراین عمل امام حسن علیه السلام بخشش معقولی بود. هیچ جا هم ذکر نشده که این بخشش های تعجب برانگیز باعث فقر و تنگدستی ایشان شده باشد و این خود حاکی از آن است که این گونه انفاق و ایثار کاملاً دقیق و حساب شده بوده است.

۳. فرقان/۶۷: و آن ها هنگام انفاق اسراف نمی کنند و بخل نمی ورزند؛ بلکه در این بین، راه میانه روی را انتخاب می کنند.

۱. جلاء العیون، محمدباقر مجلسی، انتشارات علمیة اسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۴۱.  
۲. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب، علامه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۱۴.

## بخشش به دشمنان

بخشش امام مجتبیٰ علیه السلام شامل حال دشمنان نیز می‌شد. از آنجاکه معاویه در شام علیه امام علی و امام حسن علیهما السلام تبلیغات منفی کرده بود، مردم شام ناسزاگفتن به امام را عبادت تصور می‌کردند و گاه و بیگاه به ایشان دشنام می‌دادند.

روزی مردی از شام از کنار امام حسن علیه السلام گذشت و دشنام داد. امام علیه السلام نه تنها تند نشدند و پاسخ شبیه به او ندادند، بلکه با گشاده رویی برخورد کردند و لبخند زدند و فرمودند: «ای مرد، گمان می‌کنم تو غریبی و گویا امر بر تو مشتبه شده است. اگر از ما درخواستی داری، عطایت می‌کنیم؛ اگر از ما طلب هدایت کنی، راهنمایی‌ات می‌کنیم؛ اگر از ما یاری طلبی، یاری‌ات می‌کنیم؛ اگر گرسنه‌ای، سیرت می‌کنیم؛ اگر لباس نداری، می‌پوشانیمت؛ اگر نیازمندی، بی‌نیازت می‌کنیم؛ اگر رانده شده‌ای، پناهت می‌دهیم؛ اگر حاجتی داری،

برایت برمی‌آوریم؛ اگر بار خود را بیاوری و به خانه ما فرود آوری و تا وقت رفتن مهمان ما باشی، برایت بهتر است؛ زیرا ما خانه بزرگی داریم و آنچه بخواهی، برای ما میسر است.»

او هنگامی که رفتار کریمانه امام حسن علیه السلام را دید، به گریه افتاد و گفت: «گواهی می‌دهم که تویی خلیفه خدا در زمین و خدا بهتر می‌داند خلافت و رسالتش را در کجا قرار دهد. پیش از این، تو و پدرت را از همه دشمن تر می‌داشتم و اکنون محبوب‌ترین خلق نزد من هستی.» پس بار خود را به خانه حضرت برد و تا زمانی که در مدینه حضور داشت، مهمان ایشان بود و از دوستان و شیعیان آن حضرت شد.<sup>۱</sup>

### فرجام کلام

اطعام، اکرام، انفاق و ایثار در زندگی امام مجتبیٰ علیه السلام موج می‌زد و باینکه همه معصومان علیهم السلام سخاوتمند بودند و در انفاق و بخشش و ایثار بر همگان پیشی می‌گرفتند، اما این سیره در امام حسن علیه السلام

۱. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۴۴.



بیشتر جلوه کرد و تبلور یافت. بخشش‌های حضرت ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی داشت که حتی گاهی دشمنان نیز در سایه لطف و کرامت ایشان قرار می‌گرفتند. از این رو ایشان به «کریم اهل بیت علیهم‌السلام» معروف شده‌اند.<sup>۱</sup> به همین دلیل است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «لَوْ كَانَ الْفَضْلُ شَخْصًا لَكَانَ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛<sup>۲</sup> اگر فضل به صورت انسانی جلوه‌گر شود، امام حسن علیه‌السلام همان انسان خواهد بود.» بخشش‌های محیرالعقول امام مجتبی علیه‌السلام تا جایی بود که گاهی ایشان تمام اموال خود را می‌بخشید. این‌گونه بخشش‌ها از طرف امام کاملاً عقلانی بود و امام آعقل عَقْلَاسْت. از این رو پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بیان دیگری فرمودند: «لَوْ كَانَ الْعَقْلُ شَخْصًا لَكَانَ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛<sup>۳</sup> اگر عقل به صورت انسانی جلوه‌گر شود،

امام حسن علیه‌السلام همان انسان خواهد بود.»<sup>۴</sup> امروزه که به دلیل تحریم اقتصادی دشمن، خانواده‌های زیادی از فقر رنج می‌برند، الگو قرار دادن امام حسن علیه‌السلام بخشی از مشکلات جامعه را حل خواهد کرد. رفتار امام نشان داد که دست‌گیری از فقرا کافی نیست؛ بلکه بخشش باید کریمانه باشد که فقیر احساس حقارت نکند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ؛<sup>۵</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقات خود را با منت گذاشتن و اذیت کردن ضایع نکنید همانند کسی که از روی ریا انفاق می‌کند.»

۳. فرائد السمطين، ابراهیم بن محمد حموی، بیروت، ۱۳۹۸ ق، ج ۲، ص ۶۸.  
 ۴. أسرار بیت أبوالأمیر مرتضی بن حسین، عبدالکریم زرنندی، بی‌جا، بی‌تا، ۸۳۰ ق، ص ۴۶.  
 ۵. بقره/۲۶۴.

۱. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، دار صادر، بیروت، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۶.  
 ۲. مائة منقبة من مناقب امیرالمؤمنین و الأئمة علیهم‌السلام، محمد بن احمد بن شاذان، مدرسه امام مهدی علیه‌السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۳۶.

# آثار اخلاص مبلّغان

هادی حسین‌خانی\*

## اشاره

تبلیغ دین، رسالت انبیای الهی و علمای دین است. تأثیرگذاری تبلیغ دین منوط به وجود شرایط متعددی است که از مهم‌ترین آن‌ها «اخلاص مبلّغان» است. این نوشتار به بیان «آثار و نتایج اخلاص مبلّغان» می‌پردازد.

## مفهوم اخلاص مبلّغان

«اخلاص یعنی این که انسان کار را برای خدا و به عشق انجام وظیفه انجام دهد. انسان برای هوای نفس، برای رسیدن به مال، به ثروت، به مقام، نام نیک،

قضاوت تاریخ، برای انگیزه‌های نفسانی، برای اشباع صفت پلید حسد، طمع، حرص، زیاده‌طلبی و افزون‌طلبی کار نکند؛ کار را برای خدا و محض انجام وظیفه بکند. این معنای اخلاص است. این چنین کاری پیش می‌رود. این گونه کاری، مثل شمشیر بُرنده، هر مانعی را از سر راه برمی‌دارد.»<sup>۱</sup>

مراد از اخلاص در تبلیغ، آن است که مبلّغ در امر تبلیغ خود رضای خداوند را در نظر بگیرد. این نکته در قرآن کریم آمده است و انبیا سرفصل این عنوان بودند.

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در اجتماع بزرگ نیروهای مقاومت بسیج مردمی؛ ۱۳۷۵/۰۹/۰۵.

\*. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانش‌آموخته دکتری تخصصی (موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام).

آن‌ها کارهایشان را فقط برای خداوند انجام می‌دادند و ذره‌ای غیر خدا در وجود آن‌ها نبود. این مقام و صفت را قرآن با کلمه «نُصَح» بیان می‌کند؛ یعنی غش نداشتن و اخلاص داشتن.<sup>۱</sup>

### آثار اخلاص مبلغان

#### ۱. فزونی برکت

اگر کاری خالصانه برای خدا انجام گیرد، خداوند به آن کار برکت خواهد داد؛ هرچند کار کوچکی باشد و با امکانات کمی انجام شود و با مشکلات و گرفتاری‌های زیادی توأم باشد. این مطلبی است که در طول تاریخ بشر خداوند آن را عملاً به مردم آموخته است. اگر قدمی برای او بردارند و کاری را برای رضای او انجام دهند، خدا آن کار را بزرگ و برکات آن را زیاد می‌کند.<sup>۲</sup>

رهبر معظم انقلاب علیه السلام برکت حرکت خالصانه امام علیه السلام را این‌گونه توصیف می‌کنند: «امام علیه السلام از روز اول فرمود: ما مأمور

به تکلیفیم، نه به نتیجه. این عین اخلاص است، محض اخلاص است. فقط برای خداست که ذره‌ای قدرت طلبی و جلب حُطام مادی در این چنین دلی وجود ندارد. امام علیه السلام به تکلیف خود که مأموریت او بود عمل کرد، خدا هم نتیجه را به او داد: "دنیا از صدای امام پُر شد." ما آن روزها نه بلد بودیم تبلیغات بکنیم، نه ابزارهای تبلیغاتی در اختیار انقلاب و نظام نوپا بود. باین وصف، وقتی کسی به هر نقطه‌ای از دنیای اسلام و حتی بیرون از دنیای اسلام قدم می‌گذاشت، نفس امام علیه السلام، نام امام علیه السلام، یاد امام علیه السلام را در آن جا زنده می‌دید. خداوند متعال این‌گونه به کلمه طیبه برکت می‌دهد و آن را پیش می‌برد.<sup>۳</sup>

معظم‌له در بیانی دیگر، اخلاص طلبه مؤمن را موجب غرس شجره طیبه می‌دانند؛ «هیچ چیزی زیباتر و پُرجاذبه‌تر و شیرین‌تر از تلاش یک طلبه جوان باایمان با امید بابتکار نیست. این چیز عجیبی

۳. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی؛ ۱۳۸۴/۱۰/۱۹.

۱. سیره معصومین علیهم السلام، محمدحسن ربانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، کتابخانه دیجیتال نور، ص ۳۶۵.

۲. مباحثی درباره حوزه، محمدتقی مصباح یزدی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، چاپ هفتم، ب ۱۳۹۷، ص ۲۱۲.

بلکه روح اخلاص و انگیزه عمل به تکلیف است. به تعبیر آیت الله مصباح یزدی، «اگر بخواهیم پیشرفت کنیم، نه امکانات مادی بسیار، نه نیروی فراوان و نه سلاح انبوه، هیچ کدام نمی تواند به تنهایی مؤثر باشد. لازمه پیروزی در این نبرد اتکای به خدا و اخلاص است. اگر کار ما کار خالص باشد و در آن انگیزه شخصی و مادی نباشد، خدا به آن برکت می دهد؛ اما اگر در آن خودنمایی، خودخواهی و انگیزه های مادی و دنیوی باشد، مثل کرمی که در میوه ای می افتد و آن را از بین می برد، موجب خرابی آن می شود؛ هرچند حجم آن زیاد باشد. به وضوح مشهود است که در دنیا کارهای بسیاری انجام می گیرد و بودجه های کلانی صرف می شود؛ اما ساختمان های بزرگ و وسایل فراوان، هیچ کدام بازدهی لازم را ندارد. در بسیاری از جاها نیز، بدون هیچ امکانات و سروصدا و تبلیغاتی، کارهای بزرگی انجام شده که هیچ کس تصور نمی کرده است.»<sup>۲</sup>

## ۲. ماندگاری کار

تبلیغی که خالصانه و به قصد جلب

است. کسانی که در این وادی نیستند، شاید درست نفهمند که من چه می گویم. یک طلبه، در گوشه ای از این دنیای بزرگ، تک می افتد و به کاری می چسبد. اگر ایمان و امید و ابتکار داشته باشد - این سه عنصر حتماً لازم است - می بینید بدون این که بر کسی تحمیل بشود، بدون این که مرتب مزاحم کسی بشود، بدون این که توقع زیادی داشته باشد و بدون این که برای خودش فکری بکند، این کار را شسته و رفته و تمیز و مرتب انجام می دهد. بعد که انسان نگاه می کند، می بیند واقعاً به خاطر اخلاص یک آدم مؤمن، شجره طیبه ای در این جا ایجاد شده است. آن وقتی که ما طلبه ها این طور کار می کنیم، برکات الهی با ما است. تا وقتی که اخلاص هست، تا وقتی که "خود" نیست، تا وقتی که با کمترین برداشت بیشترین کار را می خواهیم انجام بدهیم و واقعاً به انگیزه و به سائقه همان هدایت الهی کار می کنیم، برکات الهی همراه ما است.»<sup>۱</sup>

بنابراین، آنچه کار تبلیغی را تأثیرگذار و فزاینده می کند، نه امکانات مادی فراوان،

۲. مباحثی درباره حوزه، محمدتقی مصباح یزدی، ص ۲۱۶.

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار مسئولان دفاتر سازمان تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۷۰/۰۸/۲۰.

خشنودی خداوند انجام شود، اثرش پایدار و ماندگار است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه با «تشبیه اعمال به آلیاژ» می‌فرماید: «آلیاژ اگر صد درصد طلا باشد، فاسدشدنی نیست؛ زنگ خوردنی نیست؛ اما به هر اندازه که مس و آهن و بقیه مواد کم قیمت داخل این آلیاژ باشد، فساد آن و از بین رفتنش بیشتر است. این یک قاعده کلی است. این در محسوسات است؛ اما در معنویات این موازنه‌ها بسیار دقیق‌تر است. ما به حسب دید مادی و معمولی نمی‌فهمیم؛ اما اهل معنا و بصیرت می‌فهمند. نقاد این قضیه، صراف و زرگر این ماجرا خدای متعال است: «فَإِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ»<sup>۱</sup> اگر یک سر سوزن ناخالصی در کار ما باشد، به همان اندازه آن کار کم ارزش می‌شود و خدا از ماندگاری آن می‌کاهد. خدای متعال ناقد بصیری است. کار اما حسین علیه‌السلام، از کارهایی است که یک سر سوزن ناخالصی در آن نیست.»<sup>۲</sup>

پایداری اثر تبلیغات انبیای الهی، به ویژه خاتم آنان صلی‌الله علیه و آله، مرهون اخلاص و صفای باطن ایشان بوده است.

### ۳. نشاط و خستگی ناپذیری

مبلغانی که با انگیزه الهی وارد میدان تبلیغ می‌شوند، پاداش خود را از خدای متعال دریافت می‌کنند؛ همچنان که انبیای الهی به مردم اعلام می‌کردند که از آنان پاداشی نمی‌خواهند و اجر آن‌ها با خداوند متعال است.<sup>۳</sup> اما این که ماهیت پاداش الهی چیست و با چه فوریتی اعطا می‌شود، سؤالی است که رهبر معظم انقلاب رحمته‌الله علیه به آن پاسخ داده‌اند: «باید با نیت خالص وارد میدان شد. هر جا که شما ملاحظه می‌کنید توفیقاتی وجود دارد، با این اخلاص هاست و خدای متعال زود جواب می‌دهد؛ «أَنَّ الزَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ»<sup>۴</sup> اگر انسان یک قدم برای خدا بردارد، خدای متعال چنان زود جوابش را می‌دهد که خود انسان متحیر می‌شود.

۳. هود/۲۹: ﴿وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ﴾.

۴. اقبال الأعمال، علی بن موسی بن طاووس، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۷، ص ۶۸، دعای ابوحمزه ثمالی امام سجاد علیه‌السلام.

۱. اصول ثابت الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة، محمد حسن حر عاملی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۲، ص ۶۷: «أَخْلَصَ الْعَمَلُ فَإِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ».

۲. بیانات مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه در دیدار جمعی از پاسداران؛ ۱۳۷۲/۱۰/۲۶.

می‌کرد؛ اما با پیگیری و نشاط کارها را تعقیب می‌کرد. این همان عشقی است که در دل انسان روشن می‌شود و دیگر آرام نمی‌گیرد. و امام آرام نمی‌گرفت، خدا هم جوابش را داد.<sup>۲</sup>

#### ۴. جذب دل‌های مردم

جلب دل‌های مردم نتیجه دیگر تبلیغ خالصانه دین است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «هرگاه هدف عالم از علمش رضای خداوند متعال باشد، همه چیز از او بترسد، و هرگاه هدفش از آن مال‌اندوزی باشد، او از همه چیز بترسد.»<sup>۳</sup> حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته الله علیه توجه فوق‌العاده مردم به حضرت امام رحمته الله علیه و آیت‌الله اراکی رحمته الله علیه را حاکی از اخلاص چشمگیر آن بزرگواران می‌داند: «روز چهلم رحلت امام رحمته الله علیه با هلیکوپتر به سمت مرقد آن بزرگوار می‌رفتیم. - چهل روز قبل از آن، آن‌جا یک زمین صاف بود؛ مزرعه‌ای بود که مرحوم حاج احمد آقا رحمته الله علیه و دیگران رفتند و زمین‌هایش را از صاحبانش خریدند تا مقبره کنند - که یک‌باره دیدم

جواب الهی چیست؟ یک پاکت پول زیر متکای آدم؟ نه، جواب خدا آن شوقی است که در دل شما می‌اندازد؛ آن نوری است که در دل شما می‌افروزد؛ آن قبولی است که آن را به شما حالی می‌کند؛ آن چهره نورانی الوهیتی است که آن را به دل و چشم باطن شما نشان می‌دهد: «وَأَتَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ»<sup>۱</sup> اگر در کار ما یک ذره اخلاص پیدا شود و عملی با این اخلاص انجام گیرد، خدای متعال زود جواب می‌دهد. اولین جواب همین چیزی است که عرض کردم: دل انسان را به این حرکت و به این شوق گرم می‌کند. وقتی که دل با شوق و عشق آمیخته شد، دیگر احساس خستگی نمی‌کند. این چیزی بود که ما در امام رحمته الله علیه مشاهده کردیم. امام رحمته الله علیه واقعاً احساس خستگی نمی‌کرد. آن روزی که امام رحمته الله علیه وارد ایران شد و این بار به این عظمت را بر دوش گرفت، یک پیرمرد هشتادساله بود؛ یعنی در سنی بود که باید در گوشه‌ای می‌نشست و استراحت

۱. همان.

۲. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در دیدار علما و روحانیون اراک؛ ۱۳۷۹/۰۸/۲۵.

۳. میزان الحکمة، محمد محمدی ری‌شهری، ترجمه حمیدرضا شیخی، دارالحدیث، قم، چاپ یازدهم، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۴۶.

گنبدی بالا آمده و مزار و امامزاده‌ای درست شده است. مردم هم پیاده به طرف این مزار می‌آمدند. منقلب شدم و گفتم: "پروردگارا! چه زود جواب می‌دهی! چه زود پاداش را در مشیت شخص می‌گذاری!" یک نمونه دیگرش مرحوم آیت‌الله اراکی رحمته بود. آقای اراکی، پیرمرد صد و چندساله، از دنیا رفت و بنده در تشییع جنازه او شرکت کردم. این جوان‌ها که در تهران مثل ابر بهار گریه می‌کردند، چه موقع آقای اراکی را دیده بودند؟! چه موقع با او نشستند؟! ایشان چند صباحی مرجع تقلید شد؛ اما اخلاص و صفا و معنویت او این طور دل‌های مردم را مثل آهن‌ربا به طرف خودش جذب کرد. این‌ها راست است.<sup>۱</sup>

### ۵. جلب توفیقات الهی

مبلغ با اخلاص توفیقات خداوند متعال را به سوی خود جلب می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «خداوند متعال از بالای عرش می‌فرماید: "بندگان

من، در آنچه شما را به آن امر می‌کنم، مرا عبادت کنید و مصلحت خود را به من نیاموزید؛ چراکه به آن دانایم و نسبت به مصالح شما امساک نمی‌کنم." حضرت زهرا علیها السلام نیز می‌فرماید: «کسی که عبادت خالصانه خود را به سوی خدا بالا ببرد، خداوند بهترین مصلحت را برای او نازل می‌کند.» امام حسن علیه السلام نیز می‌فرماید: «کسی که خداوند را بندگی کند، خداوند همه چیز را بنده او می‌سازد.» امام حسین علیه السلام هم می‌فرماید: «کسی که خدا را در حق عبادتش بندگی کند، خداوند بالاتر از آمال و کفایتش به او عطا می‌کند.»<sup>۲</sup>

بنابراین، مبلغان و مروّجان دین باید توجه داشته باشند که در تبلیغ و اجرای برنامه‌های دینی و مذهبی و تأسیس مراکز مذهبی یا تشویق دیگران به این امور، انگیزه و نیتشان خالص باشد. ممکن است با تبلیغات و موعظه‌های خود

۱. بیانات مقام معظم رهبری رحمته در دیدار گروه کثیری از علما و روحانیون اراک؛ ۱۳۷۹/۰۸/۲۵.  
۲. بحارالأنوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳، ص ۱۸۴: امام علی علیه السلام: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ يَا عَبَادِي اغْبُدُونِي فِيمَا أَمَرْتُكُمْ وَلَا تَعْلَمُونِي مَا يُضِلُّكُمْ فَإِنِّي أَعْلَمُ بِهِ وَلَا أَبْخُلُ عَلَيْكُمْ

بِمَصَالِحِكُمْ»؛ حضرت زهرا علیها السلام: «مَنْ أَصْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ»؛ امام حسن علیه السلام: «مَنْ عَبَدَ اللَّهَ عَبَدَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ»؛ امام حسین علیه السلام: «مَنْ عَبَدَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ آتَاهُ اللَّهُ فَوْقَ أَمَانِيهِ وَكَفَائَتِهِ»

انقلاب صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مقام پاسخ به این سؤال می‌فرمایند: «مخلصاً، موقناً و متوکللاً علی الله راه بیفتید، خدای متعال ان شاء الله کمک خواهد کرد، هم کمک مادی و هم کمک غیرمادی. البته گاهی هم خدا کمک مادی نمی‌کند. این طور هم نیست که فرض کنیم در همه حالات خدای متعال موظف است کمک مادی کند! نه. طبیعت عالم هر چه هست، نقشه الهی کار خودش را می‌کند. زکریای نبی را با اژه به دو نیم کردند. من ذیل آیه شریفه ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ \* فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾<sup>۲</sup> سابقاً روایتی دیدم که این ﴿فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّسْهُمْ سُوءٌ﴾ مربوط به همان‌هایی است که در راه خدا کشته شدند. کشته شدن در راه خدا، سوء نیست. معنای ﴿لَّمْ يَمَسَّسْهُمْ سُوءٌ﴾ این نیست که یک سیلی هم به ما نخواهد خورد! چرا، سیلی هم

دیگران را به راه درست راهنمایی کنند و آنان را جذب مسائل فرهنگی و دینی کنند و با تلاش در بنای مسجد و همت گماردن به تأسیس مراکز مذهبی، زمینه مناسبی برای ترویج مسائل فرهنگی و رشد کمی و کیفی ابعاد فرهنگی جامعه فراهم آورند؛ اما نباید بپندارند که آن فعالیت‌ها همیشه به خود آن‌ها سود می‌رساند و حتماً از آن‌ها بهره‌آخروی می‌برند؛ وقتی آن فعالیت‌ها برای ما مفید و موجب تعالی و کمال ما می‌شوند که هدفمان خداوند باشد. حرکت و تلاش تنها برای ترویج دین باشد و انگیزه شخصی نداشته باشیم که در این صورت سعادت بزرگی نصیبمان گشته است.<sup>۱</sup>

گرچه توفیقات الهی برای مبلّغی که به انگیزه الهی تبلیغ می‌کند، شامل توفیقات مادی هم می‌شود، اما ممکن است سؤال شود: چرا گاهی مبلّغ مخلص دچار سختی و مشکلات طاقت‌فرسا می‌شود؟! آیا این مشکلات با توفیقات الهی سازگار است؟! رهبر معظم

۱. ره‌توشه؛ پنجاهای پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ابوذر، محمدتقی مصباح یزدی، به تحقیق و نگارش کریم سبحانی، قم، چاپ هفتم، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۶۶.  
۲. آل عمران/ ۱۷۳ و ۱۷۴.

۱. ره‌توشه؛ پنجاهای پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ابوذر، محمدتقی مصباح یزدی، به تحقیق و نگارش کریم سبحانی، قم، چاپ هفتم، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۶۶.



می خورد. بالاتر از سیلی هم می خورد؛ منتها این سوء نیست. با معیار الهی که نگاه کنید، «لَمْ يَنْسَهُمْ سُوءٌ» [است]؛ اما با معیارهای مادی بشری که نگاه کنید، همه اش سوء است. خدای متعال با معیارهای خود حرف می زند؛ با معیار محدود ما، مادی دل ها و مادی ذهن ها که حرف نمی زند.<sup>۱</sup>

### ۶. تثبیت و تحکیم جامعه

امیرمؤمنان علیه السلام در بیان صفات فرد باتقوا می فرمایند: «به خداوند اخلاص ورزید؛ و خداوند وی را به مقام مخلصین نائل ساخت. [این رشدیافته] از معادن دین خداوندی، مانند میخ های محکم [نگه دارنده ارزش ها] در زمین است.»<sup>۲</sup>

این بندگان برگزیده خدا، به سبب پیوستگی و وابستگی شان با دین، چنان قوام و استحکامی دارند که موجب استحکام زمین خدا و محیط زندگی انسان های دیگر می شوند و جامعه را از

اضطراب و گسستگی حفظ می کنند. به تعبیر حضرت، آنان اوتادِ زمین اند و کاربرد واژه «اوتاد» که جمع «وتد» و به معنای میخ است، گویای آن است که انسان های مخلص با رفتارها و راهنمایی های خود باعث استحکام جامعه و پیوستگی اش می شوند و آن را از نابودی و تلاشی نجات می دهند؛ چنان که خداوند کوه ها را میخ های زمین و باعث استحکام و پیوستگی آن قرار داد.<sup>۳</sup> آنان با بهره مند ساختن مردم از دانایی های خود، دین آنان را قوام و استحکام می بخشند و مانع انحراف و تزلزل در اعتقادات دینی و باورهای مذهبی ایشان می شوند و در نتیجه، مردم با راهنمایی های آنان به راه حق و صواب رهنمون می شوند و از عذاب و کیفر الهی مصون می مانند.<sup>۴</sup>

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۷۵/۱۲/۰۵.

۲. نهج البلاغه، سید رضی، به تصحیح صبحی صالح، نشر هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، خطبه ۸۷: «قَدْ أَخْلَصَ لِلَّهِ فَأَسْتَخْلَصُهُ فَهُوَ مِنْ مَعَادِنِ دِينِهِ وَأَوْتَادِ أَرْضِهِ.»

۳. بهترین ها و بدترین ها از دیدگاه نهج البلاغه، محمدتقی مصباح یزدی، تدوین و نگارش کریم سبحانی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، چاپ پنجم، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲.

۴. همان، ص ۱۲۳.

# دللم برای صیادم تنگ شده ...

بازخوانی ابعاد شخصیتی  
امیر سپهبد شهید علی صیاد شیرازی

محمدباقر نادم\*

## اشاره

حوادث و مقاطع مختلف جنگ تحمیلی بوده و نام او با تاریخ هشت سال دفاع مقدس عجین شده است.

صیاد شیرازی، کسی بود که با دلاوری و ایمان، سال‌ها در جنوب و غرب کشور در برابر دشمنان متجاوز قامت برافراشت. شهیدی با سجایای اخلاقی برجسته و متعدد که ثابت نمود می‌شود در عین نظامی بودن، دارای لطیف‌ترین روح ایمان و بندگی هم بود. مجاهدی که از اولین روزهای پیروزی انقلاب در اصفهان مشغول به خدمت بود و سپس برای مبارزه با منافقین و

دوران پرافتخار هشت سال دفاع مقدس مشحون از تلخی‌ها و شیرینی‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌هاست. تعداد بی‌شماری از ایثارگران، رزمندگان و فرماندهان در این عرصه نقش آفرینی کردند که تاریخ جنگ تحمیلی این حماسه آفرینی‌ها را در حافظه خود ثبت و ضبط کرده است. در این میان برخی از نقش‌ها فراموش ناشدنی و برجسته‌ترند؛ همچون نقش شهید سپهبد علی صیاد شیرازی که بر اساس شواهد تاریخی، یکی از فرماندهان مهم و اثرگذار بر

\* دانش‌آموخته سطح عالی حوزه علمیه قم و دکترای عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره).

ضد انقلاب به کردستان رفت و سپس در دوران جنگ تحمیلی در جایگاه فرماندهی عملیات‌ها بارها خوش درخشید.

این نوشتار به مناسبت سالگرد شهادت آن مرد بزرگ و با هدف تجلیل از مقام عالی او، ایجاد التزام به سیره نورانی شهید و ارایه الگوی مناسب برای نسل آینده در فضاهای تبلیغی نگاشته شده است که به معرفی و واکاوی نه ویژگی اخلاقی منحصر به فرد این شهید عزیز می‌پردازد.

### ویژگی‌های اخلاقی شهید صیاد شیرازی

#### ۱. پیشتاز در معنویت

از مهمترین ابعاد سیره نورانی شهید صیاد شیرازی، توجه به معنویات، به ویژه نماز اول وقت در هر شرایطی بود. بیشتر کارهای او به گونه‌ای تنظیم می‌شد که یا با وقت نماز به پایان می‌رسید، یا پس از خواندن نماز شروع می‌شد. حتی جلسات فرماندهان را به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کرد که در اول وقت فضیلت نماز پایان یابد و اگر تا وقت ادای فریضه جلسه ادامه داشت، آن را موقتاً تعطیل و پس از اقامه نماز مذاکرات جلسه ادامه می‌یافت.

معتقد بود که این روحیه و انضباط معنوی برکات عظیمی در تصمیم‌گیری‌های فرماندهان قرارگاه عملیاتی دارد.<sup>۱</sup>

وی که عضو گارد نظامی دوره طاغوت بود، زمانی که خیلی از دانش‌آموختگان ارتش شاهنشاهی اصلاً به موضوعات ارزشی و مسایل معنوی حتی فکر نمی‌کردند، او با الهام از سیره عملی امام علیه السلام، نماز اول وقتش ترک نمی‌شد و به برنامه‌های دینی و مذهبی بسیار مقید بود و سعی می‌کرد آن‌ها را بین دیگر اطرافیانش نیز ترویج دهد.

وجود همین روحیات مذهبی در درون صیاد شیرازی موجب شد تا با شروع تحركات انقلابی او هم به صف مجاهدین پیوست و از این‌که یک ارتشی است، باکی نداشت. با روحانیون و دیگر مبارزان آن زمان همکاری می‌کرد تا جایی که در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب توسط مأموران ته‌مانده حکومت پهلوی دستگیر شد ولی در روز ۲۲ بهمن مجدداً توسط مردم انقلابی از زندان آزاد شد.

این شهید بزرگوار با علمای اخلاق و اهل معرفت، معاشرت داشت و در جلسات

۱. «انضباط معنوی»، حسین شهیدانیان، نشریه حصون،

یکی از مشخصه‌های بارز اخلاقی و رفتاری شهید این بود که در برابر دوستان بی‌نهایت متواضع و نرم‌خو بود، به طوری که خودش را هرگز نمی‌دید. یعنی در مقابل سرباز، درجه‌دار، دانشجو، رفتگر، و هر کس دیگر در کمال مهربانی و افتادگی برخورد می‌کرد. اما در مقابل دشمن خدا بی‌نهایت با صلابت بود و ذره‌ای گذشت و ترحم نداشت.

همسر شهید نیز درباره تقید صیاد به ساده‌زیستی می‌گوید: «در رعایت ساده‌زیستی یادم می‌آید که در اتاق کارش روی زمین می‌نشست و کارهایش را انجام می‌داد. احساس کردم شاید معذب باشد.

پیش قدم شدم و رفتم یک سری صندلی گرفتم. با دیدن آن‌ها بر خلاف انتظار اولیه‌ام، علی نه تنها شاد نشد، بلکه ناراحت هم شد. می‌گفت: دنیا آهسته آهسته آدم را در کام خود فرو می‌برد. قدم اول را که برداشتی تا آخر می‌روی لذا باید مواظب همان گام اول باشی».

### ۳. محب و محبوب ولایت

شهید صیاد شیرازی اطاعت از ولایت

ایشان نکات ناب و احادیث ائمه معصومین علیهم‌السلام را برای تقویت روحیه معنوی خود یادداشت می‌کرد. علاقه زیادی به آیت الله بهاء‌الدینی رحمته‌الله داشت و حدود ۱۷ سال با ایشان مراوده داشت و تربیت‌شده درس اخلاق و نفس‌قدسی این عارف وارسته بود. معروف است که آیت الله بهاء‌الدینی رحمته‌الله می‌فرمودند: «آقای صیاد یک روحانی است که یک مشقت روحانی را به دور خود جمع کرده است.»<sup>۱</sup> یکبار وقتی طلبه‌های شیراز از ایشان درس اخلاق خواستند فرمودند: «بروید از صیاد شیرازی درس زندگی بگیرید. اگر صیاد شیرازی شدید، هم دنیا را دارید و هم آخرت را».<sup>۲</sup>

### ۲. تواضع و ساده‌زیستی

یکی از ویژگی‌های لازم در امر رهبری نظامی و فرماندهی، برخورداری از روحیه تواضع و فروتنی است. شهید صیاد حقیقتاً در برابر افراد و نیروهای زیردست خود متواضع بود و در مواجهه با دیگران با فروتنی برخورد می‌کرد. با این وجود صیاد دلها در هنگام برخورد با دشمن در صحنه نبرد بی‌رحم بود و هرگز انعطاف نداشت.

۲. همان.

۱. روزنامه جام جم، شماره ۶۵۴۰، گروه زندگی، «دنیا و آخرت برای صیاد»، ص ۱۴.

فقیه را برای خود یک تکلیف شرعی می‌دانست. او ذوب در ولایت فقیه بود و افتخارش حضور در رکاب رهبر و شهادت در راه ولایت بود.<sup>۱</sup> همواره و همه جا با اعتقاد می‌گفت: «حرف رهبر را باید گوش کرد و به آن عمل نمود. حال دیگران و دشمنان هرچه می‌خواهند بگویند و هر دشمنی که دارند بروز دهند». او برای دستورات غیر از امر رهبری جایگاهی قایل نبود و در همه اوقات به ویژه در دعاهای نماز، ارادت عمیق خود را به ولایت بروز می‌داد: «اللَّهُمَّ آيِدِ اِمَامَ الخَامِنِه اِي وَاحْفَظْهُ وَ ثَبِّتْهُ» این دعا را همیشه زیر لب زمزمه می‌کرد و جزو ذکرهای دائمی شهید بود. یکبار قرار بود صبح روز عید غدیر برود خدمت آقا و درجه سرلشکری اش را بگیرد. همه تبریک گفتند خودش می‌گفت: «درجه گرفتن فقط ارتقای سازمانی نیست وقتی آقا درجه را روی دوشم بگذارند، حس می‌کنم از من راضی هستند. وقتی ایشان

راضی باشد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف هم راضی اند. همین برایم بس است. انگار مزد تمام سال های جنگ را یکجا بهم داده‌اند».<sup>۲</sup> وصیت‌نامه شهید صیاد نیز گویای علاقه عمیق و ارادت قلبی او به ولی فقیه است، آن جا که می‌نویسد: «خداوند! ولی امرت حضرت آیت الله خامنه‌ای را تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف زنده، پاینده و موفق بدار!» شاید بتوان بوسه‌ای که توسط رهبر عزیزمان بر پیکر شهید صیاد نقش بست را یاداش آن همه رابطه قلبی و ارادت او به مقام معظم رهبری علیه السلام برشمرد.<sup>۳</sup> همچنین دلتنگی زود هنگام فرمانده کل قوا در فراق یار دیرین خود، درست یک روز پس از خاکسپاری شهید صیاد شیرازی حاکی از یک رابطه عمیق معنوی و دوستانه دو طرفه بین ایشان و صیاد دلها است؛ اولین صبح پس از تدفین پیکر شهید صیاد، خانواده اش نماز صبح را خواندند و رفتند بهشت زهرا علیها السلام وقتی نزدیک مزار رسیدند

۱. انبارداران، امیرحسین امیر دلاور، نشر شاهد، تهران، ۱۳۸۱ش، ۲۱.

۲. (با اندکی تلخیص و اضافات برگرفته از خبرگزاری فارس، تاریخ انتشار: ۲۱ فروردین ۱۳۹۸، کدخبر: ۱۳۹۸۰۲۱۰۰۰۸۷۴) (www.farsnews.com)

۳. بی‌نا، ۱۳۹۷/۰۹/۱۶، «شهید صیاد شیرازی و ولایت پذیری کامل»، [www.pelakeshohada.blogfa.com](http://www.pelakeshohada.blogfa.com)

در نزد ما امانت است و باید این امانت را به صاحبانش بازگردانیم».

سرهنگ حسن کلانتری، رئیس دفتر شهید صیاد نیز حساسیت ویژه وی نسبت به استفاده از بیت‌المال را چنین روایت می‌کند: «از مواردی که رعایت می‌کرد حقوق بیت‌المال بود. از منطقه با من که در دفتر ایشان بودم تماس می‌گرفت و می‌گفت مثلا سه دقیقه با مشهد با پدرم صحبت کرده‌ام. ما موظف بودیم تماس‌های شخصی‌اش را یادداشت، جمع‌بندی و پولش را از محل حقوق وی کسر کرده، به حساب بیت‌المال واریز کنیم و رسید همه این پرداخت‌ها هم موجود است».

#### ۵. چشم‌پوشی از مال دنیا

ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات و دوری از تکبر و ریا، از خصوصیات ویژه اخلاقی صیاد شیرازی بود. ناصر آراسته از هم‌زمان شهید درباره نوع دوستی و انفاق آن شهید بزرگوار می‌گوید: «سپهد شیرازی در فروردین ماه به شهادت رسید و من ماه بعد یعنی اوایل اردیبهشت ماه حقوق او را

محافظ‌ها که آن‌ها را نمی‌شناختند، جلوی آن‌ها را گرفتند. بعد از این که خودشان را معرفی کردند و معلوم شد که خانواده شهید صیاد هستند؛ گفتند بفرمایید. وقتی رفتند کنار مزار تازه فهمیدند که آقا نماز صبح‌حشان را آن جا اقامه کرده‌اند. خانواده شهید گفتند: شما خیلی زود آمدید! آقا فرمودند: «من دلم برای صیادم تنگ شده بود!»

#### ۴. امانت‌دار بیت‌المال

صیاد شیرازی در استفاده از بیت‌المال بسیار حساس و دقیق بود و هیچگاه پای خود را از حریم ساده زندگی‌اش به حریم پُر امکانات و جذابیت‌های بیت‌المال باز نکرد. مهدی فرزند شهید در خاطره‌ای ضمن اشاره به روحیات پدرش می‌گوید: «هرگاه ما به محل کار ایشان می‌رفتیم و می‌خواستیم خودکار یا کاغذی از آن جا برداریم و چیزی بنویسیم تأکید داشت که حتما مقدار استفاده را یادداشت کنیم تا در اولین فرصت آن را جبران کند، می‌گفت این مال مسلمین است و چند صباحی

۱. (با اندکی تلخیص و اضافات برگرفته از خبرگزاری فارس، تاریخ انتشار: ۲۱ فروردین ۱۳۹۸، کدخبر: ۱۳۹۸۰۱۲۱۰۰۰۸۷۴) (www.farsnews.com)

گرفتم و به منزل شهید بردم و به همسر ایشان تقدیم کردم. گفتم خواهرم این حقوق و این هم دفترچه‌ای که نام بیش از ۲۰ نفر نیازمند در آن نوشته شده است. وقتی شهید صیاد شیرازی حقوق می‌گرفت، نصف حقوقش را به من می‌داد تا به این نفرات نیازمند پرداخت کنم.<sup>۱</sup>

### ۶. رزمنده‌ای شجاع و سختکوش

یک فرمانده موفق در اجرای مسئولیت‌ها، اهداف و مأموریت‌هایی که به عهده دارد به خصوص در میدان نبرد، وقتی با موانع و مشکلاتی مواجه می‌گردد، باید با شجاعت تمام و تصمیم به موقع به حل مشکلات در شرایط بحرانی بپردازد، بدون آن که دچار عجله و سراسیمگی گردد. از ویژگی‌های بارز فرماندهی شهید صیاد، استقامت و پایداری وی در امور سخت و ورزشی جسمانی او بود. شاهد این ادعا حضور او در دوره رنجری و هوابرد مرکز پیاده شیراز در سال ۴۶ و پس از آن اعزام به شهر فورت سیل در ایالت اوکلاهامای آمریکا در سال ۵۲ برای طی دوره تخصصی

هواسنجی بالستیک از طرف ارتش است. شرکت‌کنندگان در دوره شیراز طبق قواعد آموزش تکاوری باید از ساعت سه صبح با کوله و تجهیزات سنگین پیاده‌روی‌های طولانی را شروع می‌کردند و آن قدر پیاده می‌رفتند که عرق از تمام بدنشان سرازیر شود. اغلب دانشجوها با این که جیره غذایی قوی داشتند، باز هم کم می‌آوردند و جا می‌زدند، صیاد نه تنها خم به ابرو نمی‌آورد بلکه در چنین شرایطی اغلب روزه می‌گرفت. او با تحمل و سپری کردن این تمرینات سخت و طاقت‌فرسا توانست دوره آموزشی را با بالاترین نمرات به پایان برساند. صیاد پس از این دوره انگیزه خود از تحمل چنین تمرینات نفس‌گیر و دشوار و درسی که از آن آموخته را این چنین توصیف می‌کند: «ایستادگی در برابر مشکلات و معرفت به خدا در عمق سختی‌ها»<sup>۲</sup>

بر اساس رشادت‌ها و شایستگی‌هایی که صیاد قبل و بعد از انقلاب و نیز در طول جنگ از خود نشان داد در سال ۶۰ به

۱. (مشاور فرمانده کل ارتش؛ امیر سرتیپ دوم مجتبی جعفری راوی معارف جنگ؛ آدرس:

۲. خدا می‌خواست زنده بمانی، فاطمه غفاری، انتشارات روایت فتح، ص ۹۰.

اصلی این عملیات بود. این عملیات به قدری هوشمندانه، قوی و همه جانبه طراحی شده بود که هزاران نفر از نیروهای مغرور و متکبر دشمن متجاوز در اوج خفت و خواری چنان احساس اضطرار کردند که برای حفظ جانشان با پای خود آمدند تسلیم شدند و دسته‌دسته به اسارت رفتند.

سرلشکر صیاد شیرازی پس از انقلاب به دلیل مهارت‌ها و دانش بالایی که در امور نظامی داشت به عنوان فرمانده نیروی زمینی ارتش منصوب شد، اما به دلیل اختلافاتی در مردادماه ۶۵ از این سمت استعفا داد و به سمت نمایندگی رهبری در شورای عالی دفاع به ادامه خدمت پرداخت. وی در سال ۷۲ با حکم فرمانده معظم کل قوا، به سمت جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح منصوب و در عید غدیر ۱۳۷۸ درست ۵ روز قبل از شهادت به درجه سرلشکری ارتقا و پس از شهادت نیز درجه سپهبدی به او داده می‌شود.

#### ۸. سرسخت در مواجهه با منافقین

در دوران دفاع مقدس آخرین عملیاتی که صیاد شیرازی در آن بسیار موثر بود و خوش درخشید عملیات مرصاد در سال ۶۷ بود که توانست تار و پود منافقان را از هم بگسلد. منافقان برای این حمله

سمت فرماندهی نیروی زمینی ارتش منصوب شد. مسئولیت او مصادف شد با سال‌های آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و صیاد شیرازی به طور جدی و موفق کار فرماندهی نیروهای ارتش را در عملیات‌های مختلفی مثل بیت المقدس، والفجر هشت و ... بر عهده داشت. تعهد و شجاعت او موجب گردید که امام خمینی علیه السلام طی پیامی در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۶۵ به خدمات او چنین شهادت دادند: «سرهنگ صیاد شیرازی با تعهد کامل به اسلام در طول دفاع مقدس از هیچ خدمتی خودداری نکرده است.»

#### ۷. فرمانده اعجوبه و منحصر به فرد

سپهبد صیاد شیرازی نخستین فرمانده جوان و حزب‌اللهی نیروی زمینی ارتش پس از انقلاب به حساب می‌آید که از نظر تجربه، تدبیر، شجاعت، اخلاص و توکل در فرماندهی نمونه و با همه وجود در خدمت دفاع مقدس بود. استعداد و نبوغ نظامی صیاد در دفاع مقدس با سازماندهی، عملیات، فرماندهی، تاکتیک، دقت نظر، موقع‌شناسی و ده‌ها عامل دیگر، در وجود او ظهور کرد. یک نمونه آن عملیات بیت المقدس بود که منجر به فتح خرمشهر شد. شهید صیاد شیرازی یکی از کارگردانان



برنامه ریزی‌های فراوانی کرده بودند و خواب و خیال زیادی برای فتح تهران دیده بودند، اما با ورود شهید صیاد عملیاتشان با شکست مواجه شد و از همان روز کینه صیاد را به دل گرفتند تا روزی که موفق به ترور و شهادت او شدند. در طول این سال‌ها منافقین در تدارک به شهادت رساندن عامل شکستشان بودند و این کار بر عهده یکی از اعضای خبره گروهک منافقین به نام «زهره قائمی» گذارده شد. زهره تنها ۱۲ سال داشت که به سازمان مجاهدین خلق پیوست و فعالیت‌های خود را آغاز کرد. سال ۶۵ زمانی که خود را تَوَّاب جازد و از زندان آزاد شد، بلافاصله خود را به پادگان اشرف رساند و تا جایی پیش رفت که از افراد درجه اول سازمان و از نزدیکان «اشرف» فرمانده وقت منافقین شد. سرانجام، زمان مأموریت مهم او و تیمی که برای ترور صیاد شیرازی در اختیار داشت، فرارسید. آن‌ها توانستند طی یک عملیات ناجوانمردانه صیاد را در مقابل خانه‌اش ترور کنند و به شهادت برسانند.<sup>۱</sup> ادله‌ای که منافقان برای این ترور ارائه

می‌کنند حاکی از آن است که برای این عمل صرف نظر از دلایلی که سازمان به آن اتکا می‌کند دلایل و انگیزه‌های پنهان دیگری وجود داشته که حول سه محور در اطلاعیه‌های نظامی منافقین خودنمایی می‌کند. اول، نقش صیاد شیرازی در دفاع از تمامیت ارضی ایران در جنگ با عراق؛ دوم، نقش وی در مهار و کنترل غائله کردستان در بدو انقلاب سال ۵۷ و سوم، نقش وی در خنثی کردن عملیات موسوم به «فروغ جاویدان» که منافقین با پشتوانه ارتش بعث عراق قصد فتح تهران را داشتند.

#### ۹. شهادت از پیش خوانده

صیاد شیرازی همواره در طول عمر پربرکت خود آرزوی وصال داشت. او عشقش به شهادت را در بخشی از وصیت نامه‌اش اینگونه به رشته تحریر درآورده است: «خدایا! تو خود می‌دانی که همواره آماده بوده‌ام آنچه را که تو خود به من دادی، در راه عشقی که به راهت دارم، نثار کنم. پروردگارا! رفتن در دست تو است؛ من نمی‌دانم چه موقع خواهم رفت، ولی می‌دانم که از تو باید بخوام مرا در رکاب امام زمانم قرار دهی و

<https://www.qudsonline.ir/news/863617>

۱. مشاور فرمانده کل ارتش؛ امیر سرتیپ دوم مجتبی جعفری راوی معارف جنگ؛ بنگرید به نشانی:

صیاد شیرازی در اوج اخلاص و مظلومیت به آسمان پرکشید و اجتماع عظیمی از کوچک و بزرگ این ملت به پاسداشت یک عمر خدمت و صفای وجودی او برای وداع با پیکرش به صحنه آمدند، طوری که آن روز تشییع شهید صیاد شیرازی برای خاک سپاری در قطعه ۲۹ بهشت زهرا، جزو تشییع‌های کم‌نظیر در دوران انقلاب به ثبت رسید. پس از آن رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در بیانی شهادت را بالاترین اجر و توفیق الهی برای سپهبد صیاد شیرازی خواندند و فرمودند: «شهادت بزرگترین اجری بود که خداوند به صیاد دلها داد؛ چون این طور کشته شدن، برای انسان خیلی افتخار است. بالاخره صیاد شیرازی، یک مرد پنجاه و چند ساله، ده سال دیگر، بیست سال دیگر، سی سال دیگر - که با یک چشم به هم‌زدن می‌گذرد - از دنیا می‌رفت و از همین دروازه عبور می‌کرد؛ منتها با یک ناخوشی، با یک بیماری، با یک تصادف، یا با یک سکت قلبی؛ از این حوادثی که دائم اتفاق می‌افتد»<sup>۲</sup>.

آن قدر با دشمنان قسم خورده‌ات بجنگم تا به فیض شهادت برسم»<sup>۱</sup>  
عشق به پرواز، طوری در ذرات وجود شهید صیاد تبلور یافته بود که یکبار وقتی خدمت آیت الله بهاء‌الدینی رحمته‌الله رسیده بود، ایشان به چهره او نگاهی کرده و خطاب به او فرموده بودند: «ما نور شهادت را در چهره شما می‌بینیم».  
سرانجام این سرباز فداکار اسلام و قهرمان ایران زمین مزد زحمات ارزشمند خود در راه خدا را دریافت نمود؛ صبح روز ۲۱ فروردین ماه ۱۳۷۸ که تیمسار صیاد شیرازی با اتومبیل خود به قصد عزیمت به محل کارش از خانه خارج شده بود، مورد هجوم و رگبار اسلحه مرد ناشناسی در پوشش لباس رفتگر قرار گرفت و به شدت مجروح شد. همسایگان و اهالی محل که از این حادثه مطلع شدند، بلافاصله او را به بیمارستان فرهنگ انتقال دادند که متأسفانه بر اثر شدت جراحات وارده، تلاش پزشکان برای نجات وی بی‌نتیجه بود و او در بیمارستان به شهادت رسید.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در دیدار فرماندهان ارتش؛ ۱۳۷۸/۰۱/۲۵.

۱. فرازی از وصیت‌نامه شهید صیاد شیرازی، بنگرید به: سایت راسخون، به نشانی:

# ظرفیت‌های عید نوروز

## برای تبلیغ معارف اسلامی

محمدحسین بخشیان\*

### اشاره

نقش عید نوروز در گسترش فرهنگ ایرانی - اسلامی در قالب هم‌گرایی اقوام و مذاهب مختلف و نیز تقویت مؤلفه‌های زبانی بی‌ظنیر است و همین احیای اعیاد از جمله عید نوروز، از جمله مهم‌ترین عواملی است که همچون سدّی مانع از فروپاشی و تضعیف خانواده و جامعه می‌گردد. هرچند در خصوص عید نوروز و توصیه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام به احیا، ترویج یا به رسمیت‌شناختن آن مطالبی در منابع مختلف وجود دارد، اما اینگونه ایام از باب

احیای سنت‌های غیرمنافی اصل شرع و کمک به شادی و نشاط عاری از گناه، قابلیت تبدیل شدن به سنت حسنه را دارند؛ از جمله روایتی که از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده است: «كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٌ؛ هر روزی که در آن معصیت خدا انجام نشود، روز عید است.»

نوشتار حاضر درصدد است ظرفیت‌های تبلیغی عید نوروز امسال را که مقارن با ایام ماه مبارک رمضان شده است، گزارش کند.

\*. دانش‌آموخته سطوح عالی حوزه علمیه قم.

۱. بحارالأنوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق ج ۸۸، ص ۱۳۶.

## ظرفیت‌های تبلیغی در ایام نوروز امسال

ایام نوروز امسال با ماه مبارک رمضان که خود جزو ایام تبلیغی طلاب محسوب می‌شود، مصادف شده است. در ایام نوروز که فضای شادی و سرور ملی و تعاملاتی میان خانواده‌ها به وجود آمده است و مردم به طور معمول در سفرهای زیارتی و سیاحتی هستند، می‌توان از این فرصت برای تحکیم مبانی و معارف دینی استفاده کرد. مواردی از قبیل: امر به معروف و نهی از منکر، دلجویی از یتیمان، فقرا، مستمندان و سرکشی به آنان و نیز به خانواده‌های بزرگوار و معزز شهدا و جانبازان عزیز، در صورت توانایی، بخشی از برنامه‌های عمومی است که مبلغ می‌تواند با استفاده از ظرفیت عید نوروز به آن‌ها پردازد. لیکن در این مجال به چند نمونه خاص از ظرفیت‌های تبلیغی عید نوروز امسال اشاره می‌کنیم.

### ۱. مساجد و پایگاه‌های بسیج

از صدر اسلام تاکنون، مساجد پایگاه اصلی و تبلیغ و سنگر اصلی دین و اصلی‌ترین مرکز نشر و ترویج معارف اسلام بوده‌اند. باید در تبلیغ نوروزی از این ظرفیت عظیم غافل نبود. البته در مساجد

در ایام عید نوروز در کنار اقامه نماز جماعت اول وقت و بیان احکام و عقاید و تبلیغ، می‌توان در جهت رفاه مردم خدمات رسانی کرد. هیئت‌امنا و بنیان مساجد می‌توانند در ایام عید در مساجد میزبان مسافران نوروزی شوند و در کنار خدمات اسکان و پذیرایی، به تبلیغ دین و ترویج آن نیز بپردازند. مبلغان نیز می‌توانند از این ظرفیت استفاده کنند و به تبلیغ چهره‌به‌چهره بپردازند و اگر شرایط فراهم بود، در قالب منبر و سخنرانی و در اوقات نماز به بیان احکام و مسائل مبتلابه مخاطبان بپردازند.

### ۲. صله‌ارحام نوروزی

یکی از ظرفیت‌های عید نوروز که تأکید دین اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام است و باعث از بین رفتن کدورت‌ها بین افراد و بهبود روابط اجتماعی و سبب افزایش عمر و برکت در رزق و روزی می‌شود، صله‌رحم و ارتباط با خویشان و بستگان است. صله‌رحم برای همه افراد لازم و ضروری است و برای مبلغ بهترین فرصت برای تبلیغ و ترویج دین و احکام و عقاید اسلام است. اگر مبلغی بخواهد برای بیان احکام الهی تبلیغ عمومی کند، عید نوروز

امسال که مقارن ماه مبارک رمضان شده، فرصت خوبی است؛ به ویژه پس از افطار. اما این که به چه نوع تبلیغی مشغول شوند، به شرایط بستگی دارد. گاهی شرایط مجلس روضه یا سخنرانی یا بیان احکام یا قرائت قرآن فراهم است و گاهی شرایط فقط در حد خواندن یک روایت و وعظ چند دقیقه‌ای یا در حد خواندن زیارت عاشورا یا حدیث کسا است. گاهی نیز اصلاً شرایط وجود ندارد و مبلغ باید به تبلیغ چهره‌به‌چهره در جمع خانواده و آشنایان، به خصوص کسانی که شبیه و سؤال دارند، مشغول شود. در تبلیغ چهره‌به‌چهره باید به سن و سال مخاطبان و به تبع آن به نیازهایشان توجه ویژه‌ای کرد.

همچنین گرم‌گرفتن با جوانان و نوجوانان و راهنمایی و ارشاد آن‌ها در این ایام باید به‌طور ویژه مورد توجه قرار گیرد.

### ۳. هدیه کارت‌های تبلیغ نوروزی

یکی از اموری که مبلغ در تبلیغ خود می‌تواند از آن بهره‌فراوان ببرد، استفاده از مطالب تبلیغی ترویجی در قالب کارت‌های تبلیغی است. در ایام نوروز گاهی نمی‌توان با مخاطب خود، حتی برای چند لحظه، ارتباط کلامی برقرار کرد.

مثلاً این مخاطب در وسیله نقلیه خود در حال حرکت به محلی برای مسافرت و تفریح است و مبلغ او را فقط در محل عبور او و در عوارضی‌های جاده‌ای که برای لحظات کوتاهی توقف می‌کند می‌بیند. این کارت‌های تبلیغی ممکن است در موضوعات حجاب و پوشش یا تبیین شادی و نشاط در اسلام (به مناسبت ایام شادی و نشاط عید نوروز) یا پاسخ به سؤالات و شبهات رایج در جامعه یا حتی درباره استحکام هویت ملی و سرزمینی باشد. همچنین در قالب این کارت‌ها می‌توان پیشرفت‌های این چهل و چند سال بعد از انقلاب را انتقال داد. طبیعی است که تبلیغ مکتوب در محیط‌های عمومی جامعه و تهیه بروشور در قالب پیام‌های کوتاه و آموزنده مباحث دینی، روشی است که در مکان‌های زیارتی یا سیاحتی، مانند مشهد، قم، شیراز و اصفهان که زائران و مسافران زیادی به این شهرها سفر می‌کنند، تأثیرگذار است.

### ۴. ایجاد صلح و سازش

معمولاً در میان اقوام یا همسایه‌ها یا در محل تبلیغ مبلغ افرادی هستند که یا به تازگی دچار قطع ارتباط یا خصومت

بعداز دو نماز به بیان سخنان کوتاهی در قالب داستان‌های کوتاه پردازند.

اگر مبلغان در مکانی تبلیغی حضور دارند، چون ایام عید نوروز مقارن با ماه مبارک شده است، می‌توانند به اقتضای شرایط آن مکان، نمازجماعت مغرب و عشا را - البته با مشورت کسانی که در نمازجماعت شرکت می‌کنند - بعداز افطار هم اقامه کنند.

#### ۶. موبک‌های بین‌راهی ایام نوروز

ایام عید نوروز چون با شروع سفرهای استانی مصادف است، حضور مردم در مساجد و محل‌های تبلیغی کم‌رنگ می‌شود. پس می‌طلبند خود مبلغان سراغ مردم بروند و چون مردم درحال مسافرت هستند، اگر محلی را در بین مسیر آنان آماده کنند، شاید بتوان آن‌ها را بر سر سفره افطار نشانند و با چای و دم‌نوش از آن‌ها پذیرایی کرد. موبکی که در مسیر بر پا می‌شود، هم می‌تواند خوراک مادی به مخاطب بدهد و هم خوراک معنوی؛ مانند پخش مناجات و قرآن و دعا و مداحی و اقامه نمازجماعت.

#### ۷. ارائه مشاوره و رفع شبهات در اماکن خاص

یکی از زمینه‌های گفت‌وگو، به‌ویژه با

شده‌اند یا خصومت و قطع ارتباطشان از قدیم بوده است. یکی از بهترین فرصت‌های مبلغ برای اصلاح «ذات‌البین» استفاده از ظرفیت عید نوروز برای حل این‌گونه مشکلات است.

گاهی دو قوم یا دو قبیله سال‌هاست که بر سر مسئله کوچکی اختلاف و نزاع دارند که چون فردی واسطه خیر بین آن‌ها نشده، این مشکل حل‌ناشدنی تصور شده است. اگر مبلغ به‌بهانه عید نوروز پادرمیانی کند، این نزاع چه بسا حل شود.

#### ۵. نمازجماعت در جمع‌ها و اماکن نوروژی

یکی از مهم‌ترین فرصت‌های این ایام که مردم مشغول مسافرت‌های درون‌شهری یا برون‌شهری می‌شوند، احیای فریضه نماز اول وقت و نمازجماعت است که مبلغان محترم می‌توانند از فرصت عید نوروز به‌نحو احسن استفاده کنند. اگر مبلغان در محل عبور مسافرینی مستقر باشند که سفرهای برون‌شهری دارند، باید قطعاً این فریضه را احیا کنند. اگر هم مکانی برای نمازجماعت و نماز اول وقت نباشد، باید مکانی را برای این کار قرار دهند (اگرچه چادری باشد) و در آن نمازجماعت برگزار کنند و بین دو نماز یا

جوانان، برپایی میزهای گفت‌وگو و پرسش‌وپاسخ است. همان‌طور که گذشت، چون مردم در ایام عید نوروز بیشتر مشغول سفر و دیدوبازدید هستند و کمتر در اماکن شهری و عمومی هستند، باید این میزها در خارج شهر و تفرجگاه‌ها یا پارک‌ها و اماکن تفریحی درون شهری یا بین‌راهی یا برون شهری باشد که مخاطبان در آنجاها حضور دارند.

شایان ذکر است این برنامه‌ها، به‌ویژه مشاوره و برپایی میزهای گفت‌وگو و رفع شبهات، منوط به توانایی مبلغ و در نظر گرفتن شرایط و جغرافیای فرهنگی و تبلیغی هر منطقه است. ارتباط با جوانان باید در این ایام فراگیر شود و مبلغین پای حرف دل جوانان بنشینند تا آنان با مبلغان بیشتر همراه شوند و تأثیر کلام و تبلیغشان بیشتر شود.

#### ۸. استفاده از قطار، اتوبوس و هواپیما در

##### سفرهای نوروزی

یکی از ظرفیت‌های ایام عید نوروز، تبلیغ در سفر با قطار، اتوبوس یا هواپیماست. استفاده از این ظرفیت در قالب تبلیغ چهره‌به‌چهره محقق می‌شود.

#### ۹. برنامه‌های خاص نوروزی برای کودکان و

##### نوجوانان

یکی از گروه‌هایی که باید در ایام عید نوروز برای آن‌ها برنامه اختصاصی و ویژه در نظر گرفت، گروه کودکان و نوجوانان است. مبلغان انواع بازی‌های شادی افزای کودکانه و نوجوانانه، طرح سؤال و معما، طناب‌بازی، آدابازی و... را در مهمانی‌ها و جلسات تبلیغی نوروزی انجام دهند و جایزه‌ها و هدیه‌هایی هم بدهند تا هم جذابیت این برنامه‌ها بیشتر شود و هم خاطره مثبت و خوبی برای بچه‌ها از مبلغین بماند. البته اگر مبلغان بتوانند در حین بازی‌های جذاب و شورونشاط، کار تبلیغی نوآورانه هم انجام بدهند که با یک تیر دو نشان زده‌اند. مثلاً اگر بتوانند، مسابقه دарт یا تیراندازی راه بیندازند و نقشه آمریکا یا اسرائیل یا تصویر جنایت‌کاران این دو کشور را هدف قرار دهند و در حین بازی هم به بچه‌ها دلیل این کار را توضیح بدهند تا اندیشه آن‌ها در کنار بازی، رشد کند و در نهایت دشمن‌شناس شوند.

# آداب و لوازم نیایشگری و مناجات خوانی

محمدرضا نیکوکلام \*

## مقدمه

شیعه و با توجه پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت پاکش  جلوه دیگری یافت و به صورت محفل انس با پروردگار و با گذر زمان، به صورت جمعی برگزار شد و تا به امروز ادامه یافته و هرگز حالت خاموشی و خمودگی به خود نگرفته است. امروزه نیز با استقبال روزافزون مسلمانان و شیعیان از جلسات ادعیه و مناجات، بابی نو برای امر تبلیغ باز شده و سزاوار است مبلغان دینی با آگاهی‌های لازم و کسب مهارت‌های ضروری از این فرصت بزرگ بهره‌مند شوند و رسالت تبیین معارف دین را در این جلسات بر عهده بگیرند.

نیایش، از بهترین اسباب برای نجات از گرفتاری‌ها و دسیسه‌های دشمنان، راهکاری مهم برای فراگیری تعالیم اسلام و ایجاد تمدن بزرگ اسلامی و نیز از جمله برترین ابزارهای تربیت انسان‌ها و همچنین، نزدیک‌ترین و صمیمانه‌ترین راه ارتباط با پروردگار جهانیان است.

سنت ادعیه و مناجات در ادیان مختلف دیده می‌شود و همه انبیا و اوصیای الهی از شهد شیرین نیایش با پروردگار متعال بهره‌مند بودند. این سنت با ظهور اسلام و مکتب حیات بخش

\*. دانش‌آموخته سطوح عالی حوزه علمیه قم.



ادعیه خوانی نیز همانند فن قرائت قرآن و مداحی، مهارت و هنر مستقلی است و آداب و شرایط خاصی دارد و اگر این هنر مقدس را به طور درست به کار نیندیم، توفیقات فراوان و دست برتر در مقابله با تهاجم دشمنان جنّی و انسی را از دست می‌دهیم و چه بسا به خطا گرفتار شویم؛ چنان‌که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يَفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يَصْلِحُ»<sup>۱</sup>؛ کسی که بدون شناخت عمل کند، تخریبش بیشتر از اصلاح کردن اوست.

همچنین، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ وَلَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بَعْدًا»<sup>۲</sup>؛ کسی که بدون بینش عمل کند، همچون کسی است که در بیراهه رود. چنین کسی هرچه تندتر رود، از راه، دورتر می‌شود.

به دلیل اثرگذاری خاص دعاها با پشتوانه‌های معرفتی و عقیدتی، در

اندیشه، احساس و رفتار مخاطبان هنگام کاربرد آن‌ها باید از چندین مهارت مهم کمک گرفت و چون گاهی این حرکت معنوی با هدف اثرگذاری بر مخاطبان انجام می‌گیرد، سزاوار است راهبری این حرکت با افراد دعادان و دعاخوان دارای شرایط لازم باشد.

در نوشتار حاضر پس از بیان اهمیت دعا و نیایش به درگاه الهی، به معرفی آداب نیایش و مهارت‌های مناجات خوانی می‌پردازیم.

### اهمیت دعا و نیایش

نیایش در لغت به معنای دعا همراه با تضرع و زاری به درگاه خدای متعال است و به کسی که دعا و نیایش کند (دعاگو)، نیایشگر گفته می‌شود.<sup>۳</sup> بنابراین، آن حالت روحی که میان انسان و معبودش رابطه انس ایجاد کند و او را در جاذبه ربوبی قرار دهد، نیایش نامیده می‌شود.<sup>۴</sup>

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خصوص اهمیت دعا و مناجات فرمودند: «قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ

۳. فرهنگ بزرگ سخن، حسن انوری، نشر سخن، تهران ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۸۰۶۹.

۴. نیایش امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، علامه محمدتقی جعفری، نشر کرامت، تهران، ۱۳۷۸، ص ۷.

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۲۴.

۲. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ج ۱، ص ۲۰۶.

کرده است که ایشان به من چنین فرمود: «یا مَیْسِرُ ادْعُ وَلَا تَقُلْ إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فَرَعَ مِنْهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مَنزِلَةٌ لِاتِّنَالِ إِلَّا بِمَسْئَلَةٍ وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا سَدَّ فَاهُ وَ لَمْ يَسْأَلْ لَمْ يَعْطُ شَيْئًا فَسَلْ تُعْطُ يَا مَیْسِرُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بَابٍ يَفْرَعُ إِلَّا يُوْشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ»<sup>۳</sup>؛ ای میسر! دعا کن و نگو که کار از کار گذشته و آنچه مقدر شده، همان می شود و برای دعا اثری نیست. همانا نزد خدای عزوجل منزلت و مقامی است که به آن نمی توان رسید، مگر به دعا و درخواست. اگر بنده ای دهان خود را ببندد و دعا نکند، چیزی نصیبش نمی شود. پس، دعا کن تا به تو عنایت شود. ای میسر! هیچ دری نیست که کوبیده شود، مگر این که امید هست که به روی کوبنده باز شود.

افزون بر آن، از اصلی ترین راه های نجات از غفلت، نیایش با پروردگار است. نیایش، فرصت بسیار خوبی برای بازنگری اعمال و بازیافتن خویش و نجات از چنگال اهریمن غفلت است. چراکه طبیعت زندگی دنیا غفلت زاست و گاهی

«إِذَا عَلِمْتُ أَنَّ الْغَالِبَ عَلَى عَبْدِي الْإِسْتِعَالَ بِي نَقَلْتُ شَهْوَتَهُ فِي مَسْأَلَتِي وَمُنَاجَاتِي»؛ خدای سبوحان فرمود: هرگاه بدانم که بنده ام غالباً به من مشغول است، میل او را در خواست از من و مناجات با خود قرار می دهم.

ایشان در روایت دیگری می فرمایند: «ادْفَعُوا أَبْوَابَ الْبَلَاءِ بِالْدُّعَاءِ»<sup>۲</sup>؛ درهای بلاها را با دعا ببندید.

امام علی علیه السلام نیز فرمودند: «الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ التَّجَاحِ وَ مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ وَ خَيْرُ الدُّعَاءِ مَا صَدَرَ عَنْ صَدْرِنِّي وَ قَلْبِ تَنِي وَ فِي الْمُنَاجَاةِ سَبَبُ النَّجَاةِ»<sup>۳</sup>؛ دعا کلیدهای نجات و گنجینه های رستگاری است، و بهترین دعا دعایی است که از سینه پاک و دلی پرهیزکار برآید، و وسیله نجات در مناجات است.

همچنین امام سجاده علیه السلام در این خصوص فرمودند: «الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَ مَا لَمْ يَنْزِلْ»<sup>۴</sup>؛ دعا بلای نازل شده و نازل نشده را دفع می کند.

یکی از یاران امام صادق علیه السلام نقل

۱. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۱۶۲.

۲. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، موسسه آل

البيت علیه السلام قم، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۴۲.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۴. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۷.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۴۶۶.

انسان چنان به خود مشغول می‌شود که حتی خدا و نیز خویش را فراموش می‌کند؛ برای مثال، امام سجاد علیه السلام فرموده است: «اعلم و يحك يا بن آدم! ان قسوة البطنة و كظة الملاءة و سُكر الشَّبَعِ و غِرة المُلکِ مما يبيط و يبيط عن العمل و ينسى الذکر و يلهي عن اقتراب الأجل، حتى كأن المبتلى بحب الدنيا به خبل من سُكر الشَّراب»؛<sup>۱</sup> وای بر تو ای فرزند آدم! بدان که، سنگینی پُرخوری و رخوت و تنبلی برخاسته از انباشتنِ معده و مستی سیری و غفلتِ حاصل از قدرت، از چیزهایی هستند که انسان را در زمینه عمل، کند و تنبل می‌کنند و ذکر خدا را از یاد او می‌برند و از نزدیک بودن مرگ، غافل می‌سازند، تا جایی که گرفتار دوستی دنیا، گویی از مستی شراب، دیوانه شده است.

امام باقر علیه السلام نیز فرموده است: «من غلبت عليه الغفلة مات قلبه»؛<sup>۲</sup> کسی که غفلت بر او چیره شود، دلش می‌میرد.

#### آداب نیایش و مناجات خوانی

مبلغان نیایشگر برای فیض بردن بیشتر خود و افراد دیگر از مجلس دعا و

مناجات باید پیش از خواندن دعا خود و دیگران را به رعایت آداب دعا ملتزم بدانند؛ بنابراین، دانستن آداب دعا و کاربرد آن‌ها بسیار مهم است.

امام صادق علیه السلام در این خصوص فرموده‌اند: «احفظ آداب الدعاء... فإن لم تأت بشرط الدعاء فلا تنتظر الإجابة... و اعلم أنه لو لم يكن الله أمرنا بالدعاء لكتنا إذا أخلصنا الدعاء تفضل علينا بالإجابة، فكيف وقد ضمن ذلك لمن أتى بشرائط الدعاء»؛<sup>۳</sup> آداب دعا را رعایت کن... اگر شرایط دعا را به جا نیاوردی، منتظر اجابت نباش... و بدان که اگر خدا ما را به دعا کردن فرمان نداده بود، ولی ما خالصانه او را می‌خواندیم، به خاطر فضل و کرم اجابت می‌کرد؛ چه رسد به این که خود، اجابت دعای کسی را که شرایط آن را به جا آورده، ضمانت کرده است.

#### آداب پیش از نیایش و مناجات خوانی

آداب نیایش به سه دسته تقسیم می‌شود:

##### ۱. استعاذه

استعاذه از شیطان بیشتر در قرائت

۲. همان، ص ۲۲۸۷.

۳. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۲.

۱. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، نشر دفتر

تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۴۸۸.

رسول خدا ﷺ نیز در خطبه شعبانیه می‌فرماید: «فَسأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِياتٍ صَادِقَةٍ وَ قُلُوبٍ طَاهِرَةٍ؛<sup>۳</sup> پس خدا را که پروردگار شماست، با نیت‌های صادقانه و دل‌های پاک بخوانید!».

### آداب ضمن نیایش و مناجات‌خوانی

#### ۱. آغاز با نام خدای متعال

پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «لَا يَرُدُّ دُعَاءَ أَوْلَاهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛<sup>۴</sup> دعای آغازشده با بسم الله الرحمن الرحيم، رد نمی‌شود.

هرکه نه گویای تو خاموش به هرچه نه یاد تو فراموش به<sup>۵</sup> عبارت «بسم الله»، امان خدای متعال به بندگان است و بنده، دو ویژگی «رحیم» و «رحمان» را در آغاز هر کاری به رخ خدای متعال می‌کشد، تا خود را از آن بهره‌مند کند.

#### ۲. ستایش خدای کریم

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا طَلَبَ أَحَدُكُمْ الْحَاجَةَ فَلْيُثِّنْ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ لِيُمدِّحْهُ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا طَلَبَ الْحَاجَةَ مِنْ

قرآن، مطرح و مستحب است، ولی در طریق سیر و سلوک الی الله، اصلی‌ترین مانع حرکت و عامل کسالت، شیاطین هستند. بنابراین، باید توجه کرد که در نیایش‌ها علاوه بر استفاده از عبارت‌های استعاذه (أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، نَسْتَعِيزُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و...)، باید با قلب و جان نیز از شیطان رجیم به خدای متعال پناه برد.

#### ۲. کسب حلال

پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَسْتَجَابَ دُعَاؤُهُ فَلْيُطِيبْ مَطْعَمَهُ وَ كَسْبَهُ»؛<sup>۱</sup> هرکس دوست دارد دعایش مستجاب شود، خوراک و کسبش را پاکیزه کند.

#### ۳. نیت شایسته

از اصلی‌ترین ارکان عبادات و دعا مسئله نیت است. نیت، روح هر عبادت است؛ از این رو، امام سجاد علیه السلام فرموده است: «لَا قَوْلَ إِلَّا بِعَمَلٍ وَ لَا قَوْلَ وَ لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ»<sup>۲</sup>؛ هیچ گفتاری جز با کردار ارزش ندارد و هیچ گفتار و کرداری جز با نیت ارزش ندارد.

۴. همان، ج ۹۰، ص ۳۱۳.  
۵. نظامی گنجوی.

۱. عدة الداعی، ابن فهد حلّی، ج ۱، ص ۱۳۹.  
۲. الکافی، ج ۱، ص ۷۰.  
۳. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۵۷.

السُّلْطَانِ هَيَأَلُهُ مِنَ الْكَلَامِ أَحْسَنَ مَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَإِذَا طَلَبْتُمْ الْحَاجَةَ فَجِدُوا اللَّهَ الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ وَامْدَحُوهُ وَاسْتُوا عَلَيْهِ تَقُولُ يَا أَجُودَ مَنْ أَعْطَى يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ يَا وَاحِدًا يَا أَحَدًا يَا صَمَدًا؛ هرکس از شما به خدا حاجتی دارد، خدا را ثنا گوید و مدح کند؛ زیرا وقتی کسی از پادشاهی درخواستی دارد، سخنی نیکو و مدحی درخور او آماده می‌کند. پس، هنگام طلب حاجت، خدای عزیز جبار را مدح کنید و بگوئید: ای بخشنده‌ترین عطاکنندگان، و ای برترین درخواست‌شوندگان، و ای مهربان‌ترین کسی که از او رحمت خواهند؛ ای واحد، ای احد، ای صمد؛ ای آن‌که زاییده نشده و نزاییده و همسری برایش نباشد...

محمد بن مسلم نقل می‌کند: امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ فِي كِتَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ الْمَدْحَةَ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ، فَإِذَا دَعَوْتَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَجِدْهُ». قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ أُحْمَدُهُ قَالَ: "تَقُولُ يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا مَنْ يَحْوُلُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ

هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»؛ در کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام آمده که ستایش پیش از خواهش است. پس، هرگاه خدای عزوجل را خواندی [نخست] او را تمجید کن. گفتم: چگونه او را تمجید کنم؟ آن حضرت فرمود: می‌گویی: ای کسی که از رگ گردن به من نزدیک‌تری؛ ای کسی که میان انسان و دلش حائل می‌شوی؛ ای کسی که در بالاترین چشم اندازی، ای کسی که مثل و مانندی نداری!.

### ۳. استفاده از سلاح گریه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا نَصَبَ فِي قَلْبِهِ نَاحِيَةً مِنَ الْحُزْنِ فَإِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ وَإِنَّهُ لَا يَدْخُلُ النَّارَ مَنْ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى يَعُودَ اللَّبَنُ إِلَى الضَّرْعِ وَإِنَّهُ لَا يَجْتَمِعُ عَبَّارٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدُخَانُ جَهَنَّمَ فِي مَنْخَرِي الْمُؤْمِنِ أَبَدًا وَإِذَا أَبْغَضَ اللَّهُ عَبْدًا جَعَلَ فِي قَلْبِهِ مِزْمَارًا مِنَ الضَّحِكِ وَإِنَّ الضَّحِكَ يَمِيتُ الْقَلْبَ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفَرِحِينَ»<sup>۳</sup>؛ هرگاه خدای متعال بنده‌ای را دوست داشته باشد، در قلب او

۱. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، نشر شریف

رضی، قم، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۷۳.

۲. عدة الداعی، ابن فهد حلّی، ج ۱، ص ۱۶۱.

۳. همان، ص ۱۶۸.

لَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ زُفْرَفَ الدُّعَاءِ عَلَى رَأْسِهِ فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ زُفِعَ الدُّعَاءُ»<sup>۲</sup>؛ هرکس دعا کند و از پیامبر ﷺ نام نبرد، آن دعا بالای سرش [چون پرنده‌ای] می‌چرخد و چون نام پیامبر ﷺ را ببرد، دعا بالا می‌رود.

امیرالمؤمنین علی عليه السلام نیز فرموده است: «كُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوبٍ مِنَ السَّمَاءِ حَتَّى يَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ»<sup>۳</sup>؛ هیچ دعایی به آسمان بالا نمی‌رود، مگر آن که بر محمد و آل او عليهم السلام درود فرستاده شود.

#### آداب پس از نیایش و مناجات خوانی

##### ۱. ذکر گفتن

امام صادق عليه السلام فرمود: «مَا مِنْ رَجُلٍ دَعَا فَحَتَمَ بِقَوْلِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِلَّا أُجِيبَتْ حَاجَتُهُ»<sup>۴</sup>؛ هرکس دعای خود را با ذکر «ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله» به پایان رساند، حاجت او برآورده خواهد شد.

##### ۲. شکرکردن

ائمه عليهم السلام دعاها و روش دعاکردن را به ما آموخته‌اند؛ به گونه‌ای که زبان شکرگزاران

نوحه و اندوه جای می‌دهد؛ چون او قلب محزون را دوست دارد. کسی که از ترس خدای متعال گریه کرده باشد، به آتش جهنم داخل نخواهد شد، مگر آن که شیر به پستان مادر برگردد. گرد و خاک خوردن در راه خدا با دود آتش جهنم در بینی مؤمن، هرگز جمع نخواهد شد. هرگاه خدا بنده‌ای را دشمن بدارد، در قلبش سُرُوری از خنده قرار می‌دهد که قلبش را می‌میراند. خدای متعال، افراط‌کنندگان در شادی را دوست ندارد.

##### ۴. توسل به اهل بیت عليهم السلام

امام باقر عليه السلام فرموده است: «مَنْ دَعَا اللَّهَ بِنَا أَفْلَحَ وَ مَنْ دَعَاهُ بغيرِنَا هَلَكَ وَ اسْتَهْلَكَ»<sup>۱</sup>؛ هرکس خدای متعال را با ما بخواند [و ما را واسطه قرار دهد]، رستگار و موفق خواهد شد و هرکس او را با غیر از ما بخواند، هلاک شده و طلب هلاکت می‌کند.

##### ۵. درود فرستادن بر اهل بیت عليهم السلام

امام صادق عليه السلام می‌فرماید: «مَنْ دَعَا وَ

۳. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ج ۲، ص ۱۰۲.

۴. ثواب الاعمال، ابن بابویه، دارالشریف الرضی، قم،

۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۹.

۱. امالی، شیخ طوسی، دارالثقافة، قم، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۷۲.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۹۱.

از ادای شکر آن‌ها ناتوان است و وظیفه ما آن است که به خاطر داشتن نعمت «دعا»، حمد خدا را به جای آوریم و آن را عزیز و گرامی بداریم و در عمل کردن به دعاها و درست خواندن آن‌ها بکوشیم.

در دعای ابوحمزه ثمالی در این باره چنین آمده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي وَإِن كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي»<sup>۱</sup>؛ حمد برای خدایی است که او را می‌خوانم، پس به من جواب می‌دهد؛ هرچند من در جواب دادن به او - وقتی مرا بخواند - کند هستم.

### ۳. کوشش برای خواسته‌ها

باید برای رسیدن به خواسته‌های خود بکوشیم و وظیفه ما در این باره فقط دعا کردن نیست. امام علی علیه السلام فرموده است: «الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالزَّامِي بِلَا وَتَر»<sup>۲</sup>؛ درخواست‌کننده بدون عمل مانند تیراندازی است که کمانش بدون زه باشد.

### مهارت‌های نیایش‌گری و مناجات خوانی

#### ۱. شناخت متون ادعیه

اگر بخواهیم کسی را «پدر ادبیات نیایش و دعای شیعه» معرفی کنیم، بدون

تردید باید از شیخ طوسی رحمته الله علیه نام برد. وی کتاب ارزشمند «مصباح‌المتهجد» را به این هدف نگاشت و سپس علامه حلی رحمته الله علیه منتخبی از مطالب این کتاب را در کتاب «منهاج‌الصلاح فی مختصر المصباح» گرد آورد.

پس از شیخ طوسی رحمته الله علیه، سید بن طاووس رحمته الله علیه از اثرگذارترین افراد در نشر دعا و نیایش است و مکتب شیعه به این خاطر مدیون آثار و خدمات اوست. از آثار گران‌سنگ او می‌توان به کتاب‌های فلاح‌السائل، الاقبال و جمال‌الأسبوع اشاره کرد. پس از او، ابوالعباس احمد (معروف به ابن‌فهد حلی) کتاب عُدَّة‌الداعی را نوشت و سپس کفعمی؛ ذخیره جامع شیعه در امر نیایش با نگارش دو کتاب البلد‌الامین و جُنَّة‌الامان الواقیه (معروف به مصباح کفعمی) پُر بارتر کرد.

از آثار معاصران نیز می‌توان به سه کتاب ارزشمند مفاتیح‌الجنان محدث قمی رحمته الله علیه، مفتاح‌الجنان سیدمحسن امین رحمته الله علیه و المراقبات میرزا جواد آقا ملک

۲. نهج‌البلاغه، حکمت ۳۳۷.

۱. مفاتیح‌الجنان، شیخ عباس قمی، انتشارات آیین دانش، قم.

هَذِهِ الدَّرَجَاتِ<sup>۲</sup>؛ مؤمنان، منازل و درجات متفاوتی دارند؛ یکی در منزل اول است، دیگری در منزل دوم، دیگری در منزل سوم، دیگری در منزل چهارم، دیگری در منزل پنجم، دیگری در منزل ششم و دیگری در منزل هفتم. پس، اگر بر صاحب منزل اول به اندازه دو منزل، و بر صاحب دو منزل، به اندازه سه منزل و بر صاحب سه منزل، به اندازه چهار منزل و بر صاحب چهار منزل، به اندازه پنج منزل پله و بر صاحب پنج منزل، به اندازه شش منزل پله و بر صاحب شش منزل، به اندازه هفت منزل بار کنی، در برابر آن‌ها طاقت نخواهند آورد و چنین است در درجات دیگر.

در بحث مخاطب‌شناسی ویژگی‌هایی مثل جنسیت، ایمان، سن، حضور اجباری یا اختیاری در محفل، میزان آگاهی و استعداد اهمیت دارد و باید مطالب را هماهنگ با ویژگی‌های مخاطب مطرح کرد.

### ۳. صحیح خوانی متن

یکی از اصلی‌ترین شروط ادعیه خوانی و مناجات خوانی، تسلط

تبریزی رحمته الله اشاره کرد که همگی از گنجینه‌های تراث ادب نیایش شیعه به حساب می‌آیند.

### ۲. مخاطب‌شناسی

باید مخاطب را شناخت و او را دوست داشت و نگران عاقبت او بود؛ چنان‌که خدای متعال بارها در قرآن کریم عبارت «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ» را از زبان انبیا نقل کرده است. همچنین، خدای متعال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در قرآن کریم این‌گونه معرفی می‌فرماید: «پیامبر برای هدایت شما حریص است»<sup>۱</sup>.

سُدیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَنَازِلٍ مِنْهُمْ عَلَى وَاحِدَةٍ وَمِنْهُمْ عَلَى اثْنَتَيْنِ وَمِنْهُمْ عَلَى ثَلَاثٍ وَمِنْهُمْ عَلَى أَرْبَعٍ وَمِنْهُمْ عَلَى خَمْسٍ وَمِنْهُمْ عَلَى سِتٍّ وَمِنْهُمْ عَلَى سَبْعٍ فَلَوْ ذَهَبَتْ تَحْمُلُ عَلَى صَاحِبِ الْوَاحِدَةِ ثِنْتَيْنِ لَمْ يَقْوِ وَ عَلَى صَاحِبِ الثَّنَتَيْنِ ثَلَاثًا لَمْ يَقْوِ وَ عَلَى صَاحِبِ الثَّلَاثِ أَرْبَعًا لَمْ يَقْوِ وَ عَلَى صَاحِبِ الْأَرْبَعِ خَمْسًا لَمْ يَقْوِ وَ عَلَى صَاحِبِ الْخَمْسِ سِتًّا لَمْ يَقْوِ وَ عَلَى صَاحِبِ السَّتِّ سَبْعًا لَمْ يَقْوِ وَ عَلَى

۱. توبه/۱۲۸.

۲. تفسیر صافی، ملامحسن فیض کاشانی، ج ۲، ص ۸۵.



نیایشگر بر متن دعا و نیایش است تا بتواند آن را بدون اشکال و به صورت صحیح بخواند و برای این کار نخست باید از افراد مسلط در این کار تقلید کند. برای افزایش دقت و کاهش اشتباه‌ها باید به نکات زیر توجه کرد:

#### الف. آشنایی با معنای واژه‌ها: در

بخش‌های بعد به طور مفصل به موضوع ترجمه و معناشناسی واژه‌ها اشاره می‌شود، ولی در این جا باید این نکته مهم اشاره شود که فرد نیایشگر حتماً باید پیش از بیان معنای عبارات و واژه‌ها درباره آن‌ها در کتاب‌های معتبر مطالعه کند؛ زیرا گاهی شباهت‌های کلمات یا عبارات سبب بروز اشتباه می‌شود. برای مثال، نیایشگری به سبب دقت نکردن به این نکته، عبارت «عزیز علی» از دعای ندبه را این‌گونه معنا کرد: «یا صاحب‌الزمان! شما عزیز دل من هستی!» در حالی که معنای اصلی آن چنین است: «چه قدر سخت است بر من که...». بنابراین، نیایشگر باید به قدر نیاز و ضرورت با واژه‌ها و عبارات دعاها و معانی آن‌ها آشنا باشد.

#### ب. انتخاب عبارت‌های مهم:

عبارت‌هایی را انتخاب کنید که

خودتان به آن‌ها علاقه دارید و مخاطب نیز به خوبی با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند؛ زیرا در صورت ایجاد نشدن ارتباط مخاطب با این عبارت‌ها شاید او انگیزه‌ای برای شنیدن دعا نداشته باشد. همچنین باید عبارت‌هایی را انتخاب کرد که با اولویت‌های مخاطب در زندگی و بندگی ارتباط داشته باشد و او بتواند با کمک آن‌ها مشکلات زندگی خود را برطرف کند.

#### ۴. تسلط بر نغمه‌شناسی

گفتار و بیان، نقش بسیار مهمی در انتقال احساسات، انگیزه‌ها و اطلاعات دارد و در فرایند ارتباط، فرد خوش‌بیان و خوش‌گفتار، بهتر می‌تواند حالت‌های درونی و عاطفی را انتقال دهد و به اقناع افکار و اندیشه دیگران بپردازد. بنابراین، سلامت اندام‌های آواساز و کسب مهارت‌های استفاده صحیح از این اندام‌ها و شیوه‌های خوش‌آوایی و خوش‌نوایی از مهم‌ترین مباحث این عرصه است و نیایشگران باید به سلامتی این اندام‌ها (به ویژه اندام‌هایی که با حنجره و تارهای صوتی ارتباط دارند) آگاهی داشته باشند؛ زیرا به دلیل ارتباط

در ادامه باید از روش مقایسه نیز بهره بگیرند؛ یعنی، پس از شنیدن صدای خود، آن را با الگوی تقلیدشده مقایسه نموده و به اصلاح اشکالات خود پردازند. در صورتی که با این روش، همه روزه به مدت ۳۰ دقیقه تمرین کنند، در زمان کوتاهی تغییرات چشمگیری در شیوه بیان خود احساس خواهند کرد.

#### ۶. تسلط بر متن و محتوا

نیایشگر باید به قدری بر متن و محتوا مسلط باشد که هنگام بیان جملات، شنوندگان نیز به خوبی معانی آن‌ها را درک کنند؛ برای مثال، حالت بیان نیایشگر هنگام خواندن و شرح عبارتی از ادعیه که بر رأفت و مهربانی پروردگار دلالت دارد، باید به گونه‌ای باشد که شنونده حالت مهربانی خدا را در ذهن خود ترسیم کند و این مهربانی با روح و جان او پیوند بخورد.

#### ۷. سبک‌شناسی

بهترین نغمه برای نیایشگری و مناجات‌خوانی، نغمه حزین است. فرد دل‌سوخته‌ای که از اعماق جان خود با خدای متعال گفت‌وگو کند، به راحتی می‌تواند بر دل هر شنونده‌ای اثر بگذارد.

اعضای مختلف بدن انسان باهم، بروز بیماری در هر عضوی در اعضای دیگر نیز اثر نامطلوب خواهد داشت. همچنین، نیایشگران باید شیوه‌های صحیح و مهم در عرصه صداسازی و فنون بیان را بشناسند و به کار گیرند.

#### ۵. الگوگزینی

نیایشگر ابتدا باید صدای خود را با خواندن چند بیت شعر یا چند جمله (بدون تقلید) ضبط نموده و آن را چند بار به دقت گوش کند و بکوشد معایب صدای خود (یکنواختی، گرفتگی و ...) را برطرف، و سپس دوباره صدای خود را ضبط و آن را ارزیابی کند.

گام بعدی، تقلید از صدای افراد موفق در این عرصه است. نیایشگران میدان‌دار در این عرصه را انتخاب و با گزینش بخش‌هایی از گفتار آنان، از آن‌ها تقلید کنید. توجه داشته باشید که باید لحن گفتن و نوع اداکردن کلمات و همچنین اوج و فرود صدای آنان به دقت تقلید شود و لازمه آن، گوش دادن چندباره به صدای آنان است. پس از آن، نیایشگر باید چند بار نیز آن بخش‌ها را با آنان، هم‌خوانی کند.

در تاریخ افرادی بوده‌اند که با سوز دل خود، حتی دشمنان بسیار سنگ‌دل را به گریه انداخته‌اند؛ چنان‌که نقل شده است، وقتی عقیلهٔ بنی‌هاشم، حضرت زینب علیها السلام در کنار پیکر پاره‌پارهٔ برادرش، امام حسین علیه السلام عزاداری می‌کرد؛ حتی کسانی که در اوج شقاوت و سخت‌دلی بودند و امام حسین علیه السلام را با سنگ‌دلی تمام به شهادت رسانده بودند نیز با شنیدن نغمهٔ حزین ایشان گریه افتادند. بنابراین، بی‌شک اگر ناله‌های نیایشگر از اعماق وجود باشد و با حالت دل‌شکستگی با پروردگار نیایش و مناجات کند، بر جان مخاطب اثر می‌گذارد.

بنابراین، اگر دل‌شکستگی نیایشگر حقیقی باشد، صدای او نغمه‌ای جان‌فزا است که روح نیایش را در دل مخاطبان وارد می‌کند. طالب این سوز و آه باید مقدمات آن را فراهم و در برخی ساعات روز، ماه و سال و در خلوت خود، با پروردگار به نیایش پردازد؛ زیرا در غیر این صورت سوز و نوای او در جلوت و در محافل ادعیه، شبیه به بازیگری است که تنها نقش دیگری را

بازی می‌کند. البته آشنایی با دستگاه‌های آواز و ردیف‌خوانی و برخی گوشه‌های موسیقایی نیز تا حدودی به او کمک خواهد کرد. چه این‌که در ردیف‌های دستگاه‌های آواز، گاه گوشه‌هایی دیده می‌شوند که حتی نام آن‌ها از حالت‌های مناجات‌خوانی گرفته شده است؛ مانند: زارونزار (در مایهٔ دشتی)، رازونباز (در دستگاه همایون) و سوزوگداز (در دستگاه بیات اصفهان).

البته در زنجیرهٔ گستردهٔ ردیف‌های موسیقی، گوشه‌های دیگری هم هستند که برای حالات مناجات‌خوانی مناسب هستند؛ همچون: روح‌الارواح (در دستگاه بیات ترک)، بیات راجه (در مایهٔ دشتی و دستگاه بیات اصفهان)، دیلمان (در مایهٔ دشتی)، گرد بیات (در دستگاه شور)، مثنوی (در تمامی دستگاه‌ها و مایه‌های آوازی، به‌ویژه بیات ترک و افشاری)، درآمد و راز و نیاز (در دستگاه همایون) و... که حزن و نغمهٔ خاصی را ایجاد می‌کند.

# شیوه برگزاری مراسم شب‌های قدر

جعفر واضحی آشتیانی\*

## اشاره

توده مردم اجرای مراسم احیا، به خصوص قرآن به سر، را در شأن علمای بزرگ، استادان، روحانیون و شخصیت‌های حوزوی می‌دانند. همین امر این ضرورت را ایجاد می‌کند که علما و روحانیون، به ویژه مبلغان دینی، برای اجرای باکیفیت این مراسم معنوی و نورانی از دقت و مهارت بیشتری برخوردار باشند. از این رو در این متن به شیوه برگزاری عالمانه این گونه مجالس می‌پردازیم. برای استفاده بهتر، مطالب را در قالب چند نکته بیان می‌کنیم.

مهم‌ترین شب در ماه مبارک رمضان، «شب قدر» است، شبی که فضیلتش از هزار ماه عبادت بهتر، بیشتر و بالاتر است. از مهم‌ترین اعمال این شب، برگزاری مراسم احیا و قرآن به سر است که از دیرباز مورد توجه ویژه معصومان علیهم‌السلام، علما و بزرگان دین و عموم شیعیان، به ویژه متدینین، بوده است و مردم برای برگزاری این مراسم و حضور در آن، اهمیت خاصی قائل بوده و در آن حضور پررنگ و پرشور داشته و دارند. همچنین از گذشته تاکنون، گویا

\*. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم.

### نکات مهم در برگزاری مراسم شب قدر

نکته یکم: مناسب است شروع این مراسم با ذکر صلوات بر پیامبر و آل ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا ذکر صلوات خاص حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام باشد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ الطَّيِّبَةِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ... صَلِّ اللهُ عَلَيْهَا وَعَلَى آبِهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا وَالسَّلَامَ عَلَيْهَا وَرَحْمَةَ اللهِ وَبَرَكَاتِهِ»<sup>۱</sup>

نکته دوم: از عبارات و جملاتی استفاده شود که حاوی استغفار یا توبه از گناهان باشد، مثل:

«أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عِنْدَ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا»<sup>۲</sup>

«أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ جَمِيعِ ظُلْمِي وَجُزْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى

نَفْسِي وَآتُوبُ إِلَيْهِ»<sup>۳</sup>

«أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَآتُوبُ إِلَيْهِ أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَآتُوبُ إِلَيْهِ»<sup>۴</sup>

نکته سوم: خواندن شعرهایی که رازونباز با خداوند متعال، اقرار به گناهان و درخواست بخشش از گناهان، یاد مرگ و اشاره به روز قیامت و حساب و کتاب در آن هاست، مثلاً:

#### شعر اول

به روسیاهی ام اقرار می‌کنم، العفو برای خوب شدن، کار می‌کنم، العفو مرا تو می‌خری و پاک می‌کنی اما منم که آینه را تار می‌کنم، العفو رسیده‌ام که خودم را نشان تو بدهم به هر بهانه‌ای تکرار می‌کنم، العفو خودت اجازه‌ی شب‌زنده‌داری ام دادی که با اجازه‌ات اصرار می‌کنم، العفو خودت بگیر دو دست مرا که من خود را بدون تو همه جا خوار می‌کنم، العفو

۱. البلد الأمين و الدرع الحصین، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، بی‌نا، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۸ق، ص ۲۹۶.  
 ۲. فلاح السائل و نجاح المسائل، علی بن موسی بن طاووس (سیدبن طاووس)، بی‌نا، قم، ۱۴۰۶ق، ص ۲۰۱.

۳. وسائل الشیعة، محمدبن حسن حرّ عاملی (شیخ حرّ عاملی)، بی‌نا، قم، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۲۲۵.  
 ۴. إقبال الأعمال (چاپ قدیم)، علی بن موسی بن طاووس (سیدبن طاووس)، بی‌نا، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۸۵.

شک ندارم که تو یک جا همه را می‌بخشی  
 به خدایی تو سوگند که در وقت سحر  
 وسط گریه و نجوا همه را می‌بخشی  
 پر توبه بده تا سوی تو پرواز کنم  
 تا بینم که چه زیبا همه را می‌بخشی  
 من زمین خورده‌ام اما نه شبیه عباس علیه السلام  
 به زمین خوردن سقا همه را می‌بخشی<sup>۲</sup>

### شعر سوم

سلام ماه مبارک، سلام ماه خدا  
 سلام ماه پذیرایی خدا از ما  
 سلام شهر طهورای ساکنان زمین  
 سلام چشمه تنزیه عالم بالا  
 ببین به سوی تو قرآن به دست آمده‌ام  
 سلام شهر تلاوت، سلام شهر دعا  
 به دعوت تو در این میهمانی آمده‌ام  
 وگرنه خاک کجا و زلالی دریا  
 چقدر سنگ به بالم زدم به دست خودم  
 چقدر زخمی‌ام و پرشکسته‌ام حالا  
 شکسته‌ام که مرا در تلاطمت بگشی  
 تو ناز و قهر خودت را نکن دریغ از ما  
 برای اذن دخولم اجازه می‌خواهم  
 اجازه از علی علیه السلام و یک اجازه از زهرا علیها السلام  
 به اذن دست بریده، به اذن مشک و علم  
 به اذن روضه چشمان حضرت سقا<sup>۳</sup>

از این که عفو تو شد شاملم ولی من با  
 گناه کردنم انکار می‌کنم، آلعفو  
 زمان تشنگی یاد حسین علیه السلام می‌افتم  
 به یاد کودکش افطار می‌کنم، آلعفو  
 ببین به پای مناجات گریه می‌ریزم  
 به یاد عمه سادات گریه می‌ریزم<sup>۱</sup>

### شعر دوم

امشب ای خالق یکتا همه را می‌بخشی  
 در شب قدر خدایا همه را می‌بخشی  
 ای کریمی که همه ریزه‌خور خوان توآند  
 سفره‌ات هست مهیا همه را می‌بخشی  
 گرچه ما غرق گناهیم، ولی ازسر لطف  
 می‌کنی باز مدارا همه را می‌بخشی  
 به علی، احمد و زهرا، به حسین و به حسن علیهما السلام  
 تو، به این حرمت آسما همه را می‌بخشی  
 مهر و کینه دو پروبال عروج دل ماست  
 به تویی و تبری همه را می‌بخشی  
 شیعۀ حیدر و آتش چقدر بی‌معناست  
 مطمئنم که به مولا همه را می‌بخشی  
 دست خالی نرود هیچ‌کسی از اینجا  
 تو در این لیلۀ احیا همه را می‌بخشی  
 آن قدر لطف و عنایت به همه داری که  
 نه فقط اهل دعا را، همه را می‌بخشی  
 یک نفر گر که دعایش به اجابت برسد

۱. محمد حسن بیات‌لو.

۲. محمد فردوسی.

۳. رحمان نوازی.

### شعر چهارم

ای آن که در فضای دعا می‌خری مرا  
تا اوج وصلِ حضرت خود می‌بری مرا  
مثل همیشه با نظرِ رحمت ببخش  
حال دعا و زمزمهٔ بهتری مرا  
حال قنوت و حالِ بکا حالِ بندگی  
کن مرحمت ز عاطفهٔ کوثری مرا  
آئینهٔ جمالِ خودت را نشان بده  
مِنْ أَظْهَرِ الْجَمِيلِ نما حیدری مرا  
لطف شماسست خوانده مرا، وَرَنَهٗ ای کریم  
شایسته نیست این بِسْمِ نوکری مرا  
هرگاه حالِ توبه مرا دست می‌دهد  
گویم که هست این گنهٔ آخری مرا  
تنبیه می‌کنی بکن؛ اما خودت بزنی  
هرگز مده به کسی دیگری مرا  
با یک اشاره، قلبِ حسینی علیه السلام به من بده  
زهر علیه السلام کند ز لطف مگر مادری مرا  
شش گوشهٔ حسین علیه السلام دلم را ربوده است  
یعنی دوباره کرده علی اکبری مرا  
نکتهٔ چهارم: اجرای شعرهایی که به  
«شعرهای دارای زمزمه» شهرت دارند و  
شرکت‌کنندگان در جلسه با سبک و  
آهنگ آن‌ها انس دارند و با اجرای آن  
مجری را همراهی می‌کنند. استفاده از این

نوع اشعار در طول اجرای شعر ابتدایی،  
به‌خصوص بعد از اتمام آن، می‌تواند تأثیر  
بسیار زیادی در تحریک احساسات و  
عواطف و همچنین همراه کردن  
شرکت‌کنندگان در مجلس بگذارد.  
نمونه‌هایی از این اشعار عبارت‌اند از:

### شعر زمزمه‌ای اول

یا الهی، یا الهی، یا الهی، یا الهی، یا الهی  
گس به‌غیر از تو نخواهم  
چه بخواهی چه نخواهی  
باز کن در که جز این خانه مرا نیست پناهی  
نه من آنم که ز لطف و کرمت چشم بیوشم  
نه تو آنی که کنی منع گدا را ز نگاهی  
یا الهی، یا الهی، یا الهی، یا الهی  
در اگر بازنگردد، نروم باز به جایی  
پشت دیوار نشینم چو گدا بر سر راهی  
تو کریمی و دوصد کوه به یک کاه ببخشی  
من بیچاره چه سازم که ندارم پر کاهی  
یا الهی، یا الهی، یا الهی، یا الهی  
چوبه دوزخ ز دهان شعله صفت سر به در آرد؟  
این زبانی که دل شب به تو گفته ست الهی  
چون پسندی که فرود آوری اش در دل آتش؟  
این جبینی که به خاک تو فرود آمده گاهی  
سخن از وسعت عفوت نتوان گفت که فردا

الهی الهی، به سبّطین احمد  
 الهی به شُبَّیر، الهی به شُبَّیر  
 الهی به عابد، الهی به باقر  
 الهی به موسی، الهی به جعفر  
 الهی یا الهی، الهی یا الهی، الهی یا الهی (۲)  
 الهی الهی، به شاه خراسان  
 خراسان چه باشد، به آن شاه کشور  
 شنیدم که می‌گفت زاری، غریبی  
 طوافِ رضا چون شد او را میسر  
 من این‌جا غریب و تو شاه غریبان  
 به حالِ غریبِ خود از لطف بنگر  
 الهی یا الهی، الهی یا الهی، الهی یا الهی (۲)  
 الهی به حقِّ تقی و به علمش  
 الهی به حقِّ نقی و به عسکر  
 الهی الهی، به مهدی هادی  
 که او مؤمنان راست هادی و رهبر  
 که بر حال زار بهایی نظر کن  
 به حق امامان معصوم یکسر  
 الهی یا الهی، الهی یا الهی، الهی یا الهی (۲)<sup>۲</sup>

#### شعر زمزمه‌ای چهارم

منم که عمری در اشتباهم  
 مرانم از در که بی‌پناهم  
 بیا و بگذر تو از گناهم  
 الهی العفو، الهی العفو

جرم کُوْنین به پیش کرمت نیست گناهی  
 یا الهی، یا الهی، یا الهی، یا الهی<sup>۱</sup>

#### شعر زمزمه‌ای دوم

سینه‌ام خسته‌آه است، الهی العفو  
 حاصلم بار گناه است، الهی العفو  
 یا الهی، یا الهی، الهی العفو (۲)  
 پشتم از بار گناه خم شده و باز مرا  
 به عطای تو نگاه است، الهی العفو  
 کارم از اول ره بوده گناه روی گناه  
 وای من، آخر راه است، الهی العفو  
 یا الهی، یا الهی، الهی العفو (۲)  
 آنچه آورده‌ام امشب به در خانه تو  
 گریه و ناله و آه است، الهی العفو  
 یأس بر دل ندهد راه و نگردد نومید  
 آن‌که را چون تو اله است، الهی العفو  
 یا الهی، یا الهی، الهی العفو (۲)  
 وای از آن روز که هر عضو تنم برگزینی  
 در حضور تو گواهِ است، الهی العفو  
 یا الهی، یا الهی، الهی العفو (۲)

#### شعر زمزمه‌ای سوم

الهی الهی، به حق پیمبر  
 الهی الهی، به ساقی کوثر  
 الهی الهی، به صدق خدیجه  
 الهی الهی، به زهرای اطهر  
 الهی یا الهی، الهی یا الهی، الهی یا الهی (۲)

۱. غلامرضا سازگار.

۲. شیخ بهایی.



در این دل شب تو دل‌نوازی  
 منم فقیر و تو بی‌نیازی  
 منم پریشان تو چاره‌سازی  
 الهی العفو، الهی العفو  
 ز بار عصیان قدم خمیده  
 زمین کنم گل ز آب دیده  
 بین که کارم کجا کشیده  
 الهی العفو، الهی العفو

نکته پنجم: بعد از اجرای شعر ابتدایی و همراه کردن مخاطبان با شعر دارای زمزمه، مناسب است با ذکر آیه‌ای از قرآن یا نقل روایت یا بیان قضیه معتبر تاریخی و... درباره توبه، انابه، استغفار، رازونیز با خدا و...، احساسات و عواطف آنان را برای ارتباط عمیق‌تر و پرنرنگ‌تر با خداوند متعال تحریک کرد. نمونه‌هایی از این نوع روایات عبارت‌اند از:

الف. «اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ التَّدْمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ فَأَنَا أَنْدَمُ التَّادِمِينَ وَإِنْ يَكُنِ التَّرْكُ لِمَعْصِيَتِكَ إِنَابَةً فَأَنَا أَوْلُ الْمُنِيبِينَ وَإِنْ يَكُنِ الْإِسْتِغْفَارُ حِظَّةً لِلذُّنُوبِ فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ اللَّهُمَّ فَكَمَا أَمَرْتَ بِالتَّوْبَةِ وَضَمِنْتَ الْقَبُولَ وَحَثَّتَ عَلَى الدُّعَاءِ وَ

وَعَدْتَ الْإِجَابَةَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَلَا تَرْجِعْنِي مَرْجِعَ الْحَيَبَةِ مِنْ رَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ وَ الرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ الْمُنِيبِينَ»؛ بار خدایا، اگر پشیمانی به سوی تو توبه است، پس من پشیمان‌ترین پشیمان‌هایم، و اگر به جا نیاوردن گناه تو، توبه و بازگشت (به سوی تو) است، پس من نخستین توبه‌کنندگانم، و اگر درخواست آمرزش سبب ریختن گناهان است، پس من به درگاه تو از درخواست‌کنندگان آمرزشم، بار خدایا، چنان که به توبه فرمان دادی و پذیرفتن (آن) را ضمانت کردی و بر دعا ترغیب کردی و وعده روا ساختن دادی، پس بر محمد ﷺ و آل او علیهم‌السلام درود فرست و توبه‌ام را بپذیر و مرا به نومیدی از رحمتت بازمگردان، زیرا تو بر گناه کاران آمرزنده‌ای و بر خطا کاران توبه‌کننده مهربانی.

ب. «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مُنَادِيًا يُنَادِي مَهْلًا مَهْلًا عِبَادَ اللَّهِ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ فَلَوْلَا بِهِائِمُ رُغَّ وَ صَبِيَّةُ رُضِعَّ وَ شَيْوُخُ رُغَّ

۱. صحیفه سجادیه، امام زین العابدین (علیه السلام)، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش، دعای ۳۱، ص ۱۴۶.

ذَلِكَ يَهْتِكُ سِتْرَهُ فِي السَّمَاءِ وَ سِتْرَهُ فِي الْأَرْضِ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبِّ هَذَا عَبْدُكَ قَدْ بَقِيَ مَهْتُوكَ السِّتْرِ فَيُوحِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِمْ لَوْ كَانَتْ لِي فِيهِ حَاجَةٌ مَا أَمَرْتُكُمْ أَنْ تَرْفَعُوا أَجْنِحَتَكُمْ عَنْهُ؛<sup>۲</sup> امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل فرمودند: هیچ بنده‌ای نیست مگر آن‌که او را چهل پرده و پوشش احاطه کرده است تا هنگامی که چهل معصیت کبیره از او صادر شود. پس از انجام دادن چهل کبیره، پرده‌ها گسیخته می‌شوند و فرشتگانی که حافظ و نگهبان و همراه اویند می‌گویند: پروردگارا، این بنده توست که پرده‌ها و پوشش‌ها از او کنار رفته است. حق تعالی به ایشان وحی می‌فرماید: بنده‌ام را با بال‌هایتان مستور کنید. فرشتگان طبق امر باری تعالی، با بال‌های خود او را می‌پوشانند. او هیچ قبیح و عمل منگری نیست مگر آن‌که مرتکبش می‌شود و به انجام دادن آن‌ها نزد مردم افتخار نیز می‌کند. فرشتگان به درگاه پروردگار عرضه می‌دارند: بار الهی، این بنده‌ات فعل قبیح و منگری نیست مگر آن‌که انجامش داده

لُصِبَ عَلَيْكُمْ الْعَذَابُ صَبًّا تَرْضُونَ بِهِ رَضًا؛<sup>۱</sup> حضرت امام کاظم علیه السلام فرمود: خدای عزوجل یک منادی دارد که در هر روز و شب صدا می‌زند: بایستید، بایستید ای بندگان خدا و از رفتن به سوی نافرمانی‌های خدا (اجتناب کنید) که اگر چهارپایان چرنده و کودکان شیرخوار و پیران به رکوع رفته (و اهل عبادت) نبودند، عذابی بر سر شما فرومی‌ریخت که نرم و کوبیده شوید.»

ج. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ جُنَّةً حَتَّى يَعْمَلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً فَإِذَا عَمَلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً انْكَشَفَتْ عَنْهُ الْجُنُنُ فَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهِمْ أَنْ اسْتُرُوا عَبْدِي بِأَجْنِحَتِكُمْ فَتَسْتُرُهُ الْمَلَائِكَةُ بِأَجْنِحَتِهَا قَالَ فَمَا يَدْعُ شَيْئاً مِنَ الْقَبِيحِ إِلَّا قَارَفَهُ حَتَّى يَمْتَدِحَ إِلَى النَّاسِ بِفِعْلِهِ الْقَبِيحِ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبِّ هَذَا عَبْدُكَ مَا يَدْعُ شَيْئاً إِلَّا رَكِبَهُ وَ إِنَّا لَنَسْتَحْيِي مِمَّا يَصْنَعُ فَيُوحِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِمْ أَنْ ازْفَعُوا أَجْنِحَتَكُمْ عَنْهُ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ أَخَذَ فِي بُعْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَعَنْدَ

۲. همان، ص ۲۸۰.

۱. اصول کافی، محمدبن یعقوب کلینی، دارالکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۶.

است و ما از کردار او شرمساریم. حق تعالی به آن‌ها وحی می‌فرماید: بال‌های خود را از او بردارید. هنگامی که این عبد عاصی به ما اهل بیت بغض ورزید و نسبت به ما شروع به اظهار عداوت کرد، حق تبارک و تعالی پرده‌ها و حجاب‌ها را که قبایح او را مستور کرده بودند، در آسمان کنار زد و آن‌ها را بر اهل آن ظاهر و روشن ساخت؛ ولی در زمین منکرات و کردار زشت او را همچنان بر اهل زمین مستور نگاه داشت. فرشتگان عرضه داشتند: پروردگارا، این بنده گنهکارت همچنان مهتوک‌الستر مانده و حجاب از اعمال زشتش کنار نرفته است! خداوند به ایشان وحی فرمود: اگر حاجت و نیاز به او می‌داشتیم، فرمان نمی‌دادم که بال‌های خود را از او بردارید.»

د. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَ الدُّعَاءِ فَأَمَّا الدُّعَاءُ فَيُدْفَعُ بِهِ عَنْكُمْ الْبَلَاءُ وَ أَمَّا الْإِسْتِغْفَارُ فَتُمَحَّى بِهِ دُنُوبُكُمْ»؛

امام صادق علیه السلام از قول امیرمؤمنان علیه السلام نقل فرمود: بر شما باد که در ماه مبارک رمضان

زیاد استغفار و دعا کنید؛ اما زیاد دعا کنید چون به واسطه دعا بلاها و گرفتاری از شما دفع می‌شود و اما زیاد استغفار کنید چون با استغفار گناهانتان از بین می‌رود.»

**نکته ششم:** بعد از اجرای پنج مرحله قبل، دعاهای وارد شده برای احیا به ترتیبی که در کتاب‌های ادعیه ذکر شده، قرائت می‌شود. درباره نوع قرائت دعاها دو دیدگاه وجود دارد: برخی معتقدند قرائت دعاها به صورت متوالی و بدون فاصله بین آن‌ها صورت پذیرد که اهل بیت علیهم السلام هم ظاهراً به همین صورت قرائت می‌فرمودند. برخی دیگر بر این باورند که به سبب بهتر شدن شور و حال معنوی و سوز بیشتر شرکت‌کنندگان در مجلس دعا، می‌توان در بین تکرار ذکرهای وارد شده، با استفاده از طرح مطالب مرتبط با دعا، مانند آیات قرآن، روایات و فرمایش‌های معصومان علیهم السلام، دعاهای دیگر، اشعار مناسب و...، حال معنوی بهتری را برای حاضران مجلس رقم زد. در این بخش به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازیم.

## الف. آیاتی از قرآن کریم

۱. خداوند متعال می‌فرماید: اگر کسانی که به خود ستم کرده‌اند، یعنی مرتکب گناه شده‌اند، توبه و از خداوند طلب آمرزش کنند و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز برایشان استغفار کند، خداوند آن‌ها را می‌بخشد: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾<sup>۱</sup> «و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای آن که با اذن خداوند فرمان برده شود، و اگر آنان هنگامی که به خود ستم کردند (از راه خود برمی‌گشتند و) نزد تو می‌آمدند و از خداوند مغفرت می‌خواستند و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم برایشان استغفار می‌کرد، قطعاً خداوند را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.»

۲. ﴿قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ \* قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ﴾<sup>۲</sup> «برادران یوسف عَلَيْهِ السَّلَام بعد از آن همه ظلم‌هایی که به برادرشان کرده بودند، وقتی نزد پدرشان یعقوب آمدند عرض کردند: ای پدر،

آمرزش گناهان ما را از خداوند بخواه که ما بدون تردید خطاکار بوده‌ایم. یعقوب گفت: برای شما از پروردگار درخواست آمرزش خواهم کرد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.»

۳. بعد از آن که شیطان آدم و حوا را از [طریق] آن درخت لغزاند و آنان را از آنچه در آن بودند [مقام و مرتبه معنوی و منزلت و جایگاه ظاهری] بیرون کرد و ما گفتیم [ای آدم و حوا و ای ابلیس]، درحالی که دشمن یکدیگرید [و تا ابد بین شما آدمیان و ابلیسیان صلح و صفایی نخواهد بود، از این جایگاه] فرود آید و برای شما در زمین، قرارگاهی [برای زندگی] و تا مدت معینی وسیله بهره‌وری اندکی خواهد بود، آدم شروع به گریه کرد تا این که ﴿فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾<sup>۳</sup> «پس آدم کلماتی را [مانند کلمه استغفار و توسل به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام که مایه توبه و بازگشت بود] از پروردگارش دریافت کرد و پروردگار توبه‌اش را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.»

۱. نساء/ ۶۴.

۲. یوسف/ ۹۷ و ۹۸.

۳. بقره/ ۳۷.

ب. بخش‌هایی از دعاها و مناجات‌ها

۱. مناجات امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه

«مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُتَوَلَّى وَ أَنَا الْعَبْدُ  
وَ هَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمُتَوَلَّى؛ ای آقای من،  
ای آقای من، تویی مولای من و من بنده  
توأم، و آیا در حق بنده، جز مولایش، کسی  
ترحم خواهد کرد؟»

«مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْبَاقِي وَ أَنَا الْفَانِي  
وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَانِي إِلَّا الْبَاقِي؛ ای آقای من، ای  
آقای من، تویی وجود باقی و من مخلوقی  
تباه و فانی و نابودم، و آیا در حق فانی  
نابودشدنی، جز ذات باقی سرمدی، کسی  
ترحم خواهد کرد؟»

«مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا  
الْمُرْزُوقُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ؛ ای  
آقای من، ای آقای من، تویی روزی دهنده  
خلق و من روزی خواهم، و آیا در حق  
روزی خواه، جز رازق و روزی دهنده خلق،  
کسی ترحم خواهد کرد؟»

«مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْجَوَادُ وَ أَنَا الْبَخِيلُ  
وَ هَلْ يَرْحَمُ الْبَخِيلَ إِلَّا الْجَوَادُ؛ ای آقای من،  
ای آقای من، تویی صاحب جود و احسان  
و منم بخیل، و آیا در حق بخیل، جز

شخص باجود و احسان، کسی ترحم  
خواهد کرد؟»

«مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْكَبِيرُ وَ أَنَا  
الصَّغِيرُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ إِلَّا الْكَبِيرُ؛ ای  
آقای من، ای آقای من، تویی خدای بزرگ  
و منم بنده کوچک، و آیا در حق بنده  
صغیری، جز خدای بزرگ، کسی ترحم  
خواهد کرد؟»

«مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا  
الْمُرْحُومُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ؛ ای  
آقای من، ای آقای من، تویی خدای  
بخشاینده و منم بنده نیازمند ترحم و  
بخشش، و آیا در حق بنده نیازمند  
بخشش، جز خدای بخشاینده، کسی  
ترحم خواهد کرد؟»

«مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَالِبُ وَ أَنَا  
الْمَغْلُوبُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْغَالِبُ؛ ای  
آقای من، ای آقای من، تویی خدای غالب  
و قاهر و منم بنده عاجز مغلوب، و آیا در  
حق بنده مغلوب مقهور، جز خدای غالب  
قاهر، کسی ترحم خواهد کرد؟»<sup>۱</sup>

۲. مناجات شعبانیه

«إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي مَنَ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي وَ

۱. المزار الکبیر، محمدبن جعفر مشهدی، بی‌نا، قم،  
چاپ اول، ۱۴۱۹ق، ص ۱۷۴.

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُثْرِلُ الْبَلَاءَ؛  
الهی، بیامرز آن گناہانی را که باعث نزول  
بلا می شوند.»

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ  
أَخْطَأْتُهَا؛<sup>۲</sup> پروردگارا، هر گناہی که کرده‌ام  
بیامرز و هر خطایی که کرده‌ام بر من  
بخش.»

### ۳. دعای ابو حمزه ثمالی

«اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلِكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ  
صِدْقٌ» وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ  
بِكُمْ رَحِيمًا، وَ لَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي  
أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَ تَمْنَعُ الْعَطِيَّةَ وَ أَنْتَ الْمُنَّانُ  
بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَ الْعَائِدُ عَلَيْهِمْ  
بِتَحْنٍ رَافِتِكَ... أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ  
أَحْرَسَهُ ذَنْبُهُ، رَبِّ أَنْجِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أُوْبِقَهُ  
جُرْمُهُ، أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا وَ رَاحِبًا رَاحِيًا خَائِفًا  
إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ دُنُوبِي فَرَعْتُ وَ إِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ  
طَمِعْتُ، فَإِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرٌ رَاحِمٍ وَإِنْ عَذَّبْتَ  
فَعَبِيرٌ ظَالِمٍ حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرْأَتِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ  
مَعَ إِثْبَانِي مَا تَكْرَهُ جُودَكَ وَ كَرَمَكَ؛<sup>۳</sup> خدایا، تو  
گفتی و گفتارت بر حق و وعده‌ات درست  
است؛ [فرمودی:] از فضل خدا بخواهید

إِنْ خَذَلْتَنِي مَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي؛ إِلَهِي أَعُوذُ  
بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ حُلُولِ سَخَطِكَ؛ إِلَهِي إِنْ  
كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ  
عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ؛ إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ  
بَيْنَ يَدَيْكَ وَ قَدْ أَظْلَمَهَا حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ؛  
فَفَعَلْتَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ تَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ؛ ای  
خدا، اگر تو مرا از رزقت محروم سازی،  
دیگر که تواند مرا روزی دهد؟ و اگر تو مرا  
خوار گردانی، که مرا یاری تواند کرد؟ ای  
خدا، به تو پناه می برم از غضب تو و از ورود  
خشم و سَخَطت؛ ای خدا، اگر من لایق  
رحمت نیستم، تو لایقی که بر من از فضل  
و گرم بی پایانت جود و بخشش کنی؛ ای  
خدای من، گویا من اکنون در حضور تو  
ایستاده‌ام و حسن تو کلم بر تو به سرم سایه  
لطف انداخته و آنچه از گرم و احسان تو را  
شایسته است، با من به جا آورده‌ای و عفو  
و آمرزشت مرا فرا گرفته است.»

### ۳. دعای کمیل

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ؛  
خدایا، بیامرز برایم آن گناہانی را که مانع  
استجابت دعاها می شوند.»

۲. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، محمد بن حسن  
طوسی، بی‌نا، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۸۴۶.  
۳. همان، ص ۵۹۱.

۱. اقبال الأعمال (چاپ قدیم)، علی بن موسی بن طاووس  
(سید بن طاووس)، ج ۲، ص ۶۸۶.

که خدا نسبت به شما مهربان است؛ ای آقای من، در شأن تو این نیست که دستور به درخواست دهی و از بخشش خودداری کنی. تو با عطاهایت بر اهل مملکت بسیار کریمی و بر آنان با محبت و رأفت بسیار، احسان کننده ای؛ ای آقای من، تو را به زبانی می خوانم که گنااهش او را ناگویا کرده و با دلی با تو مناجات می کنم که جرمش او را هلاک ساخته؛ تو را می خوانم ای پروردگرم در حال هراس و اشتیاق و امید و بیم. مولای من، هرگاه گناهانم را می بینم، بی تاب می شوم و هرگاه گرمی را مشاهده می کنم، به طمع می افتم؛ پس اگر از من درگذری، بهترین رحم کننده ای، و اگر عذابم کنی، ستم نکرده ای خدایا، حجت من در گستاخی بر درخواست از تو، با ارتکاب آنچه از آن کراهت داری، جود و کرم توست.»

### ج. اشعار مناسب

غیر از تو ای خدا به کسی رو نمی زنم  
جز در مقام قرب تو زانو نمی زنم  
با کشتی شکسته ز امواج معصیت  
جز در کرانه های تو پهلو نمی زنم  
با اینکه روسیاه ترین خلق عالمم  
چنگی به غیر نغمه «أرجو» نمی زنم

فعل مرا دیدی ولی چیزی نگفتی  
بنده همان بنده، خدا مثل همیشه  
از ما توسل، از تو لطف و دست گیری  
آقا همان آقا، گدا مثل همیشه

ممنون از این که دست ما را رو نکردی  
مثل همیشه بازهم سثار بودی  
چه خوب شد در معصیت مرگم نیامد  
ممنون از این که باز با ما یار بودی

با این گناهانی که من انجام دادم  
باور نمی کردم که دستم را بگیری  
تو آن قدر لطف و کرامت پیشه ای که  
روزی هزاران بار توبه می پذیری

جا مانده بودم، تو مرا این جا رساندی  
من خواب بودم، تو مرا بیدار کردی  
وقتی سحرهای مناجات نبودم  
آن شب به جای من تو استغفار کردی

### نکته هفتم: در برگزاری مراسم احیا و

قرآن به سرگرفتن، با هدف ایجاد تنوع، در  
بین اسامی معصومان علیهم السلام با استفاده از  
یکی از بخش های ذکر شده، سوز و شور  
مجلس حفظ شود. اما وقتی نوبت به  
صدازدن نام امیرالمؤمنین و حضرت  
زهرای علیها السلام می رسد، در شب نوزدهم و

وقتی به نامه عملم خیره می‌شوی  
اشک از دو دیده تو سرازیر می‌شود  
کی این دل رمیده من هم زهیروار  
در دام چشم‌های تو تسخیر می‌شود؟  
این کشتی شکسته طوفان معصیت  
با ذوق دست توست که تعمیر می‌شود  
حس می‌کنم که پای دلم لحظه گناه  
با حلقه‌های زلف تو درگیر می‌شود  
در قطره‌های اشک قنوت شب شما  
عکس ضریح گم شده تکثیر می‌شود  
تقصیر گریه‌های غریبانه شماست  
دنیا غروب جمعه چه دل‌گیر می‌شود!

### شعر دوم

گفتم که بی‌قرار تو باشم؛ ولی نشد  
تنها در انتظار تو باشم؛ ولی نشد  
گفتم به دل که جلب رضایت کند، نکرد  
گفتم که جان‌نثار تو باشم؛ ولی نشد  
گفتم میان جذر و مد اشک و آه شب  
در گردش مدار تو باشم؛ ولی نشد  
گفت که می‌رسی تو من هم دعا کنم  
در دولت تو یار تو باشم؛ ولی نشد  
گفتم که تا اجل نرسیده‌ست لحظه‌ای  
در خیمه‌ات کنار تو باشم؛ ولی نشد  
گفتم که خاک پای تو را تاج سر کنم  
چون خاک رهگذار تو باشم؛ ولی نشد

بیست و یکم مناسب است اشاره‌ای به  
مرثیه حضرت علی علیه السلام شود؛ ولی در شب  
بیست و سوم مناسب است به مرثیه  
حضرت زهرا علیها السلام اشاره شود. مناسب  
است هریک از شب‌های قدر به مرثیه  
یکی از شهدای شاخص کربلا، به‌ویژه  
امام حسین، حضرت زینب، حضرت  
ابا الفضل، حضرت علی اکبر یا حضرت  
علی اصغر علیهم السلام اشاره شود. همچنین وقتی  
نوبت به نام امام کاظم و  
امام رضا علیهم السلام می‌رسد، هر شب به مرثیه  
یکی از ایشان اشاره شود.

**نکته هشتم:** در برگزاری مراسم احیا  
وقتی نوبت به صدا زدن نام مبارک  
حضرت ولی عصر علیه السلام می‌رسد، مناسب  
است شعری در توسل و اظهار ارادت به  
حضرت خوانده شود و زمزمه‌ای از  
مستمع درخواست گردد و چند کلامی با  
حضرت درددل کنیم و سپس نام  
مبارکش تکرار شود. برای نمونه، چند  
شعر ذکر می‌شود:

### شعر اول

دارد زمان آمدنت دیر می‌شود  
دارد جوان سینه‌زنت پیر می‌شود



گفتم به قدر آه دلِ دل شکستگان  
در عهد و روزگارِ تو باشم؛ ولی نشد  
گفتم دعا کنم که بیایی ببینمت  
مانند مهزیارِ تو باشم؛ ولی نشد<sup>۱</sup>

### شعر سوم

بیا که بی تو دل من بهانه می‌گیرد  
به این نشان که ز کویت نشانه می‌گیرد  
به دل ز هجر جمال تو آتشی دارم  
که هر نفس به هوایت زبانه می‌گیرد  
نشسته مرغ دلم روی بام خانه تو  
گمان مبر که جز این گوشه لانه می‌گیرد  
شدم گدای در خانه‌ای که جبرئیل  
همیشه اذن ازین آستانه می‌گیرد  
امام عصر، ولی خدا، عزیز رسول  
که دل سراغ رخس عاشقانه می‌گیرد  
فدای مادر مظلومه اش که در محشر  
سراغ شیفتگان دانه دانه می‌گیرد  
تو انتقام بگیر از عدوی خون خواری  
که راه فاطمه با تازیانه می‌گیرد  
بیا و مادر پهلو شکسته‌ات را بین  
ز کوچه با چه دلی راه خانه می‌گیرد  
بیا که ناله جان سوز «هاشمی» هر شب  
به سوز و آه ز کویت نشانه می‌گیرد<sup>۲</sup>

### شعر زمزمه‌ای اول

یا ابن زهرا، یا ابن زهرا (۴)  
گرچه از چشم نهانی، خوب می‌دانم کجایی  
در دل عشاق یعنی جایگاه کبریایی  
من که قابل نیستم با نام و یادت عشق ورزم  
آن قدر دانم که در نای وجود من نوایی  
یا ابن زهرا، یا ابن زهرا (۴)  
زندگی شد تنگ در زندان هجرانِ تو بر ما  
کی به وصل خود دهی  
ما را از این زندان رهایی  
هر طیبی عاجز از درمان درد عاشقانت  
خود تو باید آوری بر درد عشقت دوا  
یا ابن زهرا، یا ابن زهرا (۴)  
فاش می‌گویم یقین دارم تو هم  
چون حی بی‌چوندر کنار مایی  
و درعین حال از ما جدایی  
مشکلات ما به دست تو فقط باید شود حل  
جز تو در عالم کجا پیدا شود مشکل‌گشایی  
یا ابن زهرا، یا ابن زهرا (۴)

### شعر زمزمه‌ای دوم

یوسف زهرا، مهدی ای مولا (۲)  
ای امید دل همه، یا ابن الحسن (۲)  
گل گلشن فاطمه، یا ابن الحسن  
از ازل بر عشق تو خو کردم

۱. سید مجتبی شجاع.

۲. سید حسین هاشمی نژاد.

**نکته نهم:** آخرین بخش مراسم شب قدر، دعاهای پایانی است که لازم است به دعای کم اکتفا نشود؛ بلکه زیاد دعا شود؛ به دعاهای ریز و درشت و کوچک و بزرگ توجه شود؛ به دعا کردن برای تمام مسلمانان و مظلومان عالم توجه شود؛ به دعا کردن برای رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی جامعه توجه شود؛ به دعا کردن برای ازدواج و فرزندآوری نسل جوان توجه شود؛ به دعا کردن برای رفع مشکلات منطقه‌ای محل تبلیغ توجه شود.

#### شعر زمزمه‌ای سوم

یا ابن الحسن کجایی؟ کی می‌شود بیایی؟  
 ذکر دعای من شده، شب همه شب ثنای تو  
 بیا بیا فدای آن چهره دل‌گشای تو  
 شها بیا که جان دهم هدیه به خاک پای تو  
 یا ابن الحسن کجایی؟ کی می‌شود بیایی؟  
 گرچه گناه ما شده، مانع دیدن رُخت  
 قاتل جان ما شود، فکر ندیدن رخت  
 دل به درون سینه‌ام، پر زند از برای تو  
 یا ابن الحسن کجایی؟ کی می‌شود بیایی؟  
 نام گرامی‌ات بود ورد زبان عاشقان  
 تویی، تویی، ز مرحمت، امید دل شکستگان  
 صفای بزم شیعیان نیست به جز صفای تو  
 یا ابن الحسن کجایی، کی می‌شود بیایی



# گل‌واژه‌های وحی

آموزش عمومی ترجمه و فهم متن قرآن کریم

علی ملکوتی نیا\*

## مقدمه

نزول قرآن کریم، پدیده بی نظیری در تاریخ زندگی بشر می باشد، بدان جهت که خداوند سبحان، گام به گام در سفر و حضر، شب و روز، در جنگ و صلح و در سایر شرایط اجتماعی با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخن گفته است. این پدیده، میراث بزرگ و ارزشمندی برای مسلمانان گردیده، چون این امر همواره نشانه حضور خداوند متعال در زندگی آنان بوده است. همان میراثی که محور همه فعالیت های دینی در اسلام به حساب می آید. این نکته در

مقایسه با سایر کتاب های مقدس ادیان آسمانی و زمینی بسیار چشمگیر و قابل تأمل است. به این گزارش توجه کنید: «سازمان یونسکو (UNESCO)، ۵۰ کتاب را به عنوان کتب آسمانی در یک مجموعه، منتشر ساخته است. اولین کتاب این مجموعه ۵۰ جلدی را قرآن قرار داده است. در بین این کتاب ها، عهدین (کتاب مقدس) که وضعیت آن مشخص است، ولی کتاب هایی مثل «اوپانیشادها» (تلفظ دقیق تر ولی کمتر رایج: اوپه نیشدها) (کتاب مقدس هندوئیسم)، «بهاگاواد

\*. استاد حوزه علمیه قم و دانش آموخته دکتری تخصصی (دانشگاه قرآن و حدیث).

نشان نمی‌دهند؛ برخی می‌گویند خدایی هست که خالق جهان می‌باشد، ولی ما هم کار خودمان را انجام می‌دهیم؛ در حالی که قرآن، خدا و حضور خدا را پررنگ مطرح می‌کند. انسان در قرآن، همه‌اش نقش خدا در جهان را می‌بیند، ولی در کتب دیگر نقش بشر برجسته است. قرآن قصه‌های تاریخی بسیاری دارد؛ ولی قصه‌هایش تاریخ محض نیست، فلسفه تاریخ یا حضور خدا در تاریخ است؛ ولی سایر کتاب‌ها مثل تورات، تاریخ زیاد دارد، ولی تاریخ محض است نه فلسفه تاریخ؛ حضور انسان در تاریخ است، نه حضور خدا در تاریخ.<sup>۱</sup>

قرآن کریم، افزون بر این ویژگی منحصر به فرد، کتابی است که از حیث ساختار و محتوا نیز بی‌نظیر است. ظاهری دل‌آرا و باطنی پُر معنا دارد. از این جهت خیره‌سزترین دشمنان و سخنورترین امیران بلاغت و بیان را در برابر خود به خاموشی کشانده است.<sup>۲</sup> و تنهای تنها بر فراز قلّه رفیع سخن، ایستاده است به

گیتا» (مقدس‌ترین کتاب آیین هندو و مهم‌ترین متن تاریخی ادبی و فلسفی جهان)، «کتاب گُنُفسیوس» (کتاب مقدس چینی‌ها)، «ریگ‌ودا» (Rig Veda) (مجموعه‌ای از اشعار و سرودهای مذهبی هندو به زبان سانسکریت وِدايي) به واقعیت نزدیک‌ترند تا کتاب عهدین. در میان این‌ها اگر انسان قرآن را مثلاً با گیتا یا اوپانیشادها مقایسه کند، آن زمان است که به عمق معارف قرآن پی می‌برد. کتاب‌های دیگر را که انسان می‌خواند، مشخص است که گزارش گفتگوی انسان با انسان دیگر است، ولی در قرآن مشخص است که خدا با انسان صحبت می‌کند. یک تفاوت عمده قرآن با ۴۹ کتاب دیگر این است که خدا در قرآن خیلی حضور دارد. وقتی قرآن می‌خوانیم، مخصوصاً سوره مائده و اعراف، توحید افعالی در آن موج می‌زند؛ در حالی که در هیچ یک از کتاب‌های دیگر چنین نیست. خیلی از آن‌ها موضوعات اخلاقی دارند، ولی هیچ‌کدام حضور خدا را پررنگ

۱. برگرفته از بیانات استاد گرامی، آیت الله دکتر احمد عابدی رحمته الله علیه در درس خارج اصول فقه در شهرک پردیسان قم.

۲. شیخ عبدالقاهر جرجانی در این باره می‌نویسد: «ادیبان و سخنوران از دقت در چینش و گزینش کلمات قرآنی، کاملاً فریفته و مجذوب گردیدند، زیرا

گونه‌ای که هیچ کس را توانایی رسیدن به آن قله نیست! چه رسد به این که در مقابل قرآن، قد علم کند و آن را به کنار بزند! سِرّ این مطلب آن است که در کلام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است. ایشان در عبارتی شیوا فرمودند: «كَفْضُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ؛ برتری قرآن بر دیگر سخن‌ها، همانند برتری خداوند بر مخلوقاتش می باشد.»<sup>۱</sup>

بر همین اساس، مسلمانان در طول چهارده قرن گذشته، اهتمام فراوانی به حفظ قرآن، تحلیل و تفسیر آیات آن داشته‌اند. آن‌ها برای ترجمه و فهم آیات، تحقیقات پُرشماری را در علوم ادبی و لغت انجام دادند و در ادامه کتاب‌های تفسیری متنوعی را به نگارش درآوردند. ولی در این میان آنچه سال‌ها مورد غفلت یا تغافل قرار گرفته است، آموزش روشمند ترجمه و فهم قرآن در لایه‌های مختلف برای عموم مردم است.

در جستار حاضر، به این مطلب می‌پردازیم که اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به آموزش عمومی قرآن، اهتمام ویژه داشتند و افزون برآن، نسبت به درک متن قرآن و تدبّر در آن، توصیه و دستورات اُکید می‌فرمودند. پرسش اساسی این نوشتار، آن است که آشنایی با ترجمه، درک متن و تدبّر در آن و عمومی‌سازی آن برای آحاد مردم از چه راهی میسر است؟

### اهتمام معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام به تکریم قرآن و آموزش عمومی آن

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرآن کریم را بسیار تکریم می‌کردند و دیگران را نیز به بزرگداشت آن امر می‌فرمودند؛ «حَمَلَةُ الْقُرْآنِ هُمْ الْمُحْفُوفُونَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ الْمَلْبُوسُونَ بِنُورِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَا حَمَلَةَ الْقُرْآنِ تَحَبَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِتَوْقِيرِ كِتَابِهِ يَزِدُّكُمْ حُبًّا وَيُحَبِّبُكُمْ إِلَى خَلْقِهِ يُدْفَعُ عَنْ مُسْتَمِعِ الْقُرْآنِ شَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيُدْفَعُ عَنْ تَالِي الْقُرْآنِ بَلْوَى الْآخِرَةِ...»<sup>۲</sup> حاملان قرآن، پوشیده در رحمت خدایند، و نور خدای

هرگز کلمه‌ای را نیافتند که متناسبِ جای خود نباشد، یا واژه‌ای را که در جایی بیگانه قرار گرفته باشد یا کلمه دیگری شایسته‌تر یا مناسب‌تر یا سزاوارتر باشد. بلکه آن را با چنان انسجام و دقتِ نظمی یافتند که مایهٔ حیرت صاحب‌خردان و عجز همگان گردیده است.» (دلایل الاعجاز، عبدالقاهر جرجانی، دارالکتب العلمیة،

منشورات محمد علی بیضون، بیروت - لبنان، ۱۴۲۲ق، چاپ اول، ص ۲۸).  
 ۱. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، چاپ دوم، ج ۸۹، ص ۱۹.  
 ۲. جامع الأخبار، محمد بن محمد شعیری، جلد ۱، مطبعة حیدریة، نجف، بی تا، چاپ اول، ص ۴۰-۴۱.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ افزون بر تکریم و بزرگداشت قرآن، و دستور به آموزش آن، برای ترویج و عمومی کردن آموزش قرآن نیز اهتمام فراوان داشتند. آن حضرت پیش از هجرت به مدینه، برای آموزش قرآن کریم به مسلمانان مدینه، شخصی به نام مُصعب بن عُمیر را به این شهر اعزام نمود.<sup>۳</sup> آن حضرت پس از هجرت به مدینه و گسترش اسلام نیز یکی از وظایف اصلی نمایندگان خود در شهرها را آموزش قرآن به مردم قرار داد. گاه وی به همراه نماینده و حاکم شهر، شخصی دیگر را عهده‌دار آموزش قرآن و دیگر معارف دینی به مردم آن شهر می‌کرد. برای نمونه؛ پس از فتح مکه جناب مُعَاذ بن جبل و عتاب بن أُسَید را عهده‌دار آموزش قرآن به مردم مکه نمود.<sup>۴</sup>

همچنین نقل شده است: هنگامی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُعَاذ بن جبل را به سوی یمن می‌فرستاد، به ایشان وصیت نمود: «يَا مُعَاذُ عَلِّمُهُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَحْسِنْ أَدَبَهُمْ عَلَيَّ»

عزوجل، جامه ایشان است. ای حاملان قرآن! با بزرگداشت حرمت قرآن، خود را محبوب خدا سازید، که در این صورت، بیشتر شما را دوست خواهد داشت و محبوب مردمانتان خواهد ساخت. و از شنونده قرآن، شر دنیا دفع می‌شود و از خواننده آن، بلای آخرت دفع می‌گردد.»

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با یادآوری ارزش و پاداش آموزش قرآن کریم، همگان را به فراگیری قرآن و آموزش آن فرامی‌خواندند. از جمله فرمودند: «مُعَلِّمُ الْقُرْآنِ وَ مُتَعَلِّمُهُ يَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْثُ فِي الْبَحْرِ؛ همه چیز، حتی ماهی در دریا برای معلم قرآن و متعلم آن، طلب آمرزش می‌کنند.»

همچنین فرمودند: «مَنْ عَلَّمَ آيَةً فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى كَانَ لَهُ أَجْرُهَا مَا تَلَيْتُ؛ هر کس یک آیه از کتاب خدا را آموزش دهد، پاداش آن آیه تا زمانی که تلاوت گردد به او داده خواهد شد.»

۳. سیرة النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، محمد بن اسحاق ابن هشام، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، ۴ جلد، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، بی‌جا، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۹۶.

۴. همان، ج ۴، ص ۹۳۶.

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، ۲۸ جلد، مؤسسه آل‌البتیة عَلَيْهِمُ السَّلَام، قم، ۱۴۰۸ق، چاپ اول، ج ۴، ص ۲۳۵، ح ۴۵۸۰.

۲. همان، ح ۴۵۸۱.

الأخلاقِ الصّالحة... ثُمَّ بُثَّ فِيهِمُ الْمُعَلِّمِينَ؛<sup>۱</sup> ای معاذ! کتاب خدا را به آن‌ها بیاموز و آنان را به اخلاق نیکو پرورش ده!... سپس معلمان را در بین آن‌ها منتشر کن!».

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «امیرمؤمنان، علی علیه السلام بعد از اقامه نماز صبح تا طلوع آفتاب، تعقیبات نماز را انجام می‌داد. زمانی که آفتاب طلوع می‌کرد، مردم نزد او جمع می‌شدند و امام علیه السلام به آنان فقه و قرآن می‌آموخت.»<sup>۲</sup>

### مراحل چهارگانه آموزش قرآن

به نظر می‌رسد باید مراحل آموزش قرآن را به چهار مرحله کلی تقسیم کرد:

۱. قرائت قرآن و حفظ آن؛<sup>۳</sup>
۲. ترجمه و درک متن (فهم اجمالی واژگان

و عبارات و دریافت پیام کلی آیات قرآن)؛  
۳. تدبّر (فهم تفصیلی: بررسی نظام مند مفهوم سازی های قرآن؛ آشنایی با نقشه شناختی قرآن)؛

۴. تبیین و تفسیر (کشف لایه های پنهان معانی آیات قرآن و بیان مصادیق آن).<sup>۴</sup>

### آموزش درک متن قرآن و تدبّر در آن

در میان مراحل چهارگانه یادشده، آنچه از همه مهمتر و از جمله وظایف آحاد مسلمانان به شمار می‌آید، آشنایی با ترجمه و درک متن قرآن و تدبّر در آن است. چه این که قرآن کریم، کتاب هدایت است.<sup>۵</sup> باید برای دستیابی به چنین هدفی، زمینه فهم معانی و معارف این کتاب الهی فراهم گردد. فهم قرآن توسط

۱. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حسن بن علی، ابن شعبه حرانی، جلد ۱، جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق، چاپ دوم، ص ۲۵.

۲. شرح نهج البلاغه، عبد الحمید بن هبة الله، ابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالاحیاء الکتب العربی، بیروت، ۱۳۸۵ ق، چاپ دوم، ج ۴، ص ۱۰۹.

۳. «فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (مزمّل/۲۰).

۴. ابن مرحله بر اساس آیه ۴۴ سوره نحل؛ «أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» بر عهده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و اولیای خاص آن هاست.

۵. «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَ الْقُرْآنِ» (بقره/۱۸۵)؛ «عَنِ الزَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ: فُلْتُ لِلرِّضَا علیه السلام مَا تَقُولُ فِي الْقُرْآنِ فَقَالَ: كَلَّمَ اللَّهُ لَا تَتَجَاوَزُوهُ وَ لَا تَطْلُبُوا الْهُدَى فِي غَيْرِهِ فَتَضَلُّوا؛ رِيَّانُ بْنُ صَلْتٍ مِىْ گويد: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم و عرضه داشتم: نظر شما در مورد قرآن چیست؟ حضرت فرمودند: «قرآن، کلام خداست. بر آن سبقت مجوید و راه هدایت را از غیر آن طلب مکنید که گمراه می‌شوید.» (التوحيد"لصدوق"، محمد بن علی ابن بابویه، محقق و مصحح: هاشم حسینی، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۹۸ ق، چاپ اول، ص ۲۲۳).

عمومی نشده است. همه به قرآن عشق می‌ورزند و احترام می‌کنند؛ اما عده کمی همواره آن را تلاوت و عده کمتری در آن تدبّر می‌کنند. برای رفع این نقیصه که کاری ممکن و روان است، در گام اول باید جوانان و نوجوانان را با متن و ترجمه قرآن آشنا کرد و از شربت گوارا و حیاتبخش قرآن، به ذائقه آنان چیزی چشانید.<sup>۱</sup>

همچنین معظم له در مناسبتی دیگر در خصوص ضرورت آشنایی با متن قرآن فرمودند: «قدم اول برای عمل کامل به قرآن، آشنایی با متن قرآن است... حفظ قرآن، فهمیدن مفاهیم و ترجمه کلمه کلمه قرآن، برای کسانی که به زبان عربی آشنایی ندارند، لازم است. وقتی که کلمات قرآن را فهمیدید، آن وقت تدبّر لازم است. حتی آن کسی که الفاظ عربی را هم خوب بلد است، اگر تدبّر نکند، بهره کمی از قرآن خواهد برد. در قرآن، تدبّر لازم است - تدبّر یعنی اندیشیدن در مفاهیم قرآنی - این سخن عمیقی است، این سخن بزرگی است؛ باید در آن تدبّر کرد. گوینده آن، ذات اقدس الهی است. کلمات آن هم

مبلغ و معلم قرآن، از جمله این زمینه‌سازی‌هاست. چه این که کسی که مژه غذا را چشیده باشد، غذا را فقی‌تر و مطابق با مذاق و مزاج میهمان می‌پزد، ولی آشپزِ روزه‌دار این طور نیست. مبلغ و معلم قرآن هم باید مژه قرآن را بچشد تا کام قرآن آموزان را بهره‌مند کند. کسی که غذا را بچشد، غذای بهتری می‌پزد، معلمی که مژه و شیرینی آیات قرآن را بچشد، شاگردان رشد یافته و ممتاز تربیت می‌کند.

رهبر حکیم انقلاب علیه السلام - به عنوان بزرگترین قرآن‌پژوه جهان اسلام و کوشاترین فرد در ترویج مفاهیم و معارف قرآن - در همین خصوص فرمودند: «امروز فرصتی تاریخی و استثنایی است؛ برای این که قرآن در هدایت فکر و عمل انسان‌ها، قدرت و چیره‌گی خود را نشان دهد. اما این متوقف است بر این که ما خود، به چشمه جوشان معارف و هدایت قرآن دست یابیم، قرآن را بفهمیم، در آن تدبّر کنیم، آن را محور بحث و فحص سازیم و در اعماق آن غور کنیم. واقعیت تلخ این است که قرآن هنوز در جامعه ما، یک امر

۱. پیام رهبر معظم انقلاب علیه السلام به گردهمایی دبیران دروس دینی دبیرستان‌های استان تهران؛ ۱۳۶۸/۷/۲۰.



برای ذات اقدس الهی است - یعنی الفاظش، نه فقط مفاهیمش - لذا بایستی در آن دقت کرد، باید آن را فهمید، باید در آن غور کرد. این‌ها حاصل نمی‌شود، مگر با انس با متن قرآن.<sup>۱</sup>

با این توضیح، معلوم می‌شود که هدف قرآن‌آموزی و تعلیم قرآن، تنها خواندن الفاظ آن نیست؛ بلکه خواندن قرآن، مقدمه‌آشنایی با مفاهیم و آموزه‌های وحیانی آن و نیز عمل به آنهاست.

درک معنای اولیه عبارات و آیات که به «مفاهیم»، مصطلح شده است، پنجره‌ای به سوی افق‌های تازه در انس با قرآن است. از این رو اگر قرآن به قرائت، دستور می‌دهد<sup>۲</sup>، در واقع، دستور به درک معناست. چه این‌که خواندن در هر زبانی، شامل فهم کلمات و عبارات متن می‌باشد، چون خواندن یک متن، بدون درک معنا، عادتاً امری قابل تصور و معقول نیست. به این جهت، قرآن کریم در چهار مورد، سخن از تدبیر (فهم عمیق) به میان آورده است؛

۱. «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ

غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»؛<sup>۳</sup>

۲. «أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ»؛<sup>۴</sup>

۳. «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ»؛<sup>۵</sup>

۴. «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا».<sup>۶</sup>

در این چهار آیه‌ای که واژه تدبیر در آن‌ها به کار رفته است، چهار طیف از مخاطبان قابل شناسایی است که عبارتند از: مشرکان، کافران، منافقان و مؤمنان. از آن‌جا که تدبیر، امری مؤمنانه است، شامل مشرکان، کافران و منافقان نمی‌شود. با این حال، در سه آیه، عدم تدبیر آن‌ها گوشزد شده است که به نظر می‌رسد مراد از تدبیر برای این گروه، تدبیر در کلیت کتاب و قول الهی با هدف دریافت پیام الهی و ایمان به کتاب و قول است. تدبیر در تفاسیل آیات و اتباع عملی آن‌ها نیز نصیب مؤمنان خواهد شد که قرآن کریم بیشتر بر این مورد تأکید کرده است. بر این

۴. مؤمنون/۶۸.

۵. ص/۲۹.

۶. محمد/۲۴.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در مراسم اختتامیه

مسابقات قرآن؛ ۱۳۷۷/۹/۱.

۲. ﴿فَأَقْرُؤْ مَا تَبَيَّنَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾ (مومل/۲۰).

۳. نساء/۸۲.

آن امام همام در عبارتی دیگر با شرحی بیشتر فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعْطُ أَحَدًا مِثْلَ هَذَا الْقُرْآنِ فَإِنَّهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ وَ سَبَبُهُ الْأَمِينِ وَ فِيهِ رَيْعُ الْقَلْبِ وَ يَنْبِيعُ الْعِلْمِ وَ مَا لِلْقَلْبِ جِلَاءٌ غَيْرُهُ؛ قطعاً خداوند سبحان، کسی را به چیزی چون قرآن، پند نداده است. قرآن، ریسمان استوار خدا و وسیله مطمئن اوست. در قرآن، بهار دلها و چشمه‌های دانش است و برای قلب، جلایی جز قرآن نتوان یافت.» یکی از دلایل ضرورت تدبّر در قرآن، تذکر و پندگیری است. آیات قرآن به این حقیقت اشاره دارد؛ از جمله فرمود: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ»<sup>۳</sup> (این قرآن) کتابی پرخیر و برکت است که بر تو فرود فرستادیم تا آیات آن را تأمل و پی‌گیری کنند (و به معارف عمیق آن برسند) و برای آنکه صاحبان خردها (ی ناب) متذکر شوند.»

اساس، اهل بیت علیهم‌السلام در آموزش قرآن، تنها به صحیح خوانی و توصیه به استمرار در خواندن قرآن، بسنده نمی‌کردند، بلکه افزون بر آن، قرآن‌دوستان و فراگیران خود را به تأمل و تدبّر در آیات قرآن فرامی‌خواندند؛ به عنوان نمونه؛ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ الْمُجِيدَ فَقَدْ دَلَّكُمْ عَلَى الْأَمْرِ الرَّشِيدِ؛ ای مردم! درباره قرآن مجید، تدبّر کنید که شما را به امر هدایتگر (راه راست) راهنمایی می‌کند.»

امام علی علیه‌السلام نیز در فرازی از سخنی طولانی فرمودند: «الْأَخْيَرُ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ؛ آگاه باشید! در قرائتی که همراه با تدبّر نباشد، خیری نیست!»<sup>۲</sup>

آن حضرت در کلامی دیگر پیرامون اهمیت تدبّر در قرآن فرمودند: «تَدَبَّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَ اغْتَبِرُوا بِهِ فَإِنَّهُ أَبْلَغُ الْعِبَرِ»<sup>۳</sup> در آیات قرآن تدبّر کنید و از آن عبرت آموزید؛ زیرا که قرآن، رساترین پندها و عبرتهاست.»

۳. تصنیف غررالاحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶، چاپ اول، ص ۱۱۱، ح ۱۹۸۵.  
 ۴. نهج البلاغه (للصّبحي صالح)، محمد بن حسین شریف الرضی، ۱ جلد، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، چاپ اول، ص ۲۵۴.  
 ۵. ص ۲۹/.

۱. إرشاد القلوب إلى الصواب (۲ جلدی)، حسن بن دیلمی، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق، چاپ اول، ج ۱، ص ۸۰.  
 ۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، ۸ جلدی، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق، چاپ چهارم، ج ۱، ص ۳۶، ح ۳.

## فهم اجمالی متن قرآن

یکی از مراحل مهم آموزش قرآن، آموزش ترجمه و درک متن قرآن به معنای فهم اجمالی واژگان و عبارات، و دریافت پیام کلی آیات قرآن است. پس از آن نوبت به فهم تفصیلی و عمیق می‌رسد که این وظیفه بر دوش تدبیر در قرآن است. در این جا فقط به راه آموزش فهم اجمالی متن قرآن می‌پردازیم و در فرصتی دیگر به راه‌های آموزش تدبیر (فهم تفصیلی؛ عمق‌یابی مضامین) در قرآن خواهیم پرداخت.

## فهم متن قرآن، وظیفه همگانی

بر اساس روایتی، فهم متن قرآن، در توان عموم مردم و وظیفه‌ای بر دوش آنهاست. امام صادق علیه السلام در این خصوص فرمودند: «کِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ [عَلَى] أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الْعِبَارَةِ، وَ الْإِشَارَةِ وَ اللَّطَائِفِ وَ الْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ، وَ الْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ، وَ اللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ، وَ الْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ؛ کتاب خدای عزوجل دارای چهار چیز است: عبارت ظاهر، و اشاره، و لطایف، و حقایق. عبارت ظاهر برای عوام

و اشارت برای خواص و لطایف برای اولیا و حقایق برای انبیاست.»

این روایت شریف برای قرآن کریم، چهار رتبه و مرحله معرفی کرده است که در نخستین مرتبه آن، عبارات قرآن را برای عموم مردم دانسته است. این رتبه شامل معنای اولیه عبارات قرآن است که از راه خواندن و فهمیدن متن به دست می‌آید؛ زیرا مراتب بعدی یعنی اشارات، لطائف و حقایق، شامل فهم بالاتر و عمیق‌تری از قرآن می‌باشد. از این رو فهم معنای اولیه آیه‌های قرآن در حد درک عموم مردم است و باید در آموزش‌های عمومی قرآن، زمینه لازم برای فهم آن فراهم آید.

## قرآن، کتابی قابل فهم

خداوند متعال پیرامون قابل فهم بودن قرآن فرمود: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ؟<sup>۲</sup> و به راستی ما قرآن را برای تذکر و پندآموزی، آسان و قابل فهم کردیم، پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟». از این رو فهم قرآن برای عموم مردم، امری ممکن و قابل حصول است. به فرموده مفسر ارجمند،

۲. قمر/۲۲.

۱. نُزْهَةُ النَّاطِرِ وَ تَنْبِيهِ الْخَاطِرِ، حَسِينِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَنِ بْنِ نَصْرِ حُلْوَانِي، ۱ جلد، مدرسه الإمام المهدي عليه السلام قم، ۱۴۰۸ ق، چاپ اول، ص ۱۱۰.

رهبر معظم انقلاب علیه السلام نیز، پیرامون در دسترس بودن فهم قرآن و راه درک معنای آیات برای عموم مردم، فرموده‌اند: «بسیاری از کلمات و لغات قرآنی در زبان فارسی متداول ما تکرار شده است و ما می‌فهمیم. بنده قدیم‌ها در مشهد، جلسه قرآن داشتیم، همین‌طور می‌نشستیم، بنده گاهی صحبت می‌کردم برای آن جوان‌های آن روز - آن‌ها البته پیرمردهای امروزند - و به آن‌ها همین را می‌گفتم؛ مثال می‌زدم که مثلاً فرض بفرمائید: ﴿وَلْتَبْلُوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾. این آیه شریفه را اگر نگاه کنید، از لغات این آیه، آنچه که یک فارسی زبان نفهمد، فقط دو سه تاست، و الا بقیه لغات را می‌فهمد. حالا مثلاً "وَلْتَبْلُوْنَكُمْ" را باید برایش معنا کنند، اما "شئ" را می‌داند یعنی چه. خود شما شئیء، اشیاء را به کار می‌برید. "خوف" را می‌دانید چیست، "جوع" را می‌دانید چیست، "نقص" را می‌دانید چیست، "أموال" را می‌دانید چیست، "أنفُس" را می‌دانید چیست، "ثمرات" را می‌دانید

علامه جوادی آملی علیه السلام؛ «هیچ مطلبی در قرآن کریم نیست که توده مردم آن را نفهمند. هر کسی ساده‌ترین و کم‌ترین درک را داشته باشد، کاملاً مطالب قرآن را می‌فهمد. البته برخی آیات هست که حکما در آن می‌مانند، اما خدای سبحان در سایه مثل، قصه و داستان، آنقدر پایین می‌آورد که در دسترس فهم توده مردم باشد. مسئله توحید، یکی از سنگین‌ترین مسائل معرفتی است، نفی شرک از خدای سبحان، مستحیل بالذات بودن شریک واجب و ... از دقیق‌ترین مسائل معرفتی است، اما آن قدر این را نازل و رقیق می‌کند تا همه بفهمند.»<sup>۱</sup>

معظم له در پاسخ به این پرسش که بهترین راه فهم قرآن کریم چیست، فرمودند: «بهترین راه ادراک و فهم قرآن کریم این است که انسان، همراه با تلاوت آیات و سوره‌های قرآن، معانی آن‌ها را از ذهن و نظر بگذرانند... هنگام تلاوت قرآن، همان طور که کلمات از راه گوش به سمع انسان می‌رسد، معنای آن نیز باید به دل و جان آدمی نفوذ کند.»<sup>۲</sup>

۱. بیانات استاد در تفسیر سوره مبارکه روم؛ ۱۳۹۱/۱۷/۱۸.

۲. نسیم اندیشه، آیت الله جوادی آملی، دفتر یکم، مرکز اسراء، قم، خردادماه ۱۳۸۵، چاپ اول، ص ۲۹-۳۰.

چیست. این‌ها چیزهائی نیست که یک فارسی زبان این‌ها را نفهمد. بنابراین، فهمیدن آیات قرآن، فهم حرف‌های رابط و ترکیب کلمات و انس با قرآن و مراجعه به ترجمه‌ها دشوار نیست... پس این یک اشکال است که بایستی این اشکال برطرف بشود؛ یعنی معنای آیات را بفهمند»<sup>۱</sup>

معظم له در مناسبتی دیگر برای دستیابی به این هدف مهم، «ترویج ترجمه قرآن و همگانی‌سازی آن» را مورد توجه قرار داده و فرمودند: «باید ترجمه قرآن آنقدر رواج پیدا کند که تا وقتی آیه‌ای تلاوت شد، معنای آن هم فهمیده شود. این، کلید است. این، در اول است. اگر این در را باز کردیم، بقیه درهای استفاضه و

استفاده از قرآن باز خواهد شد. شما اگر معنای آیه‌ای را ندانید، نمی‌توانید در آیه‌ای که بناست تلاوت کنید، تدبّر داشته باشید؛ نکاتش را متوجه شوید و ظرایف آن را به دست آورید»<sup>۲</sup>.

### طرح آموزشی برای عمومی‌سازی فهم قرآن

برای دستیابی به فهم ترجمه و درک متن قرآن باید در میان طرح‌های آموزشی موجود، به سراغ طرحی برویم که تا کنون پس از گذشت سال‌ها تلاش پی‌گیر در آموزش عمومی در سطح ملی و بین‌المللی، پیروز و سربلند دیده شده است؛ برای آموزش در این مرحله، طرح مؤسسه نور مبین قم پیشنهاد می‌شود. این طرح به پیشنهاد استاد مرحوم سیدهادی محدث رحمته‌الله<sup>۳</sup> در سالیانی دور صورت

فعالیت‌های جدی خود را در امر آموزش قرآن و تألیف کتب درسی قرآن مقاطع مختلف تحصیلی (برای سازمان آموزش و پرورش) پس از انقلاب اسلامی به شکل جدی‌تری دنبال کرد. وی در کارنامه کاری خود علاوه بر ایفای نقش در جایگاه مشاور وزیر آموزش و پرورش در نظام جمهوری اسلامی (در سالیان متمادی) و تألیف کتاب‌های متعددی همچون آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن کریم در سطوح کودکان و بزرگسالان، در مقاطع مختلف تحصیلی به تدریس آموزش قرآن کریم نیز اهتمام خاص داشت. رهبر معظم انقلاب رحمته‌الله در

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب رحمته‌الله در دیدار قاریان؛ ۱۳۸۶/۶/۲۲.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب رحمته‌الله در دیدار جمعی از قاریان قرآن؛ ۱۳۷۰/۳/۱۶.

۳. استاد مرحوم سیدهادی محدث رحمته‌الله (متوفی ۱۶ بهمن ۱۳۹۲)، از جمله شاگردان علامه عبدالحسین امینی رحمته‌الله (صاحب الغدیر) بود. وی نخستین فردی بود که عمومی‌سازی ترجمه و درک مفاهیم قرآن در سطح جهان را مطرح نمود و در طول عمر بابرکت خود علاوه بر فعالیت‌هایی در حوزه آموزش قرآن قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (در دبیرستان علوی تهران)،

تکمیلی (قالب مصحف شریف)، تدریس می‌گردد.

این طرح کوشیده است با در نظر گرفتن اصل تدریج، قرآن آموزان، کلمات قرآنی و معانی آن را در هر درس و در جای خود بیاموزند. یعنی فراگیران پس از آموختن کلمات و ضمیمه کردن آن‌ها به یکدیگر، می‌توانند ترکیب‌ها را ترجمه نموده و سپس به کمک ترکیب‌ها توانایی ترجمه عبارت‌ها و آیه‌های قرآن را به دست می‌آورند. افزون بر آن، این طرح در سایه رعایت اصل تکرار و تمرین، یعنی تنوع بخشیدن به تمرین‌ها و تکرار هر واژه و عبارت قرآنی در قالب‌های مختلف، قرآن آموزان را به کسب مهارت در ترجمه و درک متن قرآن، مسلح و مسلط می‌سازد.

نتیجه آنکه؛ فهمیدن تدریجی معنای واژه‌های پُرکاربرد قرآن، توانایی ترجمه ترکیب‌های قرآنی به شیوه تفکیکی (کلمه به کلمه)، مهارت در ترجمه آیات ساده

پذیرفته است. به فرموده ایشان (در جلسات حضوری اینجانب با وی)؛ مطالب اولیه طرح یادشده به حضور مرحوم طباطبایی رحمته‌الله (صاحب تفسیر المیزان) عرضه شد که آن جناب با توجه زایدالوصفی فرموده بودند: «این حلقه مفقوده است، قدر آن را بدانید! چون مردم پس از قرائت قرآن به سراغ تفسیر آن می‌روند، در حالی که حلقه بعد از قرائت، چیزی به نام درک متن و فهم آن است».

طرح فوق‌الذکر، روشی آسان بر اساس آموزش کلمات پُرکاربرد و تکراری قرآن است. در این طرح، تعداد بیش از ۱۲۰۰ واژه پُرکاربرد از مجموع ۷۸۰۰۰ کلمه قرآن در قالب ۳ جلد کتاب (۴۸ درس)، در مجموع ۶۷۰۰۰ کلمه که معادل ۸۶ درصد از کل کلمات قرآن است، آموزش داده می‌شود و باقی مانده آن که در حدود ۱۱۰۰۰ کلمه، یعنی ۱۴ درصد از کل کلمات قرآن به حساب می‌آید، در مرحله

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله بر کتاب "هدیه‌ای برای تو؛ زندگینامه استاد فرزانه سید هادی محدث رحمته‌الله"؛ (۱۳۹۴/۱/۲۵).  
۱. تعداد ۳۸۹ کلمه در جلد اول، ۴۳۰ کلمه در جلد دوم و ۴۶۳ کلمه در جلد سوم، در قالب تمارین، آموزش داده می‌شود.

خصوص ابعاد شخصیتی ایشان فرمودند: «سلام و رحمت خدا بر بنده صالح خداوند، مرحوم آقای سید هادی محدث رحمة الله علیه که معلمی انقلابی و متعبد و پرکار و بااستقامت و بسیار نجیب بود... جا دارد این قبیل چهره‌های نورانی، اما بی‌هیاهو و بی‌تظاهر، به مردم و جوان‌ها معرفی شوند...» (تقریظ

قرآنی، توانایی فهمیدن پیام بسیاری از آیات قرآن در سایه استمرار و انس با قرآن و ایجاد زمینه برای عمل به رهنمودهای این کتاب الهی در زندگی فردی و اجتماعی در سایه این طرح، فراهم خواهد شد. و به دلیل آن که بسیاری از معارف اساسی قرآن (در زمینه اعتقادات، اخلاق و آداب اسلامی در حوزه‌های فردی، اجتماعی و سیاسی) در همین آیات، گرد آمده است، راه‌یابی به معارف بنیادین قرآن نیز از همین مسیر برای قرآن‌آموزان، فراهم و ممکن می‌گردد. منبع آموزشی این طرح، کتاب «آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن کریم»<sup>۱</sup> می‌باشد که تا کنون با استقبال کم‌نظیر علاقمندان غیر ایرانی به بیش از ۲۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده و در بسیاری از مراکز

آموزشی اعم از حوزوی و دانشگاهی، داخلی و خارجی تدریس می‌گردد.<sup>۲</sup> ساختار این کتاب به گونه‌ای است که قرآن‌آموز با کمترین سرمایه علمی به آسانی می‌تواند در کمترین زمان، با به یادسپاری معنای کلمات و تمرین آن در ضمن دروس، به مهارت ترجمه و درک متن قرآن دست یابد. از این رو به جرأت می‌توان گفت: طرح آموزشی یادشده با رویکرد آسان‌سازی فهم قرآن، با روشی علمی و کاربردی، قرآن‌آموزان را از ترجمه، بی‌نیاز نموده و موجب می‌گردد که فهم اجمالی متن قرآن در سطح عموم مردم فراگیر گردد.

۱. کتاب آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن کریم، نویسندگان: سید هادی محدث، ابوالفضل علاهی و حمید صفار هرنندی، انتشارات نور مبین، قم، ۱۴۰۲.  
۲. قابل ذکر است که اینجانب از سال ۱۳۸۰ تا کنون، بیش از ۳۰۰ دوره این کتاب را در مراکز آموزشی مختلف در سطح کشور برای طلاب، دانشجویان، معلمان، اساتید، نیروهای نظامی و انتظامی، کارمندان، خانواده‌ها، دانش‌آموزان جوان و نوجوان ایرانی و غیرایرانی تدریس نموده و از نزدیک شاهد موفقیت و ثمردهی این طرح بوده‌ام. افزون بر آن، این کتاب به عنوان

کتاب درسی از سوی ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران انتخاب شده و چند سالی است که در سازمان‌های مربوطه تدریس می‌گردد. همچنین این کتاب، اثر برگزیده آموزشی در جشنواره رشد (سال ۱۳۸۴) و اثر برگزیده در دومین جشنواره محصولات قرآنی ویژه مؤسسات قرآنی از سوی سازمان دارالقرآن الکریم (سال ۱۳۹۲) محسوب می‌شود. برای تهیه این کتاب به مؤسسه فرهنگی قرآنی نور مبین قم (پایگاه تخصصی ترجمه و مفاهیم قرآن کریم) با شماره تماس: ۰۲۵۳۲۹۱۱۹۹۱ مراجعه شود.

# تحلیلی بر مسائل سیاسی و اجتماعی روز

مرتضی غرسبان روزبهانی\*

## اشاره

پدیده‌های سیاسی و اجتماعی، ضروری به نظر می‌رسد. از این رو در این شماره برخی از برجسته‌ترین اخبار و رویدادهای جاری را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

## اهمیت مضاعف روز قدس امسال

ماه مبارک رمضان در میان مسلمانان نقطه آغازی دوباره است. و در آخرین روز جمعه این ماه، پس از قریب یک ماه روزه‌داری و احیاء لیالی قدر، یکپارچه مسلمین جهان به دفاع از مردم مظلوم فلسطین، راهپیمایی روز قدس را برپا می‌دارند.

برخی از مسائل سیاسی و اجتماعی حال حاضر کشور ایران و جهان؛ نیازمند تبیین، توضیح و تحلیل است تا تحقیق و بررسی پیرامون آن، راه روشنی را فرا روی مبلغان، مخاطبان و جامعه دینی قرار دهد. با توجه به گستره چشمگیر منابع و رسانه‌های خبری و تحلیلی که می‌کوشند رویدادها و پدیده‌ها را از زاویه نگاه و منافع خود تحلیل کنند، در این میان، داشتن رویکرد درست و تحلیل صحیح از

\*. دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم و دانشجوی دکترای مدرسی انقلاب اسلامی (دانشگاه شهید بهشتی عج).



روز قدس یادآور یکی از ابتکارات امام راحل و عظیم الشان رحمۃ اللہ علیہ و عرصه نمایش قدرت امت اسلامی در محکومیت تجاوز رژیم غاصب صهیونیسیم اسرائیل و حمایت از مظلومان عالم به ویژه فلسطین مظلوم و اعلام براءت از جبهه استکبار است. در روز قدس، ایران اسلامی وحدت و یکپارچگی خود را در موضوع فلسطین و حمایت از آرمان قدس شریف و محکومیت تجاوزگری رژیم اسرائیل به مثابه مسئله اول جهان اسلام به نمایش می‌گذارد و تمام جهان اسلام و سایر ملت‌های آزادی‌خواه و عدالت‌طلب نیز در حمایت از جبهه مقاومت و مبارزه با رژیم صهیونیستی، قیام می‌کنند.

روز جهانی قدس مقدمه‌ای برای شکل‌گیری یک جوشش فراگیر اسلامی و انسانی برای رهایی از شر مطلق اسرائیل است؛ اما امسال روز جهانی قدس با شهادت وسیع مردم مظلوم غزه در ۵ ماه اخیر همراه است که طبق آمار، تعداد شهیدان و مفقودین تاکنون از ۳۵ هزار نفر، فراتر رفته است.

مقام معظم رهبری رحمۃ اللہ علیہ در سال‌های گذشته خطاب به راهپیمایان قدس فرمودند: «حضور عظیم و مبارک شما در میدان دفاع واقعی سیاسی و مردمی از قدس موجب نیرو گرفتن و افزایش استقامت کسانی است که با جسم و جان خود از قدس و مسجدالاقصی دفاع می‌کنند و به امید خدا مبارزه بزرگ فلسطین به نتایج نهایی و مبارک خود نزدیک خواهد شد.»

سیاست مبارزه با دولت‌های زورگو در عرصه بین‌المللی، منحصر در دین و مکتبی نیست بلکه زیننده هر انسان، دولت و ملت باشرفی است که مقابل ظالمان عالم بایستند. خارج کردن مسئله فلسطین از محدوده جغرافیایی سرزمین‌های اشغالی و تبدیل آن به یک مسئله و دغدغه مهم منطقه‌ای، بین‌المللی و اسلامی، یکی از زمینه‌های مهم تأثیرگذار در نام‌گذاری آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس از جانب معمار کبیر انقلاب اسلامی در جهان است. اسلام می‌گوید: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ؛ نه ظلم کنید و نه

## تداوم مظلومیت غزه و نقش کشورهای اسلامی

۵ ماه است که رژیم صهیونیستی در نبردی نابرابر بدون هیچ دستاوردی در حال ظلم و جنایت و تجاوز به مردم مظلوم فلسطین و غزه است؛ این در حالی است که این جنایات در میان دیدگان همه عالم در حال رخ دادن است و کشورهای مدعی حقوق بشر اقدامی جدی برای توقف آن انجام نداده اند. «مقاومت» مردم فلسطین چنان رژیم صهیونیستی و نتانیاهو را در منجلاب شکست غوطه ور کرده است که آن‌ها در ادامه جنایات خود قصد دارند حمله زمینی خود را به رفح، جایی که آوارگان فلسطینی در آن جا پناه گرفته اند، بکشند.

مسئله فلسطین و تأثیرات طوفان الاقصی و اکنون جنگ نابرابر در غزه یکی از نقاط عطف تغییر در هندسه جهانی به شمار می آید. به عبارتی، امروز شاهد یک صف بندی حامیان رژیم صهیونیستی در یک سو و حامیان مردم مظلوم فلسطین در سوی دیگر هستیم که

ظلم را بپذیرید.»<sup>۱</sup> مگر ممکن است کسی مسلمان باشد، اعتقاد به اسلام داشته باشد، درعین حال ظلم و زور را از هرکسی قبول کند؟

رهبر معظم انقلاب رحمته الله علیه با تأکید بر این واقعیت که تا رژیم غاصب و جنایتکار صهیونیست بر قدس مسلط است، همه روزهای سال را باید روز قدس دانست، گفتند: «قدس شریف، قلب فلسطین است و سراسر کشور غصب شده، از بحر تا نهر، ادامه قدس است.»

امسال با توجه به گشوده شدن فصل جدیدی در مبارزه مردم مظلوم غزه و فلسطین به خاطر انجام عملیات طوفان الاقصی و همچنین ظهور پررنگ جبهه مقاومت و تغییر موازنه قدرت به نفع مبارزان حماس و غزه، و اعتراف دنیا به مظلومیت مردم فلسطین و خوی زورگویی و استکباری رژیم جعلی صهیونیسم، اهمیت حضور مردم در راهپیمایی روز قدس بسیار مضاعف است.

این جنگ را به یک شاخص در روابط بین‌الملل تبدیل کرده است. از تظاهرات مردم در کشورهای گوناگون تا شکایت آفریقای جنوبی از رژیم صهیونیستی، و در نهایت حمایت محور مقاومت از مردم بی‌پناه فلسطین نشان می‌دهد این روند با هر نتیجه‌ای بر مناسبات منطقه‌ای و جهانی تأثیر بزرگی خواهد داشت. البته به فرموده رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام، نظم کنونی جهان، نمی‌خواهد این واقعیت را بپذیرد: «مصیبت غزه متأسفانه ادامه دارد. این مصیبت دنیای اسلام است، بلکه بالاتر، مصیبت بشریت است. این نشان‌دهنده آن است که نظم کنونی جهانی چقدر نظم باطلی است. بطلان نظم جهانی را از همین حادثه غزه می‌شود فهمید و این ماندنی نیست، این قابل دوام نیست، این از بین خواهد رفت. حادثه غزه تمدن غربی را و فرهنگ غربی را رسوا کرد در دنیا. نشان داد که این‌ها تمدن‌شان یک تمدنی است که در او آن چنان بیرحمی‌ای رواج دارد و مجاز است که جلو چشم داریم می‌بینیم که بیمارستان را می‌زنند، در یک شب

صدها نفر را به قتل می‌رسانند، در ظرف سه چهار ماه نزدیک به سی هزار نفر را که اغلب آن‌ها هم زن و کودک هستند در یک منطقه‌ای به قتل می‌رسانند و پشت سرشان این‌هاست.»<sup>۱</sup>

البته در این میان، کنشگری برخی کشورهای اسلامی تأمل‌برانگیز و عجیب است. رفتار دوگانه و فارغ از نگاه راهبردی به آینده، علیرغم انتقاد ظاهری نسبت به جنایات رژیم صهیونیستی، اما با فعل یا ترک فعل خود کمک‌حال این رژیم کودک‌کش هستند. نشانه این ریاکاری را رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در دیدار متصدیان کنگره ۲۴ هزار شهید تهران بزرگ بیان کردند و فرمودند: «برخی مواقع موضع‌گیری‌ها و اظهارات مسئولان کشورهای اسلامی اشتباه است؛ زیرا درباره موضوعی همچون آتش‌بس در غزه صحبت می‌کنند که از اختیار آن‌ها خارج است و در دست دشمن خبیث صهیونیستی است، مسئولان کشورهای اسلامی باید نسبت به موضوعاتی که در اختیار آن‌هاست، اقدام کنند.»<sup>۲</sup>

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام در دیدار مسئولین نظام؛ ۱۴۰۲/۱۱/۱۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام در دیدار متصدیان کنگره ۲۴ هزار شهید تهران بزرگ؛ ۱۴۰۲/۱۱/۰۳.

یک سو آمریکا و رژیم صهیونیستی برای علنی سازی روابط به آن‌ها فشار می‌آورند و از سوی دیگر از افکار عمومی برای این روابط خفت بار ترس دارند.

### حضور حماسی مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن

هرساله با نزدیک شدن به دهه فجر انقلاب و سالگرد پیروزی انقلاب اسلام، هجمه‌های دشمن علیه نظام و انقلاب، تشدید شده تا مردم را از حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن و تجدید بیعت با انقلاب و رهبر آن، بازدارند. در مقابل نیز جریان انقلابی، در قالب جهاد تبیین، سعی دارد حماسه‌ای دیگر از سوی مردم رقم خورده و به خار در چشم دشمن بدل شود. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در بیانات خود در این ایام، فرمودند: «حضور پرشور در راهپیمایی ۲۲ بهمن نشان دهنده اقتدار است. امسال هم به فضل الهی مردم در این راهپیمایی پرشور شرکت خواهند کرد.»<sup>۱</sup>

حداقل اقدام در مقابل جنایات صهیونیست‌ها، قطع ارتباط سیاسی و اقتصادی است؛ نمی‌توان ادعای حمایت از فلسطین را داشت و هم‌زمان مراودات اقتصادی عادی با رژیم صهیونیستی ادامه داشته باشد و شریان‌های حیاتی این رژیم ضد بشری از جانب برخی کشورهای به اصطلاح اسلامی حفظ شود.

بازی ریاکارانه برخی کشورهای اسلامی با هیچ منطق واقع‌گرایانه از روابط بین‌الملل همخوانی ندارد؛ چراکه منطقه‌ای که افکار عمومی کشورهای مختلف و به خصوص اسلامی امروز بیش از هر زمان دیگری نسبت به آزادی قدس شریف اصرار دارد، این بازیگری دوجبهی به زودی به عکس خود تبدیل خواهد شد و همراهی نکردن با موج ضد صهیونیستی در کشورهای منطقه، حکومت‌های این کشورها را با چالش جدی مواجه خواهد کرد؛ چالش جنبش‌های اجتماعی که محور اصلی آن‌ها قدس شریف و مردم مظلوم فلسطین است. این کشورها در شرایطی قرار خواهند گرفت که از

۱. بیانات رهبر انقلاب علیه السلام در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۴۰۲/۱۱/۱۶.

حوادث پرفرازونشیب چهل و پنج سال گذشته، بهترین حکایت‌گر پیوند ناگسستنی انقلاب و مردم است. پیوندی که تبدیل به یکی از نقاط تمایز اصلی انقلاب اسلامی مردم ایران با سایر انقلاب‌های جهان شده و جمهوری اسلامی را از گردنه‌های سخت عبور داده است. به اعتقاد مقام معظم رهبری علیه‌السلام «توقع دشمنان اسلام و دشمنان ایران این بود که مردم بعد از یک سال دو سال پنج سال، خسته بشوند، یادشان برود، از انقلاب دست بکشند؛ کما این که در بسیاری از انقلاب‌های دنیا همین اتفاق افتاده است.»<sup>۱</sup>

امسال نیز مانند سال‌های گذشته با حضور حماسی خود در راهپیمایی ۲۲ بهمن، جلوه‌ای دیگر از اتحاد و همبستگی ملت عظیم ایران را به نمایش گذاشتند. این حضور حماسی، بیانگر «اتحاد ملی»، به عنوان راهبرد انقلاب در مقابل دشمنان بوده است. بدون شک، مردم سرمایه اصلی انقلاب اسلامی هستند و از همین رو دشمن به دنبال از بین بردن عقبه

مردمی و ایجاد انشقاق و شکاف اجتماعی و خدشه به انسجام ملی و اعتماد متقابل مردم و نظام بوده و هست. راهبرد صحیح در مقابل این نقشه هم تقویت وحدت و اتحاد ملی است.

پیام ملت در بیست و دوم بهمن امسال، حمایت کامل از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بود و این امر، موجب عصبانیت دشمن گردید. پیام دیگر حضور مردم، نشان دادن استقامت و ایستادگی در برابر دشمن بود.

### مه‌ار تورم ارزی

در آستانه دو حماسه بزرگ ۲۲ بهمن و انتخابات، دوباره دستانی در کار بود تا با ایجاد تورم، این بار در بازار ارز و طلا، موجب افزایش تورم در سایر کالاها و در نهایت ناامیدی مردم از نظام به‌ویژه در عرصه اقتصادی شود. نرخ ارز در نیمه نخست بهمن، روند صعودی به خود گرفت و تا حدود ۶۰ هزار تومان افزایش یافت و این در حالی است که تقریباً در سال جاری روند ثابتی را طی کرده است.

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.

شد که نقدینگی جامعه به سمت بانک متمایل شود ولی بانک نمی‌تواند جذابیت خود را حفظ کند؛ چون سود بانکی کمتر از نرخ تورم است و سرمایه‌دار مایل به سرمایه‌گذاری در بانک نیست. در این شرایط فضای جامعه به این سمت سوق پیدا کرده است که ثبات نرخ ارز دائمی نیست و به‌زودی ما شاهد افزایش نرخ ارز خواهیم بود، از آنجاکه طلا نیز چسبندگی بالایی با نرخ ارز دارد، قیمت طلا نیز متناسب با نرخ ارز افزایش پیدا کرده است. لذا در شرایط فعلی، افزایش نرخ ارز بیشتر تابع تورم انتظاری در جامعه است و اگر این فضا از سوی مردم و مسئولان مدیریت شود و به شایعات و انتظارات افزایشی دامن زده نشود، قاعدتاً شاهد ثبات نسبی در این بازار حساس خواهیم بود.

### مقدمات نظم نوین جهانی در سالی که گذشت

اوایل دهه هفتاد رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام طی بیاناتی مهم و استراتژیک، پنج مرحله انقلاب اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، تشکیل امت اسلامی و درنهایت تمدن‌سازی نوین اسلامی را به‌عنوان

البتّه با تلاش دولت و مسئولان، این روند متوقف و پس از چند روز، نرخ ارز دوباره به قیمت سابق خود برگشت.

درباره دلایل افزایش نرخ ارز نظرهای گوناگونی وجود دارد که با این مهار تورم، نشان می‌دهد که افزایش نرخ ارز، ناشی از ترم واقعی نبوده بلکه تابع تورم انتظاری است. در یک دسته‌بندی سه نوع تورم داریم، تورم از ناحیه تولید، تورم از ناحیه مصرف و تورم انتظاری؛ تورم از ناحیه تولید مربوط به افزایش هزینه تولید می‌شود که این تورم به‌نوعی تورم واقعی است، تورم از ناحیه مصرف مربوط به رقابت عرضه و تقاضاست که با افزایش نقدینگی و در نتیجه تقاضا در یک بازار اتفاق می‌افتد. و نوع سوم تورم، یعنی تورم انتظاری تابع عنصر روانی جامعه برای افزایش نرخ ارز است. از نظر این دسته از تحلیل‌گران افزایش فعلی قیمت ارز به دلیل تورم انتظاری است. بر اساس این نگاه، رکود چهار بازار جذب سرمایه در طول سال جاری باعث شده در این مقطع نگاه‌ها به افزایش نرخ ارز و طلا معطوف شود. این چهار بازار عبارت‌اند از مسکن، خودرو، بهابازار و طلا؛ رکود در این بازارها باعث

هدف استراتژیک انقلاب اسلامی مطرح فرمودند. نگاهی به پنج متغیر اصلی تغییر یافته در سالی که گذشت، نویدبخش پایان نظم استکبار جهانی و آغاز تمدن نوین اسلامی است.

۱. به بن بست رسیدن نهادهای بین‌المللی تأثیرگذار در قرن گذشته: عملکرد و کارکردی که برای سازمان‌های بین‌المللی تعریف شده بود، تقریباً همگی به بن بست رسیده است. چند وقت قبل سازمان بهداشت جهانی توانایی کنترل و زدودن همه‌گیری بیماری کرونا را از دست داده بود، شورای امنیت سازمان ملل توانایی ایجاد مصالحه و جلوگیری از جنگ را در اروپای شرقی میان روسیه و اوکراین از دست داده است، حکم دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه نهایتاً از سوی رژیم جعلی صهیونیستی پذیرفته نمی‌شود و چندین مثال مختلف همگی از ناکارآمدی این سازمان‌های بین‌المللی حکایت دارد.

۲. تغییر در نظام پولی و بانکی مستقر پس از جنگ جهانی دوم: آغاز و گسترش دلار زدایی در میان کشورهای متوسط موجب از بین رفتن اقتدار و بنیان اقتصادی غرب و استکبار که بر پایه دلار

تعریف می‌شد، شده است. ثروت کشورهای متوسط و جهان سوم که قبلاً همچون گروگانی در دست دلار غرب بود، امروز در حال بازگشت به اقتصاد این کشورها و موجب توسعه و رفاه ملت‌های آنها شده است.

۳. از بین رفتن قدرت نرم‌افزاری استکبار جهانی: این سلطه رسانه‌ای و عملیات روانی که هژمونی استکبار جهانی به وجود آورده بود، امروز دیگر از میان رفته است. وجدان بشریت در حال بیدار شدن و دیدن حقایق جهان است. پایه‌های این قدرت نرم‌افزاری به شدت ضعیف و سست شده است.

۴. پیشرفت فناورانه و فناوری کشورهای شرقی: با وجود برقراری رژیم‌های کنترل صادراتی سفت و سخت از سوی غرب و آمریکا، اما نتوانسته‌اند مانع این رشد و پیشرفت فناوری شوند.

۵. گسترش تفکر اسلامی و ایدئولوژی دینی در سراسر دنیا: بشر امروز با مایوس شدن از هر آنچه منتسب به اومانیزم و انسان‌گرایی بود، بار دیگر به دنبال پیوند با قدرتی ماورایی و افول نشدنی به نام «الله» است.

توصیه و دستور داده‌اند که از ظرفیت‌های آن استفاده شود. رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در دیدار با تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی فرمودند: «به نظر من سران قوا می‌توانند در این جلسه‌ای که اختیارات به آن داده شده و می‌توانند کارهای زیادی بکنند و تصمیم‌های زیادی بگیرند، این موانع را مطرح کنند و حل کنند. حالا اگر هم حل نشد، بالاخره رهبری علیه‌السلام را در جریان بگذارند و حل کنند؛ این البته [جزء] مسئولیت‌های دولت است.»<sup>۱</sup>

نگاهی به بخش‌های متعدد کشور در حوزه اقتصاد نشان می‌دهد، دشمن نتوانسته است در جنگ اقتصادی خود به اهدافش برسد و باوجود موانع متعددی که دشمن در مسیر اقتصاد ایران ایجاد کرده، اما بازم صنعت و حوزه‌های مختلف اقتصاد ایران به حرکت خود ادامه داده‌اند. مقاومت و پیروزی ایرانیان در جنگ اقتصادی، تثبیت نخواهد شد، مگر این‌که قرارگاه جنگ اقتصادی چند رسالت را به درستی انجام دهد:

## رسالت قرارگاه اقتصادی در مقابل جنگ اقتصادی

جبهه دشمن در سال‌های اخیر در یک نبرد همه‌جانبه و هماهنگی کامل در بستر علمی و عملیاتی در خزانه‌داری آمریکا تشکیل قرارگاه جنگی اقتصادی علیه ملت ایران داده است، در این سوی نبرد نمای کاملی از آرایش جنگی، اتاق فرماندهی جنگ اقتصادی، جنب‌وجوش در صف و ستاد این نبرد در قامت یک جنگ اقتصادی دیده نمی‌شود. این در حالی است که رهبری علیه‌السلام در سال‌های گذشته و با شروع جنگ اقتصادی علیه کشور، فقدان یک قرارگاه مرکزی در برابر جنگ دشمن را به درستی تشخیص دادند و از این جهت و در راستای تمرکز بر وحدت در حکمرانی اقتصادی کشور و رفع موانع موجود دستور تشکیل شورای عالی هماهنگی اقتصادی را در اردیبهشت ۱۳۹۷ ابلاغ فرمودند. رهبری معظم علیه‌السلام این شورا را «فرمانده واحد اقتصادی» نام نهادند و در جلسات مکرر

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام در دیدار با فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان؛ ۱۴۰۲/۱۷/۱۰.



۱. تولید در همه ابعاد آن، سازماندهی شود.  
 ۲. سلاح جنگ اقتصادی (ارز) دشمن ناکارآمد شود. باید از اقتصاد دلار زدایی شود و مانع از دلاری زه شدن آن شد.  
 ۳. هدف از جنگ اقتصادی ایجاد فاصله غیراستاندارد بین مطلوبیت‌های اقتصادی و انتظارات مردمی است. مطلوبیت‌های اقتصادی (تولید) از طریق تحریم کاهش می‌یابد و قرارگاه جنگ اقتصادی باید به سمت رفع موانع تولید حرکت کند.  
 ۴. مکمل تحریم، تحریف است. تحریم بی‌اثر نمی‌شود مگر با شکست جریان تحریف. در این زمینه نیز قرارگاه جنگ اقتصادی باید پیوست‌های رسانه‌ای و اقدامات مؤثر و علمی در مقابل جریان تحریف را در نظر داشته باشد. نگاهی کلی به عملکرد قرارگاه جنگ اقتصادی نشان می‌دهد، پیوست‌های رسانه‌ای موجود و اقدامات این قرارگاه با واقعیت‌های صحنه نبرد پیچیده، علمی، ویرانگر و بی‌رحمانه‌ای که وجود دارد، همخوانی ندارد. البته این به معنای نادیده گرفتن مصوبات راهگشای این قرارگاه نیست، چه این که بسیاری از موانع موجود از طریق آن رفع شده است.

۵. فرهنگ جامعه از ثروت بادآورده، سفته‌بازی و فعالیت نامولد جدا شود و شکل حمایت واقعی از تولید به خود بگیرد.  
 ۶. حمایت از فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان بخش خصوصی. رهبر معظم انقلاب حفظه الله نیز در دیدار با فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان با اشاره به ظرفیت و توان کاملاً مؤثر بخش خصوصی برای تحقق اهداف کلان اقتصادی، «حمایت دولت، به‌ویژه رفع موانع فضای کسب‌وکار» و «مسئولیت‌پذیری بخش خصوصی» را دو ضرورت مهم و زمینه‌ساز بهبود اوضاع و پیشرفت چشمگیر کشور برشمردند.  
 ۷. مهار تورم با کنترل نقدینگی. رهبر معظم انقلاب حفظه الله در دیدار با فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان اشاره دقیقی به سیاست کنترل نقدینگی برای مهار تورم داشتند که به مدیریت بسیار قوی و دقیقی نیاز دارد. اصولاً تورم در یک دسته‌بندی کلی به سه نوع تورم تقسیم می‌شود: تورم از ناحیه تولیدکننده، تورم از ناحیه مصرف‌کننده و تورم انتظاری. کنترل نقدینگی نقش مؤثری در مهار تورم از ناحیه مصرف‌کننده دارد.

مروری بر شاهکارهای تمدن غرب (۱۳)

## مروری بر جنایات استعمارگران هلندی در جهان

مهدی سعیدی \*

### اشاره

«پرنس ویلیام اورانژ»<sup>۱</sup> شهرت یافته بود. در سال ۱۵۸۱، بود که هفت ایالت شمالی هلند، استقلال خود از سلطه اسپانیا را اعلام کرده و جمهوری متحد هلند را شکل دادند و خیلی زود برای آن که از دیگر همسایگانشان عقب نمانند، استعمارگری را آغاز کردند.

هلند در پی جنگ خونین هشتاد ساله، در ماجرای «پیمان وستفالی» در سال ۱۶۴۸ میلادی، استقلال یافت و از زیر فرمان امپراتور اسپانیا خارج شد. این استقلال فرصت را برای تشدید

در فهرست کشورهای غارتگر جهان نام هلند نیز به چشم می خورد که امروز کمتر کسی می تواند باور کند که این کشور کوچک اروپای شمالی نیز در این مسیر پیش قدم بوده است. هلندی ها در سال ۱۵۶۸ میلادی، در برابر فیلیپ دوم و اسپانیا شورش کردند و بدین سان جدال ۸۰ ساله آن ها برای استقلال طلبی علیه حکومت اسپانیا آغاز شد. رهبری مبارزه استقلال طلبانه با ویلیام اول (معروف به ویلهلم ساکت) حاکم هلند بود که به

1. Prince William of Orange.

\* دانش آموخته دکتری علوم سیاسی و عضو هیئت

علمی دانشگاه امام حسین علیه السلام

فعالیت‌های استعمارگرانه هلندی‌ها فراهم کرد که حاصل آن، آغاز «دوران طلایی هلند» بود. «دوران طلایی» به دوره‌ای در سده هفدهم میلادی در هلند گفته می‌شود که سیاست، اقتصاد، فرهنگ و هنر به برکت جاری شدن ثروت مستعمرات، به اوج شکوفایی خود رسید و هلند به شهرتی جهانی دست یافت.<sup>۱</sup>

### آغاز تحرکات استعماری

نخستین هلندی که به جانب مشرق عزیمت کرد، «یان هویگن فان لیشوتن»<sup>۲</sup> بود که در سال ۱۵۸۳، به هند سفر کرد و نزدیک به ده سال در آن سرزمین‌های دوردست به جمع‌آوری اطلاعات لازم پرداخت و وقتی در حدود سال ۱۵۹۲، به کشور خویش بازگشت، مجموعه اطلاعات خود را برای اعتلای سطح دانش و بینش خواص و عوام منتشر کرد. وی کتاب دیگری برای راهنمایی ملاحان هلندی نوشت که در آن راه‌های بحری بین هلند و هند، بیان جزایر، سواحل، بادها و

باران‌های دریا‌های سر راه را همراه با نقشه‌ها و جدول‌های گوناگون شرح داده بود.

جستجوگران نامدار هلندی چون «درک هارتوگ»<sup>۳</sup> و «آبل جانسون تاسمن»<sup>۴</sup> یک خط سیر دریایی جدید برپا کردند و نواحی تازه‌ای را برای ماهی‌گیری یافتند. توسعه تجارت، آمستردام را عمده‌ترین شهر تجاری دنیا کرد و بالاترین سطح استاندارد زندگی را برای هلندیان به ارمغان آورد.

در همین دوران مردی به نام «کرنلیوس هوتمن»<sup>۵</sup> از طرف بازرگانان آمستردام، جهت کسب اطلاعات به «لیسبون» گسیل گردید و او که خود چند بار به هند رفته بود؛ پس از مراجعت از لیسبون به فرماندهی کاروانی از کشتی‌های بازرگانی به هند عزیمت کرد؛ ولی با این‌که از دماغه امیدنیک گذشت، توفیق رسیدن به هند را نیافت؛ اما پس از وی بازرگانان هلندی چندین بار خود را به هند رساندند و این پیروزی‌ها چنان به آنان جسارت و

۱. جنایات غرب، مهدی سعیدی، اشراق حکمت، قم، ۱۳۹۶، ص ۳۸۷.

2. Jan Huyagen Van Lischoten.

3. Dirck Hartog.

4. Abel Janson Tasman.

5. Cornelis Hautman.

قدرت دریایی پرتغال رو به افول نهاد و استفاده از راه «دماغه امید نیک» برای سایر اروپایی‌ها هم ممکن شد. نخستین کسانی که این انحصار را درهم شکستند، هلندی‌ها بودند. آن‌ها در سال ۱۵۹۵، موفق شدند از این مسیر چهار کشتی تجاری خود را به هند برسانند. سه سال بعد، تهاجم هلندی‌ها به مستملکات پرتغال در سواحل قاره آفریقا آغاز شد. در سال ۱۶۰۵، بود که جزایر ملک در شرق اندونزی که از مستملکات مهم پرتغال و مرکز مهم تجارت فلفل به شمار می‌رفت به وسیله هلندی‌ها تسخیر شد و بدین سان به تدریج در سده هفدهم میلادی، میراث امپراتوری مستعمراتی پرتغال در شرق به هلندی‌ها و انگلیسی‌ها انتقال یافت.<sup>۳</sup>

در اواخر قرن شانزدهم و پس از سال ۱۵۸۰، که به نحوی پرتغال تحت کنترل هابسبورگ اسپانیا و فیلیپ دوم درآمد و اتحاد شبه جزیره ایبری شکل گرفت، رقابت و جنگ میان هلند و پرتغال نیز

نیروبخشید که در سال ۱۵۹۴، شرکت بزرگی به نام «شرکت بازرگانی با کشورهای دوردست» ایجاد کردند و هفت سال بعد، این شرکت از طرف دولت هلند به نام «شرکت هند شرقی هلند» تغییر نام یافت و دولت هلند امتیازات مالی و اختیارات وسیعی به آن شرکت جدید التأسیس بخشید.<sup>۱</sup>

توجه هلندی‌ها به شرق، مانع از آن نبود که نیم‌نگاهی نیز به غرب داشته باشند. در همین راستا بود که «هنری هودسن»<sup>۲</sup> انگلیسی را به استخدام درآورده و راهی اقیانوس اطلس و آمریکای شمالی کردند. در سال ۱۶۲۴، اولین مستعمره هلندونو در آمریکای شمالی، در محلی که امروزه ایالت‌های آمریکایی نیویورک، نیوجرسی و کن نیک تیکت واقع می‌باشند، تأسیس شد و دو سال بعد در سال ۱۶۲۶، شهر «آمستردام نو» (نیویورک کنونی) به عنوان پایتخت هلند نو، انتخاب شد.

در اواخر سده شانزدهم، به تدریج

۳. زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، عبدالله شهبازی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۴-۵۵.

۱. «روابط ایران با هلند در دوره صفوی»، سایت راسخون، ۸۸/۳/۱۹.

2. Henry Hudson.

شکل گرفت و تا نیمه قرن هفدهم و سال ۱۶۶۳، ادامه یافت. نتیجه جنگ این بود که پرتغال در جنوب آمریکا (برزیل هلند) و آفریقا با تسخیر مجدد آنگولا پیروز شد و هلند در شرق دور و جنوب آسیا، مستعمرات پرتغال را تسخیر کرد. بدین سان، هلندی‌ها امپراتوری مستعمراتی به پا کردند که بر راهزنی دریایی، امحاء جمع انبوهی از سکنه بومی جزایر خاور دور و قاره آمریکا و تجارت جهانی برده، استوار بود. برده‌داری در مستعمرات هند غربی هلند تا سال ۱۸۶۳، ادامه داشت. هلندی‌ها به دلیل عملکردهای زشت خود، در سرزمین‌ها و بازارهای شرقی به شدت بدنام بودند و این در دورانی است که دائره‌المعارف آمریکانا آن را «اوج تاریخ هلند» می‌خواند. در این دوران هلند به یک امپراتوری بزرگ مستعمراتی بدل شد که مستملکات آن در جزایر هند شرقی و سیلان و آفریقای جنوبی و ژاپن و برزیل و غیره گسترده بود و بر پایه این غارت جهانی دورانی از رفاه و ثروت

و شکوفایی هنر و فرهنگ در درون سرزمین هلند شکل گرفت. در این دوران هلند «اولین دولت تجاری و اولین قدرت دریایی جهان» به شمار می‌رفت.<sup>۱</sup> تجارت خارجی هلندی‌ها تا سال ۱۷۴۰، فزون‌تر از هر ملت دیگری باقی ماند و در سال ۱۶۶۵، از بیست هزار کشتی باربری اروپا، پانزده هزار فروند متعلق به کشور هلند بودند. بازرگانان و سرمایه‌داران هلند، به فتوای عموم، از همه رقبای زمان خود، لایق‌تر بودند. بانک آمستردام در همان وقت، تقریباً بر کلیه رموز و فنون مالی معمول در عصر حاضر پی برده بود و آن‌ها را به کار می‌بست. سپرده‌های نقدی مردم در آن بانک به مبلغی معادل با ۱۰۰ میلیون دلار امروزی می‌رسید. دادوستدهای تجاری - که از میلیون‌ها تجاوز می‌کردند - در آن بانک به ساعتی انجام می‌گرفت و اعتماد عمومی کشورهای اروپایی به خوش‌حسابی و امانت‌داری هلندی‌ها بر پایه‌ای بود که جمهوری هلند می‌توانست با پرداخت بهره‌ای بسیار نازل‌تر از هر دولت دیگری

۱. زرسالان یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران،

به وسیله قانون اساسی با هلند داشت قطع کرد، اما کشورهای سورینام و جزایر آنتیل هلند، تحت منشور پادشاهی ۱۹۵۴، که بنا بر آن هلند مسئول روابط خارجی و دفاع از آنان بود، به صورت شرکاء مساوی هلند باقی ماندند. سورینام در ۲۵ نوامبر ۱۹۷۵ میلادی جمهوری مستقلی شد و «آروبا»<sup>۳</sup> نیز از زمانی که شراکتی برابر با جزایر آنتیل هلند و هلند برقرار کرد (۱۹۸۶ میلادی)، وضعی مستقل و جدا از پادشاهی هلند یافت.

#### کمپانی هند شرقی هلند

برای نخستین بار این هلندی‌ها بودند که برای حضور دائم اقتصادی خود، راه تشکیل یک شرکت اقتصادی را انتخاب کردند.<sup>۴</sup> یکی از مهمترین اقدامات هلند در مسیر استعمارگری، راه‌اندازی شرکت «سرزمین‌های دور هلند» بود که در سال ۱۵۹۴، در هلند تشکیل شد و بعدها به «شرکت هند شرقی هلند»

پول وام بگیرد؛ برای مثال گاهی به نرخ اندک چهار درصد در آن زمان آمستردام به احتمال زیاد، زیباترین و متمدن‌ترین شهر اروپا بود.<sup>۱</sup>

«ورنر سومبارت» می‌نویسد: «در تمامی سده هفدهم، همه نظریه‌پردازی‌های فلسفی و سیاست عملی در میان ملت‌های اروپای شمالی - غربی تنها یک هدف داشت: تقلید از هلند در تجارت، در صنعت و در تصرف مستعمرات»<sup>۲</sup> هر چند این برتری، دولت مستعجل بود و قدرت استعماری هلند با اوج‌گیری کشورهای انگلیس و فرانسه تضعیف شده روبه افول و زوال گذاشت.

هلند تا جنگ جهانی دوم، قدرت استعماری محسوب می‌شد اما با پایان جنگ جهانی از ۱۹۴۵ میلادی مستعمراتش یکی پس از دیگری استقلال یافتند. اندونزی تمام پیوندهایی را که

۳. آروبا (Aruba) جزیره‌ای است در جنوب دریای کارائیب، در منطقه آنتیل کوچک.  
۴. «نقش‌های چندگانه کمپانی هند شرقی در آسیا»، صادق راستگو، روزنامه جام جم، ۳۰/۱۰/۸۹

۱. تاریخ تمدن، ویلیام جیمز دورانت، (عصر لوئی چهاردهم)، ترجمه احمد آرام. و دیگران، آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۲۰۸.  
۲. یهودیان و حیات اقتصادی مدرن، ورنر سومبارت، ترجمه رحیم قاسمیان، نشر ساقی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰، ص ۱۳.

شهرت یافت.<sup>۱</sup> کمپانی هند شرقی هلند در سال ۱۶۰۲، بر پایه اتحاد گروه‌های تجاری رقیب و با سرمایه‌ای بیش از ۵۰۰ هزار پوند استرلینگ، تأسیس شد که از ذخایر انبوه مالی و پیوند نزدیک با دولت هلند برخوردار بود. حکمرانان خان‌نشین‌های کوچک هلند، موسوم به «سرزمین‌های سفلی» که تا سه دهه پیش، تحت سلطه پادشاهان اسپانیا بودند و هنوز اسپانیا مدّعی حاکمیت بر آنان بود، اینک متکبرانه خود را مالک دنیای غیراروپایی می‌انگاشتند. آنان در فرمان تأسیس کمپانی، انحصار تجارت شرق، ورود بدون گمرک کالاها به بنادر هلند، حق ایجاد ارتش و نیروی دریایی و احداث قلعه و مستعمره کردن سرزمین‌ها، حق مبادرت به جنگ یا صلح، امضای قرارداد، ضرب سکه، و ایجاد دستگاه قضایی را به کمپانی هند شرقی خود اعطا کرده بودند!

کمپانی هند شرقی هلند، بی‌درنگ پس از تأسیس، بیش از ۶۰ کشتی روانه مشرق زمین کرد. آن‌ها با مردم محلی، با

پرتغالی‌ها و نیز با یکدیگر جنگیدند و حریصانه مستملکاتی به چنگ آوردند. آن‌ها پرتغالی‌ها را از سیلان و مالاکا بیرون راندند، «دماغه امید نیک» را تصرف کردند و «فاکتوری» های خود را در سوماترا و جاوه و بورنیو و سیام و در سواحل هند و ایران مستقر کردند. هلندی‌ها از سال ۱۶۰۹ در مچلی بندر (شمال مدرس)، سپس در سورت (۱۶۱۶) و آنگاه در بنادر جنوبی ایران مستقر شدند. تاریخ هند آکسفورد می‌نویسد: «سیطره بر تجارت ادویه، ثروت کمپانی و توانایی کارگزاران آن، کمپانی هند شرقی هلند را قادر ساخت تا سهم اصلی را در تجارت تمامی این مناطق به دست گیرد؛ ولی نتوانست رقبای انگلیسی را از میدان به در کند».<sup>۲</sup>

این شرکت، انحصار تجارت از دماغه امید نیک (به سمت شرق) تا دماغه ماژلان را در اختیار داشت. در سال ۱۶۱۹، کمپانی هند شرقی کنترل جزایر ادویه در اندونزی را به دست گرفته و «ژان پیترسون کوئن»<sup>۳</sup> اولین مهاجرنشین هلند در

۱. مسائل سیاسی اقتصادی جهان سوم، احمد ساعی، سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۶۲.

۲. زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، همان: ۸۵.

3. Jan Pitterszoon Coen.

بیشتر درآمدهای کمپانی ناشی از انحصارهایی بود که در مورد فرآورده‌های کشاورزی اعمال می‌کرد: «و بیش از همه، در بازار انحصاری ادویه‌هایی که از جزایر ملوک وارد می‌کرد بعد، برنج بود که از جاوه می‌آمد. در جزایر ادویه، هیچکس حق نداشت زمین‌های مخصوص کشت ادویه را برای کشت مواد غذایی، مانند برنج و گندم و جو، مورد استفاده قرار دهد»<sup>۱</sup>.

خلق و خوی انحصارگرایی کمپانی که برخاسته از خصوصیت استعمارگری آن است، در همه میدان‌های تجاری موج می‌زد؛ به عنوان نمونه نویسنده کتاب «تاریخ جدید اندونزی» درباره انحصار گل میخک می‌نویسد: «نماینده کمپانی» فرصتی برای حلّ نهایی مسئله اضافه تولید میخک به دست آورد. ابتدا مندرشاه، پادشاه «ترناته» را به «باتاویا» برد و در ژانویه ۱۶۵۲، قراردادی با وی در همان جا امضا شد، که طی آن کشت میخک در هر منطقه‌ای به جز امبون و یا سایر مناطق تحت کنترل کمپانی، ممنوع شد. امبون

اندونزی را به مرکزیت جاکارتای امروزی بنا نهاد. جاکاراتا (باتاویا) در آن زمان مرکز اداری کمپانی هند شرقی هلند محسوب می‌شد. این شرکت نفوذ اقتصادی خود را از جاکارتا تا شبه جزیره مالایا، چین، ژاپن، ایران و دماغه امید نیک گسترش داد.

در طی ۶۰ سال جنگ بین اسپانیا و هلند (۱۶۰۵-۱۶۶۵) این شرکت ممالیک پرتغالی‌ها را که متحد اسپانیایی‌ها بودند، در منطقه غارت و مناطق تحت نفوذ آن‌ها را اشغال کرد. این جنگ، نفوذ پرتغالی‌ها را در اندونزی، مالایا، سریلانکا، هندوستان و ژاپن از بین برد. در این دوره هلندی‌ها توانستند بریتانیایی‌ها را از مالزی برانند. در سال ۱۶۶۹، کمپانی هند شرقی هلند دارای ۴۰ کشتی جنگی، ۱۵۰ کشتی تجاری و ۱۰ هزار سرباز بود. بین سالهای ۱۶۰۲ و ۱۶۹۶ این کمپانی به سهامدارانش سالانه سودی کمتر از ۱۲ درصد پرداخت نکرد و حتی گاه سود سالانه‌ای معادل ۶۳ درصد به سهامدارانش داد. دولت هلند، هر ۲۰ سال با اخذ حق امتیاز، مجوز تجاری کمپانی را تجدید می‌کرد.

۱. «دعوا بر سر گل میخک بود»، روزنامه دنیای اقتصاد،



در این هنگام می‌توانست بیش از مقدار مصرفی کل جهان، محصول میخک تولید کند و قصد کمپانی نه تنها حفظ انحصار، بلکه نابودی کشت میخک در سایر نقاط بود.<sup>۱</sup>

ماجرای گل میخک از این قرار بود که «درخت میخک» که در اوج رشد خود به حدود ۱۲ متر هم می‌رسد، فقط در آمبون و چند جزیره کوچک دریافت می‌شد. هلندی‌ها که در اندیشه انحصار بودند، مردم را از دیگر جزایر میخک‌دار به آمبون کوچاندند و قبل از این کار، تمام درخت‌های میخک آن‌ها را ریشه‌کن کردند تا مانع از فروش گل میخک به خریداران غیرهلندی بشوند؛ به این ترتیب کمپانی هند شرقی هلند مدعی بود که تمام مردم آمبون از «امتیاز» کشت میخک برخوردار هستند. این «امتیاز» الزاماتی نیز در پی داشت: مردم آمبون متعهد بودند که درخت‌ها را به تقاضای کمپانی قطع کنند و تمام مواد غذایی مورد نیاز خود را از کمپانی به قیمت‌های (بسیار بالای)

کمپانی خریداری کنند. از سوی دیگر، کمپانی اختیار مطلق داشت که به میل خود برای محصول میخک جزیره، قیمت معین کند. هدف اصلی آن بود که کم‌ترین پول ممکن را به کشت‌کاران بدهند؛ ولی نه آن قدر کم که موجب رها کردن این کار بشود. نیازی به گفتن نیست که کمپانی، تحت تاثیر حرص غریزی خود، پول کافی به کشت‌کاران میخک نمی‌داد و «امتیازداران» آمبون رفته‌رفته نسبت به امتیاز خود دل‌سرد می‌شدند. در سال ۱۶۵۶، هلندی‌ها متوجه شدند که تولید گل میخک از تقاضا عقب مانده است؛ بنابراین به مردم جزیره دستور دادند که در ازدیاد درخت‌های میخک بکوشند؛ ولی در ۱۶۹۲ و ۱۶۹۷ همان باغ‌داران را مجبور کردند که درختان خود را ریشه‌کن کنند. در میانه قرن هجدهم تقاضا دوباره فزونی گرفت و کمپانی از نو به زیاد کردن درخت‌ها روی آورد؛ ولی چند سالی نگذشته بود که دوباره به قطع درختان پرداخت. در ظرف این مدت، کشت‌کاران

۱. تاریخ جدید اندونزی، ام. سی. ریکلفس، ترجمه عبدالعظیم هاشمی نیک، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۰. ص ۱۰۰.

هند شرقی هلند شد. از سال ۱۷۲۴، کمپانی نتوانست سودی به سهام‌دارانش بپردازد و تنها با وضع مالیات بر جمعیت بومی توانست سرپا بماند. این کمپانی نتوانست در برابر حملات بریتانیایی‌ها در سال ۱۷۸۰، مقاومت کند و در سال ۱۷۹۵، توسط جمهوری تحت کنترل فرانسه در اندونزی نابود شد و نفوذ خود را در اندونزی به فرانسوی‌ها واگذار کرد.

«راندال اوانسون»، «موانع سیاسی و نظامی» و نیز انباشته شدن جیب کارگزاران بومی کمپانی هند شرقی هلند را به عنوان عوامل سقوط آن ذکر می‌کند. در سال ۱۷۹۵، انگلیسی‌ها مستعمره هلندی «کیپ‌تاون» را اشغال کردند تا مانع تصرف آن توسط نیروهای ناپلئون شوند و در سال ۱۷۹۸، سیلان را به اشغال خود درآوردند.<sup>۳</sup>

### نقش یهودیان در استعمارگری هلند

رشد و شکوفایی هلند و رسیدن به دورانی که از آن به دوران طلایی هلند یاد

جزیره به فقر و انزجار افتاده بودند و کل جمعیت آمبون در حدود ۳۵ درصد کاهش نشان می‌داد.<sup>۱</sup>

سال ۱۶۶۹، اوج اقتدار کمپانی هند شرقی هلند محسوب می‌شود. در این سال، کمپانی ۱۵۰ کشتی تجاری، ۴۰ کشتی جنگی و ۱۰ هزار نیروی نظامی در اختیار داشت. هرچند هلندی‌ها به دلیل کمبود نیروی انسانی و منابع مالی نمی‌توانستند به دوران حضور خود تداوم دهند؛ اما رقبای جدی آن‌ها که کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هند شرقی فرانسه بودند، به سرعت با آن‌ها وارد منازعه بلندمدتی شدند که این منازعات باعث شد تا در طول قرن‌های هفدهم، هجدهم و بخشی از قرن ۱۹ کمپانی‌ها و نیروهای آن‌ها بر بسیاری از مناطق جهان حکمرانی کنند.<sup>۲</sup>

در قرن هجدهم ناآرامی‌های داخلی، قدرت‌گیری بریتانیا و فرانسه و ستم بر بومیان سبب افت قدرت کمپانی

۱. «دعوا بر سر گل میخک بود»، روزنامه دنیای اقتصاد، ۸۸/۵/۳.

۲. «نقش‌های چندگانه کمپانی هند شرقی در آسیا»، صادق راست‌گو، روزنامه جام جم، ۸۹/۱۰/۳۰.

۳. زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، ص ۸۸.

می‌کنند، با مهاجرت یهودیان شبه جزیره ایبری (پرتغال و اسپانیا) به هلند قرین است. در اواخر قرن شانزدهم، شاهد رشد خیره‌کننده و ناگهانی هلند هستیم. اولین یهودیان پرتغالی در سال ۱۵۹۳، در آمستردام ساکن شدند و چیزی نگذشت که تعداد آن‌ها رو به فزونی نهاد. اولین کنیسه یهودیان در آمستردام نیز در ۱۵۹۸ افتتاح شد و در اواسط سده هفدهم در بسیاری از شهرهای هلند، جوامع یهودی حضور داشتند. یهودیان به تدریج آمستردام آن ایام را اورشلیم جدید می‌خواندند.<sup>۱</sup>

گفته می‌شود که یهودیان سهام‌داران بزرگ کمپانی هند شرقی هلند بودند. رئیس کمپانی یک یهودی به نام کوئن (کوهن) بود. که نقش اصلی را در استقرار سلطه هلند بر جاوه داشت. به علاوه، نگاهی به تصاویر حکمرانان مستعمرات هلند روشن می‌کند که «کوهن» تنها یهودی در میان گردانندگان کمپانی هند

شرقی هلند نبود. یهودیان در هیئت مدیره کمپانی نیز حضور داشتند و خلاصه هیچ مستعمره‌ای بدون وجود آنان کامل نمی‌شد.<sup>۲</sup>

مهاجرت یهودیانِ مارانویی<sup>۳</sup> به هلند، به‌طور دقیق با آغاز اقتصاد مستعمراتی این سرزمین و تأسیس کمپانی هند شرقی هلند در پیوند است تا بدان جا که در سده هفدهم هلند را به مرکز اصلی شبکه جهانی الیگارشسی یهودی بدل کرد. مورّخین دانشگاه عبری اورشلیم می‌نویسند: «مارانوهای مستقر در هلند به شکل فزاینده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی و مهاجرت‌هایی که ناشی از «اکتشافات جغرافیایی» بود شرکت جستند. آن‌ها همچنین، «با حمایت برادران یهودی‌شان» در آلمان، لهستان، لیتوانی و عثمانی پیوندهای خود را با این کشورها برقرار کردند».

در سال ۱۶۲۴، کمپانی هند غربی هلند برای اشغال برزیل و قاره آمریکا

۱. یهودیان و حیات اقتصادی مدرن، ص ۱۷.

۲. همان، ص ۳۲.

۳. مارانو (اسپانیایی: ma'ranos) یهودیانی بودند که در سرزمین اسپانیا و پرتغال کنونی می‌زیستند و مجبور

شدند تحت فشار به مسیحیت بگروند ولیکن در خفا به پیروی از تعالیم دین یهود ادامه دادند.

آستانه سده هیجدهم، یهودیان حدود ۸۰ درصد کل واردات الماس کمپانی هند شرقی هلند را خریداری می‌کردند.

بدین‌سان، یک الیگارشی بسیار ثروتمند یهودی و مارانو در هلند شکل گرفت که زمام مهم‌ترین قدرت اقتصادی - مستعمراتی اروپای سده هفدهم را به دست داشت. آنان پیمان‌کاران اصلی ارتش هلند و ارتش‌های محلی بودند و وام‌های کلان به دربار، حکمرانان و اشراف منطقه پرداخت می‌کردند. این الیگارشی یهودی به‌طور عمده در شهرهای آمستردام و هاگ، که در نزدیکی مقر دربار هلند قرار داشت، مستقر بود. در زمان خروج شابتای زوی (۱۶۶۶)، آبراهام پیرا ثروتمندترین یهودی آمستردام به شمار می‌رفت. در نیمه سده هفدهم، اسپانیا و پرتغال اهمیت خود را ازدست‌داده و اکنون مرکز اصلی الیگارشی یهودی در هلند مستقر بود. آنان در ماجرای رقابت‌های سخت و خونین قدرت‌های اروپایی به سرمایه‌گذاری در هر دو جبهه دست می‌زدند. برای نمونه، درحالی‌که یهودیان نقش مهمی در تصرف برزیل به‌وسیله هلند داشتند، در کمپانی‌ای که پرتغالی‌ها

تأسیس شد که یهودیان در آن سهم مهمی داشتند. از این زمان اهمیت یهودیان، به‌ویژه در زمینه انتقال سیورسات و اجاره دادن نیروهای نظامی، افزایش یافته و در بورس سهام کمپانی هند شرقی هلند نیز نقش مهمی را به دست گرفتند. آنان در نیمه دوم سده هفدهم، بخش عمده تجارت شکر، تنباکو، ابریشم و الماس هلند را به دست داشتند و سهام‌داران اصلی کمپانی هند شرقی هلند بودند. در پایان سده هفدهم، به‌طور رسمی یک چهارم کل سهام کمپانی هند شرقی هلند به یهودیان تعلق داشت. باید توجه کرد که این سهام یهودیانی است که به نام یهودی شناخته می‌شدند. مارانوها، که بخش عمده یهودیان هلند را تشکیل می‌دادند، به‌طور رسمی مسیحی به شمار می‌رفتند و از میزان سهام آنان اطلاعی در دست نیست. به هرصورت، حتی اگر کل سهام یهودیان همین مقدار نیز ارزیابی شود، برای سنجش میزان سلطه آنان بر کمپانی هند شرقی هلند کافی است. روشن است که یهودیان به دلیل اتحاد و انسجام و ساختار سیاسی خود قدرت بی‌رقیب هیئت‌مدیره کمپانی بودند. در

برای اخراج هلندی‌ها از برزیل تأسیس کردند نیز به سرمایه‌گذاری پرداختند.<sup>۱</sup>

در سال ۱۶۴۲، مردم بومی برزیل جنگ‌های چریکی گسترده‌ای را علیه اشغالگران اروپایی - یهودی آغاز کردند. این جنگ ۹ سال تداوم داشت و در جریان آن تعدادی از یهودیان به قتل رسیدند. در سال ۱۶۴۵ نیمی از سکنه غیربومی برزیل هلند یهودی بودند. در سال ۱۶۴۹ پرتغالی‌ها کمپانی جدیدی برای اخراج هلندی‌ها از برزیل تأسیس کردند. بخشی از سهام این کمپانی نیز به یهودیان تعلق داشت. در جنگ میان هلندی‌ها و پرتغالی‌ها بر سر برزیل، تأمین تدارکات و آذوقه طرفین با یهودیان بود. در نیمه سده هفدهم، تمامی پلانت‌های بزرگ برزیل به یهودیان تعلق داشت.

کمپانی هند غربی هلند از بدو تأسیس تا سال ۱۷۳۰، واردات بردگان سیاه به برزیل را در انحصار خود داشت. تکاپوی یهودیان مارانویی در این عرصه، به سهم بزرگ آنان در سرمایه و مدیریت

این کمپانی محدود نبود. یهودیان مستقر در برزیل خریداران اصلی این بردگان در سواحل برزیل هلند بودند. آنان بردگان را به طور جمعی و نقد می‌خریدند و به شکل نسبه به پلانت‌کاران می‌فروختند و از این طریق سودهای هنگفت می‌بردند. به نوشته دایره المعارف یهود «یهودیان پول نقد داشتند و حاضر بودند بردگان را در ازای پیش‌خرید محصول شکر پلانت‌کاران [به شکل غیرنقدی] به آنان بفروشند». برخی یهودیان نیز، با مجوز کمپانی، به تجارت مستقیم برده اشتغال داشتند. از بزرگ‌ترین این تجار دو برادر به نام‌های «دیوید و یاکوب سنیر»<sup>۲</sup> بودند. بزرگ‌ترین دلال بردگان سیاه در داخل برزیل نیز یک یهودی به نام «مانوئل آلوارز کوریا»<sup>۳</sup> بود. او در عین حال، نقش میانجی‌گری و دلالی میان کمپانی‌های پرتغالی و هلندی را به دست داشت.<sup>۴</sup>

۱. زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، ج ۲، ص ۸۸-۹۰.

2. David, Jacob Senior.

3. Manuel Alvares Correa.

۴. جنایات غرب، مهدی سعیدی، ص ۳۹۸.

## تبلیغ مکتوب برای کودکان، چالش‌ها و فرصت‌ها

درمواجهه با حجت‌الاسلام والمسلمین سبحانی نسب،  
مدیرانتشارات بین‌المللی جمال

مرکز پژوهش‌های تبلیغی

### اشاره

به نام خدا. من متولد اول اسفند ۱۳۴۸ هستم. نام خانوادگی پدرم «آبیار قمصری» بود. وقتی دانشگاه رفتم، آن را به «سبحانی نسب» تغییر دادم. در سال ۱۳۶۳ که وارد حوزه شدم، کمی که درس خواندم، آموزش نظامی دیدم و بعد جبهه رفتم. یک سال جبهه غرب بودم و بعد وقتی برگشتم، دوباره کمی درس حوزه خواندم. دوباره شور و حال جبهه در دلم افتاد و این بار به سمنندج رفتم. ما در محور حسن‌آباد بودیم. با کوموله و دموکرات درگیر بودیم. اتفاقاً در گروه «جوله» بودیم. جوله یعنی گشت. گشت امنیتی بود. من یک یادگاری هم از آن جا دارم. چون در کوه‌ها در برف گاهی دو تا پنج ساعت می‌ایستادیم، پاهایمان

کمبود آثار دینی برای کودک و نوجوان همواره دغدغهٔ مریبان و معلمان کودک بوده است. حجت‌الاسلام علی‌رضا سبحانی نسب، مدیرانتشارات بین‌المللی جمال، از جمله افرادی است که قدم به این عرصه گذاشته و کوشیده است آثاری را در این زمینه منتشر کند. او در این مصاحبه به هدف پاسداشت روز جهانی کتاب کودک (۲ آوریل، ۱۴ فروردین) از دغدغه‌های کتاب کودک می‌گوید و چالش‌ها و فرصت‌هایی که با آن مواجه بوده است.

**مبلغان: عرض سلام و سپاس بابت این‌که دعوت ما را پذیرفتید. لطفاً خودتان را معرفی بفرمایید.**

خیس می شد و یخ می زد. من از آن دوره رماتیسزم دارم و الآن در تابستان نیز باید پاهایم زیر پتو باشد. بعد به جنوب رفتیم و چون هنوز خیلی نورسیده بودیم، پیشنهاد کردند به «تخریب» برویم. ما هم تخریب لشکر ۸ نجف اشرف رفتیم و آن جا آموزش دیدیم. در واحد رزمی بودم؛ ولی چون طلبه بودم، گاهی پیش نماز می شدم و گاهی سخنرانی می کردم. مدتی هم در «تبلیغات» بودم.

#### مبلغان: شما متولد کاشان هستید. والدین

#### کاشانی هستند؟

پدر و مادرم قمصری بودند؛ ولی چند سال قبل از تولد من به کاشان می آیند و من کاشان به دنیا آمدم. تابستان ها به قمصر می رفتیم و آن جا زندگی می کردیم. بعد از درگذشت پدر، آن جا رها شد و خیلی نمی رفتیم. وقتی مادرم زنده بود، تقریباً هر هفته کاشان بودم؛ ولی بعد از درگذشت ایشان، چون آن جا هیچ تعلق جدی نداشتم، کمتر کاشان یا قمصر می روم، در حد دیدار برادران و خواهرم.

#### چه سالی وارد دانشگاه شدید؟

سال ۷۲ وارد دانشگاه تهران شدم در مجتمع آموزش عالی قم که الآن شده «پردیس فارابی». رتبه ۶۷ کنکور شدم و لیسانس

حقوقم را از آن جا گرفتیم. هم زمان درس خارج آیت الله جوادی آملی رحمته الله علیه نیز می رفتم.

#### مبلغان: حوزه را در ده سال خواندید؟

من از سال ۶۳ وارد حوزه شدم. دوسه سال که جبهه بودم. وقتی برگشتم، تا سال ۷۶ یعنی حدوداً ده سال طول کشید تمام کنم.

#### مبلغان: چه شد از لیسانس حقوق

#### یک مرتبه به فوق لیسانس فلسفه و کلام رفتید؟

شاید ورود من به حقوق تا حدودی به خاطر جو رفقای بود که باهم در کاشان درس می خواندیم. آن دوره می گفتند بهترین رشته علوم انسانی، حقوق است. من براساس علاقه مندی های جو روانی جامعه، رشته حقوق را انتخاب کردم، نه به دلیل علاقه شخصی. وارد دانشگاه که شدم و حقوق خواندم، بدم نیامد؛ ولی حس کردم علاقه ام بیشتر به سمت فلسفه است. جالب اینجاست که بعد از گرفتن لیسانس حقوق، در اولین دوره فوق لیسانس تهیه کنندگی که صداوسیما برگزار می کرد، شرکت کردم. در آزمون و بقیه مراحل پذیرفته شدم؛ ولی رئیس دانشکده براساس سلیقه اش، گفتند بهتر است ایشان نیاید. شاید باید از ایشان تشکر کنم؛ چون اگر می پذیرفت، من الآن یک

برای این کار زحمت کشیده که بیاید - همچنان که خیلی ها این کار را کرده بودند - این ظلم خیلی بزرگی است که این گونه او را خرد کنید. همان جا برای چاپ کتابم مستقیم پاساژ قدس رفتم. آن جا هم با نامهربانی یک ناشر روبه رو شدم. مثلاً اگر می خواستم کتابم را بدهم تایپ کنند، باید ۸۰ هزار تومان پول می دادم. آن ناشر به من گفت: من امتیاز کتابت را می خرم ۵۰ هزار تومان! دیدم فضای نشر، دست کم در قم، خیلی نامطلوب است. همان جا به ارشاد رفتم و درخواست مجوز نشر دادم و با افت وخیزهایی، چند ماه بعد مجوز گرفتم. البته قبلاً دوسه کتاب به صورت مؤلف - ناشر چاپ کرده بودم؛ ولی بی مهری این بزرگوار موجب شد سراغ مجوز نشر بروم و سال ۷۸ مجوز را گرفتم. آن موقع در شهرک مهدیه زندگی می کردم. همان جا برخی کارهای مقدماتی را شروع کردم. بعد از یک سال، جایی را در خیابان صفاییه اجاره کردم و آن جا فعالیت های کاری ام را با آقای حیدری ابهری، به عنوان نویسنده و مشاور، شروع کردم و جلو رفتم. طی یک مشاوره سنگین با آقای حیدری، بقیه کارها را کنار گذاشتم و الآن ۲۴ سال

تهیه کننده ساده بودم. ماجرا هم از این قرار بود که در یکی از آن جلسات اولیه شوخی ای کردم و آن مدیر خوشش نیامد و گفت: «طلبه نباید شوخی کند!» جالب اینکه، هیچ شوخی زنده یا زشتی نکرده بودم؛ ولی ایشان به صرف یک شوخی ساده، من را از شرکت در دوره کارشناسی ارشد تهیه کنندگی محروم کرد.

**مبلغان: در مقطع کارشناسی، حقوق خواندید و در ارشد هم فلسفه و کلام اسلامی. برای دکتری چه خواندید؟**

در سال ۹۱ برای مقطع دکتری شیعه شناسی به دانشگاه ادیان و مذاهب رفتیم. البته متأسفانه این مقطع نیمه تمام ماند.  
**مبلغان: نشر «جمال» را چه زمانی تأسیس کردید؟**

دقیقاً فردای همان جمعه ای که برای بازدید از صداوسیما رفته بودیم، می خواستم سر کلاس بروم که نگهبان مانع شد. آن موقع کتاب «در حریم یار» که برای اردوهای مشهد دانشجویی آماده کرده بودم، همراهم بود. بعد از این اتفاق، طبیعتاً ناراحت شدم، ولی نشکستم و به آن شخص گفتم: این جا پایان آرزوهای من نبود که فکر کنید الآن چیز بسیار مهمی را از دست داده ام. ولی اگر یک نفر یک سال



است که مشغول ترویج معارف اسلامی هستم.

**مبلغان: چه شد سمت کتاب کودک رفتید؟**

**اتفاقی بود یا دغدغه داشتید؟**

یکی دو بار، دوباره سمت کتاب کودک رفتیم. اوایل کتاب می دادند و چاپ می کردیم و تحویل می دادیم و «حق النشر» می گرفتیم. مسیر را رفته بودم؛ ولی به هر حال یک دفعه سروکله مؤلفی پیدا شد که خیلی جست و خیز داشت. ما از او کتابش را گرفتیم و چاپ کردیم و خدا را شکر موفق شدیم؛ ضرورتی بود که در حوزه آشنایی کودکان با خدا نیاز بود. وارد این مسیر که شدیم، کارهایمان خیلی گل کرد و به همین جهت ناخودآگاه همه تمرکز روی کتاب کودک رفت. با اینکه در آن زمان بیش از صد کتاب بزرگ سال داشتیم که عمده آن هم حق التألیفی بود؛ یعنی چهل پنجاه کتاب از خودم بود و بقیه را به صورت حق التألیفی کار کرده بودم، کار کودک را شروع کردم. سال ۸۸، یعنی ده سال بعد از گرفتن مجوز نشر، ناشر برتر حوزه کودک و نوجوان در قم شدیم. اگر هم قبلش چیزی بوده، الآن خیلی یادم نمی آید؛ ولی این جایزه برای ما نقطه عطفی بود. حتی برخی از کسانی که قبل از ما شروع

کرده بودند، شاکی شدند که چرا با وجود سابقه بیشتر، آن ها برگزیده نشده اند. در جشنواره های «کتاب سال»، «کانون»، «غرفه برتر»، «ناشر برتر» و... هر سال اتفاقات این چنینی برایمان رقم خورد و موجب شد توجه ما به حوزه کتاب کودک بیشتر شود.

**مبلغان: شهید مطهری در مقدمه یکی از**

**جلدهای «داستان راستان» می گوید: وقتی می خواستم این کتاب را چاپ کنم، برخی رفقا خرده گرفتند و گفتند حیف است بعد از «اصول فلسفه و روش رئالیسم» سراغ کارهای سطحی و این چنینی بروی. برای شما نیز چنین اتفاقاتی افتاده که مثلاً بگویند: تو داری دکترا می خوانی، درس خارج می روی. این کارهای کودک چیست؟!**

اگر هم گاهی کسی چیزی گفته باشد، به دل نگرفتم. البته بی مهری هایی بود؛ مثلاً زمانی یکی از نویسندگان معروف را دعوت کردم که داخل غرفه (دوسه متری) ما بیاید. با بی مهری داخل غرفه هم نیامد و گفت: «بی خیال من شویدا!» شاکی بود که چرا سراغ موضوع خدا رفته ام؛ بچه ها که با خدا مشکلی ندارند! البته بعداً جایی مرادید و گفت: «خدا خیرتان بدهد. شما دارید خدایی را که الآن بی خدایان دارند صادره می کنند،

کودک را بلد باشی. بلکه بیش از پژوهشگر معمولی باید فهمیده باشی؛ چون ساده‌سازی یک مفهوم علمی نیازمند درک عمیق آن است.

### مبلغان: نسبت کار خودتان را در نشر جمال با تبلیغ سنتی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما در نشر جمال داریم هنرمندانه محتوای مکتوبی تولید می‌کنیم که عموماً مستند به آیات و روایات و معارف اهل بیت علیهم‌السلام است؛ گرچه ادبیات آن کودکانه، نوجوانانه و به‌روز است.

نگارش و تبلیغ برای کودک و نوجوان به‌دلیل گزیده‌گویی، انتخاب واژگان، انتخاب قالب‌های مورد نیاز و... قاعدتاً هنرمندی‌هایی می‌خواهد. می‌شود گفت این کار ما شکل نوین تبلیغ سنتی است؛ یعنی اگر قرار بود این تبلیغ سنتی فعلی را قدری نوین و روشمند و به‌روز کنیم، همین کاری می‌شد که الآن نشر جمال دارد برای کودک و نوجوان انجام می‌دهد. بنابراین کاملاً سعی کردیم در مسیر رسالت تبلیغی حوزوی خودمان حرکت کنیم.

### مبلغان: تاکنون ارتباط یا تعاملی با مبلغان

#### داشته‌اید؟

پیوسته طلبه‌ها آثار ما را می‌گیرند و به‌عنوان ابزار تبلیغی استفاده می‌کنند.

به‌درستی برای بچه‌ها توصیف می‌کنید و فطرتشان را پرورش می‌دهید.»

همان سال‌ها با یکی از مدیران «بوستان کتاب» جلسه‌ای داشتیم. ایشان می‌گفت: «کارشناسان ما کار برای کودک را کسرشان خود می‌دانند و می‌گویند شأن بوستان دارای این همه کتاب فلسفی و علمی، با کار کودک پایین می‌آید. کارهایی هم که شده، با اکراه مدیران بوده است!» یعنی کارشناسان آن نشر، کتاب کودک را دور از شأن خود می‌دانستند. حتی آقای حیدری ابهری را بارها دعوت می‌کردند که سطوح عالی حوزه را تدریس کند و می‌گفتند: این کارها چیست که می‌کند! متأسفانه برخی کار کودک را کار کوچکی می‌پندارند؛ درحالی‌که اگر تخصصی نگاه کنیم، کار کودک یقیناً از کار بزرگ سال سخت‌تر، تخصصی‌تر و فنی‌تر است؛ یعنی باید مفاهیم را به‌عنوان یک فیلسوف، متکلم و کارشناس دین فهمیده باشی و تخصص به زبان کودک درآوردنش را هم داشته باشی. این طور نیست که اگر خواستی برای کودک بگویی، به معارف کمتری نیاز داری. خیر! باید هم معارف را فهمیده باشی و هم زبان بیانش برای

خیلی از کارهای ما در کلاس‌های درس دارد تدریس می‌شود. خیلی از آثار ما را به عنوان جایزه به مترجمان می‌دهند. بحمدالله مربیان و مبلغان زیادی با ما ارتباط محکم و پیوسته دارند. گاهی آثار ما را نقد می‌کنند و ما می‌نشینیم و با حوصله حرف‌هایشان را می‌شنویم و پاسخی می‌دهیم.

دو کتاب ما، «خداشناسی کودکان» و «چرا خدا چنین کرد؟»، به عنوان متن درسی در برخی جاها دارد استفاده و تدریس می‌شود. کتاب‌های دیگری هم داریم که اصلاً برای مربیان است، مثل «مربی خلاق».

**مبلغان: اگر بازخوردی هم از ارتباط با مبلغان داشته‌اید، بفرمایید.**

الحمدلله مبلغان دینی کارهای ما را می‌پسندند و استفاده می‌کنند و البته آن‌ها خالهایی را که در مسیر تبلیغ می‌بینند، به ما می‌گویند و از ما مشورت می‌خواهند. هرچند ما هم با محدودیت‌های مالی یا نیروی انسانی و نویسندگان مواجهیم؛ ولی در حد توانمان کمک می‌کنیم. گاهی هم در بحث ایده محدودیت داریم.

بنابراین، ارتباط ما با مبلغان از این

جهت است. گاهی نیازها را به ما می‌گویند و خلأها را با ما مطرح می‌کنند. گاهی هم تشویق می‌کنند و قوت‌های کارها را می‌گویند. گاهی نیز ضعف‌های ما را می‌گویند که برخی از این نقدها وارد است. البته متأسفانه گاهی کارهای ما را کسانی نقد می‌کنند که حتی الفبای معارف اسلامی را بلد نیستند و کارهای ما را براساس داده‌های پیازه نقد می‌کنند.

**مبلغان: آثاری را به زبان عربی و انگلیسی منتشر کرده‌اید. در فضای بین‌الملل، اوضاع نشر جمال چگونه است؟**

آثار نشر جمال برای جهان اسلام مورد استفاده قرار می‌گیرد. من در سفرهایم به عمان، عراق، سوریه و لبنان، در اکثر این کشورها روش پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی کودکان را که تدریس کرده‌ام، خیلی استقبال کرده‌اند؛ ولی خاطره خیلی جالبی از میشیگان دارم:

کارهای ما را به انگلیسی ترجمه کرده و در معرض دید قرار داده بودند. گروهی از کشیشان آمده بودند تا بازدید کنند. آن مجموعه به خیال خودش باید کارهای پژوهشی عمیقش را جلوی این گروه می‌گذاشت. آن‌جا یک کار کودک ما، یعنی کتاب معمولی «به من بگو خدا کیست؟»

بچه هاست و آمده تا دست بچه ها را بگیرد و به بهشت ببرد، ارتباط می گیرند و عاشقش می شوند. اجازه دهید خاطره دیگری بگویم: یکی از دوستان ما از میشیگان می گفت: یک زن و شوهر ایرانی سال ها باهم قهر بودند و به واسطه این کتاب باهم آشتی می کنند؛ یعنی پدر خانواده که این کتاب را برای بچه اش می خواند، حس خوبی به خودش دست می دهد. از این خدای مهربان و عاشق پیشه می گوید و موجب می شود ارتباطش با خانمش درست شود. بعداً این ها در آمریکا مروج این کتاب می شوند و هرکجا می روند، از آن کتاب تعریف می کنند که چگونه بچه ها را با خدا آشتی می دهد و باعث آشتی دادن او و همسرش نیز شده است.

#### مبلغان از مخاطبان ایرانی هم خاطره

#### دارید؟

خاطره که بسیار زیاد است؛ روزی یکی از مادرانی که چهار کتاب «مدرسه امام سجاد علیه السلام» را خوانده بود، آن قدر به صحیفه سجادیه علاقه مند شده بود که آمد آن را خرید و گفت: «من وقتی این را برای بچه ام خواندم، خودم علاقه مند شدم بینم امام سجاد علیه السلام چه معنوی می تواند به

را گوشه ای گذاشته بودند و مورد توجه یکی از کشیش ها قرار گرفته بود و یکی یکی برداشته و خوانده بود. به جلد سوم که رسیده بود، دیده بودند دارد اشک می ریزد و می خواند. خیلی متأثر شده بود و همان جا گفته بود: «من پنجاه دوره از این کتاب را می خواهم. این کتاب احیاگر ایمان در کودکان ماست و عشق به خدا را در بچه ها متبلور می کند. خدایی که در این کتاب ها معرفی شده، خدای مسیحیت است، خدای ادیان ابراهیمی است، خدایی است که بچه ها آن را به راحتی می پذیرند، دوستش دارند، عاشقش می شوند و با آن ارتباط برقرار می کنند.» من در فرصتی که خدمت رهبر معظم انقلاب حفظه الله رسیده بودم، این خاطره را نقل کردم و ایشان فرمودند: «این نشان دهنده این است که کشیش منصفی بوده و نگاه به محتوا کرده و کاری به این نداشته که دین نویسنده اش چیست.»

به هر حال، آثار ما گاهی اساساً فرا اسلامی است؛ یعنی نه تنها شیعه و سنی ندارد، اسلام و مسیحیت هم ندارد و چون درباره خداست، همه خدا باوران با این خدای پیامبران، با خدایی که عاشق

زندگی ما وارد کند. وقتی با صحیفه سجادیه روبه‌رو شدم، دیدم دنیایی از عرفان است که متأسفانه از آن غافلیم و با آن فاصله داریم و از این چشمه جوشان هیچ استفاده‌ای نکرده‌ایم و جرعه گوارایی ننوشیده‌ایم!.

**مبلغان: در سال‌های اخیر برخی در فضای مجازی فایل پی‌دی‌اف آثار را غیرقانونی منتشر می‌کنند و برخی نیز به صورت قانونی. این برای شما فرصت بوده است یا تهدید؟**

فضای مجازی برای نشر، یک فرصت است. افراد زیادی هستند که به دلیل مشکلات جسمی یا بی‌اعتمادی یا... اصلاً نمی‌توانند از فضای مجازی استفاده کنند. از این رو، فضای مجازی رفیق است، نه رقیب. ضمن این‌که وقتی کسی در فضای مجازی نسخه الکترونیکی را می‌خرد، ممکن است علاقه‌مند شود و به دیگران هم توصیه کند و آن‌ها نسخه فیزیکی‌اش را تهیه کنند. همچنین اگر ناشر در فضای مجازی موفق عمل کند و کارش رونق بگیرد، چون هزینه‌اش خیلی کمتر است، خیلی به نفع ناشر است.

تجربه ما این بوده که فضای مجازی تهدیدی جدی برای خود ما نبوده است؛ یعنی اگر مهم‌ترین کتاب‌های ما در فضای واقعی چهل چاپ خورده باشد، در فضای

مجازی به اندازه یک چاپ هم مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین، به گمان من بیشتر فرصت است تا تهدید.

**مبلغان: رشته تحصیلی تان با کارتان ارتباط دارد یا نه؟**

نه. در زمینه کودکان تحصیل نکرده‌ام؛ چون مسیر زندگی‌ام طوری بود که بخشی از آن را جبهه رفتم و برگشتم و بین تحصیل و کارهایم خیلی فاصله افتاد. مثلاً در ابتدای حقوق خواندن، قضاوت برای من جذاب بود. چون از نظر مالی از بقیه موارد بهتر بود و بعضی از رفقا هم که مشغول بودند، دیدم وضعیت مالی خوبی دارند. چون در دهه هفتاد، تازه چرخ‌های توسعه داشت راه می‌افتاد و بسیاری از مردم از طبقه ضعیف بودند، نه متوسط. ما هم همین‌گونه بودیم. دوستی داشتم که قبل از من قاضی شد. برخی پرونده‌ها را خواندم و دیدم اصلاً من این‌کاره نیستم؛ چون مسائل پرونده‌ها مسئله من می‌شود و اذیت می‌شوم. پس عطایش را به لقایش بخشیدم. وکالت هم بدتر از قضاوت بود؛ چون گاهی باید خلاف وجدان و حق و حقیقت لایحه می‌دادی. اساساً نمی‌شد فقط آن‌هایی را که فکر می‌کنی حق‌اند انتخاب کنی. بنابراین از حقوق عبور کردم.

**دنبال تخصص و سیر مطالعاتی رفتید یا به صورت تجربی کار کردید و چیزهایی آموختید؟**

کم و بیش مطالعه و مباحثه می‌کردیم. گاهی برخی کارهای انگلیسی را ترجمه و مطالعه کردیم. گاهی با دانشکده ادبیات شیراز و دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی هم اندیشی می‌کردیم. گاهی با برخی متخصصان جلسه می‌گرفتیم و یکی دو تا متن تخصصی را ترجمه و چاپ کردیم؛ یعنی دائم در مسیر تعالی خودمان و همکاران بودیم. به خصوص چند سالی که رئیس انجمن ناشران کودک و نوجوان بودم، با آوردن برخی کارشناسان و اهل فن این اتفاق افتاده است.

**مبلغان: فرمودید در حوزه زبان عربی و انگلیسی کارهایی ترجمه کرده‌اید. چه شد وارد این عرصه شدید؟**

ما از اوایلی که وارد حوزه کودک و نوجوان شدیم و در کشور ایران کارهای ما درخشید، در عرصه بین‌الملل هم وقتی کارهایمان را می‌دیدند، معمولاً می‌پسندیدند. لذا در این سال‌ها کپی‌رایت ترجمه آثار را به سیزده زبان واگذار کردم.

**مبلغان: یعنی امتیاز اثر را به یک نشر خارجی می‌فروختید تا او ترجمه کند و هرچه خواست بفروشد؟**

مدتی این کار را کردیم. شاید حدود

یکی از دلایل گرایش من به فلسفه این بود که فکر می‌کردم ذهن من فلسفی و منطقی است و اگر در این زمینه تحصیل کنم، استاد یا نویسنده خوبی می‌شوم. داشتم کارشناسی ارشد را می‌خواندم که نشر را تأسیس کردم. از آن جا به بعد، کمی تخصصی شد؛ یعنی قبلش تقنینی کار می‌کردم.

یک بار در مشورت با آقای حیدری ابهری، به ایشان گفتم: من به فلسفه علاقه دارم و در اجتهاد هم توانایی دارم. این‌ها را می‌توانم پی بگیرم و این نشر جمال هم سر برآورده و بخشی از وقتم را می‌گیرد. به نظرتان چه باید کرد؟ ایشان گفت: یا مردانه نشر را رها کن یا مردانه وارد ماجرا شو. من هم مردانه همه چیز را رها کردم و به نشر چسبیدم. بنابراین، در ابتدا برای اجرای نشر تحصیل نکردم؛ ولی وقتی به این معرکه آمدم، همه چیزهایی که خوانده بودم کم‌کم کرد. الآن به عنوان ناشری که کارها را تقریباً خوب می‌فهمم، می‌توانم ادعا کنم هر کتابی که در مجموعه من آمده، ارتقا پیدا کرده و چاپ شده است. به ضرس قاطع می‌توانم بگویم که بخش زیادی از این به خاطر دانشی بوده که داشتم و همچنین استانداردهایی که برای خودم قائل بودم و سعی می‌کردم به آن‌ها پایبند باشم.

**مبلغان: در حوزه کودک در این چند ساله**

پانصد اثر را به زبان‌های مختلف واگذار کردیم. بعداً دیدم استعداد کتاب‌های ما بیش از این مقدار است. اوایل با یک نشر در زمینه انتشار کتاب به زبان عربی همکاری کردم. حدود پنجاه شصت تا از کتاب‌ها را ترجمه کردم و به صورت امانی در اختیارشان گذاشتم و آن‌ها فروختند و دیدند جذاب است؛ ولی قوی ادامه ندادند. بعد خودم تصمیم گرفتم شروع کنم. به لطف خدا، تاکنون حدود هشتاد اثر دیگرمان را ترجمه و چاپ کرده‌ام. همان‌ها را داریم به انگلیسی هم کار می‌کنیم که ان شاء الله تا سال بعد همه این آثار به انگلیسی هم منتشر شود.

**مبلغان: دربارهٔ مسئولان و سیاست‌هایشان در ارشاد، اگر نکته‌ای یا نقد و نظری دارید بفرمایید.**

من زمانی حرفی زدم که برخی از مسئولان فرهنگی هم ناراحت شدند. گفتم برای تولید محتوا در ایران اصلاً سیاستی وجود ندارد. در بحث کتاب کودک که خالی از راهبرد است. شما اگر راهبرد محتوایی سراغ دارید، بیاورید. یکی از بزرگ‌ترین نقص‌ها در حوزه نشر، نبود راهبرد محتوا، نقشه راه و سیاست جدی در این مسیر است. به قول مقام معظم

رهبری علیه السلام؛ کودکان قشر کاملاً مظلوم جامعه هستند. نبود یک راهبرد محتوا ظلم بزرگی در حق کودک و نوجوان ایران زمین است. وقتی استراتژی محتوا برای کودکان نداریم، یعنی برای آینده آنان هیچ فکری نکردیم. الآن آینده کودک و نوجوان ایرانی را چند ناشر پول‌محور و سودجو به دست گرفته‌اند که فرهنگ را فدای پول می‌کنند و با ترجمه آثار مخرب، راه را بر کارهای خوب و بومی می‌بندند. متأسفانه الآن این اتفاق افتاده است و هیچ‌کس جوابگو نیست. متأسفم که گاهی برخی آدم‌های نادان در مسند کارها قرار می‌گرفتند و تحلیل‌های مادی از ماجرای فرهنگ داشتند و این دل‌سوزی‌ها را به معنای حسادت به موفقیت مالی دیگران می‌دانستند. آن‌ها هیچ‌گاه برای حل مشکل آینده کودکان و نوجوانان اقدامی نکردند و به جای آن همواره نیروهای خدوم فرهنگی را به صبر و تحمل دیگران و تاب‌آوری توصیه کردند.

**مبلغان: خیلی ممنون از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.**

خواهش می‌کنم. من هم از شما سپاسگزارم.

## معرفی مقالات و یادداشت‌های علمی

گزینش و تدوین: علی مُعین‌الدین \*

### مقدمه

کنند. از این رو جُستار پیش رو به معرفی محتوایی چند مقاله علمی در موضوعات «فردی یا اجتماعی بودن حجاب»، «نسبت میان حیا و حجاب»، «راهکارها و سیاست‌های مدیریت حجاب در کشور» و «دعوت افراد اسلام‌گریز به دین» پرداخته است. امید می‌رود مطالعه آن برای محققان، معلمان و مبلغان دینی مفید باشد.

### «فردی یا اجتماعی بودن حجاب

### از منظر قرآن کریم»<sup>۲</sup>

چکیده مقاله: یکی از مسائل مطرح

امروزه مقالات و یادداشت‌های علمی، یکی از مؤلفه‌های مهم فعالیت‌ها و پیشرفت‌های علمی یک کشور به شمار می‌آید که نویسندگان آن، نتایج مطالعات پژوهشی و یافته‌های خود را به مناسبت‌های مختلف، در یک مجله معتبر به چاپ رسانده و آن را در اختیار نخبگان و عموم قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد مبلغان دینی باید بیش از پیش، از دستاوردهای این‌گونه از تحقیقات در امر تبلیغ و تعلیم دین، استفاده

سال پانزدهم، شماره اول، پیاپی ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۲۵-۴۲.

\*. دانش‌آموخته سطوح عالی حوزه علمیه قم.  
۲. «فردی یا اجتماعی بودن حجاب از منظر قرآن»، احمد طاهری نیا، در: فصلنامه علمی قرآن‌شناخت،



دربارهٔ حجاب، «فردی یا اجتماعی بودن» آن است که دو دیدگاه متفاوت دربارهٔ آن ارائه شده است: برخی حجاب را امری فردی قلمداد کرده و مداخلهٔ حکومت اسلامی در امر حجاب را مجاز ندانسته و گروهی آن را امری اجتماعی تلقی کرده و تأکید می‌کنند: نه تنها حکومت اسلامی مجاز به دخالت است، بلکه حتی وظیفهٔ اوست. پژوهش حاضر با هدف بررسی این مسئله از دیدگاه قرآن صورت گرفته و حاکی از آن است که مفهوم «امر فردی» و «امر اجتماعی» مربوط به دو حوزهٔ جداگانه است: یکی حوزهٔ رفتار و دیگری حوزهٔ حکم شرعی، و در هر دو حوزه، تعریف و معیار مشخصی دارند. دلایل و شواهد قرآنی بیانگر آن است که حجاب، هم به مثابه «رفتار اختیاری زنان» و هم به منزله «حکم شرعی»، دارای معیارهای امر اجتماعی است، نه امر فردی و بدین روی، حجاب زن (در بیرون از خانه) از دیدگاه قرآن، امری اجتماعی و در حیطهٔ دخالت حکومت اسلامی است.

#### ضرورت این بحث

یکی از مسائل بحث برانگیز دربارهٔ حجاب، فردی یا اجتماعی بودن آن است. در این باره دو دیدگاه متفاوت مطرح است:

برخی آن را امری فردی می‌دانند. و گروهی نیز مدافع اجتماعی بودن آن هستند. قائلان به فردی بودن حجاب بر این نکته تأکید دارند که حجاب نیز مانند سایر امور شخصی و فردی، در اختیار فرد است و حکومت اسلامی حق ندارد حجاب را قانونی کرده، زنان را بر رعایت آن در اماکن عمومی الزام کند. در حقیقت مدعیان فردی بودن حجاب، گزارهٔ «حجاب، امری فردی است.» را صغرا و گزارهٔ «هر امر فردی، خارج از حیطهٔ دخالت حکومت است.» را به عنوان کبرا به آن ضمیمه کرده، این‌گونه نتیجه می‌گیرند که حجاب، خارج از حیطهٔ دخالت دولت است و حکومت حق ندارد در آن دخالت کند.

از سوی دیگر، قائلان به اجتماعی بودن حجاب، گزارهٔ «حجاب، امری اجتماعی است.» را صغرای این قیاس قرار داده، نتیجه می‌گیرند: دخالت حکومت اسلامی در امر حجاب، نه تنها مجاز است، بلکه از وظایف و اختیارات اوست. بنابراین مسئله فردی یا اجتماعی بودن حجاب با مسئله دخالت حکومت اسلامی در آن ارتباط نزدیک دارد، از این نظر، بررسی آن ضرورت می‌یابد.

گاهی از نگاه «اخلاق» به اعمال و رفتارهای انسان‌ها نظر می‌کنیم. از این منظر، اگر تأثیر یک عمل، محدود به حوزه زندگی خود فرد باشد و بر زندگی دیگران تأثیری نداشته باشد، آن «امر فردی» است و گاهی تأثیر یک عمل از فرد فراتر رفته، بر زندگی مادی و معنوی دیگران نیز تأثیر می‌گذارد. چنین کاری «امر اجتماعی» خواهد بود.

گاهی نیز از نگاه «احکام دین» به اعمال و رفتارهای انسان‌ها توجه می‌کنیم. در این نگاه، احکام فردی، احکامی هستند که قانونگذار اسلام آن‌ها را برای مکلف، صرف نظر از وجود انسان‌های دیگر و ارتباط و تعامل با آنان، جعل و وضع کرده است. مانند: حرمت مردار، خون و گوشت خوک (بقره/۱۷۳؛ نحل/۱۱۵)، و جوب روزه (بقره/۱۸۳) و ... در مقابل، احکام اجتماعی، احکام و دستورهایی است که برای مکلف با توجه به وجود انسان‌های دیگر در جامعه و

تعامل وی با آنان وضع شده است. مانند: حرمت بدگمانی و غیبت (حجرات/۱۲)، وجوب اصلاح ذات‌البین (حجرات/۱۰)، حرمت رشوه (بقره/۱۸۸)، وجوب امر به معروف و نهی از منکر (توبه/۷۱) و ...

### دلایل و شواهد اجتماعی بودن حجاب

حجاب، امری اجتماعی است. زیرا یک عمل و رفتاری است که بود و نبود آن بر دیگران تأثیر می‌گذارد و از این نظر، قانونگذار اسلام نیز با در نظر گرفتن همین جنبه، حجاب را امری فردی نمی‌داند.

با مطالعه قرآن و روایات به دلایل و شواهدی دست می‌یابیم که اجتماعی بودن حجاب را تأیید می‌کنند.

### ۱. حجاب و آثار سه‌گانه در جامعه

حجاب، یکی از ابزارهایی است که می‌تواند در زمینه شناسایی زنان پاکدامن در جامعه مؤثر باشد. قرآن کریم در یک آیه به این اثر مهم حجاب اشاره کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ...﴾<sup>۱</sup>

۱. نزدیکتر است به آنکه (به حجاب و عفت) شناخته شوند تا مورد تعرض و آزار (فاجران) قرار نگیرند. «احزاب/۵۹».

۱. «ای پیامبر، به همسران و دختران و زن‌های مؤمنان بگوروسری‌ها و چادرهای خود را بر خویش بیفکنند (که گردن و سینه و بازوان و ساق‌ها پوشیده شود) این (کار)

این آیه افزون بر معرفی زنان پاکدامن، امنیت جنسی و بازداشتن مردان هوسران از مزاحمت را از آثار حجاب به شمار آورده است. چه این که در برخی از گزارش‌ها آمده است: «زنانی که برای ادای فریضه الهی مغرب و عشا از منزل خارج شده و در مسجد حاضر می‌شدند، در تاریکی شب، آماج هجوم و آزار جنسی مردان هوسرانی که در مسیر آنان بودند، واقع می‌شدند.»<sup>۱</sup> آیه حجاب نازل شد و زنان پاکدامن را موظف به استفاده از پوشش مناسب کرد تا به این وسیله از دیگران ممتاز شوند. معلوم است که نتیجه حجاب، بالارفتن ضریب امنیت جنسی این دسته از زنان در جامعه و بازدارندگی مردان از ایجاد مزاحمت برای زنان است.

## ۲. حجاب، ابزار پاکیزگی قلب زنان و مردان

قرآن کریم در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ

ذَلِكُمْ أَظْهَرَ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...»<sup>۲</sup> به مردان عصر رسول خدا ﷺ فرمان داده است: هرگاه برای درخواست چیزی لازم باشد با همسران پیامبر سخن بگویند، از پشت پرده درخواست خود را ابراز کنند، سپس در بیان حکمت این عمل فرموده است: «ذَلِكُمْ أَظْهَرَ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ». پس معلوم است که رعایت حجاب توسط زنان در برابر مردان غیرمحرّم در پاکیزگی قلب زنان و مردان جامعه مؤثر است.

## ۳. حجاب، عامل پیشگیری از تحریک جنسی

### جوانان

قرآن کریم در سه جا برای پیشگیری از تهییج جنسی جوانان در جامعه، با تعبیرهای مختلف، زنان را از اظهار زینتشان نهی کرده است؛

۱. «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ...»<sup>۳</sup>

(زنان پیامبر) خواستید از پشت پرده بخواهید، که آن پاکیزه‌تر است برای دل‌های شما و دل‌های آنان.» (احزاب/۵۳).

۳. «و به زنان باایمان بگو که چشمان خود را (از نگاه به عورت غیر و بدن مرد اجنبی) فرو بندند و عورت‌های

۱. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق: طیب موسوی جزائری، دارالکتاب، قم، ۱۳۶۳، چاپ سوم، ج ۲، ص ۱۹۶.

۲. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌های پیامبر ﷺ وارد نشوید مگر آنکه برای (خوردن) طعامی به شما اذن داده شود... و چون متاعی (از وسایلی زندگی) از آنان

النِّسَاءِ الْمُحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَإِلَى غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَمَا يَدْعُو التَّهْيِيجُ إِلَيْهِ مِنَ الْفَسَادِ وَالدُّخُولِ فِيمَا لَا يَحِلُّ وَلَا يَحْمَلُ؛<sup>۱</sup> نگاه کردن به موهای زنان شوهردار و غیر شوهردار، حرام است؛ زیرا این نگاه، مردان را تهییج و تحریک می‌کند و تهییج، شخص را به فساد و داخل شدن در حرام و اعمال ناپسند می‌کشاند».

نتیجه آنکه؛ حجاب از دیدگاه قرآن، چه به عنوان عمل اختیاری و چه به عنوان حکم شرعی، از امور اجتماعی است؛ زیرا آثاری که قرآن برای حجاب ذکر کرده است، فراتر از زندگی فردی زنان است، بلکه زندگی دیگران را هم دربر می‌گیرد. از این رو حجاب، مرتبط با حقوق عامه است و نفع و ضرر آن متوجه همه مردم

۲. «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...»<sup>۱</sup>؛

۳. «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ...»<sup>۲</sup>.

با این توجه، یکی از علل مهم ممنوعیت زنان از اظهار زینت و اعلان آن به نامحرم، تأثیر این عمل بر مردان و تهییج شهوت جنسی آنان است. در نتیجه حجاب، یک عمل اجتماعی است، نه یک عمل شخصی و فردی که به زندگی سایر افراد جامعه ارتباطی نداشته باشد. مؤید این نظر، مطالبی است که امام رضا علیه السلام در جواب پرسش‌های محمد بن سنان فرمودند: «وَحَرِّمَ النَّظْرَ إِلَى شُعُورِ

۱. «و (زنانی که خلخال در پا دارند) پاهای خود را (محکم) به زمین نزنند تا زینت‌هایی که پنهان می‌دارند معلوم گردد.» (همان).

۲. «و زنان بازنشسته (از حیض و بارداری) که (طبعاً) طمع همسری (میل آمیزش جنسی) ندارند، بر آن‌ها گناهی نیست در اینکه لباس‌های خود را بر زمین نهند در صورتی که نشان‌دهنده زیور و آرایش نباشند، و عفت ورزیدن آن‌ها برایشان بهتر است.» (نور/۶۰).

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی ابن بابویه، ۲ جلد، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق، چاپ اول، ج ۲، ص ۹۷.

خود را (تمام بدن را غیر از صورت و دست‌ها، از اینکه در معرض دید اجنبی قرار گیرد) حفظ کنند، و زیور و زینت خود و جاهای آن را (مانند، گردن، سینه، موهای سر، بازوان و ساق‌های پا) آشکار نسازند، جز آنچه (بر حسب ضرورت عرفی) پیدا است (مانند لباس‌های رو و صورت و دست‌ها)، و باید روسری‌های خود را بر روی گریبان‌ها بزنند (تا گردن و سینه پوشانده شود)، و زیور (و جاهای زیور) را بر کسی آشکار نسازند.» (نور/۳۷).

جامعه است و از این جهت، مردم به طور عام و حکومت به شکل خاص نسبت به رعایت حجاب در جامعه تکلیف و مسؤلیت دارند.

متن کامل این مقاله در پایگاه اینترنتی مجله علمی «قرآن شناخت»، به نشانی زیر، قابل دسترسی است:

B2n.ir/k11079



### «نسبت میان حیا و حجاب و دلالت‌های تربیتی آن در تربیت اسلامی»<sup>۱</sup>

**چکیده مقاله:** هدف این پژوهش، تبیین فلسفی نسبت میان حیا و حجاب در تربیت اسلامی و ارائه دلالت‌های تربیتی این رابطه است. در این پژوهش ابتدا به شیوه توصیفی به بررسی مفهوم و جایگاه حیا و حجاب در متون تربیت اسلامی با بهره‌گیری از آیات قرآن، احادیث و روایات مبادرت شد. سپس تحلیل‌ها در ارتباط با نسبت میان حیا و حجاب به

عمل آمد. نتایج نشان داد حیا در مقایسه با حجاب، امری فطری، درونی و زیربنایی است. نسبت میان حیا و حجاب به شیوه‌ای نمادین اینگونه است که حجاب، لباس حیا بوده و امری بیرونی و روبنایی است. هر چند حفظ آن در جامعه اسلامی ارزش محسوب شده و واجب است. لذا بیدارساختن و زنده نگاه‌داشتن فطرت حیا، مقدم بر توصیه صرف به حجاب است. نتیجه آن‌که از منظر تربیت اسلامی، دستور مستقیم به رعایت حجاب، بدون پرورش بُعد فطری حیا که از دوران کودکی صورت می‌گیرد، نوعی شتابزدگی در تربیت به حساب می‌آید. براین اساس، پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ها و اقدامات تربیتی، توصیه به رعایت حجاب همراه با بیدارساختن امر فطری حیا صورت گیرد و بدون پرورش فطرت حیا و بدون ملاحظه نقش مقدمه‌ای حیا، اقدامات در خصوص توصیه به رعایت حجاب مؤثر نخواهد بود.

۱. فصلنامه علمی تربیت اسلامی، دوره ۱۸، شماره ۴۵، شماره پیاپی ۵۶، مهر ۱۴۰۲، ص ۲۹-۵۵.

۱. «تبیین فلسفی نسبت میان حیا و حجاب و دلالت‌های تربیتی آن در تربیت اسلامی»، فرشته ذوالفقاری، علی ستاری و مریم بناهان قمی، در:

## ضرورت این بحث

به نظر می‌رسد اقبال زنان و دختران جوان نسبت به امر حجاب در مقایسه با گذشته، کمتر شده است. در گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آمده است: وضعیت نگرش جامعه به موضوع حجاب در ۵ محور اساسی شامل ارزشمندی حجاب، ضرورت حجاب برای زن مسلمان، حدود حجاب، پیامدهای حجاب و بی‌حجابی، مداخله دولت در موضوع حجاب ارزیابی شده است. این گزارش می‌افزاید در خصوص وضعیت حجاب در کشور سه موضوع کانونی و مهم شامل تغییر ارزشمندی حجاب از شرعی به عرفی، جمعیت بالای بدحجابان کم‌آسیب (محجبه‌های عرفی)، کانون‌های بحران بدحجابی، وجود دارد که هرگونه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری باید با لحاظ کردن آن‌ها انجام شود. این تحقیق نشانگر آن است که در حوزه رفتار، دامنه ۶۰ تا ۷۰ درصدی از زنان جامعه در گروه محجبه‌های عرفی (بدحجاب با تعریف شرعی) قرار دارند که از این میان ۱۰ - ۱۵

درصد در وضعیت حاد و یا به عبارتی بدحجاب هنجارشکن بوده و سایر افراد در گروهی هستند که می‌توان آن‌ها را دارای حجاب عرفی و یا بدحجاب معمولی تلقی کرد. ۳۰ تا ۴۰ درصد از زنان نیز در گروه باحجاب‌ها قرار دارند که از این میان حدود ۱۳ درصد به صورت سنتی حجاب خود را رعایت می‌کنند و مابقی زنان باحجاب از شیوه‌های جدید حجاب، از قبیل چادر ملی و... استفاده می‌کنند. بنابراین نزدیک به ۷۰ درصد از زنان جامعه در قشر خاکستری قرار دارند که با تغییرات متغیرهای تأثیرگذار در این زمینه احتمال جابجایی آن‌ها به سایر گروه‌ها به خصوص طیف هنجارشکن بسیار زیاد است.<sup>۱</sup>

با این توجه شاید بتوان گفت که ریشه اینگونه اختلاف رویکرد در امر حجاب، به نوع تربیت افراد در خانواده برمی‌گردد. چه این که در تربیت اسلامی گرچه حجاب، زیرمجموعه‌ای از بُعد بیرونی رفتار اسلامی است، اما شاید بتوان گفت مؤثرترین مهارت برای تنظیم رفتار حجاب به بُعد درونی آن یعنی حیا مربوط می‌باشد. از این

۱. بنگرید به: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، به نشانی:

رو دختران و زنانی که حیا را در خود، پرورش داده‌اند، تمایل بیشتری به رعایت حجاب اسلامی دارند.

### نتیجه بحث

در ارتباط با ضرورت رسیدگی به مسئله حجاب، حلقه مفقوده‌ای به نام حیا وجود دارد که در تربیت از آن غافل شده و بیشتر به سمت اقدام مستقیم در خصوص حفظ ظاهری حجاب رفته‌ایم. حال آن‌که حیا امری مقدم بر حجاب است. اما این موضوع به این معنا نیست که اهمیت حجاب از حیا کمتر است. نکته مهم و مغفول در تربیت این است که رفتن به سمت حجاب بدون توجه به عامل حیا به‌ویژه از منظر تربیتی، نوعی شتابزدگی است. در این راستا تلاش شده تا تبیین‌های فلسفی حیا و حجاب و بررسی رابطه میان این دو انجام شود.

از منظر هستی‌شناسی، منشأ اصلی هستی یعنی خداوند، دارای ویژگی حیا است. از این رو سایر موجودات که معلول اویند به صفت حیا متصف شده و حیامند می‌شوند. این حیامندی در ذات همه موجودات عالم از جمله انسان‌ها

وجود دارد. لذا از منظر تربیت اسلامی ضرورت توجه جدی به چنین صفتی در انسان به‌ویژه در دوران کودکی وجود دارد. اقدام تربیتی در این راستا اول شناسایی انسان به عنوان یکی از موجودات عالم با صفت حیامندی برای مریان است. در مرحله بعد تبیین ساده این صفت به‌ویژه در دوران کودکی است.

از منظر انسان‌شناسی، حیا به عنوان یکی از ویژگی‌های فطری انسان، شناسایی می‌شود. لیکن به دلیل استعداد فراموشی امور فطری در انسان، حیا به عنوان یک امر فطری، گاهی به دست فراموشی سپرد می‌شود. در این راستا حجاب که نمود عینی و ابزار عملی برساختن حیا و نیز به ظهوررساندن حیا در انسان است، به دست فراموشی سپرده می‌شود. همچنین گاهی به دلیل جذابیت‌های ظاهری، سستی در حجاب یا بی‌حجابی، جای حجاب را می‌گیرد. در این جا از منظر تربیتی لازم می‌آید که از دوران کودکی ابتدا به بیدارساختن صفت فطری حیا در انسان اقدام شود و در مرحله بعدی اقدام به آموزش حجاب شود.

از لحاظ ارزش‌شناسی، حیا امری ذاتاً خیر بوده و نتیجهٔ ارتباط با آن نیز جز خیر نمی‌تواند باشد. بنابراین در تربیت اسلامی حیا دارای ارزش است و به عنوان یک عنصر اخلاقی با ارزش بالا شناسایی می‌شود. با توجه به رابطه‌ای که میان حیا به عنوان امر زیربنایی و حجاب امر روبنایی وجود دارد، لذا حجاب نیز ارزش پیدا می‌کند و نتیجه‌ای جز خیر نمی‌تواند داشته باشد.

متن کامل این مقاله در پایگاه اینترنتی مجله علمی «تربیت اسلامی»، به نشانی زیر، قابل دسترسی است:

B2n.ir/t14717



### «راهکارها و سیاست‌های مدیریت حجاب در کشور»<sup>۱</sup>

مدیریت مسئله حجاب در کشور تابع راهکارها و رویکردهای جامعی است که در این یادداشت به برخی از مؤلفه‌های آن اشاره شده است.

از بُعد معرفت‌شناسی، ضعف شناخت، یکی از اصلی‌ترین مسائل در ارتباط با حیا به عنوان زیربنا و نسبت آن با حجاب به عنوان امری روبنایی محسوب می‌شود. در این راستا توجه توأمان به بُعد درونی حیا و بُعد بیرونی آن یعنی حجاب، ضرورت پیدا می‌کند. همچنین به دلیل فراموشی امر فطری حیا بهره‌گیری از روش یادآوری و تذکر می‌تواند کارساز باشد و خود به خود به رعایت حجاب نیز منجر شود. این یادآوری چنان که در دوران کودکی صورت پذیرد، تأثیر بیشتری از دوران بزرگسالی به همراه دارد. همچنین استفاد از روش الگوپذیری در دروران کودکی می‌توان بُعد شناختی کودکان در ارتباط با حیا مندی و نیز حجاب به عنوان روبنای حیا را در کودکان تقویت نماید. بنابراین رعایت جوانب و شؤونات حیا از سوی بزرگسالان می‌تواند به بیدارنگاه داشتن فطرت حیا در کودکان در دوران کودکی کمک نماید.

۱. این یادداشت به کوشش حجت‌الاسلام محمدرضا زیبایی‌نژاد تنظیم شده است.



## ۱. بازترسیم شاخص‌های رشد فرهنگی - اجتماعی در نظام اسلامی

برای نشان دادن تحولات فرهنگی در جامعه اسلامی، نیازمند تدوین شاخص‌های ویژه هستیم. بدیهی است میان جامعه اسلامی که زندگی سعادت‌مندان و متعهدانه را بر محوریت توحید و تقرب می‌جوید و جامعه مادی که لذت و رفاه را غایت حیات خود می‌داند و به دنبال راه‌های متکثر برای ارضای تمایلات نفسانی است، تفاوت اساسی موجود است... از آن جا که ترسیم شاخص‌ها، تأثیر بسزایی هم در سنجش موفقیت نظام در پیشبرد اهداف دارد و هم جهت‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها را متأثر می‌سازد، ممکن است تدوین شاخص‌های غلط، پیامدهای ناگواری بر فرهنگ و اجتماع بر جای گذارد. آنچه هم اکنون مستند دستگاه مدیریت و برنامه‌ریزی کشور می‌باشد، شاخص‌های بین‌المللی رشد فرهنگی است که به مواردی چون سرانه مصرف خمیر کاغذ، سرانه صندلی‌های سینما و کتابخانه، میزان تولید و واردات فیلم‌های بلند سینمایی، و تولید و واردات کالاهای

صوتی - تصویری محدود می‌شود. واضح است که این شاخص‌ها نمی‌توانند نمایانگر رشد اخلاق و معنویت، فضایل انسانی، میزان فهم و تمایلات عمومی، التزام به رعایت آموزه‌های وحیانی، سخت‌کوشی و مواردی از این قبیل باشند؛ بلکه چه بسا تنوع مجالات و تکثر محصولات فرهنگی که حامل ادبیات مدرن‌اند، خود از مهم‌ترین زمینه‌های توسعه ابتدال و دوری از عفاف است؛ از این رو نیازمند تدوین شاخص‌هایی هستیم که بتواند رشد معرفتی، اخلاقی و تربیتی و رفتاری را براساس مقیاس اسلامی، توضیح دهد؛ برای مثال ممکن است بتوان اشتیاق به انجام واجبات و تنفر از محرمات، میزان تمایل به انجام مناسک اجتماعی مثل نماز جمعه و جماعت، امانتداری و صداقت، میزان تعاون محلی و طایفه‌ای در حل مشکلات، میزان حل مشکلات و دعاوی از طرق دوستانه و سازش محور به جای مراجعه به دادگاه‌ها، نقش خانواده در فرایند تربیت و فرهنگ‌سازی، میزان اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر، میزان اشتیاق به کار و تلاش و علم‌آموزی و تمایل به رفتار

نسل جوان ما در معرض آموزه‌های متعارض قرار گرفته و احساس تعارض می‌کند؟ به گونه‌ای که از یک سو به سمت آموزه‌های مدرنیته فراخوانده می‌شود و از سوی دیگر به حفظ احکام شریعت و رعایت اخلاق اسلامی دعوت می‌شود؟ آیا تقویت حس متفاوت بودن و مورد توجه قرار گرفتن - که از ویژگی‌های جوانی است - آنان را به انتخاب پوشش‌های متنوع و خودنمایی سوق می‌دهد؟ ... آنچه مسلم است آن‌که برنامه‌ها باید هم جهت با کرامت نفس و عزتمندی جوان باشد؛ تا حد ممکن به درونی کردن ارزش‌ها برای آنان بیندیشیم تا میان حفظ ارزش‌ها و انتخاب‌گری، تا حد ممکن همراهی ایجاد شود. دیگر آن‌که نظام اسلامی باید قدرت خود را در تعریف و برجسته کردن آرمان‌هایی برای نسل جوان به کار گیرد که مصلحت فرد و جامعه را تضمین کند. از آن‌جا که هیجان‌طلبی از ویژگی‌های دوران جوانی است، این پرسش قابل طرح است که: دستگاه مدیریت فرهنگی و اجتماعی کشور، برای جهت‌دهی به هیجانات نسل جوان چه سیاست و برنامه‌ای دارد؟

عفی‌فانه و رعایت حریم‌ها در روابط اجتماعی را از شاخص‌های رشد فرهنگی و اجتماعی در جامعه اسلامی دانست. صرفاً با تدوین چنین شاخص‌هایی است که می‌توان به بررسی میزان تأثیر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر موضوع حجاب و عفاف پرداخت و ضرورت بازنگری در برنامه‌های توسعه را توضیح داد.

## ۲. مدیریت احساسات نسل جوان

امروزه بسیاری احساس می‌کنند نسل جوان ما تا حدودی پریشان و سردرگم، کم‌حوصله، بازیگوش و غفلت‌زده است و معمولاً برای گوش سپردن به اندرزها فرصت و حوصله کافی ندارد و در مقابل مشکلات، خویشتنداری مناسبی از خود نشان نمی‌دهد؛ اما علل و عوامل اصلی تغییرات هویتی در نسل جوان، معمولاً مورد مطالعه قرار نگرفته است. به‌راستی آیا با تغییرات شخصیتی در نسل جوان مواجهیم یا آن‌که رفتار جوانان صرفاً عکس‌العملی طبیعی در مقابل سیاست‌ها و برنامه‌های ماست که ممکن بود در هر زمان دیگری هم رخ نماید؟ آیا

### ۳. اصلاح نظام آموزشی و تربیتی

از آن جا که نظام آموزشی و پرورشی رسمی و غیررسمی، از عوامل مهم تغییر در نظام ارزشی و فاصله گرفتن نسل جوان از جغرافیای باور دینی است، اصلاحات بنیادین در آن ضروری به نظر می‌رسد. نظام آموزش رسمی با نادیده گرفتن جنسیت، دختر و پسر را به یکسان آموزش می‌دهد و همین نکته به اختلال در هویت جنسی آنان می‌انجامد؛ بنابراین دختر و پسر تصویری صحیح از خود به عنوان یک جنس خاص ندارند و نمی‌توان آنان را به ایفای مطلوب نقش‌های خاص فراخواند. از پیامدهای بی‌توجهی به هویت جنسی آن است که دختران به ایفای نقش‌ها و رفتارهای مردانه ترغیب می‌شوند و علیه آموزه‌هایی که آنان را به حفظ استانداردهای رفتاری خاص - در پوشش و آرایش و چه در حضور اجتماعی - فرا می‌خواند، می‌شورند؛ از سوی دیگر نظام آموزشی نسبت به ارزش‌های اخلاقی همچون عفاف و حیا و نیز نسبت به خانواده چنان‌که باید، حساس نیست. لازم است علاوه بر اصلاح جنسیتی نظام آموزشی رسمی، پرورش شخصیت اخلاقی

جوانان، مبتنی بر تقویت اراده، کرامت نفس و خویش‌تنداری، از مهم‌ترین اهداف نظام آموزشی قرار گیرد و بدین منظور، نگاه ما به مقوله پرورش باید اصلاح شود. هم‌اکنون مقوله پرورش در نهادهای رسمی از دو مشکل مهم برخوردار است: اول آن‌که تفکیک موضوع پرورش از آموزش و بی‌توجهی به بُعد پرورشی آموزش، پیامدهایی را تحمیل کرده است و دوم آن‌که برخلاف ایده بنیانگذاران، از ابتدا، نگاهی تخصصی بر امور پرورشی حاکم نبوده است؛ ضمن این‌که نه مربیان از میان نخبگان انتخاب می‌شدند و نه آموزش‌های آنان نشان از حاکمیت نگاه تخصصی داشته است؛ از این رو انجمن خانه و مدرسه بیش از آن‌که نهادی در خدمت کارآمدی دو طرفه نظام خانواده و نظام آموزشی باشد، در خدمت تأمین هزینه‌های اقتصادی مدرسه قرار گرفت. حمایت‌های ضعیف مالی و علمی از مربیان پرورشی هم به وضوح بیانگر نگاه مدیران به مقوله پرورش و حدّ انتظارات آنان است.

رسانه‌های عمومی به ویژه سیما، هم به دلیل تأثیرگذاری عمیق در باورها،

تمایلات و رفتار عمومی و هم به دلیل آن که بیش از ابزارهای آموزشی و پرورشی دیگر، برخاسته از مدرنیته و روح مادی حاکم بر آن است، در مقوله پوشش تأثیرگذار بوده و نیازمند اصلاحات اساسی است. هم اکنون سکس در کنار طنز، خشونت و دلهره، یکی از چهار عامل جذابیت در هنرهای نمایشی مدرن است و همین دلیل، توجیه‌گر ابتدال در بسیاری از رسانه‌هاست. به نظر می‌رسد اصلاحات اساسی در رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های تصویری، جز از طریق بازتعریف مفهوم هنر و تدوین فلسفه هنر اسلامی، میسر نیست؛ در عین حال، با توجه به دور از دسترس بودن اصلاحات بنیادین در مقوله هنر، برخی اصلاحات در رسانه پیش‌نیاز اصلاح در وضعیت پوشش و رفتارهای نسل جوان است. قدم اول در اصلاح وضعیت موجود، تغییرات ساختاری در نهادهای فرهنگی کشور از جمله وزارت ارشاد و صدا و سیماست. مناسب آن است که تقسیمات حوزه‌ای و معاونتی به جای آن که براساس ابزار هنری تنظیم شود (معاونت سینمایی، معاونت تئاتر و هنرهای نمایشی، معاونت موسیقی و...)

براساس مخاطبان و یا نهادهای مهم تنظیم شود (معاونت جوانان، معاونت خانواده، معاونت زنان) که در این صورت، دغدغه اصلی هر معاونت تولید محصولات فرهنگی برای رفع نیاز مخاطبان است نه ضرورتاً تولید بیشتر فیلم‌های سینمایی یا قطعه‌های نمایشی؛ و یا آن که در این نهادها اتاق‌های فکر و گروه‌های طرح و برنامه، خلأ ناشی از ابزارگرایی را به نفع توجه به مصالح اقشار مختلف، پر کنند. در مرحله بعد سیاست‌های رسانه ملی در موضوع عفاف که مشتمل بر سیاست‌های عام در کل برنامه‌ها و سیاست‌های ویژه که صرفاً در بخش فیلم و سریال، مسابقه و سرگرمی، طنز و یا برنامه‌های دیگر جریان می‌یابد، تدوین می‌شود. سپس در هر بخش به‌ویژه در گروه فیلم و سریال، سرگرمی و مسابقات، گروه‌های کارشناسی، مرکب از کارشناسان حوزه‌های مختلف، از جمله اخلاق و تربیت، آسیب‌شناسی اجتماعی، روانشناسی و کارشناس علوم دینی گرد هم می‌آیند تا اولاً مهم‌ترین معضلات اجتماعی قابل بحث در رسانه را - که گروه عالی کارشناسی در طرح و

برنامه سازمان تعیین و نیازهای اصلی را مشخص کرده است - به مرحله کاربرد نزدیک کنند؛ ثانیاً در چند مرحله (پس از تدوین طرح، فیلمنامه، فیلم و برنامه‌های دیگر) آن را ملاحظه و رأی کارشناسی خود را اانشاء کنند تا شناسنامه فرهنگی و هنری برای هر برنامه تنظیم و صرفاً برنامه‌ای که واجد امتیاز لازم است، اجازه اکران یابد و ثالثاً پس از نمایش برنامه، بازخورد آن را بررسی و نکات تکمیلی را برای اصلاحات آتی ذخیره کنند و البته حمایت مالی از هر برنامه و از هر بخش به میزان امتیازاتی باشد که تیم کارشناسی در نظر گرفته است.

#### ۴. ایجاد زمینه برای کارآمدی خانواده

خانواده ایرانی را دو معضل عمده ناتوان ساخته است: اول آن که والدین از احساس مسئولیت کمتری در نظارت و هدایت فرزندان خود، نسبت به گذشته، برخوردارند و دوم آن که احساس می‌کنند چون گذشته از اقتدار و نفوذ کلمه لازم برخوردار نیستند و نهادهای رقیب، امکان نظارت و هدایت را از آنان گرفته‌اند. برای اصلاح وضعیت موجود، مهم‌ترین اقدام، اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌هاست؛

به‌گونه‌ای که خانواده محوری اصل حاکم بر تمام تصمیمات تلقی شود. متأسفانه ضعف کارشناسی‌ها به حدی است که هرگاه سخنی از تقویت خانواده بر زبان می‌آید، برداشت رایج، آن است که باید تمام سیاست‌ها و برنامه‌های پیش‌بینی شده را حفظ نمود و صرفاً عنوان حمایت از خانواده را به ذیل آن افزود؛ حال آن‌که برخی سیاست‌ها و برنامه‌ها خود، عامل تضعیف خانواده‌اند.

تشکیل پودمان‌هایی که به ارتقای مهارت والدین بینجامد، طراحی برنامه‌های جذاب رسانه‌ای به منظور تقویت غیرت و مسئولیت والدین، تقویت پیوند میان دو نسل و پرورش روحیه اطاعت‌پذیری در فرزندان، تقویت پیوندهای خویشاوندی و مواردی از این دست، می‌تواند در این راستا مؤثر واقع شود.

#### ۵. تقویت حساسیت عمومی نسبت به عفاف

فرهنگ مدرن اصولاً نسبت به برخی مفاهیم چون غیرت، قناعت و عفاف خوشبین نیست؛ چه این‌که تحولات دهه‌های اخیر که به منظور مدرن‌سازی هرچه بیشتر پیگیری شد، نمایانگر همین

واقعیت است. به نظر می‌رسد تمامی عوامل از رسانه‌های عمومی گرفته تا ضوابط و قوانین، دست به دست هم داده‌اند تا حساسیت‌های عمومی نسبت به عفاف را کم کنند. این موضوع که چرا جرئت مردم در نهی از منکر کم و جرئت خطاکاران افزون شده است را باید در دو علت عمده جست: اول آن که مردم احساس می‌کنند تلاش برای ترویج حجاب، شناکردن بر خلاف مسیر رودخانه است؛ مطلبی که خطاکاران نیز به خوبی بر آن وقوف یافته‌اند و دوم آن که قانون به حمایت از ناهیمان از منکر نمی‌آید و به آنان جرئت نمی‌دهد؛ حال آن که به نظر می‌رسد برخی آموزه‌های دینی نه تنها مردم را به نهی از منکر فرامی‌خوانند، بلکه در مسائلی که به امور جنسی مربوط می‌شود، حساسیت‌ها را بیشتر تحریک می‌کنند تا آن جا که گاه به مردم اجازه داده شده است حتی بدون اجازه قبلی حکومتی، به برخورد قهرآمیز با اشخاصی که متعرض نوامیس می‌شوند و یا چشم‌چرانی می‌کنند، اقدام کنند. گرچه پیشاپیش می‌توان دخالت مستقیم مردمی را زمینه‌ساز مشکلاتی دانست، اما لازم

است تبعات موضوع در یک نگاه کامل تحلیل و این پیامد در کنار افزایش حساسیت عمومی نرخ‌گذاری شود. تقویت روحیه همگرایی و همبستگی و توجه به ارزش‌های گروهی نیز از زمینه‌هایی است که به افزایش حساسیت عمومی منتهی می‌شود.

#### ۶. تربیت جنسی نوجوانان و جوانان

فرزندان ما در شرایطی سنین بلوغ را تجربه می‌کنند که به دلیل برخی ملاحظات، راه‌های مطمئن‌تر ارائه‌ی اطلاعات و تحلیل‌ها به آنان، مسدود شده است و آنان نیازمندی‌های اطلاعاتی خود را از همسالان و اشخاص و گروه‌های غیرمسئول و غیرمطمئن دریافت می‌کنند و به همین دلیل، نه از وضعیت جسمی و روحی خود در سنین رشد چندان اطلاعی دارند و نه از جنس مخالف؛ از این رو در مدیریت بر نفس خود ناتوان و در مقابل جنس مخالف آسیب‌پذیرند. در چنین وضعیتی نیازمند تدوین سیاست‌ها و تنظیم برنامه‌هایی هستیم که مسئولیت و سهم خانواده و نظام آموزشی رسمی و غیررسمی را به درستی ترسیم و تربیت و آموزش جنسی را با محوریت عفاف دنبال

کند. منظور از آموزش‌های جنسی، آموزش‌هایی است که هم اطلاعات لازم را از تحولات روانی و جسمی در مقطع بلوغ به جوانان بدهد و هم شیوه‌های کارآمد و مشروع خویشتنداری جنسی و مواجهه با مشکلات مربوطه را در اختیار آنان گذارد. امروزه آنچه موجب نگرانی دلسوزان شده، آن است که بحث از ضرورت تربیت و آموزش جنسی، بیشتر از سوی نهادهایی ترویج می‌شود که بیش از آن‌که متأثر از فرهنگ دینی باشند، از آموزه‌های لیبرالیستی تغذیه می‌کنند و بیش از همه نسبت به تحقق ایده‌مجامع بین‌المللی متعهدند و در نتیجه، این قبیل آموزش‌ها به دغدغه روابط جنسی در نسل جدید دامن می‌زند.

#### ۷. تسهیل ازدواج جوانان

نیاز جنسی از طبیعی‌ترین نیازهای بشری است که با ورود به سن بلوغ، خود را نشان می‌دهد. هرچه فاصله میان سن بلوغ و سن ازدواج کمتر باشد، مشکلات ناشی از فوران نیازهای جنسی کمتر می‌شود. امروزه ازدواج در سنین نوجوانی و اوایل سنین جوانی با چالش‌هایی چون عدم تأمین اقتصادی، مانع‌بودن نظام

وظیفه و نظام تحصیلی برای ازدواج و عدم توانایی دختر در مدیریت خانواده مواجه شده است. گرچه هر یک از این عوامل در جامعه ما نقش مهمی در تأخیر ازدواج دارد، اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین مشکل موجود، موانع فرهنگی است. در این جا ترویج فرهنگ ساده‌زیستی، امید به آینده روشن و اعتماد به فضل خداوند، می‌تواند زمینه‌های تشکیل خانواده را فراهم‌تر کند؛ به علاوه ازدواج مشروع بدون تشکیل خانواده مستقل، در اوایل سنین جوانی و تا فراهم شدن لوازم مورد نیاز برای تشکیل زندگی مستقل، با وجود مشکلاتی که بر آن مترتب است، ممکن و از تمایل به گناه بهتر است. لازم است نظام اسلامی علاوه بر آن‌که تغییر نگرش‌ها در موضوع ازدواج را مهم‌ترین اولویت خود می‌داند، اصلاح وضعیت نظام وظیفه عمومی، انعطاف‌پذیری نظام آموزشی، اشتغال‌زایی، ایجاد مسکن‌های ارزان‌قیمت و آموزش مهارت‌های زندگی برای جوانان در آستانه ازدواج و والدین آنان را در دستور کار قرار دهد.

#### ۸. مقابله با بیکاری

در آموزه‌های اسلامی، بیکاری منفور

ترس عتاب و خطاب‌های والدین و یا مسئولان آموزش و پرورش، خود را کنار کشیده‌اند. دانشگاه‌ها که خود حدیثی دیگر دارند. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای اسلامی و غیراسلامی، محیط علمی به گونه‌ای تعریف می‌شود که لازم است استانداردهای پوشش و رفتار، مطابق با چنین محیط‌هایی تدوین و اعمال شود؛ البته این نکته منافاتی با استفاده از روش‌های جذاب و کارآمد ندارد؛ اما مهم آن است که تمام محصلان به این برداشت مشترک برسند که محیط علمی، آدابی دارد که باید به آن پایبند بود...

#### ۱۰. ساماندهی مُد و لباس

آنچه امروز با عنوان ساماندهی مُد دنبال می‌شود، چند اشکال دارد: ... با تجزیه کردن موضوع مد و لباس، گمان می‌شود به صرف ارائه‌ی مدل‌های جدید بومی، می‌توان تغییر مشهودی ایجاد کرد؛ حال آن‌که تا ذائقه مخاطب، تمایل به خودنمایی و ابتذال باشد، ارائه‌ی طرح‌های نو، حتی در قالب‌های بومی و به ظاهر اسلامی، صرفاً مدل‌هایی را به مدل‌های موجود می‌افزاید تا در خدمت

و زمینه‌ساز بروز مشکلات دانسته شده است، اما امروزه بیکاری و تنبلی چندان قبیح به نظر نمی‌رسد... مطالعه‌ی حال و احوال افراد جویای کار نیز نشان می‌دهد بسیاری از آنان با وجود آن‌که سال‌هاست بیکار مانده‌اند، هیچ مهارت و حرفه‌ی مناسبی ندارند و وقت خود را به بطالت می‌گذرانند؛ از این رو لازم است علاوه بر تقبیح بیکاری‌بودن در فرهنگ عمومی، زمینه‌هایی برای فعالیت‌های درآمدزا و غیردرآمدزا - که به افزایش مهارت‌ها می‌انجامد - در نظر گرفت. ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد که در موضوعاتی چون محیط زیست، زیباسازی فضای شهری و روستایی، حمایت از مستمندان، مهارت‌افزایی و... فعالیت می‌کنند، سبب جذب بسیاری از این افراد به کار می‌شود و آن‌ها را از یکنواختی خارج می‌سازد.

#### ۹. وضع و اجرای مقررات خاص در محیط‌های

#### آموزشی و علمی

هم‌اکنون مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها نسبت به سهل‌انگاری‌ها و تخلفات دانش‌آموزان، درست در سنین نظم‌پذیری و شکل‌گیری شخصیت، با تسامح برخورد می‌کنند و برخی مدیران از



## «الگوی دعوت افراد اسلام‌گریز به دین»

**چکیده مقاله:** یکی از راه‌های مقابله با انقلاب اسلامی در عرصه جنگ نرم، گسترش فرقه‌گرایی با هدف درگیرکردن اشخاص، یارکشی و اشغال ظرفیت‌های فکری و پاسخ‌گویی کشور ایران است. چگونگی بازگرداندن اسلام‌گریزان به دین پیشین، پرسشی است که در این پژوهش با استخراج، تکمیل و صورت‌بندی تجربه‌های موفق پاسخ داده شده است. یافته‌های تحقیق به صورت‌بندی یک الگوی مفهومی منجر شد. در این الگو، ابتدا با بهره‌گیری از رویکرد الهیاتی و با استفاده از روش‌های روان‌شناختی، حجیت از کیش ثانویه ستانده شده، موانع بازگشت فرد به کیش اولیه از بین می‌رود، سپس با بهره‌گیری از خدمات اجتماعی متناسب با مشکلات زمینه‌ای هر شخص، روند بازگشت او تسریع می‌شود.

### ضرورت این بحث

یکی از راهکارهای مقابله دشمنان با انقلاب و جمهوری اسلامی، طرح‌ریزی

پاسخ به تنوع‌طلبی مخاطب قرار گیرد؛ از این رو برخی طرح‌هایی که با عنوان چادر دانشجویی ارائه شد و تا حدی نیز مقبولیت یافت، هم اکنون به عنوان مدلی جلف‌تر و نمایان‌تر از مانتوهای رایج به کار می‌رود... بنابراین تنها در صورتی می‌توان به طرح‌های ساماندهی دل بست که اصول حاکم بر آنها، کم‌کردن تبرج و تمایل به خودآرایی باشد، نه ایجاد زمینه‌های جدید برای خودنمایی بیشتر.

### ۱۱. حمایت از ناهیان از منکر

باید از ناهیان از منکر حمایت شود. این حمایت‌ها هم می‌تواند به صورت تقویت مهارت‌ها و دانش‌های آنان و هم به شکل پشتیبانی از عملکرد قانونی آنان باشد.

متن کامل این یادداشت در پایگاه اینترنتی خبرگزاری فارس، به نشانی زیر، قابل دسترسی است:

B2n.ir/y52564



۱. «صورت‌بندی الگوی مفهومی دعوت افراد اسلام‌گریز به دین»، نعمت‌الله کرم‌اللهی، مجید مبینی و علی‌رضا نیک‌بین، در: فصلنامه علمی معرفت فرهنگی

اجتماعی، سال چهاردهم، شماره اول، پیاپی ۵۳، زمستان ۱۴۰۱، ص ۷-۲۸.

گوشه اتفاق افتاد، برای این که ایمان مردم را به اسلام و مقدسات اسلامی کم کنند. در داخل کشور، از طرق مختلف، پایه‌های ایمان مردم، بخصوص نسل جوان را متزلزل کنند؛ از اشاعه بی بندوباری و اباحی‌گری، تا ترویج عرفان‌های کاذب - جنس بدلی عرفان حقیقی - تا ترویج بهائیت، تا ترویج شبکه کلیساهای خانگی؛ این‌ها کارهایی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش‌بینی دشمنان اسلام دارد انجام می‌گیرد؛ هدفش هم این است که دین را در جامعه ضعیف کند.<sup>۱</sup>

در سال‌های اخیر با فراگیری فزاینده فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، فعالیت فرقه‌ها نیز شدت گرفته است. تاکنون در برخورد با این پدیده، مراکز علمی - پژوهشی، اقدام درخوری انجام نداده‌اند. همچنین تاکنون نه رشته دانشگاهی برای آموزش و پژوهش در این خصوص تأسیس شده و نه حتی درسی با عنوان «مبارزه با نوکیشی<sup>۲</sup> یا ارتداد» در سرفصل‌های برنامه درسی رشته‌های

برای وارد کردن آن در یک جنگ عقیدتی از طریق طرح‌هایی مانند: صوفی‌سازی، وهابی‌سازی، باستان‌گرایی، تبشیر صهیونیستی، ترویج بی‌دینی و عرفان‌های کاذب بوده است. پایگاه و حامیان این فرقه‌ها در کشورهای مختلف نیز علاوه بر حمایت‌های دیپلماتیک، با پشتیبانی مالی و رسانه‌ای از فرقه‌سازی در ایران، در صدد برهم‌زدن یکپارچگی دینی جامعه انقلابی ایران هستند. از این رو رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در خصوص این دشمنی‌ها فرمودند: «از سال‌های دهه ۶۰، از دوران حیات بابرکت امام علیه‌السلام، چه دشمنان بیرونی و چه مزدوران یا نوکران بی‌مزد و منت آن‌ها از داخل، مقدسات دینی را، حقایق دینی را، بینات اسلامی را مورد تردید و انکار قرار دادند، این یک چیز تصادفی نبوده است؛ روی این تکیه داشته‌اند. این مسئله از ماجرای سلمان رشدی آغاز شد تا فیلم‌های ضد اسلام هالیوودی، تا کاریکاتورها، تا قرآن‌سوزی، تا حوادث گوناگونی که علیه اسلام در این گوشه و آن

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در اجتماع بزرگ مردم قم؛ ۱۳۸۹/۷/۲۷.

۲. نوکیش، شخص عاقل، بالغ و مختاری است که با اراده خود اقدام به تغییر کیش و آیین خویش نموده است.

موجود گنجانده شده است. در قانون مدنی و حتی قانون اساسی نیز به پدیده نوکیشی اهتمام لازم نشده است.

البته عده‌ای از مبلغان مسلمان با بهره‌گیری از روش‌های علمی و تجربی مقابله با ادیان و فرق، توانسته‌اند بعضی از افراد اغواشده را به دین اسلام بازگردانند. این تحقیق سعی کرده است روش آن‌ها را استخراج، تکمیل، صورت‌بندی مفهومی کند.

### ویژگی‌های مشترک نوکیشان

داده‌های گردآوری‌شده از منابع گوناگون، ما را به مهمترین مضامین ناظر به مسأله رهنمون شد که حاصل آن در قالب جدول زیر تنظیم گردیده است.

مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
جداسازی	الهیاتی
رفع موانع بازگشت	
محیط	روان‌شناختی
رفتار	
گفتار	
خدمات مشاوره‌ای	جامعه‌شناختی
خدمات مداخله‌ای	

توضیح آنکه؛ افراد نوکیش، دارای سه ویژگی مشترک روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و اعتقادی به شرح ذیل هستند:

۱. از حیث روان‌شناختی دچار اختلالات روانی، سرخوردگی و کمبود توجه و محبت هستند.

۲. از حیث جامعه‌شناختی، محیط و عوامل اجتماعی مانند: خانواده، نزدیکان، گروه دوستان، حاکمیت، عملکرد و سبک زندگی برخی از افراد منتسب به دین، بستر دلزدگی این افراد از اسلام را فراهم کرده است.

۳. از حیث اعتقادی، اعتقادات ضعیف، آن‌ها را در اتخاذ معیارهای صحیح شناخت به اشتباه انداخته و آنان را آماده پذیرش آیین جدید کرده است.

### راه بازگرداندن نوکیشان به اسلام

برای بازگرداندن افراد نوکیش و اسلام‌گریز باید همزمان از ظرفیت رویکردهای الهیاتی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی به شرح ذیل استفاده کرد.

### رویکرد الهیاتی

این رویکرد، دارای دو مرحله است: جداسازی و رفع موانع بازگشت. یعنی؛

پرداخت. برخی از مشکلاتی که معمولاً افراد نوکیش با آن‌ها دست به‌گریبان هستند، عبارتند از: اعتیاد، فقر و بیکاری، معضلات خانوادگی، ازدواج و مباحث عاطفی، اختلالات جنسی و آشنانبودن با قوانین.

برای رفع این مشکلات به همکاری افراد و مجموعه‌هایی نظیر: مشاور خانواده، مشاور حقوقی، مشاور اعتقادی، روان‌شناس، مؤسسات و افراد خیر و ... نیاز است که از آن‌ها به خدمات مشاوره‌ای و مداخله‌ای یاد کردیم.

باید از طریق گفت و گوی الهیاتی به ارائه معیار صحیح شناخت پرداخت و با حجیت‌زدایی از کیش جدید، پرده از چهره حق‌نمای آن کنار زد و سپس برای برگرداندن حجیت به کیش قدیم، لازم است تا سؤالات نوکیش که در فرایند تغییر دین، بدون جواب مانده و همچنین به شبهات او پاسخ داده شود؛ زیرا این پرسش‌ها و شبهات، مانعی بزرگ برای برگشت او به حساب می‌آید.

### رویکرد روان‌شناختی

در این بخش، هدف، کاهش اضطراب و ارتقای اثرگذاری سخن برای پذیرش حق است که این مقصود از طریق ظرفیت‌ها و روش‌های روان‌شناختی در سه قسمت: محیط (فضای عمومی)، رفتار (گشاده‌رویی، تواضع، احترام، آراستگی و ...) و گفتار (ایجاد محبوبیت و مقبولیت، اقناع‌گری و ...) دنبال می‌شود.

### رویکرد جامعه‌شناختی

این رویکرد به‌مثابه یک شتاب‌دهنده، به رفع مشکلات زمینه‌ای شخص می‌پردازد. یعنی در این مرحله، باید با جدّیت به رفع مشکلات او

متن کامل این مقاله در پایگاه اینترنتی مجله علمی «معرفت فرهنگی اجتماعی»، به نشانی زیر، قابل دسترسی است:

B2n.ir/a08154



# پرسش‌نامه

## «مبلغان ۲۹۹»

بسیاری از مراکز و نهادهای فرهنگی و تبلیغی به صورت انبوه، ماهنامه «مبلغان» را خریداری کرده و در اختیار مبلغان تحت پوشش خود قرار می‌دهند؛ از آن جا که برخی از این مراکز، مایل به برگزاری آزمون از محتوای نشریه برای نیروهای خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود، اقداماتی را انجام داده‌اند، بر آن شدیم تا جهت یاری رساندن به مدیران محترم، سؤالاتی را طرح و به عنوان پیشنهاد در اختیار آنان قرار دهیم تا پس از پاسخ‌دهی توسط نیروهای تحت امر هر نهاد، زمینه تشویق و ارتقاء علمی مبلغان گرامی را فراهم سازیم.

پیشنهادات و انتقادات خود را از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۲۲۵۱۰۰۰۰۷۲ یا صندوق پستی ۳۷۱۸۵ / ۸۶۸ به دفتر ماهنامه مبلغان، ارسال نمایید.

### متن سؤالات

۱. آیه ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ به کدام یک از

اقدامات مقابله با دشمن اشاره دارد؟

الف) اقدام پیش‌دستانه

ب) روش پیشگیرانه

ج) عکس‌العمل پشیمان‌کننده

۲. «مَنْ أَضَعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَضْلَحَتِهِ.» این جمله از کیست؟

الف) امیرالمومنین علیه السلام

ب) امام حسن علیه السلام

ج) حضرت زهرا علیها السلام

۳. امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ رمز بقای ملت را دوری از ..... می دانند؟

الف) خوی کاخ نشینی

ب) تکبر

ج) دو قطبی کاذب

۴. چه شبی را «لیلة الإسراء» نامیدند؟

الف) شب نزول قرآن

ب) شبی را که امیرالمومنین علیہ السلام جای پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم خوابیدند

ج) شب معراج

۵. مورد ششم از از ظرفیت های تبلیغی عید نوروز را مشخص کنید؟

الف) ایجاد صلح و سازش

ب) موکب های بین راهی ایام نوروز

ج) مساجد و پایگاه های بسیج

۶. کدام یک از روایت های زیر درباره اهمیت دعا از امام سجاد علیہ السلام است؟

الف) «ادْفَعُوا أَبْوَابَ الْبَلَاءِ بِالْدُّعَاءِ»

ب) «الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ التَّجَاحِ وَ مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ وَ خَيْرُ الدُّعَاءِ مَا صَدَرَ عَنْ صَدْرِ نَقِيٍّ وَ قَلْبٌ تَقِيٍّ وَ فِي الْمُنَاجَاةِ سَبَبُ التَّجَاةِ»

ج) «الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ مَا لَمْ يَنْزِلْ»

۷. مطابق روایتی از پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم صبر بر سه نوع صبر بر معصیت، ..... و عبادت تقسیم شده است؟

الف) مصیبت

ب) دشمن

ج) خوش رویی

۸. آیه «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» به کدام یک از دلایل اهمیت تدبر در قرآن

اشاره دارد؟

الف) رقیق شدن قلب

ب) زیاد شدن عقل

ج) تذکر و پندگیری





## نمایندگی‌های فروش ماهنامه «مبلغان» در سراسر کشور

۱. چهار محال و بختیاری، شهر کرد، بلوار طالقانی، میدان ابوریحان، مرکز مدیریت حوزه عملیه برادران، معاونت تبلیغ و امور فرهنگی.
۲. اصفهان، خیابان حافظ، مرکز مدیریت حوزه علمیه اصفهان، کتاب‌فروشی عترت.
۳. خراسان جنوبی، بیرجند، خ شهید مطهری، مطهری ۸، پلاک ۷، حوزه علمیه سفیران.
۴. قزوین، خ شهید بابایی، کوچه پست (شهید اخوان یوسفی)، کوچه مروارید، مرکز مدیریت حوزه.
۵. خراسان رضوی، مشهد، چهار راه خسروی، خ شهید رجائی، دفتر تبلیغات اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. سیستان و بلوچستان، زاهدان، خیابان شریعتی ۲۱، حوزه علمیه مکتب نجس علیه السلام.
۷. فارس، شیراز، خیابان لطفعلی خان زند، درب شیخ، مدرسه علمیه قوام.
۸. قم، خیابان ارم، میدان شهداء، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب.
۹. قم، زنبیل آباد، خیابان فجر، خیابان دانش، مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ، «کتابفروشی» و «آموزش غیر حضوری».
۱۰. قم، میدان آستانه، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، درب ورودی مدرسه دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه.
۱۱. یزد، یزد، خیابان قیام، مسجد ملا اسماعیل، حوزه سفیران هدایت.
۱۲. گلستان، گرگان، افسران، نبش افسران ۴، مدیریت حوزه‌های علمیه استان گلستان، معاونت تبلیغ و امور فرهنگی.

### ماهنامه «مبلغان»، تنها نشریه تبلیغی حوزه‌های علمیه در سراسر کشور نمایندگی فروش می‌پذیرد

**قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی و حوزه‌های علمیه سراسر کشور**  
جهت ایجاد نمایندگی فروش محصولات معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه،  
به ویژه ماهنامه مبلغان، با شماره ۰۲۵-۳۲۱۳۵۴۵۴ تماس گرفته و یا درخواست خود را به  
شماره ۰۲۵-۳۷۲۵۵۸۵۶ فکس نمایید.





بسمه تعالی

## قابل توجه مبلغان، فضلاء و محققان ارجمند

برای پیوستن به جمع مشترکان ماهنامه «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:  
۱. واریز حق اشتراک، به شماره حساب ۱۵۶۳۵۱۲۱۷۹ نزد بانک تجارت، شعبه ۱۵۶۳۰ (مدرسه فیضیه قم)، به نام آقایان محمدحسن حاج حسینی، حسین ملانوری و محمدعلی قربانی (مجله مبلغان).

مبلغ اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال و برای شش ماه (۶ شماره) ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. در صورت بالا رفتن قیمت مجله، ارسال آن بر مبنای قیمت جدید خواهد بود.

۲. تکمیل برگه درخواست اشتراک (پشت همین برگه).

۳. ارسال برگه اشتراک همراه با فیش بانکی مربوطه به دفتر مجله از طریق صندوق پستی یا نامبر (صندوق پستی: ۸۶۸/۳۷۱۸۵؛ نامبر: ۳۷۲۵۵۸۵۶ - ۰۲۵)



توجه:

۱. هزینه ارسال به صورت «عادی» بر عهده مجله می‌باشد؛ اما هزینه استفاده از سایر خدمات پستی (سفارشی یا پیشتاز) بر عهده خریدار است (مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ ریال بابت ارسال سفارشی و مبلغ ۱۲۵/۰۰۰ ریال بابت ارسال پیشتاز به حق اشتراک هر شماره اضافه می‌گردد).

۲. جهت اطلاع بیشتر با ما تماس بگیرید. تلفن: ۳۲۱۳۵۴۵۴ - ۰۲۵

با ارسال نظرات سازنده خود به سامانه پیامکی

۳۰۰۰۲۲۵۱۰۰۰۰۷۲

ما را در رشد و بالندگی ماهنامه یاری دهید.

اشتراک، بهترین راه دسترسی به «مبلغان» است.



# رَبَّنَا أَنْزِلْ لَنَا مِنْ سَمَوَاتِكَ الْقُرْآنَ الْعَرَبِيَّ الْمُبِينَ

میهمان خدا سوی خدا می آید...

قیمت: ۶۰/۰۰۰ تومان



matbuat.tabligh@hemail.com

MOBALLEGHAN

NO. 299 / March - April ; 2024